

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر

سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی (۲۹)، زمستان ۱۴۰۲



- شناسایی پیامدهای درک شده گردشگری توسط جامعه میزبان (مورد مطالعه: گردشگری شهری در اصفهان دهه ۹۰)
- شهرسازی در جمهوری ترکیه: اصلاحات دولتی در برابر ضعف نسبی یادگیری از جامعه
- سیر دگرگونی و تکامل مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری در گذر زمان بر پایه انگاشت‌های ارتباطات و مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی
- ارائه الگوی مدیریتی برای توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد پدافند غیرعامل (مورد مطالعه: شهر شهریار تهران)
- ارائه الگوی کارآمد توسعه فیزیکی شهرهای تاریخی میانی بر اساس شاخص‌های توسعه میان‌افزا (مورد مطالعه: شهر نائین)
- بازخوانی ابزار ارزیابی گرافیکی پایداری در سنجش پایداری پردیس دانشگاهی با هدف ارتقای نقش آن به عنوان فضای عمومی شهری



شاپا چاپی: ۳۰۶۰-۶۹۸۵

شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۷۰۹۴



فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر



سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹، زمستان ۱۴۰۲



مدیر اجرایی: خاطره امیری	صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی
مدیر تحریریه: الهام قاسمی	مدیر مسئول: مهدی ژیانپور
کارشناس اجرایی: ریحانه سجادی	سر دبیر: محمد مسعود
ویراستار ادبی: آیدا قویدل	دبیر تخصصی: احسان رنجبر
ویراستار انگلیسی: زهرا سادات اسماعیلیان	هیئت تحریریه:
طراح جلد و یونيفرم: عرفان غلامی	نعمت‌الله اکبری، حامد بخشی، فروزنده جعفرزاده‌پور، علی حسنی،
کروکی روی جلد: زیبا آذر	زاهد شفیعی، نعمت‌الله فاضلی، ایرج قاسمی، محمود قلعه‌نویی،
صفحه آرا: جعفر خدادی	محمد مسعود، مهدی منتظرالحجه، مرتضی میرغلامی

مقالات این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه خواهد شد:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

سایت اختصاصی: www.jspr.jdisf.ac.ir

ایمیل: jsprjdisf@gmail.com

jspr.es@acecr.ac.ir

مجوز شماره ۷۸۵۳۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شاپا چاپی: ۳۰۶۰-۶۹۸۵

شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۷۰۹۴

شناسایی پیامدهای درک شده گردشگری توسط جامعه میزبان

(مورد مطالعه: گردشگری شهری در اصفهان دهه ۹۰) ۵

مینا جلالی، مهدی ژیانپور

شهرسازی در جمهوری ترکیه؛ اصلاحات دولتی در برابر ضعف نسبی یادگیری از جامعه ۱۹

فرشید سامانپور، پروین پرتوی

سیر دگرگونی و تکامل مشارکت شهروندان در برنامه ریزی شهری در گذر زمان بر پایه

انگاشت های ارتباطات و مقتدر سازی اجتماع منسجم محلی ۴۳

داریوش مرادی چادگانی، خاطره امیری

ارائه الگوی مدیریتی برای توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی با رویکرد پدافند غیر عامل

(مورد مطالعه: شهر شهریار تهران) ۵۹

سید احمد حسینی نیا، پسند مهدوی سعیدی

ارائه الگوی کارآمد توسعه فیزیکی شهرهای تاریخی میانی بر اساس شاخص های توسعه

میان افزا (مورد مطالعه: شهر نائین) ۷۷

امیرحسین شکیب راد، محمود محمدی

بازخوانی ابزار ارزیابی گرافیکی پایداری در سنجش پایداری پردیس دانشگاهی با هدف

ارتقای نقش آن به عنوان فضای عمومی شهری ۹۹

مژده جمشیدی

مجله «پژوهش‌های فضا و مکان در شهر» یکی از چند تلاش سازنده برای معرفی مفهوم «شهرشناسی» و بازسازی حوزه «مطالعات شهری» در مجموعه جهاد دانشگاهی است. این هدف‌گذاری از درک یک شکاف برمی‌آید؛ شکاف میان موقعیت این حوزه در جهان و ایران. مطالعات شهری در اوایل قرن بیستم مورد پذیرش دانشگاهی قرار گرفت، و در اوایل دهه ۱۹۷۰ به سرعت گسترش یافت. برخی از صاحب‌نظران نیز بر این عقیده‌اند که حوزه مطالعات شهری هرگز تا این اندازه نیرومند نبوده است. با این وجود در سپهر علمی پژوهشی کشورمان این حوزه هنوز به رسمیت شناخته نشده و عمدتاً به یکی از رشته‌های زیرمجموعه‌اش فروکاسته شده است. مطالعات شهری بر اساس اجماع مراکز معتبر علمی در دنیا حوزه‌ای میان رشته‌ای است که اصلی‌ترین هدفش شناخت و فهم شهرها از دیدگاه‌های علمی و نظری معتبر است. این حوزه میان‌رشته‌ای انجمن‌های حرفه‌ای، مجلات و نظریات خود را دارد و عمدتاً از روش‌های علوم اجتماعی استفاده می‌کند. محققین رشته‌های شهرسازی، معماری، و طراحی شهری همچنین تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و مردم‌شناسی بیشترین دانش مطالعات شهری را تولید کرده‌اند.

مجله «پژوهش‌های فضا و مکان در شهر» با تایید این گزاره که با وجود موضوعات نو و چالش‌برانگیزی که در قرن ۲۱ بوجود آمده است اکنون هم بهترین و هم بدترین زمان برای مطالعه شهرهاست، برای اجتناب از دامن زدن به آشفتگی نظری و روش‌شناختی موجود با تعهد به مرزهای حوزه مطالعات شهری از میان موضوعات بی‌شمار بر مطالعه «فضای شهری» متمرکز خواهد بود. مرکزیت یافتن این موضوع/مفهوم مستلزم اعتقاد به پیچیدگی شهر به عنوان یک پدیده چندوجهی با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. بر این اساس تلاش شده است اعضای هیات تحریریه مجله صاحب‌نظرانی متناسب با این ابعاد باشند.

در پایان ضمن دعوت از همه محققین، صاحب‌نظران و فرهیختگان علاقه‌مند به موضوع شهر و حوزه مطالعات شهری به مشارکت مجدانه در انتشار دستاوردهای علمی‌شان، امیدوارم تلاش مجموعه جهاد دانشگاهی و گروه علمی اجرایی مجله منجر به تقویت نگاه میان‌رشته‌ای به موضوعات مختلف از جمله شهر، به رسمیت‌شناسی حوزه مطالعات شهری و مفهوم شهرشناسی و ورود ایده‌ها و رویکردهای جدید به موضوع فضای شهری باشد.

مهدی ژبانیپور

مدیر مسئول

شناسایی پیامدهای درک‌شده گردشگری توسط جامعه میزبان (مورد مطالعه: گردشگری شهری در اصفهان دهه ۹۰)

مینا جلالی

دکترای جامعه‌شناسی، کارشناس پژوهش، گروه مطالعات اجتماعی فرهنگی شهر، جهاددانشگاهی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران

مهدی ژیانپور^۱

استادیار پژوهش، گروه مطالعات اجتماعی فرهنگی شهر، جهاددانشگاهی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹، زمستان ۱۴۰۲، صص ۵-۱۷

چکیده

نگرش جامعه میزبان نسبت به توسعه گردشگری موضوعی است که به‌تازگی مورد توجه قرار گرفته است. جامعه میزبان را مجموعه‌ای از عوامل رسمی به‌عنوان مسئولان و کارگزاران حوزه گردشگری و عوامل غیررسمی، مانند ساکنان منطقه گردشگری تشکیل می‌دهند. ساکنان منطقه گردشگری در شهرها، شهروندانی‌اند که از رویدادها و اتفاقات شهری تأثیر می‌پذیرند. براین اساس، خواه‌ناخواه با گردشگران شهرشان وارد تعامل می‌شوند و از فرآیند گردشگری رایج در شهر ارزیابی خواهند داشت. در پژوهش حاضر سعی شده است با شناسایی فهم شهروندان از پیامدهای حضور گردشگران برای فضای شهری اصفهان، این فهم، توصیف و تحلیل شود. داده‌های این مطالعه ترکیبی مستخرج از دو طرح پژوهشی است که در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ انجام شده است. شهروندان ۱۵ تا ۶۵ ساله در مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان، جامعه مورد مطالعه در این دو پژوهش بوده‌اند. و شیوه گردآوری داده‌ها در هر دو پژوهش پیمایش است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شهروندان اصفهانی پیامدهای گردشگری را برای فضای شهری اصفهان شامل ده مضمون اصلی در دو بعد پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی می‌دانند. این مضامین شامل «اشتغال‌زایی، بهبود کیفیت زندگی شهروندان، افزایش تعاملات فرهنگی، افزایش خدمات و امکانات در شهر و افزایش امنیت و کاهش جرم و جنایت» در بعد پیامدهای مثبت و «افزایش ترافیک در سطح شهر، افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی، محدودیت بازدید از جاذبه‌های گردشگری برای شهروندان، محدودیت در استفاده از امکانات و خدمات شهری و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در مکان‌های توریستی» در بعد پیامدهای منفی است. ارزیابی شهروندان از این پیامدها نشان‌دهنده غلبه پیامدهای مثبت بر پیامدهای منفی است.

واژگان کلیدی: پیامدهای گردشگری، گردشگری شهری، جامعه میزبان، شهر اصفهان.

۱. ایمیل نویسنده مسئول: mehdizhianpour@gmail.com

از اقامت خوشایند در یک مکان است. از طرف دیگر، دیدگاه شهروندان در خصوص آثار ورود گردشگران بر شهرشان، چگونگی استفاده از امکانات و پتانسیل های گردشگری موجود و نحوه رفتار و تعاملات آنان با شهروندان، نگرش آنان نسبت به گردشگری، موافقت یا مخالفت با حضور گردشگران و پذیرش یا عدم پذیرش آن‌ها را در پی دارد.

براین اساس، این مطالعه با هدف شناسایی پیامدها و تهدیدات گردشگری برای فضای شهری اصفهان از دیدگاه شهروندان اصفهانی طراحی و اجرا شده است.

پیشینه پژوهش

مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی ملل متحد^۱ بعد اساسی را، در تعریف مفهوم کیفیت زندگی در مقیاس جهانی، مطرح می کند که عبارت‌اند از: تغذیه، مسکن، بهداشت، آموزش، محیط فیزیکی، تأمین امنیت، پایداری اجتماعی، درآمد، تفریح و اوقات فراغت. گردشگری مفهومی برآمده از نیاز به تفریح و اوقات فراغت به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی کیفیت زندگی است. در بستر کیفیت زندگی، گردشگری پایدار نیز با ارتقا و توسعه همه‌جانبه شرایط موجود در مقصد گردشگری به‌دنبال تأمین نیازهای جامعه میزبان و کسب رضایت آن‌هاست؛ شرایطی که به‌دنبال ایجاد برابری بین دو نسل و درون یک نسل، حفظ یکپارچگی، انسجام فرهنگی، ایجاد همبستگی اجتماعی، حفظ کیفیت محیط زیست و فراهم‌کننده تسهیلات و امکانات است (ابراهیم‌زاده و آقاسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۹ به نقل از اجراشکوهی و همکاران، ۱۳۹۳)، به‌گونه‌ای که گردشگران بتوانند از سفر خود تجربه‌های ارزشمند و لذت‌بخشی کسب کنند و میزبانان آن‌ها نیز در جامعه محلی گردشگری را فرآیندی مثبت جهت ارتقای کیفیت زندگی خودشان فهم و تجربه کنند و به‌دنبال آن حامی گسترش و

گردشگری مجموعه فعالیت‌های برنامه‌ریزی برای سفر، سفر به مقصد، اقامت، بازگشت و حتی یادآوری خاطرات است که در جریان مسافرت یک گردشگر اتفاق می‌افتد. علاوه بر این فعالیت‌ها، اعمالی چون خرید کالاهای مختلف و تعامل با جامعه میزبان نیز از جمله فعالیت‌های گردشگری به حساب می‌آید (انصاری و اسدی، ۱۳۹۵: ۸۷). امروزه از گردشگری شهری به‌عنوان یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی، اجتماعی و رفاهی شهر و شهرنشینان یاد می‌شود. بدین منظور، مسئولان امور گردشگری و شهری به‌دنبال ارتقا و گسترش بسترهای گردشگری‌اند. البته توسعه صنعت گردشگری شهری تنها منوط به عملکرد مدیران و برنامه‌ریزان، پیشینه کهن و میراث گران‌بهای تاریخی و فرهنگی شهر، وجود اماکن فرهنگی و سرگرمی‌های متنوع نیست، بلکه شهروندان یک شهر نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های ذی‌نفع در این عرصه مهم‌ترین گروه در میزبانانی از گردشگران محسوب می‌شوند که با نوع رفتار و نحوه پذیرایی از آن‌ها در ایجاد و ثبت لحظات خاطره‌انگیز یا آزاردهنده، برای مسافران، نقش‌آفرینی می‌کنند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، گردشگری مجموعه روابطی است که گردشگر در محل اقامت موقت خود، با انسان‌های ساکن در آن محل به وجود می‌آورد (حقیقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۶۷). براین اساس، تعامل با شهروندان یک شهر به‌عنوان مهم‌ترین گروه در جامعه میزبان نیز جزئی از فرآیند گردشگری و عاملی اثرگذار در پیشرفت، سکون یا سقوط این فرآیند است؛ زیرا قضاوت گردشگران از ساکنان یک مقصد گردشگری و رضایت‌بخش بودن تعامل با آن‌ها یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در ارزیابی گردشگران

توسعه گردشگری در محل سکونت خود باشند. گردشگری باکیفیت، زندگی مطلوبی را برای جامعه میزبان از طریق بالا بردن استانداردهای سطح زندگی، درآمدهای مالیاتی روزافزون، فرصت‌های شغلی بیشتر، درآمد سرانه بالا، تنوع اقتصادی، ارتقا و بهبود سطح تسهیلات فراغتی، ارتقای کیفیت و توسعه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی در جامعه، تبادل فرهنگی، افزایش سطح آگاهی‌های مردم و گردشگران نسبت به یکدیگر به دنبال خواهد داشت (قدمی و علی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴-۶ به نقل از شیخ‌زاده، ۱۳۹۴) پژوهش‌های گوناگونی به بررسی این شاخص‌ها در فرآیند رشد و توسعه گردشگری و همچنین پیامد حضور گردشگران در شهرهای گردشگری پذیر پرداخته‌اند. در این بخش برخی از پژوهش‌هایی که دغدغه‌های موجود در گردشگری و پیامدهای آن را از منظرهای مختلف بررسی کرده‌اند، مرور می‌شود. این پژوهش‌ها با شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های شهری جهت جذب گردشگر، کیفیت گردشگری را باز و پیامدهای مثبت و منفی گردشگری را بررسی کرده‌اند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از داده‌های دو طرح پژوهشی انجام‌شده در شهر اصفهان در سال‌های ۱۳۹۴^۱ و ۱۳۹۶^۲ استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از طرح انجام‌یافته در سال ۱۳۹۴ پرسش‌هایی را در زمینه پیامدهای گردشگری در ذهن پژوهشگران ایجاد کرد که به‌منظور پاسخ به این سؤالات در پژوهش انجام‌یافته در سال ۱۳۹۶ سؤالات دقیق‌تری در این زمینه و از همان جامعه آماری پرسیده شد، تا نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش قبلی روشن‌تر و در نهایت تکمیل شود.

شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش‌ها پیمایش بوده؛ زیرا پیمایش بهترین روش موجود برای آن دسته از پژوهش‌هایی است که هدف آن جمع‌آوری داده‌های اصلی برای توصیف جمعیت‌های بسیار بزرگی است که نمی‌توان مستقیماً آن‌ها را مشاهده کرد.

جامعه آماری پژوهش «تعیین اولویت‌های راهبردی اصفهان (تارا)» شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال شهر اصفهان بودند که با بهره‌گیری از نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۱۸۰۶ نفر از آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند. جامعه آماری پژوهش «نظرسنجی خدمات ستاد هماهنگی خدمات سفرشهر اصفهان در سال ۱۳۹۶» نیز شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال شهر اصفهان بودند که با بهره‌گیری از نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۸۶۴ نفر از آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند.

در نمونه‌گیری این مطالعات، از مناطق پانزده‌گانه اصفهان، محلاتی را به‌صورت تصادفی انتخاب کردیم، سپس متناسب با حجم جمعیت هر محله، تعداد نمونه هر منطقه تعیین و داده‌ها از بین نمونه تعیین‌شده اخذ شد.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته با سؤالات بسته و باز است. به‌منظور توصیف و تحلیل داده‌ها در سؤالات باز از تکنیک تحلیل مضمون استفاده کرده‌ایم. براین اساس، ابتدا پاسخ سؤالات باز را در مورد کیفیت گردشگری شهر اصفهان کدگذاری کردیم و در ادامه، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را استخراج و شبکه مضامین فهم شهروندان را از گردشگری باکیفیت ترسیم کرده‌ایم. به‌منظور توصیف پاسخ سؤالات بسته و آزمون فرضیات پژوهش از

۱. تعیین اولویت‌های راهبردی اصفهان (تارا).

۲. نظرسنجی خدمات ستاد هماهنگی خدمات سفرشهر اصفهان در سال ۱۳۹۶.

جدول شماره (۱): پیشینه تجربی پژوهش

عنوان	پژوهشگران	سال	رویکرد	نتایج
تأثیر گردشگری بر کیفیت زندگی جوامع در مناطق مقصد گردشگری: یک مرور نظام‌مند	نوپیانی و ویراوان ^۱	۲۰۲۱	کیفی	گردشگری بر کیفیت زندگی جوامع محلی تأثیر دارد. به‌طور کلی، گردشگری بر بهبود اقتصاد، فرصت‌های شغلی، غرور مدنی، مبادلات فرهنگی و افزایش دسترسی به امکانات به شکل مثبتی مؤثر است. با این حال، حوزه‌هایی نظیر سلامتی، ایمنی، کیفیت محیط فیزیکی، هزینه زندگی، دسترسی به امکانات عمومی و روابط اجتماعی از گردشگری تأثیر منفی می‌پذیرد. جدا از آن، از انواع مشاغل موجود و سطح پایین درگیری جامعه در توسعه گردشگری نیز نارضایتی وجود دارد.
نگرش جامعه میزبان نسبت به توسعه گردشگری و گردشگری فرهنگی؛ مورد مطالعه: ناحیه لوئیس، جنوب انگلستان	ریتچی و اینکاری ^۱	۲۰۰۶	کمی	اگرچه ساکنان عموماً از توسعه گردشگری و توسعه گردشگری فرهنگی حمایت می‌کنند، در مورد منافع اقتصادی و اجتماعی درک شده تفاوت‌هایی در نظرات وجود دارد. به‌طور خاص، سطح درآمد و نزدیکی به مرکز توریستی از عوامل تأثیرگذار عمده بود. نتیجه‌گیری و توصیه‌هایی در مورد نیاز برنامه‌ریزان گردشگری برای توزیع گسترده‌تر مزایا و مشارکت ساکنان گروه‌ها و محلات اجتماعی-اقتصادی مختلف در برنامه‌ریزی و فعالیت‌های توسعه گردشگری ارائه شده است.
تأثیرات محیطی گردشگری	سونولو ^۲	۲۰۰۳	کیفی	رابطه بین گردشگری و محیط زیست پیچیده است. این شامل ده‌ها فعالیت جدید است که پتانسیل آسیب رساندن به محیط زیست را دارد. ایجاد زیرساخت‌های عمومی مانند جاده‌ها و فرودگاه‌ها و همچنین امکانات گردشگری، مانند استراحتگاه‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌ها، زمین‌های گلف و اسکله‌های تفریحی، مسئول بسیاری از این اثرات است. اثرات منفی گردشگری در نهایت منابع زیست‌محیطی را، که بر آن متکی است، از بین می‌برد.
مرور نظام‌مند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گردشگری در ایران	بستان و همکاران	۱۳۹۶	کیفی	مرور ۱۶۴ مقاله علمی نشان می‌دهد گردشگری در ایران عمدتاً پیامدهای اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی مثبت به دنبال داشته است؛ پیامدهای مثبتی چون اشتغال‌زایی، افزایش درآمد، رونق اقتصاد محلی، افزایش سطح آگاهی مردم، افزایش تعاملات اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی. در حالی که بیشترین پیامدهای منفی گردشگری در حوزه زیست‌محیطی بوده است؛ پیامدهایی چون: تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و مراتع و باغات، تخریب مناظر طبیعی، آلودگی محیطی و کاهش کیفیت محیط‌زیست.
تحلیل اثرات محیط‌های تأثیرگذار بر کاهش جذب گردشگر خارجی شهر اصفهان	نظریان و مختاری ملک‌آبادی	۱۳۹۵	کمی	میان ضعف محیط‌های گردشگری شهر اصفهان و کاهش جذب گردشگر خارجی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ بدین معنا که ضعف محیط‌های گردشگری کاهش جذب گردشگر خارجی را به همراه دارد. همچنین ضعف محیط سیاسی- قانونی بیشترین سطح اثرگذاری بر کاهش جذب گردشگر و ضعف محیط اقتصادی در پایین‌ترین سطح قرار داشته است.
بررسی مشکلات و موانع توسعه صنعت گردشگری در شهر اصفهان از دیدگاه گردشگران	حقیقی و همکاران	۱۳۹۴	کمی	چهار عامل برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری، ساختار زیربنایی، فرهنگی، آموزشی و اطلاع‌رسانی نامناسب مشکلات مؤثر در توسعه صنعت گردشگری شهر اصفهان است.

1. Nopiyani & Wirawan

2. Ritchie & Inkari

3. Sunlu

عنوان	پژوهشگران	سال	رویکرد	نتایج
تحلیلی بر وضعیت زیرساخت‌های گردشگری در شهر اصفهان (با تأکید بر هتل‌ها)	وارثی و همکاران	۱۳۹۰	کمی	مهم‌ترین نقاط قوت هتل‌های شهر اصفهان دسترسی مناسب آن‌ها به مراکز تفریحی، تاریخی و تجاری و مهم‌ترین نقاط ضعف هتل‌های این شهر نبود تجهیزات و وسایل خدماتی و همچنین افراد آموزش‌دیده و مجرب در زمینه خدمات‌رسانی مناسب به گردشگران است. نبود هتل‌ها و مسافرخانه‌ها برای گروه‌های کم‌درآمد و نبود اتاق‌های خالی در برخی از ایام سال نیز به‌عنوان تهدیدهای صنعت هتلداری شهر اصفهان محسوب می‌شوند. نتایج دیگر این پژوهش نیز حاکی از آن است که بین خدمات ارائه‌شده از جانب هتل‌های شهر اصفهان و امکان سکونت مجدد در این هتل‌ها رابطه معنادار نسبتاً بالا و بین امکانات و خدمات گردشگری با سفرهای مجدد گردشگران به این شهر نیز رابطه معنادار پایین‌تر از حد متوسط وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، هرچه میزان رضایت‌مندی از هتل‌ها بیشتر باشد، امکان سکونت مجدد در این هتل‌ها بیشتر می‌شود. هرچه خدمات‌رسانی به مسافران بیشتر باشد، امکان مسافرت مجدد آن‌ها به شهر اصفهان نیز زیادتر می‌شود.
شناسایی مزیت‌های رقابتی در صنعت گردشگری به‌منظور جذب گردشگران خارجی مورد مطالعه استان اصفهان	کاظمی و همکاران	۱۳۸۹	ترکیبی	از منظر مدیران بخش گردشگری سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان و دفاتر خدماتی گردشگری و تورگردانان، موانع جذب گردشگران کاهش موانع موجود در محیط داخلی و محیط نزدیک صنعت گردشگری استان اصفهان، بر ایجاد مزیت رقابتی تأثیر دارد؛ کاهش موانع موجود در محیط دور و کلان نیز بر ایجاد مزیت رقابتی تأثیر داشته و می‌توان با رفع موانع موجود علاوه بر تقویت نقاط قوت، نقاط ضعف و تهدیدات را تحدید و از فرصت‌های پیش‌روی این صنعت به‌خوبی استفاده کرد.
سنجش کیفیت و ظرفیت گردشگری شهری براساس الگوی رفتاری گردشگران و جامعه میزبان، نمونه موردی: شهر اصفهان	سیف‌الدینی و همکاران	۱۳۸۹	کمی	از دید گردشگران، تسهیلات و زیرساخت‌های گردشگری شهر اصفهان هنوز درحال توسعه است، ظرفیت پذیرش و کیفیت گردشگری بیش از ظرفیت پذیرش بالفعل این شهر است و شهر اصفهان در مرحله‌ای قرار گرفته است که به تدریج آثار مخرب محیطی و اجتماعی-اقتصادی آن از سوی گردشگران درک می‌شود. به‌دلیل اینکه حجم ورودی گردشگران بیش از ظرفیت پذیرش کالبدی شهر است جامعه میزبان نیز تأثیرات نامطلوب و منفی گردشگری را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی احساس کرده است. از دیگر سو، کیفیت تجربه گردشگری نیز در شهر اصفهان رو به کاهش است و تنها وجود جاذبه‌های بااهمیت در این شهر باعث جذب گردشگران شده است، درحالی‌که امکانات و تسهیلات موجود گردشگری نتوانسته است نقش مناسبی در این میان ایفا کند.

نرم‌افزار کامپیوتری SPSS و خروجی آماره‌های توصیفی که دغدغه‌های خود را در مورد «گردشگری باکیفیت» در قالب سه اولویت بیان کنند. پس از جمع‌آوری دغدغه‌های بیان‌شده، آن‌ها کدگذاری و در قالب شبکه مضامینی متشکل از مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر توصیف شدند. فهم شهروندان مشارکت‌کننده در آن مطالعه، از کیفیت «گردشگری» شهر اصفهان در قالب چهار مضمون فراگیر «تمهیدات، ملزومات، تهدیدات و پیامدها» صورت‌بندی شده است. برای

نرم‌افزار کامپیوتری SPSS و خروجی آماره‌های توصیفی و تحلیلی استفاده کرده‌ایم.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های گزارش‌شده در این مطالعه تنها بخشی از ادراکات شهروندان اصفهانی از گردشگری باکیفیت در شهر اصفهان است. به عبارت دقیق‌تر در طرح پژوهشی «تعیین اولویت‌های راهبردی اصفهان (تارا)» با طرح پرسشی باز از شهروندان اصفهانی خواسته شده است

ارزیابی این مضامین در پژوهش «نظرسنجی خدمات ستاد هماهنگی خدمات سفرشهر اصفهان در سال ۱۳۹۶» مجموعه سؤالاتی با محوریت این مضامین طراحی و در معرض داوری شهروندان گذاشته شد تا شناخت دقیق‌تر و جامع‌تری از پیامدهای گردشگری از منظر شهروندان شهر اصفهان به دست آید. در این مقاله ده مضمون فراگیر پیامدها به همراه نتایج به دست آمده از فهم شهروندان از پیامدهای گردشگری در پژوهش دوم استفاده شده است.

۴-۱- پیامدهای گردشگری

گردشگری پیامدهای گوناگونی بر مقصد و جامعه میزبان بر جای می‌گذارد. این اثرات طیف گسترده‌ای از اثرات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و یا زیست‌محیطی را شامل می‌شود. اثراتی چون رونق کسب‌وکار محلی، تغییر در رفتار، نظام ارزشی، ساختار جمعیت، سبک زندگی و روابط خانوادگی جامعه میزبان (شیخ‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۲). پیامدهای گردشگری، بر ساخته ده مضمون سازمان‌دهنده «اشتغال‌زایی، بهبود کیفیت زندگی شهروندان، افزایش تعاملات فرهنگی، افزایش خدمات و امکانات در شهر و افزایش امنیت و کاهش جرم و جنایت» در بعد پیامدهای مثبت و «افزایش ترافیک در سطح شهر، افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی، محدودیت بازدید از جاذبه‌های گردشگری برای شهروندان، محدودیت در استفاده از امکانات و خدمات شهری و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در مکان‌های توریستی» در بعد پیامدهای منفی است که در ادامه توضیح داده‌ایم.

اشتغال‌زایی: شهروندان مشارکت‌کننده، در این زمینه به نقش گردشگری در رشد اقتصاد محلی اشاره کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که با رشد گردشگری، ساکنان محلی می‌توانند از افزایش درآمد از طریق

«دستمزد و حقوق بالاتر، افزایش فروش محصولات و خدمات محلی، ایجاد شغل حتی تا سطح مشاغل غیررسمی و کسب‌وکارهای خرده‌فروشی و ارتقای مهارت‌ها» بهره‌مند شوند.

بهبود کیفیت زندگی شهروندان: یکی از نتایج اشتغال‌زایی بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. به‌جز ایجاد شغل، شهروندان اصفهانی معتقدند رشد گردشگری باکیفیت می‌تواند موجد «توسعه زیرساخت‌هایی مانند جاده‌ها، حمل‌ونقل عمومی، بهبود خدمات عمومی و شهری، مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و مدیریت زباله، مزایای اجتماعی، مانند افزایش غرور مدنی، احساس اجتماعی و بهبود سلامت روان» شود که همگی به بهبود کیفیت زندگی شهروندان منجر می‌شود.

افزایش تعاملات فرهنگی: شهروندان در این مطالعه یکی از ابعاد مثبت رشد گردشگری را ارتقای درک بین فرهنگی از طریق تبادل بین مردم محلی و بازدیدکنندگان می‌دانند. شهروندان به نقش «برنامه‌ها، رویدادها و جشنواره‌ها، درگیری و تعامل محلی بین شهروندان و گردشگران، تجربه‌های مشترک مثل یادگیری مشترک زبان، غذا و لباس» در افزایش تعاملات و در نتیجه فهم بین فرهنگی اشاره کرده‌اند.

افزایش خدمات و امکانات در شهر: همان‌طور که پیشتر گفتیم، شهروندان در سطح مضامین سازمان‌دهنده برای بهبود کیفیت زندگی به بهبود خدمات عمومی و شهری اشاره کردند. اما این مضمون با درون‌مایه‌هایی چون «بهبود خدمات عمومی، مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و بهداشتی، معرفی امکانات جدید مانند تأسیسات هنری عمومی، اجراکنندگان خیابانی و رویدادهای فرهنگی، توسعه سیستم‌های حمل‌ونقل مناسب برای مردم محلی و گردشگران، تهیه و تدارک

طیف وسیع‌تری از گزینه‌های غذایی برای مردم محلی و گردشگران، افزایش سرمایه‌گذاری در اقدامات ایمنی و امنیتی، بهبود دسترسی افراد دارای معلولیت و توسعه خدمات اطلاعاتی و زیرساخت‌های ارتباطی» به شکل مستقل هم حائز اهمیت است.

- افزایش امنیت و کاهش جرم و جنایت: از نظر پاسخگویان رشد گردشگری باکیفیت می‌تواند از طریق «افزایش حضور پلیس، افزایش رصد و توجه رسانه‌ها، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های امنیتی، مانند دوربین‌های مداربسته، هشدارها و سیستم‌های واکنش اضطراری حضور گردشگران، و افزایش روشنایی شهر» فضای شهری و جوامع میزبان را تحت تأثیر قرار دهد.

- افزایش ترافیک در سطح شهر: مهم‌ترین دغدغه برساننده این پیامد نزد شهروندان ازدحام در نقاط مهم گردشگری و به تبع آن کل شهر است. این مضمون می‌تواند دربردارنده مضامینی چون «کمیاب شدن فضای پارک در شهر، افزایش تقاضا برای تاکسی و خدمات سواری و افزایش تردد ماشین‌های شخصی و کرایه‌ای» نیز باشد. به‌طور کلی، این مضمون عبارت است از نگرانی درخصوص «ترافیک ناشی از وجود گردشگران، شلوغ شدن شهر با ورود گردشگران و مشکلات فضایی ناشی از وجود گردشگران».

- افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی: شهروندان مشارکت‌کننده در این مطالعه بر این باورند که رشد گردشگری از طریق «افزایش قیمت‌ها ناشی از تقاضای کالاها و خدمات توسط گردشگران با قیمت‌های بالاتر نسبت به افراد محلی، افزایش هزینه‌های تملک و اجاره مسکن به‌علت افزایش تقاضا و افزایش هزینه‌های دولتی و عمومی ناشی از افزایش حجم خدمات» باعث افزایش هزینه‌های زندگی می‌شود.

- محدودیت بازدید از جاذبه‌های گردشگری برای شهروندان: تعداد بالای گردشگران به ازدحام بیش از حد منجر می‌شود و دسترسی شهروندان به جاذبه‌های محبوب، فضاهای عمومی و خدمات ضروری را دشوار می‌کند. همچنین با افزایش تقاضای گردشگران، قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد و پرداخت هزینه فعالیت‌ها و جاذبه‌هایی را که قبلاً از آنها لذت می‌بردند، برای شهروندان چالش‌برانگیز می‌کند. بیانات مشارکت‌کنندگان درخصوص «ازدحام و ترافیک، هجوم گردشگران و تخریب میراث فرهنگی و محیط طبیعی» را نیز می‌توان در همین دسته قرار داد.

- محدودیت در استفاده از امکانات و خدمات شهری: رشد گردشگری بر زیرساخت‌های محلی، مانند سیستم‌های حمل‌ونقل، خدمات شهری و خدمات عمومی فشار وارد می‌کند که می‌تواند بر زندگی روزمره شهروندان تأثیر منفی بگذارد. شهروندان بر این باورند که هجوم و ازدحام گردشگران در بافت تاریخی و فرهنگی اصفهان به‌ویژه در ایام پیک، به «محدودیت در استفاده از امکانات عمومی، مانند سرویس‌های بهداشتی، رستوران‌ها و مغازه‌ها، محدودیت در استفاده از سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، دسترسی محدود به فضاهای عمومی، گرفتگی و ازدحام در خیابان‌ها و جاده‌ها» منجر می‌شود.

- افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در مکان‌های توریستی: یکی از نگرانی‌های دیگر شهروندان تخریب محیط طبیعی است. این نگرانی برساخته «تولید زباله از جمله بطری‌های پلاستیکی، بسته‌بندی مواد غذایی و سایر مواد غیرقابل تجزیه زیستی، آلودگی‌های زیست‌محیطی اعم از آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و آلودگی نوری» است. شهروندان همچنین نگران «مصرف منابع از جمله آب، انرژی و

جدول شماره ۲): تحلیل عاملی اکتشافی ارزیابی شهروندان از پیامد حضور گردشگران در شهر اصفهان

نام عامل کشف شده	گویه	بارهای عاملی	ویژه مقدار	درصد واریانس	درصد واریانس جمعی	KMO	بارتلت
افزایش مخاطرات شهری	افزایش ترافیک در سطح شهر	۰,۸۳	۱,۸۹	۱۶,۳۶	۱۶,۳۶	۰,۶	۰,۰۰۰
	افزایش قیمت ها و هزینه های زندگی	۰,۷۰۰					
	های افزایش آلودگی زیست محیطی در مکان های توریستی	۰,۶۵۰					
محدود شدن امکانات شهر	محدودیت بازدید از جاذبه های گردشگری برای شهروندان	۰,۷۷۰	۱,۵۰	۱۵,۱۲	۳۱,۴۸	۰,۶	۰,۰۰۰
	محدودیت در استفاده از امکانات و خدمات شهری	۰,۸۱۰					
ارتقای کیفیت زندگی در شهر	اشتغال زایی	۰,۷۶۰	۱,۳۸	۱۴,۳۴	۴۵,۸۲	۰,۶	۰,۰۰۰
	بهبود کیفیت زندگی	۰,۶۶۹					
	افزایش تعاملات فرهنگی	۰,۴۸					
افزایش خدمات و امنیت شهر	افزایش خدمات و امکانات در شهر	۰,۷۲۰	۰,۹۶۰	۱۱,۶۴	۵۷,۴۶	۰,۶	۰,۰۰۰
	افزایش امنیت و کاهش جرم و جنایت	۰,۶۰۰					

سوخت و آسیب به زیستگاه های طبیعی شهر» هستند. خدمات و امنیت شهر» نام گذاری شد. براساس یافته های گزارش شده در جدول، مقدار ۵۷/۴۶ درصد واریانس جمعی به دست آمده حاکی از آن است که بیش از ۵۷ درصد از واریانس کل ۱۰ گویه را این چهار عامل تبیین کرده است. ویژه مقدار هر کدام از عوامل به غیر از عامل آخر (افزایش خدمات و امنیت شهر)، بیشتر از یک و قابل قبول است. لازم به ذکر است که مقدار ویژه افزایش خدمات و امنیت شهر نیز، از آنجایی که ۰/۹۶ و نزدیک به یک است، با کمی اغماض قابل قبول است. همچنین مقدار KMO (برابر با ۰/۶) حاکی از آن است که تعداد نمونه (تعداد ۴-۲- ارزیابی شهروندان از پیامد حضور گردشگران در شهر اصفهان در پژوهش سال ۱۳۹۶ «نظرسنجی خدمات ستاد هماهنگی خدمات سفرشهر اصفهان» این ده مضمون در قالب گویه هایی در معرض ارزیابی شهروندان اصفهانی قرار گرفت. به منظور تحلیل گویه های مذکور با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، این پیامدها در چهار عامل، دسته بندی و عوامل استخراج شده و تحت عناوین «افزایش مخاطرات شهری»، «محدود شدن امکانات شهر»، «ارتقای کیفیت زندگی» و «افزایش

جدول شماره (۳): آماره‌های توصیفی شاخص‌های ارزیابی شهروندان از پیامد حضور گردشگران

تأثیرات	شاخص	میانگین	انحراف معیار	واریانس	دامنه	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
منفی	افزایش مخاطرات شهری	۲,۶۱	۰,۹۰	۰,۸۱	۵	۰	۵
	محدود شدن امکانات شهر	۳,۲۴	۱,۰۱	۱,۰۱	۵	۰	۵
مثبت	ارتقای کیفیت زندگی	۳,۱۶	۰,۷۳	۰,۵۳	۴	۱	۵
	افزایش خدمات و امنیت شهر	۳,۱۹	۰,۸۲	۰,۶۷	۴	۱	۵

جدول شماره (۴): مقایسه میانگین شاخص‌های ارزیابی شهروندان از پیامد حضور گردشگران بر شهر اصفهان

حد وسط (مقدار نظری) = ۳						میانگین	شاخص
فاصله اطمینان ۹۵ درصد تفاوت‌ها		تفاوت میانگین	معناداری	درجه آزادی	آماره T		
بالا	پایین						
۰,۲۴	۰,۱۳	۰,۱۹	۰,۰۰	۸۵۴	۶,۶۹	۳,۱۹	افزایش خدمات و امنیت شهر
۰,۲۱	۰,۱۱	۰,۱۶	۰,۰۰	۸۶۲	۶,۳۳	۳,۱۶	ارتقای کیفیت زندگی
۰,۳۱	۰,۱۸	۰,۲۴	۰,۰۰	۸۶۳	۷,۰۹	۳,۲۴	محدود شدن امکانات شهر
-۰,۳۳	-۰,۴۵	-۰,۳۹	۰,۰۰	۸۶۳	-۱۲,۶۲	۲,۶۱	افزایش مخاطرات شهری

مثبت (شامل شاخص‌های ارتقای کیفیت زندگی و افزایش خدمات و امنیت شهر) در نظر گرفت.

۴-۳- وضعیت شاخص‌های پیامد حضور گردشگران در جامعه مورد مطالعه

به منظور بررسی وضعیت شاخص‌های پیامد حضور گردشگران، ابتدا آماره‌های توصیفی آن‌ها از جمله میانگین، بیشترین مقدار، کمترین مقدار، واریانس و انحراف معیار بررسی و پس از آن، شاخص‌های مذکور با مقدار نظری مقایسه شد.

همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌کنید، تمامی شاخص‌ها، مقداری بین ۰ تا ۵ داشته‌اند. همچنین مقدار میانگین همه شاخص‌ها به جز شاخص افزایش

پاسخگویان) برای انجام تحلیل عاملی کفایت می‌کند و مقدار صفر آزمون بارتلت نیز نشان‌دهنده معنادار بودن عامل‌های به دست آمده و وجود همبستگی بین گویه‌هاست. همچنین بارهای عاملی گویه‌ها نیز بالاتر از مقدار قابل قبول (۰/۴) و نشان‌دهنده آن است که گویه‌ها سنجه قابل قبولی برای تعریف عامل‌های چهارگانه زیر هستند.

بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی انجام شده در مورد پیامدهای حضور گردشگران، دو پیامد کلی حضور گردشگران بر شهر اصفهان را می‌توان در قالب پیامدهای منفی (شامل شاخص‌های افزایش مخاطرات شهری و محدود شدن امکانات شهر) و پیامدهای

جدول شماره (۵): آزمون رابطه بین شاخص‌های ارزیابی شهروندان از پیامد حضور گردشگران در شهر اصفهان

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
افزایش خدمات و امنیت شهر و ارتقای کیفیت زندگی	۰,۱۶	۰,۰۰
افزایش خدمات و امنیت شهر و محدود شدن امکانات شهر	-۰,۲۱	۰,۰۰
افزایش خدمات و امنیت شهر و افزایش مخاطرات شهری	-۰,۱۰	۰,۰۰
ارتقای کیفیت زندگی و محدود شدن امکانات شهر	-۰,۰۴	۰,۲۴
ارتقای کیفیت زندگی و افزایش مخاطرات شهری	-۰,۰۳	۰,۴۱
محدود شدن امکانات شهر و افزایش مخاطرات شهری	۰,۱۳	۰,۰۰

مخاطرات شهری بالاتر از حد وسط است. در این بین، شاخص محدود شدن امکانات شهری بالاترین و شاخص افزایش مخاطرات شهری پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص داده است.

در جدول زیر میانگین شاخص‌های به دست آمده از تحلیل عامل اکتشافی با استفاده از آزمون t تک‌متغیره با مقدار نظری سه (حد وسط طیف پنج‌قسمتی عامل‌ها)

مقایسه شده است. سطح معناداری به دست آمده (صفر و کمتر از ۰/۰۵) حاکی از آن است که میانگین کلیه شاخص‌ها، به جز افزایش مخاطرات شهری، از مقدار نظری در نظر گرفته شده بیشترند. از آنجایی که میانگین شاخص افزایش مخاطرات شهری به عنوان پیامدی منفی پایین‌تر از حد متوسط است؛ بدین معناست که از نظر شهروندان حضور گردشگران در شهر اصفهان کمتر از حد متوسط، باعث افزایش ترافیک

در سطح شهر، افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در مکان‌های توریستی می‌شود. در مقابل، شهروندان اصفهانی بر این باورند که حضور گردشگران بیش از حد متوسط باعث محدودیت بازدید از جاذبه‌های گردشگری برای شهروندان و محدودیت در استفاده از امکانات

و خدمات شهری به عنوان پیامدهایی منفی می‌شود. همچنین از نظر شهروندان اصفهانی پیامدهای مثبت حضور گردشگران در زمینه ارتقای کیفیت زندگی (اشتغال‌زایی، بهبود کیفیت زندگی و افزایش تعاملات فرهنگی) و افزایش خدمات و امنیت شهر (افزایش خدمات و امکانات در شهر و افزایش امنیت و کاهش جرم و جنایت) بیش از حد متوسط است.

در جدول شماره (۵)، رابطه ارزیابی پیامدهای مثبت حضور گردشگران (ارتقای کیفیت زندگی، افزایش خدمات و امنیت شهر) و پیامدهای منفی حضور گردشگران (افزایش مخاطرات شهری، محدود شدن امکانات شهر) بررسی شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، سطوح معناداری به دست آمده برخی رابطه‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده عدم همبستگی و عدم رابطه میان آن‌هاست.

از بین ضرایب همبستگی معنادار، همبستگی افزایش خدمات و امنیت شهر با ارتقای کیفیت زندگی (۰/۱۶) و همچنین همبستگی میان محدود شدن امکانات شهر با افزایش مخاطرات شهری (۰/۱۳) مثبت و ضعیف است. بدین معنا که شهروندان اصفهانی بر این باورند که هرچقدر خدمات و امنیت شهر بیشتر

شود، کیفیت زندگی در شهر بالاتر خواهد رفت و با افزایش مخاطرات شهری استفاده از امکانات شهری نیز محدودتر خواهد شد.

همبستگی میان افزایش خدمات و امنیت شهر با افزایش مخاطرات شهری (۰/۱۰-) و همبستگی افزایش خدمات و امنیت شهر با محدود شدن امکانات شهر (۰/۲۱-) منفی و ضعیف است. این ضرایب همبستگی منفی نشان‌دهنده آن است که از نظر شهروندان اصفهانی هرچه خدمات و امنیت شهری افزایش یابد، محدودیت استفاده از امکانات و مخاطرات شهری کمتر می‌شود.

نتیجه‌گیری

اصفهان از یک سو، به‌عنوان یک شهر تاریخی همیشه میزبان گردشگران از سراسر ایران و جهان بوده است و شهروندان اصفهانی در برخی اوقات سال، تجربه حضور گردشگر و تعامل با آن را دارند، ازسوی دیگر، این شهروندان به‌عنوان ساکنان یک محیط و اجتماع محلی، خواهان حفظ برخی ارزش‌ها و ویژگی‌های شهری مانند امنیت، دسترس‌پذیری و تمیزی آن هستند. این شهروندان مسلماً به‌عنوان مهم‌ترین گروه ذی‌نفع در حوزه گردشگری دیدگاه‌ها و ارزیابی‌هایی در این زمینه دارند که آگاهی و شناخت نسبت به آن‌ها می‌تواند بسیاری از پیش‌فرض‌های رسمی آکادمیک و مدیریتی را تدقیق، تکمیل یا تصحیح کند. پژوهش حاضر نیز، به‌منظور شناخت دیدگاه‌های این گروه غیررسمی، ابتدا درصدد شناخت فهم شهروندان از یک گردشگری باکیفیت در شهر بوده و در ادامه به تشریح دیدگاه آنان در زمینه پیامدهای گردشگری پرداخته است.

یافته‌های پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که میان چرخه حیات گردشگری و احتمال افزایش اثرات

بسیار خواهد بود. بدین معنا که در مرحله اولیه توسعه گردشگری، معمولاً مقدار زیادی از آرزوها و اشتیاق ساکنان مقصد به‌دلیل فواید اقتصادی درک‌شده برآورد می‌شود، ولی در مراحل بعد، به‌دلیل بروز تغییرات ناخوشایند در محیط طبیعی و نوع گردشگرانی که جذب شده‌اند، درک و تصور مردم از اثرات گردشگری به‌تدریج منفی می‌شود. معمولاً در مرحله اولیه توسعه گردشگری، فواید اقتصادی بیشتر نمود پیدا می‌کنند، ولی در مراحل بعد توسعه در مقیاس انبوه و کنترل‌نشده، هزینه‌های اجتماعی و محیطی نیز جلوه‌گر می‌شوند (شیخ‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۶) این موضوع در پیمایش ابتدایی پژوهش حاضر نیز مشاهده شد و شهروندان اصفهانی در کنار پیامدهای مثبت به ازدحام، ترافیک ناشی از وجود گردشگران، شلوغ شدن شهر با ورود گردشگران و مشکلات فضایی ناشی از وجود گردشگران و همچنین تأثیرگذاری بر محیط طبیعی و فرهنگ بومی به‌عنوان پیامدهای منفی گردشگری در شهر اصفهان اشاره کردند.

پژوهشگران پژوهش حاضر تصمیم گرفتند به‌منظور بررسی بیشتر ارزیابی شهروندان اصفهانی از پیامدهای گردشگری (اعم از مثبت و منفی) این موضوع را در پیمایشی دیگر در سال ۱۳۹۶ بررسی کنند؛ زیرا متناسب با عوامل مختلفی، چون اهمیت فعالیت گردشگری محلی، ظرفیت گردشگران و فعالیت‌های آن‌ها، استحکام‌سازی محیط‌زیست محلی و اقتداربایی فرهنگ و سن محلی، سطح تأثیرات گردشگری و ارزیابی از پیامدهای آن ممکن است تغییر یابد و ساکنان جامعه میزبان گردشگری را به‌دلیل پتانسیل‌های آن، مانند اشتغال‌زایی، تولید درآمد و ارتقای تسهیلات و زیرساخت‌های عمومی، مقوله‌ای مثبت ارزیابی کنند. پس بهتر است هم پیامدهای منفی و هم پیامدهای

مثبت گردشگری بررسی شوند. نتایج پیمایش سال ۱۳۹۶ حاکی از آن بود که شهروندان اصفهانی پیامدهای مثبت حضور گردشگران در زمینه ارتقای کیفیت زندگی و افزایش خدمات و امنیت شهر بیش از حد متوسط است. از بین دو پیامد کلان منفی (افزایش مخاطرات شهری و محدود شدن امکانات شهری)، اگرچه شهروندان اصفهانی حضور گردشگران در شهر اصفهان را بیشتر از حد متوسط باعث محدود شدن امکانات شهری (محدودیت بازدید از جاذبه‌های گردشگری برای شهروندان و محدودیت در استفاده از امکانات و خدمات شهری) ارزیابی کرده‌اند، اما در مقابل، به میزان کمتر از حد متوسط، حضور گردشگر را عاملی جهت افزایش مخاطرات شهری (باعث افزایش ترافیک در سطح شهر، افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در مکان‌های توریستی) می‌دانند. براین اساس، اگرچه از دید شهروندان حضور گردشگر در شهر اصفهان ممکن است پیامدهایی منفی به دنبال داشته باشد، اما پیامدهای مثبت آن بیش از پیامدهای منفی خواهد بود و به اشتغال‌زایی، بهبود کیفیت زندگی، افزایش تعاملات فرهنگی، افزایش خدمات و امکانات در شهر، افزایش امنیت و کاهش جرم و جنایت منجر خواهد شد.

منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی، عبدالله، آقاسی‌زاده (۱۳۸۸)، «تحلیل عوامل مؤثر بر گسترش گردشگری در ناحیه ساحلی چابهار با استفاده از دل راهبردی SWOT»، نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۸.
۲. اجزاشکوهی، محمد، بودرجمهری، خدیجه، ایستگلندی، مصطفی، مودودی، مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی اثرات گردشگری بر کیفیت زندگی جامعه میزبان (نمونه مطالعاتی: شهر بندر ترکمن)»، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۴۷، صص ۱۰۱-۱۲۵.
۳. انصاری، آذرنوش، اسدی، علی (۱۳۹۵)، «ارزیابی وفاداری گردشگر به مقصد با رویکرد داده‌کاوی گردشگران داخلی شهر اصفهان»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال یازدهم، شماره ۳۵، صص ۸۵-۱۰۵.
۴. بستان، زهرا، عظیمی‌هاشمی، مژگان، میرزایی، حسین، اصغری، هادی (۱۳۹۶)، «مرور نظام‌مند پیامدهای اقتصادی و زیست‌محیطی گردشگری در ایران»، فصلنامه میراث گردشگری، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۶۷-۱۸۸.
۵. حقیقی، محمد، روشندل اربطانی، طاهر، صالحی، علی (۱۳۹۴)، «بررسی مشکلات و موانع توسعه صنعت گردشگری در شهر اصفهان از دیدگاه گردشگران»، مدیریت بازرگانی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۸۶۵-۸۸۰.
۶. سیف‌الدینی، فرانک، شعبانی‌فرد، محمد، حسینی، علی، رشیدی، مصطفی (۱۳۸۹)، «سنجش کیفیت و ظرفیت گردشگری شهری براساس الگوی رفتاری گردشگران و جامعه میزبان (نمونه موردی: شهر اصفهان)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱، صص ۶۷-۸۸.
۷. شیخ‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۴)، «مدل‌سازی عوامل مؤثر در بهبود کیفیت زندگی با تأکید بر تأثیرات توسعه صنعت گردشگری (مطالعه موردی: شهر تهران)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره اول، صص ۵۱-۶۵.
۸. قدمی، مصطفی، علیقلی‌زاده‌فیروزجایی، ناصر (۱۳۹۱)، «ارزیابی توسعه گردشگری مقصد در چهارچوب پایداری (نمونه مورد مطالعه: دهستان تمشک شهرستان تنکابن)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره ۱، صص ۸۰-۱۰۴.
۹. کاظمی، علی، صنایعی، علی، رنجبریان، بهرام، آذربایجانی، کریم (۱۳۸۹)، «شناسایی مزیت‌های رقابتی در صنعت گردشگری به منظور جذب گردشگران خارجی (مورد مطالعه: استان اصفهان)»، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره پنجم، صص ۹۳-۱۱۰.
۱۰. نظریان، شیرین، مختاری‌ملک‌آبادی، رضا (۱۳۹۵)، «تحلیل اثرات محیط‌های تأثیرگذار بر کاهش جذب گردشگر خارجی شهر اصفهان»، نشریه میراث و گردشگری، دوره ۱، شماره ۴، صص ۸۱-۱۰۳.

۱۱. وارثی، حمیدرضا، تقوایی، مسعوده شاهپوندی، احمد (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر وضعیت زیرساخت‌های گردشگری در شهر اصفهان (با تأکید بر هتل‌ها)»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۲، شماره پیاپی ۴۴، شماره ۴، صص ۹۱-۱۱۲.

12. Sunlu U. Environmental impacts of tourism. In: Camarda D. (ed.), Grassin i L. (ed.). Local resources and global trades: Environments and agriculture in the Mediterranean region. Bari: CIHEAM, 2003. p. 2 63-2 7 0 (Options Méditerranéennes: Série A. Séminaires Méditerranéens; n . 57)

13. Nopiyani, N & Wirawan, I (2021). The Impact of Tourism on the Quality of Life of Communities in Tourist Destination Areas: A Systematic Review, Journal of Medical Sciences. 2021 Apr 19; 9(F):129-136.

14. Ritchie, B & Inkari, M (2006). Host community attitudes toward tourism and cultural tourism development: The case of the Lewes District, Southern England. International Journal of Tourism Research 8(1), DOI:10.1002/jtr.545

شهرسازی در جمهوری ترکیه؛ اصلاحات دولتی در برابر ضعف نسبی یادگیری از جامعه

فرشید سامانپور^۱

پژوهشگر مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران، تهران، ایران

پروین پرتوی

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹، زمستان ۱۴۰۲، صص ۱۹-۴۲

چکیده

این مقاله بخشی از مطالعه‌ای بزرگ‌تر بوده که به بررسی شهرسازی در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان می‌پرداخته است. با توجه به کمبود منابع به زبان فارسی یا انگلیسی تجربه‌های این کشورها (که در موارد زیادی مسائل مشترکی با ایران دارند) کمتر در دسترس خواننده ایرانی قرار دارد. در این راستا، این مقاله با تمرکز بر کشور همسایه، ترکیه، تلاش بر این دارد که ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری را در این کشور شناسایی، و کمبودها و مشکلات آن را معرفی کند. این مقاله افزون بر هدف یادشده امکانی برای مطالعه تطبیقی فراهم می‌آورد. برای ایجاد امکان ارزیابی و تطبیق از چهارچوب چهارگانه فریدمن برای دسته‌بندی روش‌های شهرسازی استفاده می‌شود. مرور منابع در قالب روایی و منطبق با تاریخ معاصر اواخر عثمانی و ترکیه انجام می‌گیرد. در چهارچوب این روایت، شیوه‌های شهرسازی از منابع تخصصی (و محدود و پراکنده) به زبان انگلیسی و گاه با استفاده از شواهد و اخبار رسانه‌ای و مرور آنها بیان می‌شوند و در پایان با استفاده از چهارچوب نظری معرفی شده تحلیل می‌شوند. براین اساس، کمبودهای مهم شهرسازی ترکیه و پیشنهادهایی برای رفع آن به بحث گذاشته می‌شود که مهم‌ترین آن ضعف در یادگیری از جامعه و اصرار یک‌جانبه بر اصلاحات دولت‌مدار، بدون توجه کافی به فرهنگ زمینه، دانسته شده است.

واژگان کلیدی: ترکیه، شهرسازی، فریدمن، یادگیری اجتماعی، اصلاحات اجتماعی، اتحادیه اروپا.

۱. ایمیل نویسنده مسئول: fsamanpour@gmail.com

نمادین شرق و غرب فرهنگی دانست و ازسوی دیگر همسایه‌ای است که از دیرباز و در جنگ و صلح دادوستد بسیاری با ایران داشته، از جمله در حوزه سیاست‌گذاری.

بررسی پیش‌رو در قالب مرور متن‌ها و تحلیل دوباره آنها براساس یک گونه‌شناسی از نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری انجام می‌گیرد تا بتوان گونه‌های غالب در تجربه برنامه‌ریزی در ترکیه و کمبودهای حال آن را به بحث گذاشت. به این منظور، پس از معرفی چهارچوب گونه‌شناختی مد نظر و چگونگی استفاده از آن، مروری می‌شود بر دگرگونی‌های تاریخی جمهوری ترکیه و مطابق آن نظام برنامه‌ریزی آن کشور با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری. سپس با استفاده از چهارچوب نظری به تحلیل آن دسته از الگوهای نظری، که در عمل، در ترکیه استفاده شده‌اند، می‌پردازد تا کمبودهای آن را شناسایی کند. این مقاله مقدمه‌ای برای مطالعات وسیع‌تر و عمیق‌تر در این زمینه است.

مبانی نظری گونه‌شناسی برنامه‌ریزی:

برای تحلیل برنامه‌ریزی رایج در ترکیه از گونه‌شناسی چهارگانه فریدمن (۱۹۸۷) از سنت‌های^۱ غالب در برنامه‌ریزی استفاده می‌شود که شامل اصلاحات اجتماعی^۲، تحلیل سیاست‌گذار^۳، یادگیری اجتماعی^۴، و بسیج اجتماعی^۵ است. اصلاح اجتماعی برنامه‌ریزی را گونه‌ای هدایت اجتماعی از بالا به‌ویژه با کاربرد علوم اجتماعی و نقش‌آفرینی نهادهای دولتی می‌داند، به‌گونه‌ای که راه مداخله در این گونه از برنامه‌ریزی معمولاً به روی مردم عادی و سیاست‌مداران بسته است، گرچه در آن مجادله‌ای قدیمی میان تمرکز

این مطالعه در چهارچوب پژوهشی-جمعی روی شهرسازی، در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان، به بررسی این موضوع در کشور ترکیه پرداخته بوده است و حالا به شکل منفرد ارائه می‌شود. چنین مطالعاتی با توجه به کمبود منابع موجه و مبسوط به زبان فارسی در زمینه تجربیات برنامه‌ریزی در این کشورها، می‌تواند یاری کند تا افق دید شهرسازی از نظریات مشترک برخاسته از چند زمینه فرهنگی معدود (معمولاً غربی) بازتر شود. توجه به این تجربه‌ها ممکن است بتواند راهنمای شناخت مسائل کمابیش مشترک برخی کشورها ازسویی و تفاوت‌های معنی‌دار آنها ازسوی دیگر باشد؛ شناختی که دست‌کم قابلیت‌های عملی نظریات شهرسازی را روشن‌تر کند و دست‌بالا بتواند راهنمای تدوین نظریه‌ها و یا اصلاح و نقد آنها باشد. چراکه در کشورهایی که بنابه فشارهای بیرونی و یا خواست درونی نظریه‌های شهرسازی را به کار گرفته‌اند، لزوماً سختی میان برنامه‌ریزی و تجربه اجتماعی و اقتصادی وجود نخواهد داشت. بنابراین مطالعه برنامه‌ریزی در آن جوامع، اگر تنها محدود به بررسی تاریخ تحول قانون‌گذاری و سازمان‌های اجرایی باشد، بعد مهمی از مسئله را که همان تجربه‌های اجتماعی-اقتصادی است، نادیده خواهد انگاشت. با توجه به این تجربه‌ها، گاه ممکن است کشورهای میزبان به بازبینی در قوانین و سازمان‌هایی بپردازند که چه بسا بدون ضرورت و یا جابه‌جا، در قیاس با آنچه نادرست «همه‌جای جهان» دانسته شده، شکل گرفته‌اند.

کشور ترکیه در این میان اهمیت قابل توجهی، به‌ویژه برای شهرسازان ایرانی، دارد. این کشور از یک سو نمونه برجسته‌ای از مواجهه ناگهانی یک کشور سنتی با انگاره‌های مدرن، در جایی است که می‌توان آن را مرز

1. traditions
2. social reform
3. policy analysis
4. social learning
5. social mobilization

سازمانی و تمرکززدایی از برنامه‌ریزی وجود داشته است. این شیوه از بعد سیاسی بر مردم‌سالاری و کالتی (نماینده‌ای)، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی تأکید دارد (همان).

تحلیل سیاست‌گذار، متأثر از نظریات رفتار سازمانی و خردگرایی محدود (به‌ویژه از سوی هربرت سیمون) در تصمیم‌گیری است. تحلیل‌گران در این مسلک بیشتر خود را کارشناسانی در خدمت قدرت می‌بینند و گرچه شاید نتوان مبنای فلسفی مستقلی برای آنان تصور کرد، بهره‌مندی آنها از اقتصاد نوکلاسیک این‌گونه متبادر می‌سازد که ارزش‌های آن رویکرد اقتصادی در کارشان رخنه کرده باشد (همان: ۷۸ و ۷۹). می‌توان پنداشت که این‌گونه از برنامه‌ریزی در عمل بیشتر بدنه حرفه را تشکیل می‌دهد.

یادگیری اجتماعی بیشتر به‌عنوان روشی برای یادگیری از تجربه شناخته شده است که بنیان‌گذار آن در فلسفه مدرن جان دیویی، از بنیان‌گذاران عمل‌باوری، است. او سیاست‌گذاری اجتماعی را نیز تجربه‌ای نیمه‌علمی می‌دید. گرایش دیگر اثرگذار بر این رسم باور مارکسیسم به تغییر دادن جهان تا تفسیر نظری آن بوده است (همان: ۱۲، ۱۳، ۸۱ و ۸۲). منظور از یادگیری مورد اشاره این مسلک در اصل اصلاح تجربی فعالیت‌هایی است که کمتر به‌شکل نظری شناخته شده‌اند (از جمله تجربه زندگی مردم در بسیاری از نقاط روستایی و یا کم‌درآمد شهری). با این وجود، این یادگیری می‌تواند عاملان یا مشاوران همکار با کنشگران را نیز در بر داشته باشد و به ایجاد گونه‌ای یادگیری دوسویه میان آنان و جامعه (یا کنشگران) منجر شود. به همین ترتیب می‌توان انتظار تغییر در نظریه‌ها، ارزش‌ها و باورها را نیز داشت (ص ۱۸۵).

بسیج اجتماعی، به‌شکلی کاملاً متضاد با اصلاح‌گری

و تحلیل سیاست‌گذار، بر اهمیت اقدام جمعی مستقیم از پایین تأکید دارد. برخلاف اصلاح‌گران اجتماعی که مخاطب اصلی‌شان نهادهای دولتی و گاهی نخبگان اقتصادی «روشن‌اندیش» بودند، برنامه‌ریزان بنیادگرای این جرگه مستقیماً با گروه‌های تحت فشار و محرومان صحبت می‌کنند. حتی علم هم -به‌عنوان ابزاری در دست قدرتمندان- کمتر مورد استفاده این گروه است و آنها به‌جای علم متعارف به‌شکل دیگری از تحلیل علمی، یعنی یادگیری اجتماعی، اتکا می‌کنند (صص ۷۷ و ۹۵) که خود به‌عنوان سنتی مستقل شناخته شده است.

روش پژوهش

این مطالعه، بررسی‌ای انتقادی بر پایه مرور متون مرتبط است. با یادآوری کمبود مقالات و کتاب‌های انگلیسی یا فارسی در حوزه مورد نظر مقاله، بخش مهمی از مطالب از حاشیه کتاب‌ها و مقالات در دسترس با موضوع مرتبط استخراج و از رساله‌های دکتری انگلیسی‌زبان مرتبط با موضوع نیز استفاده قابل توجهی شد. حاصل این مرور به‌شکل روایی^۱ و براساس دوره‌های تاریخی مورد توافق نسبی در دوران معاصر ترکیه و اواخر عثمانی منظم شد. سپس به بازتفسیر اطلاعات مربوط به برنامه‌ریزی و شهرسازی ترکیه، که در متون مورد بررسی پراکنده بودند، پرداخته و برای این منظور از چهارچوب نظری مورد اشاره در بخش قبل بهره‌برداری شد. بدین صورت، پس از ارائه گزارشی از تاریخ معاصر ترکیه و اواخر عثمانی و شناسایی ادوار تاریخی مطرح در آن، تحولات در زمینه برنامه‌ریزی گزینش و در قالب آن ادوار گزارش خواهند شد. این تحولات سپس فشرده و جمع‌بندی می‌شود و آن‌گاه به برنامه‌ریزی شهری در آن، به‌شکل خاص، توجه

1. libguides.csu.edu.au (Literature review: Types of literature review)

می‌شود (Eldem, 1999: 25- 33; Ahmad, 2003: 199, 200). این دوره را آغاز گرایش‌های سکولار (به‌ویژه در ارتش جدید) و گسترش سرمایه‌داری می‌بینند (همان‌جا). ولی همین دوره همراه است با کاهش قدرت دولت مرکزی، تضعیف تاجران و سازندگان محلی و ترک در برابر اروپائیان و مسیحیان عثمانی (که در ارتباط با اروپائیان و گاه تحت حمایت آنان بودند) و نیز قدرت گرفتن دولت‌های محلی با حمایت و یا نزدیکی اقتصادی به کشورهای اروپایی (نفوذ اقتصادی انگلیس در عراق و یا فرانسه در سوریه و...) (Eldem, 1999: 199; Ahmad, 2003: 33- 37; Eldem, 1999: 200). بدین ترتیب، در این دوره به‌جای یک هویت فراگیر عثمانی ارزش‌ها و شبکه‌های ارتباطی غربی-اروپایی رشد می‌کند (Eldem, 1999: 205). در سال ۱۸۷۷ دولت عثمانی برای توجیه سرکوب خیزش‌های محلی، سلطنت مشروطه و تأسیس مجلس نمایندگان را با حضور نمایندگان اقوام محلی طرح می‌کند که به‌خاطر جنگ با روسیه در سال بعد تعلیق می‌شود و در همین سال‌ها سلطان عبدالحمید تلاش می‌کند یک جنبش فراگیر اسلامی در برابر غرب را سازماندهی کند (Ahmad, 2003: 41-43)، ولی در همین حال و با گسترش آموزش‌های مدرن و غیردینی گروهی از روشنفکران مخالف با این نظام (و احتمالاً منتقد به ضعف پادشاهی در برابر دول غربی) شکل گرفتند (همان: ۴۷ و ۴۸). با فعالیت این افراد، در سال ۱۹۰۸، حکومت مشروطه‌باز از سوی دولت احیا می‌شود و مخالفان امکان فعالیت سیاسی و به دست گرفتن قدرت را بازمی‌یابند (همان: ۵۲-۴۹). این وضعیت تا سال‌های پایانی جنگ جهانی اول، همراه با از دست رفتن حاکمیت بر بالکان و نیز سرزمین‌های عربی، البته با فرازونشیب‌های سیاسی، باقی می‌ماند. ولی پس از

خواهد شد تا در مرحله بعد بتوان گونه‌های موجود برنامه‌ریزی (شهری) ترکیه را براساس چهارچوب نظری فوق‌شناسایی کرد. با استفاده از این دسته‌بندی نقاط مسائل برنامه‌ریزی (شهری) ترکیه و اصلاحات احتمالی لازم در آن را به بحث می‌گذاریم.

مرور پیشینه اجتماعی و سیاسی ترکیه

پادشاهی عثمانی پس از اضمحلال سلجوقیان تقریباً از ۱۳۰۰ میلادی یا اواخر قرن ۷ هجری شکل گرفت و تا ۱۹۲۳ (و یا به قولی ۱۹۱۸)، یعنی سال تشکیل جمهوری ترکیه، تداوم یافت. ولی تا حدود قرن ۱۰ هجری یا ۱۶ میلادی طول کشید تا تصرفات خود را تا شمال آفریقا، بالکان، آناتولی، بین‌النهرین و شبه‌جزیره عربستان بگستراند. تا پیش از جنگ جهانی اول و با وجود استقلال یافتن برخی از کشورها هنوز بخش مهمی از سرزمین اسلامی در قلمرو این پادشاهی بوده و پس از آن مرزهایش نزدیک به مرزهای کنونی ترکیه می‌شود.

آرایش سیاسی-اقتصادی جدید ترکیه مانند بسیاری کشورهای دیگر منطقه متأثر از مدرنیسم و قدرت و ثروت کشورهای غربی دانسته شده که در آن جریانی را از غرب‌گرایی و غربی شدن رواج می‌دهد (Eldem, 197, 196, 1999). در دوره عثمانی این نه به معنای گسترش خردگرایی جدید، بلکه تلاشی برای انسجام ملی در آرایش جدید جهانی در برابر قدرت‌های غربی قلمداد شده که البته چندان هم به آن هدف نمی‌رسد (همان: ۱۹۷ و ۱۹۸). آغاز عملی این اصلاحات در ترکیه از دوره زمامداری محمود دوم (۱۸۳۲-۱۸۰۸) و با تغییرات در ارتش، ایجاد روزنامه و... آغاز شده و در دوره جانشین او عبدالمجید یکم (۱۸۶۱-۱۸۳۹) با عنوان تنظیمات منسجم و در چهارچوب آن مفاهیمی، مانند حقوق شهروندی، قانون و... به رسمیت شناخته

جنگ جهانی و تجزیه پادشاهی عثمانی و هجوم برخی همسایگان به شهرهای ترک‌نشین، گروهی دیگر از این روشنفکران و نظامیان، این بار در آنکارا و نه استانبول، پایگاهی برای حکومت (همچنان ظاهراً مشروطه) می‌افکنند و از آنجا استقلال و مرزهای کنونی ترکیه را - پس از جنگ‌های موسوم به استقلال - تا سال ۱۹۲۳ تثبیت می‌کنند. در این سال با تأسیس جمهوری ترکیه و ریاست کمال پاشا (رهبر جنگ استقلال) نه تنها پادشاهی عثمانی، بلکه نظم قدیم (و بعد خلیفه‌گری اسلامی) برچیده می‌شود و کشور شتابان به سوی مدرنیسم و حکومتی لائیک (کنترل دولت بر ساختارهای مذهبی نه جدایی دین از دولت و یا سکولاریسم) می‌رود (همان: ۸۴-۸۰).

مورخان منشأ برخی از مشکلات مهم جامعه امروز ترکیه را در همان دوره گذار ناگهانی به جمهوری لائیک می‌بینند: تنش با قبرس، ارمنیان، کردها و نیز تصور توطئه‌پردازی غرب (Gocek, 2011: 39-41). قطبی شدن جامعه در برابر اسلام سیاسی نیز از جمله این مسائل به نظر می‌رسد. مسئله با کردها و اسلام‌گرایی سیاسی تا حالا همچنان در سیاست و به تبع آن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اثرگذار بوده است. از سوی دیگر، آدمیت (۱۳۴۸) در مقایسه با تاریخ معاصر ایران، بر این باور است که دول اروپایی، که عثمانی را حائل خود و روسیه می‌دانستند، اصرار بر انجام برخی از اصلاحات از جانب دولت داشتند.

دوران جمهوری ترکیه را می‌توان به دوره‌های زیر طبقه‌بندی کرد (Zurcher, 1997؛ Ahmad, 2003):

الف. دوره کمالیسم از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰، در جمهوری تک‌حزبی (تا ۱۹۲۳ به ریاست آتاتورک و پس از آن تا ۱۹۵۰ ریاست عصمت اینونو، از نزدیکان وی) که در پایان آن فضا برای فعالیت حزب‌های دیگر بازتر

می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، این دوره هم‌زمان است با مدرن شدن بسیار شتابان و کنار گذاشتن بسیاری از نمادهای سنت (از خط و تاریخ گرفته تا نظام اقتصادی-سیاسی و...). ولی این فرآیند غرب‌گرایی و مدرن شدن بنابه نظر آیاتاچ (۲۰۰۷: ۱۳۲) تقلید نبود، بلکه هضم مفاهیم گلچین شده بود در زمینه‌ای ملی و برای خودکفایی، حتی با وجود مشاوران خارجی از جمله در زمینه شهرسازی.

ب. دوره مردم‌سالاری (چندحزبی): در آغاز این دوره حاکمیت ده‌ساله حزب دمکرات (رقیب حزب جمهوری‌خواه خلق کمالیست‌ها) واقع شد که با کودتای ۱۹۶۰ نظامیان ناراضی و سپس اعدام رئیس‌جمهور وقت (عدنان مندرس) و تغییر (آزادسازی سیاسی) قانون اساسی در سال ۶۱ پایان می‌یابد. در این دوره، پس از جنگ جهانی دوم، ترکیه وارد اتحاد سیاسی و امنیتی با غرب (از جمله عضویت در ناتو و پیمان بغداد) و نیز وابستگی و هماهنگی اقتصادی با آن (شمول در برنامه مارشال و تز ترومن) می‌شود.

با تغییر قانون اساسی، جمهوری دوم ترکیه در فضای سیاسی بازتری آغاز می‌شود - گرچه نقش ارتش به عنوان حافظ قانونی این نظم پررنگ‌تر است. احزاب در فضایی پرتلاطم تا سال ۱۹۸۰ بر سر مجلس و نخست‌وزیری با هم در کشاکشی‌اند که در اواخر دوره، هم‌زمان با جنبش‌های کمونیستی و قیام‌های ضد آمریکایی، زیرزمینی و تروریستی هم می‌شود و فضا را برای دخالت ارتش - یک بار در سال ۷۷ و دگر بار در سال ۸۰، که دومی تقریباً مقارن است با انقلاب ایران و حمله شوروی به افغانستان، فراهم می‌کند.

فضای باز اقتصادی این دوره راه سرمایه‌داری را بازتر می‌کند که گرایش اقتصادی بیشتر احزاب و مورد

حمایت ارتش بوده است؛ گویا تنها کمالیست‌ها به سوسیالیسم ملی باور داشته‌اند که همین زمینه‌ساز فعالیت‌های تروریستی راست‌گرایان و در پایان کودتا می‌شود. در این دوره، در سال ۶۰، سازمان برنامه‌ریزی دولتی تأسیس می‌شود و آغاز به تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه می‌نماید که از نتایج آن گسترش صنایع داخلی به‌جای واردات و افزایش شهرنشینی بوده است.

ج. جمهوری سوم ترکیه در پی کودتا، با مدیریت تورگوت اوزال، پشتیبانی ارتش و آمریکا، و با تغییر قانون اساسی در آغاز با حالتی تک‌حزبی و مقتدرانه هرچه بیشتر ترکیه را به غرب و به‌ویژه آمریکا نزدیک‌تر و راه اصلاحات اقتصادی عمیق (از جمله اصلاحات صندوق بین‌المللی پول) را برای جهانی شدن ترکیه هموار کرد. به گفته آیتاچ^۱ (۲۰۰۷: ۱۳۳-۱۲۸) وام‌گیری و الگوبرداری این دوره از غرب و به‌ویژه آمریکای دوره ریگان-دیگر حالت گزینش (آگاهانه) و هضم دوره کمالیسم را نداشت و ترکیه را به‌سوی همگونی با جهان سوق می‌داد. این دوره با نشانه رفتن به‌سوی تولید اقتصادی و قابل صادرات و گسترش خدمات و به‌ویژه جهانگردی، به گفته وی دوره حسابگری و تغییر قوانین در ترکیه، مصرف، ارتباطات و جهانی شدن است - که البته عوارضی، مثل کاهش حقوق، افزایش تضاد طبقاتی، تعطیلی واحدهای اقتصادی کوچک و گسترش فساد اقتصادی را نیز به‌همراه داشت.

با احیای حقوق احزاب در سال ۸۷ و تغییرات قانون اساسی در سال ۹۱، سیاست چندحزبی باز نمایان شد. ولی احزاب جدید دیگر تفاوت‌های ایدئولوژیک و به‌ویژه اقتصادی زیادی با هم نداشتند (شاید حزب رفاه

نجم‌الدین اربکان به‌عنوان حزبی اسلام‌گرا، دست‌کم از بعد ایدئولوژیک استثنا باشد). در دهه‌های اخیر با تلاش ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا اصلاحات دیگری از سوی آن اتحادیه بر اقتصاد این کشور - معیارهای کپنهاگ - افزون بر پیشنهاد های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تحمیل شده است که افزون بر اقتصاد دربرگیرنده حقوق بشر (وضع جامعه مدنی، اقلیت‌ها و...) نیز می‌گردد که به‌ویژه با توجه به مسئله کردها و حکومت نخبگان در ترکیه می‌تواند چالشی جدید برای این حکومت به‌همراه داشته باشد.

مسئله دولت در مناطق کردنشین - که برخی آغازش را دهه ۶۰ میلادی می‌دانند (نک. Keyder, 2005 و Ahmad, 2003: 165) - در این دوره شدت یافت و از سال ۸۴ تا ۹۹ به جنگ داخلی به‌ویژه علیه گروه پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان) تبدیل شد. این گروه که در آغاز با مشی کمونیستی بیشتر در روستاها نفوذ یافته بود، دولت را به واکنش‌هایی تند وادار می‌نماید، از جمله با ایجاد گروه‌های نیمه‌نظامی از روستاییان و یا تخلیه و تخریب برخی از روستاها - بنابه گفته‌های رسمی پس از پایان جنگ داخلی، ۳,۲۳۶ سکونتگاه در جنوب شرق ترکیه از میان رفته و بنا بر آن ۳۶۲,۹۱۵ نفر مجبور به جابه‌جایی شده بودند (Gocek, 2011: 44, 45). این در کنار جابه‌جایی‌های اجباری دهه ۹۰ (همان: ۴۶) مسئله مهاجرت‌های روستایی به شهرهای بزرگ را تشدید می‌کند. گوجک (همان: ۴۴) گزارش داده است که به باور برخی، در نتیجه کودتای ۱۹۸۰ دو طرز حکومت متفاوت در ترکیه به وجود آمد: «نظامی‌گرایی اقتدارگرا» در استان‌های شرق و «شرکت نیمه‌اقتدارگرا» (با دید تجاری) در غرب کشور.

سیاست ترکیه در دوران چندحزبی نوین تنش‌های

1. Ayataç

بسیاری را به خود دید، ولی در سال ۹۹ (به روایتی ۲۰۰۲) حزب عدالت و توسعه، حزبی سکولار و لیبرال، ولی متشکل از اسلام‌گراها به قدرت رسید که هنوز هم بر سر کار است. در این دوره، به نظر ترکیه، با سرعتی بیش از پیش به سمت جهانی شدن می‌رود. گرچه تحولات ترکیه در این دوران هم زیاد است؛ ولی می‌توان گفت که در این دوران توسعه اقتصادی نسبتاً پایداری داشته است (اگر بحران‌های مقطعی را در نظر نگیریم). حزب حاکم حتی توانسته قدرت سیاسی ارتش را مهار کند. این امر پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶، سرعت و گسترش بیشتری گرفت (که گویا به پاک‌سازی‌های گسترده در سازمان‌های اداری نیز انجامیده است). همچنین برخی قوانین محدودکننده نمادهای ظاهراً اسلامی لغو شده است. ولی با رویه تمرکزگرای دولت، نمی‌توان به سادگی سخن از قدرت یافتن نهادهای مدنی گفت. به هر حال، به نظر می‌رسد که بتوان این دوره از سیاست چندحزبی را (که با غلبه حزب عدالت و توسعه همراه بوده) دوره‌ای ویژه در تاریخ ترکیه دید.

در مجموع می‌توان گفت، انگیزه‌های بیرونی، مانند فشارها و تعهدات خارجی در دگرگونی‌های جمهوری ترکیه اهمیت بسیاری داشته و در آنها اقتصاد مهم‌تر از دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند و می‌توان روندی کم‌وبیش پیوسته به سوی اقتصاد آزاد و جهانی را دید. حکومت ترکیه، با وجود برخی سیاست‌های عوام‌پسند، معمولاً در دست نخبگان با سابقه بوده، و گونه‌ای تمرکز دولتی در آن غلبه دارد. جنبش‌های انقلابی در این کشور فراگیر نبوده و اعتراضات مدنی و مبارزات مسلحانه معمولاً نتیجه سودمند مدنی نداشته‌اند، یک مانع مهم در این راه تکرار ارزش‌های جامعه (با توجه به موضع نسبت به اسلام و اقوام) به نظر

می‌رسد، گرچه که گاهی آثار مدنی مثبت هم داشته‌اند (نک. Gocek, 2011: 47). با این وجود حرکتی آونگی میان امنیت و آزادی در ترکیه گزارش شده (همان: ۴۹) که گاه با مداخله نظامیان (نک. اخباری، ۱۳۸۳: ۲۹۰) و گاه با فشار خارجی (به‌ویژه اتحادیه اروپا) همراه بوده است. اختلاف توسعه شرق و غرب ترکیه هم مورد اشاره منابع زیادی بوده است. برخی حتی تنش‌های بخش‌های کردنشین را حاصل همین اختلاف می‌دانند (Gocek, 2011: 41). بنابه منبعی قدیمی‌تر، شرق و جنوب‌شرق کمترین سهم از درآمد ناخالص ملی و سرمایه‌گذاری دولتی را در آموزش، درمان و اشتغال داشته است (قاسمی، ۱۳۷۴: ۲۰۳). گرچه در دهه هشتاد دولت برای بهبود اقتصادی این منطقه، پروژه جنوب شرق آناتولی، گاپ^۱ را با بودجه ۳۲ میلیاردی و احداث ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه و... با تکیه بر کشاورزی آغاز کرد (اخباری، ۱۳۸۳: ۱۴۶)، ولی یک ارزیابی جدیدتر (Dincsoy, 2010) همچنان عدم هماهنگی توسعه شرق و غرب را نشان می‌دهد. در پایان سال ۲۰۱۰، برآورد شده که ترکیه بیش از ۷۸ میلیون نفر جمعیت داشته (Turkish Statistics Institute, 2016) و گفته شده که حدود ۷۵ درصد جمعیت شهرنشین‌اند (اخباری، ۱۳۸۳).

۴. برنامه‌ریزی و تحولات آن در دوره‌های تاریخی جمهوری ترکیه و اواخر عثمانی: ۴-۱. دوره عثمانی:

مطالعات معاصر شهرهای دوره عثمانی، با توجه به کمبود منابع تاریخی درباره شهرهای قلمرو بالکان و آناتولی، تحت تأثیر شهرهای عربی این پادشاهی و نیز میراث رومی-بیزانسی قرار دارد (Eldem, 1991: 8-9). گرچه می‌توان پذیرفت که شهرها در گستره این

1. GAP

حکومت پهناور تنوع هم داشته‌اند، ولی می‌گویند آنها مانند بیشتر شهرهای اسلامی تاریخ، حائز ویژگی‌های مشترکی، همچون عدم استقلال شهروندی، محله‌های در حال نزاع به‌ویژه در بخش خاورمیانه و حکومت بیگانگان بوده‌اند (همان: ۱). با ضعیف شدن حکومت، شهرها بیشتر تحت تأثیر فعالیت سازندگان شخصی (تجارت و ثروتمندان، احتمالاً به‌ویژه مسیحیانی که موقعیت بهتری در ارتباط با غرب به دست آورده بودند)، گسترش بخش‌های تجاری و البته تأثیرپذیری حکومت از غرب تحول می‌یابند؛ گرچه می‌گویند تا نیمه دوم قرن نوزدهم همچنان هویت عثمانی داشته‌اند (همان).

در دوره تنظیمات (تقریباً نیمه دوم قرن نوزدهم) تا پایان دوره عثمانی برخی کارشناسان برگشته از فرنگ انگاره‌های نوین را در جاهایی از استانبول آزموده و نتایج آن را به دیگر شهرهای پادشاهی نیز گسترده‌اند. در گسترش‌های جدید، الگوی زندگی سفیران غربی تأثیرگذار بوده و همچنین ساختمان‌های جدید، مثل سربازخانه، ایستگاه راه‌آهن و خانه‌های کنار آب و نیز آپارتمان‌سازی (نخستین نمونه در سال ۱۸۸۰) و پارک (بر پایه اصول مدرسه بوزار پاریس) شکل می‌گیرند. از بعد قانونی و سازمانی، در قرن نوزدهم و هم‌زمان با رواج برنامه‌ریزی در غرب فعالیت‌هایی (نه چندان اساسی) برای ترسیم نقشه‌های شهر و ارائه پیشنهادهایی برای ساختار شهر، آماده کردن قوانین روشن‌گر و پایه‌گذاری سازمان‌های لازم انجام گرفت، از جمله لایحه مقررات ساخت‌وساز در حوزه‌های آتش گرفته، که نتیجه مطالعه سندهای همانند آن در اروپا بود و حاصل آن معمولاً ساختار شبکه‌ای داشت. نخستین شهرداری رسمی و سازمان‌یافته در ناحیه شش استانبول تشکیل و قوانین خاصی برای قانونمندی برنامه‌ریزی شهر تدوین شد،

به‌گونه‌ای که ساختمان‌ها با عقب‌نشینی امکان تعریض راه‌ها و تعریف توقفگاه را فراهم می‌کردند. همچنین باید به فعالیت برنامه‌ریزی کارشناسان خارجی -مانند طرح استانبول زیبا از جوزف آنتونی بووراد^۱ سرمعمار پاریس- که معمولاً به‌خاطر نداشتن نگاه کل‌نگر مورد انتقادند، اشاره کرد (Ayataç, 2007: 117-119).

برنامه‌ریزی این دوره همراه با گونه‌ای انفعال در برابر غرب بوده است -البته مواردی چون قوانین ارضی که برای سلطنت مهم بوده‌اند، بر پایه اصول عثمانی تدوین شدند (همان، ۱۱۹ و ۱۲۰). مثلاً به گفته‌الدم (۱۹۹۹: ۲۰۴-۲۰۱) در استانبول بخش‌های تطبیق‌نیافته با نقش جدید فرسوده و با گسترش شهر بافت قدیم مهجور شد و تنها با پیشامدهایی مانند آتش‌سوزی امکان نوسازی می‌یافت. آیاتاچ (۲۰۰۷: ۱۲۰-۱۱۹) نیز از نخستین نمود سکونتگاه‌های غیررسمی -گجه کندو^۲- در آغاز قرن بیستم آگاهی می‌دهد.

۲-۴. دوران کمالیسم:

در این دوران، از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰، با توجه به غرب‌گرایی شدید و گرایش به مدرنیزاسیون سریع و شمار کم کارشناسان بومی همچنان از مشاوره کارشناسان غربی (فرانسوی و آلمانی) در برنامه‌ریزی شهرها بهره گرفته شد (Kacar, 2010). ولی پس از انتقاد به این رویه شهرسازان ترک حمایت شدند (Gedikli, 2004: 87-88). در این دوره نهادهای برنامه‌ریزی در دولت و شهرداری سه شهر بزرگ متمرکز بوده‌اند (که به‌همراه خود رانت نیز داشته است). لطفی کردار، شهردار استانبول و بعدها استاندار استانبول، در ۱۹۴۳ هدف از بازسازی استانبول را باززنده‌سازی بافت قدیمی برای جذب بازدیدکنندگان و مدرن کردن شهر بر پایه اصول معاصر شهرسازی معرفی کرد (Ayataç, 2007: 117).

1. Joseph Antoine Bouvard

2. Gecekondulu ... به معنای ساخته‌شده در شب.

نقل این عبارات شاید عمق تفکر مدرن را نمایان تر سازد:

برای دستیابی به شهر آرزوهایمان در پانصدسالگی استانبول، ۱۹۵۳، ما به باز کردن راهها و خیابانهای نوین، ایجاد پارکها برای تنفس شهر، پاکسازی و منظرسازی نواحی پیرامون بناهای قدیمی، تخریب ویرانههای قدیمی و ساخت باغها، پارکها و تسهیلات ورزشی نوین برای سلامتی مردم نیاز داریم (*Istanbul Belediyesi Yayini, 1943*، نقل در همانجا).

در این دوره الگوهای مسکونی جدید، آپارتمان و شهرهای جدید (باغشهرها)، و حتی روشهای نوین تأمین مالی آنها هم به ترکیه وارد می شود (همان: ۱۲۳ و ۱۲۴)، از بعد قانونی هم نخستین نمود مهم در قانون ساختمان و خیابان، مصوب ۱۹۳۳، پیدا شد (Ceylan, 2010: 73). این اتفاقها با وجود گرایش به مدرنیسم در پی سازماندهی جامعه (ملت) ترکیه در نظام سیاسی نوین آن نیز هست. شاید از این روست که گفته می شود مدرنیزاسیون ترکیه، دست کم در دوره آتاتورک جهت گیری ملی داشته و برنامه ریزی شهری هم هنوز از کیفیتی بومی برخوردار بوده است (Ayataç, 2007: 132).

۳-۴. دوران سیاست چندحزبی (۱۹۵۰-۱۹۸۰)

این دوره بنابه گفته گدیکلی^۱ (۲۰۰۴ و ۲۰۰۹) دوران شهرنشینی سریع است. پس از برقراری اتحاد با غرب در اقتصاد کلان و افزایش کمک و وامهای خارجی پس از جنگ، به ویژه از سوی آمریکا، و افزایش سرمایه گذاری، صنایع (جایگزین واردات و حمایتی) به سرعت رشد می یابند، از جمله در کشاورزی. نتیجه این امر - در کنار روند افزایش جمعیت - مهاجرت از روستاها به سوی شهرها و افزایش اشتغال صنعتی

در آنها و افزایش تقاضا برای خانه در شهرها، رواج آپارتمان سازی و استفاده از وسایل نقلیه موتوری در شهرهاست (Ayataç, 2007: 124). در این دوره سرمایه های بزرگ جذب صنعت می شدند و زمین های شهری همچنان در مقیاس سرمایه های کوچک ریزدانه می ماندند (Ceylan, 2010: 74). همچنین هم زمان هرج و مرج ترافیکی و پیاده راه سازی رخ می نماید (Ayataç, 2007: 125). عدنان مندرس^۲، نخست وزیر ترکیه در دهه پنجاه، می گوید:

راهها (جادهها) و خیابانها با توجه به ضرورتی که برای رفع نیاز ساکنان دارند، بسیار حیاتی اند. به این دلیل است که تقاطعها و میدانهای اصلی، که بیشتر ترافیک را بر دوش دارند، باید از نو تعریف و بازسازی شوند. ما باید میدانهای بزرگ و خوش ترکیب طراحی کنیم و بسازیم و خیابانهای پهن باز کنیم. ما باید با راههای درجه یک به پیشواز از بازدیدکنندگانی که زمینی و هوایی می آیند، برویم و شهر را با مجسمه هایی بیاریم که میراثش را به نمایش گذارند (نقل در Ayataç, 2007: 126).

آیاتاچ در مطالعه روی استانبول (۲۰۰۷) این رویه را شامل طرحهای مخرب بافت و ویژگیهای طبیعی آن شهر دیده، به گونه ای که دیگر فرآیند وام گیری مفاهیم به صورت آگاهانه و گزینشی نبوده، بلکه اجرای موضعی و گونه ای تحمیل آنها به شهر است.

ساختار کنونی قوانین شهرسازی ترکیه (و سازمانهای آن) در این دوره شکل می گیرد (Ceylan, 2010: 73). نخستین برنامه ریزی منطقه ای در ترکیه در سال ۱۹۵۷ و به پیشنهاد سازمان همکاریهای اقتصادی^۳ انجام شد. در همین دوره وزارت ساختمان و بازاسکان^۴

2. Adnan Menderes

3. OECD

4. Ministry of Construction and Resettlement

1. Gedikli

تشکیل و وظایف برنامه‌ریزی از وزارت امور عامه^۱ به آن منتقل شده است و نهاد برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز در آن پایه‌گذاری می‌شود. ولی چندی بعد (پس از کودتا) سازمان دولتی برنامه‌ریزی^۲ به‌عنوان مهم‌ترین نهاد برنامه‌ریزی (تا سال‌های اخیر) تأسیس شد و آغاز به تدوین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کرد (Gedikli, 100: 2004) که اجرایشان از سال ۱۹۶۳ آغاز می‌شود (Ayataç, 2007: 126). دفتر تهیه طرح‌های جامع (وابسته به وزارت امور عامه و احتمالاً بعدها در وزارت ساختمان و باسکان) از اواخر دهه ۶۰ تا دهه ۸۰، به‌گونه‌ای متمرکز در قالب طرح‌های تفصیلی خردگرا انجام وظیفه می‌کند (تا بعدها به شهرداری‌ها واگذار و دوباره در ۲۰۱۱ از آنها ستانده شود)؛ گرچه در پایان این دوره فشارهایی برای تمرکززدایی و افزایش اختیار شهرداری‌ها، که برگزیده مردم بودند، گزارش می‌شود -از جمله از سوی برخی شهرداری‌های سوسیال‌دمکرات- و نیز ایجاد چهارچوب مشارکت به‌شکل محدود در برخی شهرداری‌ها (Gedikli, 91: 2004; Gidekly, 2009: 118).

با آغاز سیاست چندحزبی در ترکیه (در مجلس و شهرداری‌ها) رأی احزاب در شهرها اهمیت یافت و سیاست‌های عوام‌پسند و گروه‌بازی‌های سیاسی در شهر رایج شد، از جمله با تسامح نسبت به تملک غیرقانونی زمین و ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی (گجه کندو) (نک. Keyder, 2005 و Ceylan, 2010: 92) که تا امروز بخش مهمی از شهرهای بزرگ ترکیه را شکل داده‌اند.

۴-۴. برنامه‌ریزی در جمهوری سوم و عصر جهانی شدن ترکیه

شهرسازی این دوره ترکیه را می‌توان دربرگیرنده دو

مرحله دانست (Gedikli, 2009; Kayasü & Yetişkul, 2014). دوره نخست که از دهه ۸۰ آغاز می‌شود، دوره آزادسازی اقتصادی در فضای تک‌حزبی است که در آن با وجود تلاش برای تمرکززدایی، همچنان دولت در سطوح گوناگون برنامه‌ریزی دخالت می‌کرد و قدرت دولت محلی (شهرداری‌های منتخب) چندان افزایش نیافت. قانون اساسی ۸۲ هم باعث تضعیف مشارکت مردمی شد -تا اینکه در سال ۹۵ اصلاح شد (Gedikli, 118, 92-94: 2009). دوره دوم (از سال ۹۰ یا ۲۰۰۰) ناظر به فضایی چندحزبی و افزایش حقوق مدنی است و نیز توجه به معیارهای اتحادیه اروپا از جمله اصلاحات دولت محلی (همان و Kayasü, 2014: 210). ولی این دوره نیز همراه با سیاست گسترده دگرگونی شهری، با نقش‌آفرینی دولت مرکزی برای افزایش منافع (رانت) شهری و افزایش داری‌ها تحت تأثیر نولیبرالیسم است و با وجود تلاش برای قدرت‌یابی دولت‌های محلی، دولت مرکزی همچنان جایگاه قدرت برتر خود را نگاه داشته است (همان: ۲۰۹ و ۲۱۰). به‌شکلی سازگار منبع دیگری هم (Güzey, 2014: 95) اشاره دارد به تأسیس

یازده وزاتخانه جدید و تمرکز برنامه‌ریزی در دولت (در سال‌های جدیدتر)؛ ظاهراً آزادسازی اقتصادی با افزایش اقتدار دولت همراه بوده است.

در دوره آغازین و در راستای تمرکززدایی این تحولات گزارش شده است:

- سازماندهی شهرداری مادرشهرها در دولايه: مادرشهر و ناحیه^۳ (Gedikli, 2004: 92) و افزایش اختیار آنها در سال ۸۴ در قالب قانون شهرداری مادرشهر^۴ (Kayasü & Yetişkul, 2014: 213)، از جمله واگذاری تدوین طرح جامع شهرها به شهرداری‌های برگزیده مردم در سال ۸۵ (Ceylan, 2010: 73)؛

3. Metropolitan, district

4. Metropolitan Municipality

1. Public Works

2. State Planning Organization: SPO

- قوانین عفو (رسمی کردن) سکونتگاه‌های غیررسمی و اجازه برای افزایش طبقات (Gedikli, 2004: 92-94)

- تأسیس اداره توسعه منطقه‌ای جنوب شرق آناتولی در سال ۸۹ (Gedikli, 2009).

ولی هم‌زمان، برخی تغییرات قانونی همچنان امکان اعمال قدرت را برای دولت مرکزی برآورده می‌کرد، از جمله قانونی در ۱۹۸۵ که از دولت محلی برای تدوین اصول و ضوابط محلی در حوزه‌هایی خاص سلب اختیار می‌نمود. این حوزه‌های مستثنا در حقیقت اولویت‌های دولت مرکزی بودند (نواحی مربوط به توسعه گردشگری، نواحی هدف انبوه‌سازی، نواحی هدف خصوصی‌سازی) و امکان بالقوه را برای دخالت آن در همه حوزه‌های برنامه‌ریزی می‌داد. ابزارهای قانونی دیگری هم به‌موقع اجرا گذاشته شد که قدرت را به نهادهای گوناگونی در دولت مرکزی تخصیص می‌داد، از جمله اداره خصوصی‌سازی، وزارت فرهنگ و گردشگری و اداره انبوه‌سازی مسکن. حق توسعه داده‌شده به این نهادها با برنامه و سیاست‌های محلی در تضاد بود و زیرساخت‌های موجود را با افزایش تراکم (ناگهانی) با چالش روبه‌رو می‌ساخت (Kayasü, 2014: 213, 214). اداره انبوه‌سازی بعدها نقش گسترده‌تری پیدا می‌کند.

در دوره دوم و با نامزدی ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا، در دهه آغازین هزاره سوم، تلاش‌هایی برای هماهنگی سیاست‌ها و نهادهای ترکیه با آن اتحادیه (به‌ویژه در برنامه‌ریزی منطقه‌ای) انجام شد (Kayasü & Yetişkul, 2014: 214). در برنامه توسعه ششم (۹۴-۱۹۹۰) بنا بر آن شد که سیاست‌های منطقه‌ای با توجه به سیاست‌های مشابه در جامعه اروپایی تعیین شوند؛ دسته‌بندی مناطق گوناگون کشور

ترکیه هم در قالب هماهنگی با اتحادیه اروپا تعریف شد و همچنین در چهارچوب برنامه‌های توسعه منطقه‌ای اتحادیه اروپا (در سایه جهانی شدن و منطقه‌گرایی نوین) عاملیت‌های توسعه محلی^۱ تصویب شدند (Gedikli, 2004: 105, 124, 130). این عاملیت‌ها دفاتر منطقه‌ای سازمان برنامه‌ریزی دولتی بودند و گرچه در آغاز، برنامه‌ریزی از سوی سازمان برنامه‌ریزی و با مشارکت دفاتر منطقه‌ای انجام می‌شد، پس از ۲۰۱۱ به آنها واگذار شد (Karakayaci, 2015: 587, 590). از هفتمین برنامه توسعه (۱۹۹۶-۲۰۰۰) به بعد، برای هماهنگی با روندهای جهانی بر رویکرد راهبردی در برنامه‌ریزی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تأکید شد (در عمل محدود، ولی در حال گسترش است) (Gedikli, 2004: 97).

در برنامه هشتم (۲۰۰۴-۲۰۰۰) برنامه توسعه استانی^۲ به‌عنوان گونه‌ای راهبردی تصویب می‌شود که مسئولیت (تهیه و اجرای) آن با مدیران (دولت) استانی است (Gedikli, 2004: 97; Gedikli, 2009: 122). تعریف این برنامه انگیزه‌های خارجی و درونی داشته است: در بعد خارجی توجه به پایداری، بهره‌گیری از فناوری جهانی برای رفاه، افزایش مزیت رقابتی (در استان‌ها)، مشارکت برای رسیدن به مردم‌سالاری منطقه‌ای، چندبعدی بودن، در حوزه ملی تبدیل استان‌ها به واحدهای کارآمد اقتصادی برای توسعه ملی، افزایش سرعت توسعه با بهره‌گیری از توانمندی‌ها، کاهش تضاد میان استان‌ها و منطقه‌ها (Gedikli, 2004: 133-134). ولی کاراکایاچی (۲۰۱۵: ۵۹۰) گزارش داده است که برنامه‌های استانی مبنای قانونی و تکالیف مشخصی ندارند.

1. regional development agencies: DAs
2. provincial development plan

در پرونده اصلاح ادارات محلی^۱ سه قانون برای شهرداری‌ها، شهرداری کلانشهرها و ادارات استانی ویژه تصویب شد که هدف آن شتاب دادن به تمرکززدایی قدرت به دولت‌های محلی بود. از جمله این تغییرات قدرت‌یابی شوراها برای تصمیم‌گیری و اجرا بدون تصویب دولت مرکزی، منعطف شدن ساختار نهادی شهرداری‌ها (برای تطبیق با برنامه‌ریزی راهبردی) و استقلال در بودجه‌ریزی و روش‌های تأمین اعتبار بود. مشارکت فعال جامعه مدنی در فرآیندهای تصمیم‌گیری نیز ارتقا یافت (Kayasü & Yetişkul, 2014: 214, 215). در قانون اداره ویژه استانی (سال ۲۰۰۵) استقلال اداری و مالی استان‌ها تعریف شد (Kayasü & Yetişkul, 2014: 214). برنامه توسعه استانی نیز گویا در قالب همین قانون تبدیل به برنامه راهبردی استانی شد (Gedikli, 2009: 118) و مسئولیت آن به اداره ویژه استانی مرکب از انجمن برگزیده مردم و مسئولان انتصابی دولت واگذار شد (Gedikli, 2004: 122) و برنامه کاربری زمین استانی (گویا به جای برنامه‌ای قدیمی‌تر) تعریف شد (Gedikli, 2009: 119) که هدفش احتمالاً پیوند برنامه‌های راهبردی اقتصادی با برنامه‌های فضایی-کالبدی به‌عنوان سند بالادستی طرح‌های جامع محلی (شهری) بود. این برنامه اکنون از سوی وزارت محیط و شهرسازی با روش‌های متعارف و اثباتی و با رویکرد تعیین کاربری زمین تهیه می‌شود (Karakayaci, 2015: 587, 590) (پیش‌تر در اختیار نهادهای محلی بوده است، نک. جدول شماره (۲)). همچنین مشارکت، که گفتیم زمینه آن در اصلاحات قانون اساسی در سال ۹۵ ایجاد شد، به باور گدیکلی (۲۰۰۹: ۱۱۸) در این دوران پایانی پایگاه مستحکمی

1. Local administration Reform Package

یافت و حکمروایی در برخی حوزه‌های محلی (احتمالاً شهر و ناحیه شهری) عملی شد. این امر به‌ویژه با توجه به شرکت در همایش‌های ایستادگی و پذیرش اصول آن در ریو و برگزاری هیاتتات دو در استانبول مورد تأکید قرار گرفته است؛ چراکه پس از همایش دوم دستور کار محلی ۲۱^۲ در نه شهر به‌گونه‌ای آزمایشی پیاده و سپس به پنجاه شهر گسترده شد (هم‌زمان با برپایی نهادهایی غیردولتی برای پیشبرد آن)؛ هشت برنامه توسعه استانی نیز ارائه شد (گدیکلی، ۲۰۰۹: ۱۱۸) در سال ۲۰۱۲، مسئولیت برنامه‌ریزی اداره‌های ویژه استانی به شهرداری مادرشهرهای مرکزی و شهرهای مرکز استان) انتقال یافت (شاید به‌خاطر ضعف این اداره‌ها در برنامه‌ریزی و یا برای تبعیت استان‌ها از برنامه شهرها) و برنامه‌ریزی راهبردی و بودجه‌ریزی براساس عملکرد برای دولت‌های محلی (در سطح شهرداری‌ها) اجباری شد. مشارکت دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌های حرفه‌ای در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی راهبردی نیز ابلاغ شد (Kayasü & Yetişkul, 2014: 215).

ولی واقعیت‌های اجرایی تصویری متفاوت را پیش‌روی می‌نهند. نئولیبرالیسم در ترکیه، همانند جاهای دیگر، کالایی شدن (از جمله زمین) و خصوصی‌سازی و افزایش مصرف را به‌همراه دارد و شهرها در این موضوعات اهمیت بالایی دارند (نک. Güzey, 2014: 94-95). با آغاز این فرآیند در ترکیه مستغلات به مطمئن‌ترین بخش برای سرمایه‌گذاری تبدیل شد و افزایش تقاضا (ناشسی از افزایش جمعیت شهرنشین، کاربری‌های شهری و طبقه سرمایه‌دار نوظهور و...) به سودآوری آن می‌افزاید (همان) و بدین شکل سرمایه‌های بزرگ به‌جای صنایع به‌سوی زمین‌های

2. Local Agenda 21-LA21

شهری گرایش می‌یابند و قطعه‌های بزرگ-دانه شهری (مجتمع‌های مسکونی، مراکز خرید و...) را شکل می‌دهند (Ceylan, 2010: 74) و چنین است که با آغاز خصوصی‌سازی بخش قابل توجهی از زمین‌های شهری (در مرکز و یا حومه شهر) به بخش خصوصی واگذار می‌شود، به‌ویژه تعاونی‌های مسکن (که مهم‌ترین آنها همان نهاد دولتی مورد اشاره در بالاست) که به زمین‌های ارزان پیرامون شهر گرایش دارند. این در کنار افزایش نسبت مالکیت خودرو و دیگر شرایط، زمینه را برای خزش شهری ایجاد می‌کند. سود افزوده ناشی از قیمت زمین افزون بر دامن زدن به خزش شهری، با استفاده از امکانات (خلأهای) موجود در قانون، باعث تغییرات پی‌درپی برنامه‌های شهری می‌شوند و برنامه‌ریزی ابزاری می‌شود برای جذب سرمایه و پیروی از بازار (Güzey, 2014: 94-96)).

با افزایش درآمد و تغییر سبک زندگی و جذب و یا شکل‌گیری یک طبقه پردرآمد (برای افزایش رقابت‌پذیری شهرها) مجتمع‌های مسکونی محصور در ترکیه رشد می‌یابند و نقاط درونی شهر برای سازگاری با علائق این افراد باززنده‌سازی^۱ می‌شوند و در نتیجه ساکنان کم‌درآمد امکان زندگی در آن را از دست می‌دهند (نک. Güzey, 2014: 94-96). از دیگر سو، با خصوصی شدن زمین‌ها سازوکار اسکان غیررسمی نیز از بین رفت (Keyder, 2005) و ساکنان آن دیگر نه به‌عنوان شهروند، بلکه «غریبه‌های خطرناک» شناخته می‌شوند (Ayataç, 2007: 129).

در زمینه مشارکت و تمرکززدایی، گدیکلی (۲۰۰۴: ۹۶ و ۱۱۵) ضمن یادآوری گسترش نهادهای مدنی ترکیه در دهه ۹۰ نقش آنها را در برابر گروه‌های تجاری و ثروتمند و روابط ویژه‌شان چندان مؤثر

ندانست و یادآوری کرده است که تا پیش از تأیید قانونی فرآیندهای مشارکتی (که گویا نقطه امید است) تقریباً هیچ‌یک از برنامه‌های منطقه‌ای در ترکیه اجرا نشده‌اند؛ وی حتی شکل‌گیری برنامه توسعه استانی را بیشتر برآمده از روابط ترکیه با جهان خارج می‌داند تا نیازهای داخلی. دولت‌های محلی هم که می‌باید در تمرکززدایی تصمیم‌گیری نقش داشته باشند، با پشتیبانی قانونی و منظم دولت، راه را برای باز کردن نواحی پیرامونی به روی بازار مستغلات هموار می‌کنند (Güzey, 2014: 94). همچنین در سال ۲۰۱۱ همه اختیارات برنامه‌ریزی شهرها به وزارت محیط و برنامه‌ریزی منتقل شده (همان: ۹۴ و ۹۵) (البته می‌توان آن را تلاش دولت برای مهار سودجویی‌های محلی نیز ارزیابی کرد). از سوی دیگر، به گفته کاپاسو و یتیشکول (2014: 215) نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های عمومی نیز به دولت مرکزی واگذار شد که امکان دور زدن تصمیم‌گیری‌های محلی را فراهم می‌کرد.

با هم‌پوشانی میان دولت‌های محلی و مرکزی، پیوستگی سیاست‌های محلی، غالباً با عنوان اولویت‌های ضروری (گردشگری، خصوصی‌سازی و...)، نادیده گرفته می‌شود. یکی از مهم‌ترین آنها در سال‌های اخیر (که مورد انتقاد بسیاری از منابع بوده) مرجع انبوه‌سازی^۲ است که پس از تغییرات قانونی در سیاست‌گذاری شهری -برای آماده کردن نقشه‌ها پس از مالکیت آن، برنامه‌ریزی و فروش زمین‌های عمومی به هدف ساخت‌وساز در زمین شهری و تأمین مسکن - قدرت زیادی یافته است. اختیارات دفتر پیشین زمین (شهری) به آن واگذار شده است و نیز می‌تواند به‌عنوان یک شرکت خصوصی به تأسیس شرکت و یا شراکت با دیگران پردازد. گرچه این نهاد در آغاز با هدف تأمین

1. gentrification

2. Mass Housing Authority (TOKİ)

مشارکتی و پاسخگو شده‌اند، ولی هنوز از نظر استقلال مالی و شکل‌گیری اتحادیه‌ها با منشور اتحادیه اروپا هماهنگ نیستند. گزارش کمیسیون اروپا درباره پیشرفت ترکیه نیز، در سال ۲۰۱۲، نشان می‌دهد که در تلاش برای تمرکززدایی به دولت‌های محلی پیشرفت محدودی انجام شده است. بنابراین نتیجه گرفته شده که سیاست‌های نئولیبرال این دوره، چندان به بهبود حکمروایی منتج نشده است (همان: ۲۱۵ و ۲۱۶). البته بدیهی است که وضعیت در همه‌جا چنین نباشد؛ برای نمونه، گدیکلی (۲۰۰۴ و ۲۰۰۹) گزارشی از فعالیتی مشارکتی با موفقیت نسبی در استانی کم‌درآمد (شانلی اورفه)^۲ ارائه داده که در چهارچوب قوانین جدید توسعه (راهبردی) استانی رخ داده است. همچنین گزارش‌هایی از فعالیت‌های مشارکتی و غیرانتفاعی در سطح شهرها و شهرک‌ها منتشر شده است. آیا تاچ (۲۰۰۷) نیز در کنار اشاره به عوارض مورد اشاره یادآور شده که در راستای هماهنگی با اتحادیه اروپا مواردی، چون تلاش برای کاهش سرعت گسترش پهنای شهر، آماده شدن برای زلزله، پشتیبانی از کاربرد فناوری‌های نوین ارتباطی، گسترده شدن اصول دگرگونی پایدار شهر نیز در استانبول در نظر گرفته شده است. در راستای توصیه‌های اتحادیه اروپا برای دگرگونی‌های فضایی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (افزون بر حمل‌ونقل و امنیت) پروژه‌های آزمایشی در برخی نقاط (شهر) با پشتیبانی یونسکو و بانک جهانی در حال انجام گزارش شده است. همچنین به سرمایه‌گذاری بانک جهانی در زمینه برنامه جامع زلزله و حمل‌ونقل شهری و نیز افزایش تعداد گروه‌های غیردولتی و رواج مفهوم مشارکت همگانی اشاره شده است.

سرنپناه برای کم‌درآمدها تأسیس شد، ولی اکنون منافع زمین‌های گران‌قیمت را برای استفاده دولت مرکزی یا بخش خصوصی هموار می‌کند و به بزرگ‌ترین پیمانکار کشور و مؤثرترین عامل سیاست‌های نولیبیرال تبدیل شده است. این امور کم‌کم بازتاب خود را در تغییر ساختار قدرت و در نتیجه سیاست‌ها و قوانین به‌شکلی نشان داده که سازمان یادشده را در برابر دولت محلی و تصمیماتش قدرتمندتر می‌سازد. پروژه‌هایی با عنوان پروژه‌های تحول شهری^۱ با اهدافی چون تبدیل سکونتگاه‌های غیررسمی (گجه‌کندها) به مسکن‌های رسمی که معمولاً توسط این نهاد انجام می‌شد، اکنون بیشتر به حومه شهرها متمایل شده است. اکنون بر طبق قانونی که در اصل برای بازسازی و نوسازی نواحی حفاظت‌شده تاریخی و فرهنگی شهرها وضع شده بود، بهانه انجام پروژه‌های تحول شهری (توسط شهرداری‌ها و مدیریت‌های ویژه استانی) در مراکز شهرها نیز به دست آمده و خود تهدیدی برای اصالت تاریخی این نواحی شده است (Kayastı & Yetişkul, 2014: 216, 217).

گرچه تغییرات قانونی این دوره امکان رسیدن به گونه‌ای از حکمروایی را ایجاد کرده بود، ولی ثابت شد که با وجود پیشینه قدرتمند مدیریت متمرکز شهری، هدفی دوردست است. دولت‌های محلی هنوز در بخش بزرگی از درآمد خود وابسته به دولت مرکزی‌اند. همچنین شوراها شهر، که هدفشان تشویق مشارکت مردم در دولت محلی بوده، تنها در شمار محدودی از شهرها موفق عمل کرده است. مشارکت و همکاری در قالب اتحادیه‌ها (ی شهری) نیز کاملاً انجام نشده و آنها را تنها می‌توان تلاش‌های آغازین دانست. باوجود آنکه، دولت‌های محلی نسبتاً قدرتمند،

2. Şanlıurfa

1. urban transformation projects

جدول شماره (۱): تأثیرات خارجی مهم در برنامه‌ریزی ترکیه (Ayataç, 2007: 117)

دوره	مهم‌ترین منبع تأثیرات	انگاره‌ها و اقدام‌های کلیدی
نیمه دوم قرن ۱۹ - تنظیمات	بریتانیا و فرانسه	قوانین، اصول برنامه‌ریزی و طراحی
نخستین سال‌های جمهوری ترکیه و دهه ۵۰	دوره ملی‌سازی؛ کارشناسان فرانسوی و آلمانی	مدیریت و سازماندهی
۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰	ایالات متحده	تردد سواره و شبکه جاده‌ها
پس از ۱۹۸۰	ارزش‌های جهانی - جهانی شدن اقتصادی	سبک‌های معماری و شهری
قرن ۲۱	هماهنگ‌سازی اتحادیه اروپا	معیارهای کپنهاگ؛ شرایط هماهنگ‌سازی

۵-۴. جمع‌بندی از تحولات برنامه‌ریزی: مشکلات

برنامه‌ریزی در ترکیه

گرچه روند تحولات برنامه‌ریزی در ترکیه به نظر اشتراک‌های قابل توجهی با دیگر کشورهای در حال توسعه (از جمله کشورهای خاورمیانه) دارد، به نظر آیاتاچ (۲۰۰۷: ۱۳۱) این شباهت‌ها بیشتر در وابستگی اقتصادی قابل مشاهده است. ولی به نظر می‌رسد تأثیرپذیری قوانین ترکیه از نظام برنامه‌ریزی و راهبردهای غرب، بسیار قابل توجه بوده و با گذشت زمان این تأثیرپذیری (به‌خاطر شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای و جهانی و...) بیشتر هم شده باشد، به‌ویژه در برنامه‌ریزی منطقه‌ای (نک. Ayataç, 2007: 133-134) و ملی. آیاتاچ (همان: ۱۱۷) این تحولات و منبع تأثیرگیری را براساس دوره‌های تاریخی یادشده منظم کرده است:

ولی این تحول تقریباً شفاف قانونی، که درباره آن در منابع گوناگون اتفاق نظر نسبی وجود دارد، همان‌گونه که مرور شد، نشان‌دهنده تحولات عمیق اجتماعی نیست. به گفته کیلینچ^۱ و همکاران (۲۰۱۲: ۴۶) با وجود شباهت در سازمان و چهارچوب‌های قانونی شهرسازی میان ترکیه و سیستم‌های سنتی کشورهای اروپایی، تفاوت‌های مهمی در بسترهای سیاسی و

گرایش‌ها و ارزش‌های ابتدایی مربوط به مداخله دولت با آن سیستم‌های سنتی یا معاصر آن کشورها وجود دارد. بنابه نظر گدیکیلی (۲۰۰۴: ۹۸) نظام اداری متمرکز و قدرتمند بازمانده از دوره عثمانی، همچنان در ترکیه پابرجاست. برنامه‌ریزی شهری ترکیه همیشه حول دولت مرکزی می‌گشته است و چهارچوب‌های نهادی و قانونی تنها ابزارهای عملیاتی را برای رویکردهای غالب مداخله‌گر فراهم می‌کنند. در یک کلام، شهرها معمولاً زمینه بازتوزیع منافع شهری را در بستر سازوکار درهم‌تنیده قدرت فراهم می‌آورند. مرکزیت قدرت در سیاست‌گذاری شهری هم مؤید تمرکز دوباره قدرت در دوران نولیبیرال است (Kayasü & Yetişkul, 2014: 218). به نظر می‌رسد سیاست و اقتصاد بیشتر از جامعه و بسیار بیشتر از فرهنگ در این نظام برنامه‌ریزی تأثیرگذار باشند. منابع گوناگونی به رابطه‌سالاری و مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی در برنامه‌ریزی و ایجاد تغییرات در آن و به‌ویژه در رویارویی با مسکن غیررسمی اشاره داشته‌اند (Kilinc et al., 2012; Keyder, 2005; Gedikly, 2004). حتی گفته شده برخی منابع درآمدی شهرداری‌ها نیز، که از دولت مرکزی داده می‌شود، به‌سوی شهرداری‌های هم‌سو با دولت هدایت می‌شوند (مرتضوی، ۲۰۰۰).

به‌عنوان دلیلی بر عدم شکل‌گیری همکاری غیرهرمی،

1. Kilinc

کاراکایاچی (۲۰۱۵: ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۲) خلأ قوانین هماهنگ‌کننده میان نقش‌های متعدد کنونی را گوشزد کرده است: استاندار^۱ و اداره ویژه استانی^۲ مسئول برنامه‌ریزی راهبردی (استانی) اند، وزارت توسعه و نهادهای توسعه (منطقه‌ای) - که پس از الحاق سازمان برنامه‌ریزی دولتی به وزارت توسعه در ۲۰۱۱، زیرمجموعه آن وزارت‌خانه شده‌اند- مسئول تهیه برنامه‌های منطقه‌ای اند، مدیرعامل برنامه‌ریزی فضایی وزارت محیط و شهرسازی نیز مسئول برنامه‌ریزی فضایی (استانی و شهری) است (ازسوی دیگر برخی از نهادهای توسعه محلی (معمولاً مربوط به دهه ۸۰) هم ممکن است به موازات، برنامه‌هایی ازسوی خود برای حوزه تحت مسئولیتشان تهیه کنند). با وجود تأکید بر منطقه‌گرایی جدید (سازگار با اتحادیه اروپا)، مقدمات مربوط به ساختار نهادی مسئول تحقق برنامه‌ها در نظر گرفته نشده و پیوندهای لازم میان فضا و ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی فراهم نشده است. به گفته وی میان سه دسته برنامه منطقه‌ای یادشده پیوند راهبردی وجود ندارد و دلیل آن بازتاب سریع اصلاحات ساختار اداری (متأثر از اتحادیه اروپا) در برنامه‌ریزی بوده است. در جایی دیگر هم به عدم وجود ارتباط هر می و یا همکاری قانونی میان سه رده مدیریت ملی، استانی و محلی (شهری و روستایی) اشاره شده است (Dincsoy, 2010: 15). از آنجا که از نظر حرفه‌ای دولت‌های محلی، شهرداری‌ها و بخش‌هایی از دولت مرکزی، که مرتبط با برنامه‌ریزی و توسعه فضایی اند، دیدگاه راهبردی پیدا نکرده‌اند و از تمکن مالی مهیا برای دولت‌های محلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا برخوردار نیستند، تقاضایی هم برای به‌کارگیری برنامه‌ریز حرفه‌ای ندارند و الزام آنها به تهیه برنامه‌های

1. Provincial Governor
2. Provincial Special Administration

منطقه‌ای نیز به برنامه‌های کاربری اراضی در مقیاس بالاتر منجر شده است (Erkut, 2008:ii). گدیکیلی (۲۰۰۴: ۹۸) نیز به این اشاره دارد که ترکیه یک نظام مشارکتی نهادینه شده ندارد، گرچه مشارکت (مردمی) در دهه ۹۰ آشکارتر شده است.

دلیل دیگر عدم موفقیت برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی را عدم وجود پیش‌نیازهای فرهنگی، علمی و سازمانی دانسته‌اند. کاراکایاچی (۲۰۱۵: ۲-۵۹۱) به مشکلات مناطق کم‌بهره از «سرمایه اجتماعی و بشری و انسانی» در تدوین راهبردها اشاره و به‌ویژه یادآوری می‌کند که در برخی از این جاها که سرمایه اجتماعی پیوندی (دوستی، خانوداگی و خویشاوندی) بالاست، به‌خاطر حساسیت‌های منطقه‌ای موجود (و رقابت‌های محلی) معمولاً به تصمیم‌گیری راهبردی براساس این مسائل محلی (تا فرضیات علمی) روی خوشی نشان داده نشده است. گویا برنامه‌ریزان ترجیح می‌دهند به‌جای درگیر شدن در روابط پیچیده محلی و واشکافی تنش‌ها و همکاری‌های موجود، زمینه را یک پدیده ناشناخته در نظر بگیرند و وارد تنش‌هایی که احتمالاً بیشتر عاطفی اند نشوند. درحالی که به گفته همان منبع گزارشی دولتی از فعالیت عملیتهای توسعه منطقه‌ای ضمن تأیید این گفته بر لزوم توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای در سیاست‌ها و نیز کشف الگوی مناسب عملیتهای توسعه منطقه‌ای داشته است. ولی این کشف نیازمند پژوهش و به گفته کایاسو و یتیشکول (۲۰۱۴) «ابزارهای برنامه‌ریزی خلاق» است، مسئله دیگری که ارکوت (۲۰۰۸) به آن پرداخته است.

به گفته وی (2008: iv) آموزش شهرسازی در ترکیه تحت تأثیر الگوهای مرسوم برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و بنابراین متمرکز بر معماری/طراحی شهری و مقولات وابسته به برنامه‌ریزی کاربری اراضی است و

جدول شماره (۲): سلسله مراتب برنامه ریزی های رسمی در ترکیه

نوع برنامه	نهاد مسئول	توضیحات
برنامه های توسعه پنج ساله؛ در مقیاس ملی	سازمان برنامه ریزی دولتی (اکنون زیرمجموعه وزارت توسعه)	- در سال های نزدیک تر این برنامه ها از نظر زمانی با اتحادیه اروپا هماهنگ شده اند.
برنامه های منطقه ای (با رویکرد اقتصادی)	- سازمان برنامه ریزی دولتی و عملیات های منطقه ای ۲۶ گانه اش - اداره توسعه منطقه ای جنوب شرق آناتولی (در همان منطقه)؛ همچنین گزارش می شود که برخی دفاتر توسعه منطقه ای دیگر (تأسیس شده در دهه های پیش) ممکن است برنامه های موازی داشته باشند.	- برای هماهنگی با برنامه ریزی اتحادیه اروپا و در سطح دو تقسیم بندی (فراتر از استان) تدوین می شود. - اداره توسعه منطقه ای جنوب شرق آناتولی در سال ۸۹ تأسیس شده است.
برنامه های استانی کاربری زمین	از ۲۰۱۱، وزارت محیط و شهرسازی مسئول تهیه برنامه های فضایی-کالبدی شده است (پیش تر شهرداری شهرهای بزرگ (در مادرشهرها)؛ اداره ویژه استانی و شهرداری شهرهای مرکزی در دیگر شهرها)	- اداره ویژه استانی دربرگیرنده اعضای برگزیده و اعضای انتصابی دولت است. - شهرداری ها برگزیده مردم اند.
برنامه های زیرمنطقه ای (ناحیه ای) کاربری زمین	وزارت محیط (زیست) و جنگل ها	در این مورد اطلاعاتی در منابع دیگر مشاهده نشد، احتمالاً مربوط به شهرسازی نباشد.
برنامه راهبردی استانی	اداره ویژه استانی (در مادرشهرها، شهرداری مادرشهر مسئول تهیه آن است).	- به نظر، جایگزین برنامه توسعه استانی - گفته شده مبنای قانونی مشخصی ندارد و مشکلاتی در اجرا دارد.
برنامه راهبردی شهرداری (در شهرهای با بیش از سی هزار نفر جمعیت)	از ۲۰۱۱، وزارت محیط و شهرسازی (پیش تر شهرداری)	منابع در این باره چندان نوشته بودند.
برنامه توسعه شهری	از ۲۰۱۱، وزارت محیط و شهرسازی (پیش تر شهرداری ها)	- گویا برنامه غالب شهرسازی است. - تنها در منطقه جنوب شرق آناتولی توسط اداره توسعه انجام می شود.

برگرفته از (Gidekli, 2004: 119) (اطلاعات تکمیلی از جاهای دیگر متن افزوده شده است).

عمومی تر) در دسترس همگان قرار دهند تا عملکرد بهتر شوراهای شهر و نهادهای غیردولتی را تسهیل کنند. او به ویژه به اهمیت (پرورش) کنشگران کلیدی در جامعه اشاره دارد و نبود آنها را مانعی برای (شناخت و) تبدیل دانش ضمنی (عملی) جامعه به دانش مفید برای برنامه ریزی راهبردی دانسته است؛ در مورد حرفه هم باید تلاش کرد تا رویکردی میان رشته ای تر در برنامه ریزی راهبردی بیابد. با وجود پیشرفت مهم در سطح ملی، او تحول در سطح برنامه ریزی منطقه ای و شهری را ناکافی، ولی تغییر رویکرد به سوی دولت محلی را فرصتی برای ایجاد روابط افقی، و شورای

حتی هماهنگی با دیدگاه توسعه فضایی اروپا به دستور کار پژوهشی ترکیه - که معمولاً در دانشگاه انجام شده و پژوهش شهری و منطقه ای آن معمولاً تک رشته ای است - راه نبرده و باور دارد که برای پیوستن به یک سامانه شهری و منطقه ای مولد و رقابتی در اروپا، باید در چرخه پژوهش، آموزش و عرضه و تقاضا برای خدمات حرفه ای مداخله کرد. دانشگاه ها برای اینکه بتوانند نقش مؤثرتری در برابر حرفه و جامعه بازی کنند هم باید به پشتیبانی از برنامه ریزی راهبردی فضایی و برنامه ریزان حرفه ای و مدیران مشغول در این زمینه ها بپردازند و هم تلاش کنند دانش بیشتری را (به زبانی

شهر را نیز امکانی برای مشارکت کنشگران محلی در حکمروایی و برنامه‌ریزی راهبردی دانسته است. مراتب سند‌های برنامه‌ریزی ترکیه در جدول شماره (۲) معرفی شده است.

۶-۴. جایگاه شهرسازی در نظام برنامه‌ریزی ترکیه

در جدول شماره (۲) توجه این مقاله به سند برنامه توسعه شهری است که براساس اصلاحات قانونی سال ۸۵ توسط شهرداری‌ها تدوین می‌شده (Ceylan, 2010: 73)، ولی پس از ۲۰۱۱ به وزارتخانه محیط و برنامه‌ریزی واگذار شده است (Güzey, 2014: 95). بنابه گزارش سیلان (۲۰۱۰: ۷۸-۷۳) ماهیت این سند با وجود اصلاحات قانونی همچنان طراحی (جامع) شهر باقی مانده است و به گونه کمی و بر پایه تولید قطعه زمین‌های شهری و دادن مجوز ساخت (تراکم) در محدوده آنها شکل می‌گیرد تا براساس زمینه و ساخت محیط پیرامونی. همچنین با وجود برنامه‌ریزی منطقه‌ای، در عمل، توسعه شهری در سطح شهرداری و بدون چهارچوب راهبردی فرادست تدوین می‌شود. این برنامه‌ریزی در دو سطح انجام می‌گیرد، طرح جامع^۱ با مقیاس نقشه‌ای (۱/۵۰۰۰) و طرح اجرایی^۲ با مقیاس نقشه‌ای ۱/۱۰۰۰ که براساس تصمیم‌های طرح جامع و تدقیق تصمیم‌های فرادست تدوین می‌شود. این دو در قالب چهار سند خروجی (سازوکار کنترل) نمود می‌یابند:

۱- طرح جامع: که هدف آن کنترل فرم کلی شهر بوده و در کل دربرگیرنده دو تصمیم اصلی است: توزیع تراکم جمعیتی و توزیع عملکردها در قالب پهنه‌های کاربری اراضی - در کل تخصیص اراضی.

۲- طرح اجرایی: ابزار اصلی پیاده کردن ریخت شهر در ترکیه با توجه به نسبت توده و فضا و شکل‌گیری

فضاهای عمومی و خصوصی و همچنین موظف به تعریف همه جزئیات شکل شهر از جمله: راه‌های سواره و پیاده و تقاطعشان، چیدمان بلوک‌های شهری، کاربری، تراکم و... دانسته شده است. می‌توان آن را همانند طرح تفصیلی در ایران دانست.

۳- طرح انطباق مالکیت زمین^۳ (طرح قطعه‌بندی زمین): ابزار تحقق برنامه‌های اجرایی است با تعیین مرزهای ملکی جدید، در زمین‌های جدید شهری. گرچه انجام این امر بر پایه قانون با تجمیع اراضی ملکی و قطعه‌بندی مجدد باید انجام گیرد، ولی در عمل، بر پایه تبصره‌ای قانونی، قطعه‌بندی اراضی بیشتر متناسب با سهم دارندگان زمین است تا طرح اجرایی. به موازات آن رویه‌های تجمیع و قطعه‌بندی اراضی هم که گاهی با درخواست‌های فراوان به اهداف طرح آسیب می‌زند و نیز تملک اراضی از سوی دولت برای بناهای همگانی و یا مجتمع‌های مسکونی وجود دارد. ۴- آیین‌نامه‌های تکمیلی^۴ به ابهام‌زدایی در جایی که تکلیف معلومی در طرح‌های توسعه ندارد، مانند افزایش قطعات، ضوابط ساختمانی (سطح اشغال، تراکم، نظم ساختمانی، ارتفاع و...) و ضوابط طراحی معماری (حجم و ارتفاع، مصالح و...).

کیلینچ و همکاران (۲۰۱۲: ۵۶-۴۶) از میزان بسیار پایین تحقق طرح جامع و کنترل ضعیف بر توسعه شهری گفته‌اند و باور دارند که برنامه‌ریزی (شهری) در ترکیه دستاورد کمی در ایجاد مجتمع‌های قابل زندگی، برنامه‌ریزی کاربری اراضی مطلوب و ایجاد مساوات و عدالت داشته است. یک دلیل آن وجود رانت شهری یا سود برآمده از افزایش قیمت عنوان‌شده زمین که افزون بر فشار بازار برای تغییر طرح جامع، در دولت‌های عوام‌گرا و شوراها ابزاری برای کسب حمایت سیاسی

3. Land Readjustment Plan

4. Supplementary Bylaws

1. Master Plan

2. Implementation Plan

به‌جای بهره‌گیری در راستای منافع همگانی - شده است. تمرکززدایی حاصل اصلاحات سال هشتاد، راه را برای غلبه نیروهای بازار (در شهرهای گوناگون ترکیه) هموارتر کرده است. دلیل دیگر را ترکیب اعضای شوراها دانسته‌اند که معمولاً افرادی‌اند دارای توان تبلیغات، ولی دانش تخصصی کم - به‌ویژه پس از آزادسازی اقتصادی دهه هشتاد شامل سرمایه‌داران می‌شوند. دلیل بعدی ضعف در مجازات و اعمال قانون و دوگانگی جامعه در برابر اخلاق معرفی شده که دلایلی، چون مستقل بودن فرآیند برنامه‌ریزی از نظارت بر اجرای آن، خلأهای قانونی و تناقض در نظام برنامه‌ریزی و دولت‌های نامستول و ناکارآمد (در کنار ضعف قوانین حامی حقوق اجتماعی، مشارکت، هماهنگی و سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی) و چندقطبی بودن شهروندان که امکان شکل‌گیری جبهه (مردمی) را در برابر فساد نمی‌دهد، برای آن برشمرده شده است. همچنین شهرنشینی سریع، بی‌نظم و تصادفی (گجه کنوا) که گفته می‌شود یکی از مهم‌ترین نیروهای ساخت شهر بوده و همیشه برنامه‌ریزی را دیر هنگام می‌ساخته است^۱. سیاستمداران هم معمولاً به دلایل انتخاباتی کمتر با آن برخورد می‌کردند (به‌جز دوره‌های اولیه که تخریب و به‌جایشان خانه‌های اجتماعی ساخته شد).

بدین ترتیب، در شرایطی که محیط کار شهرسازان دربرگیرنده فشار گروه‌های منفعت‌طلب و مافیایی است، بودجه (بسیاری از) مدیران محلی (شهرداران) کم است و هماهنگی کمی میان مدیران محلی و مرکزی وجود داشته و مدیران و شهرداران، به‌ویژه در شهرهای کوچک‌تر (که شاید کارشناسان خبره‌ای

نباشند)، از برنامه‌ریزان توقع تبعیت دارند، برنامه‌ریزان در دمکراسی ترکیه (و فضای موجود در شوراها و...) کنشگران نامؤثری دانسته می‌شوند (با توجه به همان، صص ۵۵ و ۵۶). در سطح فنی هم گویا برنامه‌ریزی شهری نیز روش‌های طرح‌گونه (جامع) برنامه‌ریزی شهری را فرآیندی یک‌سویه از مقیاس شهر به مقیاس قطعه زمین (و نه تعاملی) دیده که در آن برنامه‌ریزی و اجرا دو مرحله مستقل از هم هستند. ماهیت ایستای طرح جامع مانع از هماهنگی آن با تغییرات پی‌درپی می‌گردد و فشار بازار برای تغییرات در طرح، آن را از کارایی بازمی‌دارد، افزون بر آن که در این برنامه ایستا فضای مناسبی هم برای همکاری میان‌رشته‌ای فراهم نیست (Ceylan, 2010: 84, 86, 89).

این نظام برنامه‌ریزی شهری مستقیماً به طراحی شهری نپرداخته که اصولاً در قوانین ترکیه هم تعریف نشده است. اسناد قانونی شهرسازی ترکیه این ظرفیت را دارند که طراحی را هم کنترل کنند، ولی طراحی شهری در مقیاس ناحیه - در طرح جامع - از طراحی در مقیاس خیابان و بلوک - در مرتبه طرح اجرایی - متمایز است و همچنین طراحی تناسب خیابان و بلوک جدا از تدوین ضوابط ملکی و طراحی بناهاست که در نتیجه آن شکل‌گیری یک طراحی منسجم کالبدی سخت‌تر خواهد شد. همچنین در سند‌های کنونی معمولاً راهنمای طراحی وجود ندارد و بنابراین رابطه میان ساختار نواحی با ویژگی‌های شکلی اجزایش تعریف نشده و یا به‌صورتی مکانیکی و سفت و سخت تعریف می‌شود. در مقیاس دانه‌های شهری هم قطعه‌بندی به نقشه‌برداران واگذار می‌شود، بدون آنکه در برنامه اجرایی هدایت مؤثری برای آنان وجود داشته باشد و همچنین در بیشتر جاها ضوابط طراحانه به معماران ارائه نمی‌شود - بیشتر شهرداری‌ها از ضوابط

۱. برآورد شده که نیمی از جمعیت شهری شهرهای بزرگ ترکیه در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن‌اند (Baharoglu & Leitmann, 1998).

یکسانی در کشور تحت عنوان آیین‌نامه (عمومی) توسعه استاندارد بهره‌می‌برند. در نتیجه عدم استفاده از امکانات موجود در قانون برای تدوین راهنما و ضابطه و هماهنگی در تراکم ساختمانی فضاهای شهری نامناسب، مانند شهرک‌های محصور، شکل می‌گیرند و ساختمان‌های یکنواخت در همه‌جای کشور گسترش می‌یابند (همان: ۸۹-۸۴).

تحلیل: کمبودهای نظری در نظام برنامه‌ریزی ترکیه
با مروری بر چهارچوب نظری آغازین مقاله، می‌توان الگوی جدول شماره (۳) را درباره برنامه‌ریزی (شهری) در ترکیه برقرار دانست. در این جدول اصلاحات اداری و مدیریتی حاصل عضویت در نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه اتحادیه اروپا، یادآور رویکرد اصلاحات اجتماعی است که از بالا و به هدف گسترش اقتصاد، در پی حفاظت از ارزش‌های لیبرال در جامعه و برنامه‌ریزی برای آن است. امری که دست‌کم می‌توان دید در حوزه حقوق شهروندی همراه با رونق اقتصادی پیشرفت نکرده است. همان‌گونه که در منابع گزارش شد، تدوین سند‌های توسعه راهبردی و پیگیری مشارکت بیشتر در مقیاس منطقه‌ای و به‌ویژه استانی پیگیری شده است، درحالی‌که درباره برنامه راهبردی شهرداری‌ها منبعی به دست نیامد. در صورت انجام هم با توجه به تمرکز سازمانی مورد اشاره در ترکیه، به نظر نمی‌رسد بتواند جایگزین مطلوبی فراتر از ظاهر باشد و لزوماً به افزایش مشارکت انجامد.

در این حال، به نظر می‌رسد ساختارهای قدرتمند در بازار و حکومت، همچنان برنامه‌ریزی را ابزاری اداری برای رسمیت دادن به منافع اقتصادی و سیاسی دیده‌اند و به‌گونه‌ای همزیستی با روال غیرمؤثر کنونی دست یافته‌اند و نمی‌توان امید چندانی داشت که از درون این ساختارهای حاکم نیز تلاشی برای اصلاح برنامه‌ریزی

صورت گیرد. در سوی دیگر، گرچه برخی تحرکات گروه‌های کرد را شاید بتوان گونه‌ای از برنامه‌ریزی انقلابی دید، ولی ماهیت قومی (و نه مدنی) نشان ناموفق بودن و بلکه مخرب بودن آن است. شاید نمونه بهتری از بسیج مردمی را بتوان در مبارزات مدنی مردم استانبول برای پیشگیری از تخریب پارک گزی (و تبدیل آن به مرکزی تجاری) دید که در آغاز ماهیتی زیست‌محیطی داشته است (بعدها این حرکت، گویا با مداخله پلیس و دیگر دخالت‌های سیاسی روند دیگری یافت) (تاشتان، ۱۳۹۲). در چنین جنبش‌هایی در برابر ناکارآمدی مدیریت شهری به نظر می‌رسد بتوان حتی بر چندگانگی ارزشی در محیط مدنی و غیرسیاسی شهر چیره شد، همچنان که به نمونه‌هایی از همکاری افراد لائیک و اسلام‌گرا در جریان اعتراض‌های پارک گزی اشاره شده است (نک. مسنن، ۱۳۹۲) و آن را از میدان کشمکش سیاستمداران بیرون آورد و حتی با رسیدن به اجماع در مسائل مشترک شهری به گونه‌ای یکپارچه‌تر به عقلانی شدن برنامه‌ریزی یاری رسانند. چنین امیدی همان‌گونه که فریدمن هم گفته در بهره‌گیری از یادگیری تجربی و اجتماعی است که در گونه چهارم برنامه‌ریزی قرار خواهد گرفت که جای آن در مطالعات مرور خالی است. البته این خلأ نظری شاید تا حدی هم به‌خاطر کم‌اهمیت دادن به یادگیری اجتماعی در منابع برنامه‌ریزی بوده است. این در حالی است که مرور مطالب بندهای پیش‌حاکمی از اهمیت بسیار زیاد این گونه برای بهبود جایگاه و عملکرد برنامه‌ریزی در ترکیه است. در بندهای پیش از مشکل در ارتباط سازمانی، مشکل در کشف الگوی سازمانی متناسب با زمینه‌های بومی، مشکل در ارتباط چرخه‌های آموزشی و پژوهشی با مسائل برنامه‌ریزی، و نیز در یادگیری دانش ضمنی از جامعه، مشکل افراط

جدول شماره (۳): الگوهای عمده برنامه‌ریزی شناسایی شده در ترکیه براساس دسته‌بندی فریدمن (۱۹۸۷)

عامل مؤثر	حوزه‌های متأثر	ویژگی‌های مثبت و منفی
اتحادیه اروپا	برنامه‌ریزی منطقه‌ای و اقتصادی سازمان‌دهی اداری	- تدوین شده بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های بومی یک کشور خاورمیانه (نگاه از بالا)؛ کم‌اثر؛ - دارای مبانی نظری روشن؛ - تأکید بر تمرکززدایی، مشارکت، حکمروایی و حقوق شهروندی.
دولت مرکزی	برنامه‌ریزی فضایی و به‌ویژه شهری	- در خدمت دولت و منافع آن و قدرتمندان و ثروتمندان؛ - عدم استحکام در برابر سودجویی؛ - روزمره و بی‌اثر شدن آن؛ - عدم ارتباط مناسب با نهادهای اجرایی برای تحقق.
گروه‌های مخالف مسلح (در آغاز تحت تأثیر تفکرات مائوئیستی (Gocek, 2011))	زندگی مردم مناطق روستایی کردنشین (بیشتر ناآرامی)	- منجر به آثار جنینی مخرب (کشستار، تخریب روستاها، مهاجرت اجباری)؛ عدم تأثیر در ساختار سیاسی؛ - مورد سوءاستفاده خارجی (Gocek, 2011).
جنبش‌های مدنی	شهرهای بزرگ	- عدم تأثیرگذاری در سیاست‌های دولتی؛ - صلح‌طلبانه و مدنی؛ باعث افزایش تفاهم میان گروه‌های مختلف مردمی در مواردی خاص؛ - نبود مبانی نظری مدون.
-	-	-
یادگیری اجتماعی	-	-

و رویارویی با ایدئولوژی مبتنی بر قدرت پشتیبان آن؛
- چگونگی ارتباط روش‌های شناخت رسمی و غیررسمی در فرآیندی از اقدام تغییرگرا که دربردارنده یادگیری دوسویه است میان آنهایی که دانش نظری دارند و آنهایی که دانششان اصولاً عملی، بسیط و کلامی (تبیین) نشده است؛
- در شرایطی که وظایف خاصی (به‌شکل عملی) لازم به انجام است، برقراری و حفظ روابط کلامی سخت است، چه فنونی برقراری اعتماد و گفت‌وگو را به‌ویژه میان «برنامه‌ریزان» و «مشتریان-کنش‌گران» آسان می‌سازند؟ (ص ۸۲)

در پاسخ به پرسش‌هایی چنین، فنونی از برنامه‌ریزی عمل‌گرا شکل گرفته است که توجه به آنها در ترکیه

در جنبش‌های اعتراضی و مانند آن صحبت شد و اینها مسائلی هستند که پاسخ خود را در حیطه این‌گونه از برنامه‌ریزی می‌توانند بیابند. معرفت‌شناسی مبنای یادگیری اجتماعی، نه عینیت‌گرایی یا ذهنیت‌گرایی، بلکه برساخت‌گرایی^۱ است که تکیه آن بر تفسیر واقعیت‌ها و کشف معانی نوین محلی است. فریدمن (۱۹۸۷) از اهمیت یادگیری دوسویه و برنامه‌ریزی تبادلی - که خود آن را بنیان گذاشته (Friedmann, 1973)، در این‌گونه سخن گفته است. برخی از مسائلی که وی در حیطه این‌گونه طرح کرده، به موضوع برنامه‌ریزی در ترکیه هم مربوط می‌شود:

- چگونگی انگیزش مردم برای تغییر رویه‌های عادی

1. Constructivism

لازم است. گرچه آنها عمدتاً یک فرآیند یادگیری خواهند بود و تصور نمی‌شود که جانشین قوانین و مقررات موجود شوند، میدان دادن به همین یادگیری در عرصه فرهنگ شاید راه‌حل‌هایی کوتاه‌مدت و آثار بلندمدتی بر قانون‌گذاری هم داشته باشد.

در این یادگیری، به مسائل زمینه‌ای متفاوت، مثلاً میان شرق و غرب و یا میان بخش رسمی و غیررسمی، توجه خواهد شد. بخش‌هایی از ترکیه (به‌ویژه در مناطق غربی و احتمالاً حوزه‌های گردشگری که در اقتصاد ترکیه اهمیت زیادی دارند) با نیروهای قدرتمند بازار جهانی روبه‌رویند که بر برنامه‌ریزان و دولت، برای تغییر در برنامه‌ها، فشار زیادی وارد می‌کنند. گرچه در گذشته رویکرد راهبردی در حوزه‌های اقتصادی (منطقه‌ای) در ترکیه نمود یافته است، ولی گویا این تحول در حوزه برنامه‌ریزی شهری چندان مؤثر نبوده است و بدین ترتیب آن را در برابر نیروهای بازار، بدون جدیت قانون، بسیار تغییرپذیر و بی‌اثر کرده است. بنابراین یادگیری اجتماعی در این بخش از ترکیه باید از یک سو مقدمات سازمانی و اجتماعی عملی شدن برنامه‌ریزی راهبردی را فراهم کند و از سوی دیگر، به توانمندی نهادهای اجتماعی در برابر منفعت‌خواهی اقتصادی و سیاسی یاری رساند تا بتواند نقش جامعه مدنی را به‌عنوان بازیگری مؤثر در تدوین راهبردها بیفزاید. یک روش مهم در این راه توانمند و هدفمند کردن جنبش‌های مدنی است، آن هم در جامعه‌ای که بنابه یک پیمایش جهانی میزان اعتماد متقابل مردم در آن بسیار پایین است (Gedikli, 2004: 97) و تناقض‌های اجتماعی مهمی میان جریان‌های دینی و لائیک وجود دارد.^۱

از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از شرق و جنوب شرق ترکیه از درآمد و زیرساخت‌های کمتری برخوردار است و همچنین برای دهه‌ها درگیر تنش‌های داخلی بوده که طی آن روستاهایی متروک و یا در کل نابود شده و جریان‌های مهاجرتی خاصی را در ترکیه ایجاد کرده‌اند (نک. Keyder, 2005 و Ahmad, 2003: 165) که در کنار مهاجرت‌های متعارف، در شهرهای بزرگ و غربی، مشکلاتی دیگر به‌همراه داشته است، از جمله گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی. نباید فراموش کرد که چه در شهرهای کوچک و روستاها (به‌احتمال قوی بیشتر در شرق) شبکه‌ای از روابط محلی و خانوادگی پشتیبان وجود دارد که بنابه برخی منابع مرور شده خود راه‌حل‌هایی برای تأمین زندگی فراهم کرده‌اند، ولی سازمان‌های شهری بخش شرقی تا حال درآمد و قابلیت‌های حرفه‌ای کمتری هم داشته‌اند که این احتمالاً مانعی برای شناخت این قابلیت‌ها و استفاده درست از آنها بوده است و باید رفع شود.

منابع

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۴۸)، امیرکبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی.
۲. اخباری، محمد (۱۳۸۳)، جغرافیای کشورهای همجوار: ترکیه، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳. تاشتان، چشکون (۱۳۹۲)، «مصاحبه با مجله اندیشه پویا»، اندیشه پویا، (۱۳): ۴۱
۴. قاسمی، صابر (۱۳۷۴)، ترکیه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. مرتضوی، مهدی (۱۳۹۲)، مدیریت محلی و حکمروایی شهری؛ با نگاهی به ساختار مدیریت شهری ژاپن، کره جنوبی، ترکیه و فرانسه، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۶. مسنن، آیدین (۱۳۹۲)، «مصاحبه با دانشجویان دکتری در ترکیه (۴)»، اندیشه پویا، شماره (۱۳).

۱. در یک نظرسنجی (احتمالاً نزدیک سال ۲۰۰۰) ۲۲ درصد مردم ترکیه طرف‌دار اسلام سیاسی و ۴۳ درصد مخالفت بوده‌اند (Ahmad, 2003: 181).

- the Success of Participatory Planning Processes; Experience from Turkey, *European Urban and Regional Studies* 16(2): 115- 130.
20. Gocek, Fatma Muge. *Library of Modern Middle East Studies: Transformation of Turkey: Redefining State and Society from the Ottoman Empire to the Modern Era*. London, US: I.B.Tauris, 2011.
21. Güzey, Özlem, 2014, Neoliberal Urbanism Restructuring the City of Ankara: Gated Communities as a New Life Style in a Suburban Settlement, *Cities* 36: 93- 106.
22. *Istanbul Belediyesi Broşürü*, 1943, *Güzelleşen İstanbul [The Beautification of İstanbul]*, İstanbul: İstanbul Belediyesi Yayini.
23. Kacar, Duygu, 2010, Ankara, a Small Town, Transformed to a Nation's Capital, *Journal of Planning History* 9(1): 43- 65
24. Karakayaci, Özer, 2015, Relational and Institutional Approaches to Planning Issues in Turkey, *Megaron*: 10(4): 580- 594.
25. Kayastü, Sarap & Emine Yetişkul, 2014, Evolving Legal and Institutional Frameworks of Neoliberal Urban Policies in Turkey, *METU Journal of the Faculty of Architecture*, 31(2): 209-222.
26. Keyder, Caglar, 2005, Globalization and Social Exclusion in İstanbul, *International Journal of Urban and regional research* 29(1): 124- 134.
27. Kiliç, Gökçen, Hüseyin Özgür & Genç F. Neval, 2012, The Possible Sources of Ethical Issues in Urban/Physical Planning in Turkey, *Turkish Studies* 13(1): 45-65.
28. Özdemir, Aydin; Metin Başal & Fürüzan Aslan, 2010, Participatory Planning at MESA-KORU: Toward a More Sustainable Future, *Archnet-IJAR* 4(1): 42-56.
29. Zurcher, Erik J., 1998, *Turkey: a Modern History*, 7. Ahmad, Feroz, 2003, *Turkey: the Quest for Identity*, Oxford: Oneworld.
8. Almendinger, Philip, 2002, Towards a Post-positivist Typology of Planning Theory, *Journal of Planning Theory* 1(1): 77-99.
9. Ayataç, Hatice, 2007, The International Diffusion of Planning Ideas: The Case of İstanbul, Turkey, *Journal of Planning History* 6(2): 114-137.
10. Baharoglu, Deniz & Josef Leitmann, 1998, Coping strategies for infrastructure: How Turkey's spontaneous settlements operate in the absence of formal rules, *Habitat International*, Volume 22, Issue 2: 115-135.
11. Ceylan Kiziltaş, Aybike, 2010, *Role of Design Control on Urban Form: Çayyolu Ankara*, PhD Dissertation, Ankara: Middle East Technical University.
12. Dewey, John, 1916, *Democracy and Education*, New York, MacMillan.
13. Dincsoy, Enver Erdnic, 2010, *Regional and Sectoral Disparities in Turkey*, Phd Dissertation, Japan: Okayama University.
14. Eldem, Edhem, Daniel Goffman & Bruce Masters, 1999, *The Ottoman city between East and West*, Cambridge: Cambridge University Press .
15. Erkut, Gülden, 2008, *EU Territorial Policy and the Planning Agenda in Turkey*, TPR, 79 (1): i-vi
16. Friedmann, John, 1987, *Planning in the Public Domain; from Knowledge to Action*, Princeton: Princeton University Press.
17. Friedmann, John, 1973, *Re-tracking America: A Theory of Transactive Planning*, New York: Anchor.
18. Gedikly, Bahar, 2004, *The Strategic Spatial Planning and Its Implementation in Turkey: the Şanlıurfa Provincial Development Planning Case*, PhD Thesis, Ankara: Middle east Technical University.
19. Gedikli, Bahar, 2009, *The Role of Leadership in*

London: I. B. Tauris.

30. Turkish Statistical Institution, <http://www.turkstat.gov.tr>, retrived on November, 2016.

31. libguides.csu.edu.au.

سیر دگرگونی و تکامل مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری در گذر زمان بر پایه‌ انگاشت‌های ارتباطات و مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی

داریوش مرادی چادگانی

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

خاطره امیری^۱

دکترای شهرسازی، کارشناس پژوهش، جهاددانشگاهی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹، زمستان ۱۴۰۲، صص ۴۳-۵۸

چکیده

مشارکت شهروندی فرایند تصمیم‌گیری‌های عمومی اثرگذار بر منافع فردی و جمعی است که بخشی از دموکراسی را در چهارچوب رابطه‌ اعطای قدرت بین شهروندان و حکومت قرار می‌دهد. این فرایند، که در برنامه‌ریزی شهری و در جوامع توسعه‌یافته مورد توجه قرار گرفته، نیازمند بستر مناسب ارتباطی است. از طرفی شکل‌گیری آن به میزان تحقق فرایند مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی وابسته است که طی آن افراد و اجتماعات قدرت تأثیرگذاری بر محیط پیرامون خود را پیدا می‌کنند و تمرکززدایی در قدرت را به‌همراه دارد. از این رو، این مقاله با هدف مطالعه و تحلیل چگونگی ارتقای مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری از طریق مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی در بستر ارتباطی فضای مجازی انجام شده است. به‌منظور دستیابی به اهداف مقاله بازبینی متون مرتبط با چهارچوب‌های مشارکت شهروندی، مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی، ارتباطات با به‌کارگیری روش تحلیل متون مدون، بر پایه‌ روش‌های پژوهش تحلیل تفسیری-تاریخی و مقایسه‌ای زمینه‌های مشترک سه انگاشت پایه به‌صورت موازی بر محور زمان ساماندهی شده است. یافته‌های تحلیل‌های به‌کاررفته در این مقاله مبین ارتقای تدریجی مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری در گذر زمان و در جهت دموکراتیک‌تر کردن جوامع است. افزون‌بر این گسترش امکان ارتباطات و افزایش روند تحقق مقتدرسازی اجتماعات محلی در پیشبرد این روند نقش بسزایی داشته است.

واژگان کلیدی: مشارکت شهروندی، ارتباطات، مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی، اجتماعات مجازی، برنامه‌ریزی شهری.

۱. ایمیل نویسنده مسئول: khaterehamiri1402@gmail.com

را در برنامه‌ریزی شهری ارتقا می‌دهد؟ این مقاله بر پایه یک پژوهش بنیادین استوار شده است که با مطالعه و تحلیل چگونگی دگرگونی مشارکت شهروندی در گذر زمان، در چهارچوب تحلیل‌های تاریخی، تفسیری و مقایسه‌ای و بسط ارتقای آن در برنامه‌ریزی شهری در جهت دموکراتیک‌تر کردن جوامع، زمینه‌های استفاده از ابزار فضای مجازی را ردیابی و بازنمایی و روابط علت و معلولی این دگرگونی‌ها را معرفی می‌کند. از آنجاکه دگرگونی حاصل از این سه انگاشت ریشه در دهه ۱۹۵۰ میلادی دارد، بررسی تحلیل یکپارچه سه انگاشت از این دهه آغاز شده است.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش بر پایه روش‌های پژوهش تحلیل تفسیری-تاریخی و مقایسه‌ای است. از نظر زمان گردآوری تاریخی بوده و به تفسیر مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری پرداخته است. داده‌های به‌کارگیری‌شده در این‌گونه از تحلیل‌ها، متون مدون و شواهد تاریخی و از نوع کیفی‌اند که به مقایسه روند تحقق مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری و تأثیر پیشرفت دنیای ارتباطات بر مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی در گذر زمان می‌پردازد و زمینه‌های کیفی مشترک آن‌ها را تحلیل می‌کند. روش پژوهش ساختاری-تاریخی است و با به‌کارگیری روش مطالعه اسنادی (بازبینی متون مرتبط) و تحلیل متن (استخراج نمونه‌های دگرگون‌یافته) داده‌های مناسب و شواهد تاریخی را گردآوری و در جدول زمان^۲ به‌شکلی منظم، سامان‌مند^۳ و زنجیروار به‌سامان می‌کند و در انتها با استفاده از روش تحلیل تطبیقی، سیر دگرگونی مشارکت شهروندی و مقتدرسازی

امروزه پیشرفت ارتباطات و اطلاعات توانسته بر روند زندگی افراد تأثیر بگذارد. فضای مجازی^۱ بستر ارتباطی و اطلاعاتی بسیاری از تعاملات قرار گرفته است و توانسته در برقراری و ارتقای تعاملات بین افراد تأثیر مثبتی داشته باشد. ارتباطات در فضای مجازی پویایی روابط دنیای واقعی را به‌همراه دارد. افزون‌بر این توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات به ایجاد تغییرات مثبت و چالش‌هایی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری منجر شده است. از جمله این تغییرات می‌توان به استفاده از این فضا برای مشارکت شهروندی اشاره کرد. براساس مطالعات انجام‌گرفته فضای مجازی توانسته ارتقای مشارکت شهروندی را همراه با پایداری با عنوان مشارکت الکترونیکی در خود جای دهد. این امر سبب ارتقای سرمایه اجتماعی و تصمیم‌سازی توسط شهروندان می‌شود. تصمیم‌سازی توسط شهروندان منوط به تفویض اختیار به آنان و تحقق فرایند مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی است. فرایند مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی فرایندی است که در طی آن افراد و اجتماعات می‌توانند بر محیط اطراف خود تأثیر بگذارند که این امر مقدمه‌ای بر انجام فرایند مشارکت در اجتماعات شناخته شده است. براین اساس، شهروندان می‌توانند بر محیط زندگی خود مؤثر باشند.

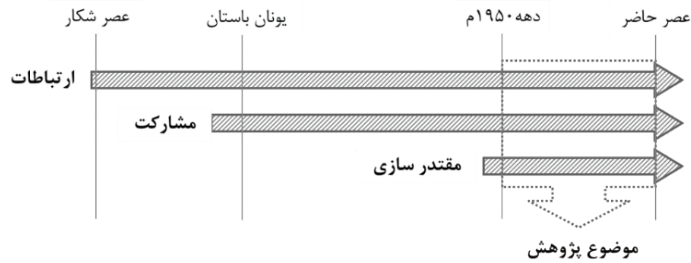
انگیزه‌های برآمده از کاوش در فرایند ارتقای مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری و هم‌سو بودن آن با تعاملات در فضای مجازی و فرایند مقتدرسازی به طراحی و تدبیر پرسش مقاله انجامیده است:

• چگونه فرایند مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی توسط ابزار فضای مجازی مشارکت شهروندی

2. Time table

3. Systematic

1. Virtual space



نمودار شماره (۱): روند انجام پژوهش

ارتباطات غیر کلامی^۲ با ابزارهایی ابتدایی همچون دود و آتش همراه بوده است (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۱۰۰). دوم، عصر نوشتاری (۴۰۰۰ ق.م تا ۱۴۳۶ م): با اختراع حروف الفبای یونان باستان آغاز شد و توانست در برقراری ارتباط سهولت ایجاد کند (پاک‌ضمیر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). سوم، عصر چاپ (۱۴۳۶-۱۸۸۰ م): این دوران را انقلابی در ارتباطات معرفی می‌کند که با انتشار روزنامه و چاپ کتاب همراه می‌شود (مین، ۲۰۱۵: ۲۰۳). چهارم، عصر ارتباطات راه دور (۱۸۸۰-۱۹۵۰ م): امواج ابزار انتقال پیام است، رادیو جهانی می‌شود و رسانه از نظر کمی اوج می‌گیرد (پاک‌ضمیر، ۱۳۷۸: ۲۲۱). پنجم، عصر ارتباطات تعاملی بر مبنای رایانه (۱۹۶۰-۱۹۹۰): در این دوره ارتباطات دوسویه و تعاملی شکل می‌گیرد که کهکشان ارتباطات را به همراه خود دارد (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

ششم، عصر ارتباطات اینترنتی (۱۹۹۰ تاکنون): فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین^۳ به عنوان نقطه عطف بعد از صنعت چاپ در ارتباطات قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل این دوره نام‌هایی، همچون عصر اطلاعات، عصر دیجیتال و عصر اینترنت و انفجار اطلاعات را به خود گرفته است. در این دوره اینترنت به عنوان ابزار ارتباطی

اجتماعات منسجم محلی را تحت تأثیر استفاده از ابزارهای فضای مجازی در یک نمودار نشان می‌دهد.

مبانی نظری

معرفی انگاشت‌ها و سیر دگرگونی آن به منظور دستیابی به اهداف پژوهش در این قسمت، افزون بر تشریح مبانی نظری سه انگاشت ارتباطات، مشارکت شهروندی و مقتدرسازی اجتماعات محلی، سیر دگرگونی آن‌ها نیز به صورت تحلیلی معرفی می‌شود.

ارتباطات^۱: جریان، فرایند یا فرایند تراکنش جابه‌جایی پیام میان دو منبع گیرنده و فرستنده، مشروط بر مشابهت معنی پیام بین دو منبع است که از سه جزء فرستنده، گیرنده و محتوای پیام تشکیل شده است (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۲۳؛ پاک‌ضمیر، ۱۳۷۸: ۲۲۰). این جریان نیاز ابزاری بشر، خود در جهت برطرف‌سازی نیازهای ضروری و روزانه انسان گام برمی‌دارد که اغلب کنش‌های کوتاه‌مدت را شامل می‌شود. ماهیت ارتباطات مبین سابقه طولانی آن است که تغییر در ابزار آن سیر دگرگونی آن را در شش دوره زمانی معرفی می‌کند (افخمی، ۱۳۸۶: ۴۲؛ پاک‌ضمیر، ۱۳۸۷: ۲۱۹). نخست، عصر شفاهی (عصر حجر تا ۴۰۰۰ ق.م):

۱. در گذشته این کلمه معادل communications به معنای ارتباط مبتنی بر به‌کارگیری رسانه‌های جمعی و communication مبین ارتباط چهره‌به‌چهره بود. با گذر زمان تغییر در ارتباطات این دو واژه خصلت جایگزینی یافتند (Adler, 2009: 3).

۲. ارتباطات در دو دسته کلامی و غیر کلامی طبقه‌بندی می‌شوند که ویل دورانت عصر شکار را عصر پیام‌های غیر کلامی می‌داند.

3. ICT=Information, Communication, Technology

به خانه‌ها راه پیدا می‌کند (کوثری، ۱۳۹۶: ۱۲؛ جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

سیر دگرگونی ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد (از ارتباطات سنتی تا ارتباطات مجازی):

ارتباطات در دهه ۱۹۵۰م افزون‌بر نقش انتقال پیام، شاخص در برنامه‌های توسعه و گذار از جامعه سنتی به مدرن معرفی می‌شود، به‌طوری که دانیل لرنر^۱ گذار از جامعه سنتی به مدرن را در وسایل ارتباطی جهت انتقال ایده‌های جدید و مدرن می‌داند. این جهش در ارتباطات و اهمیت آن، الگوی ارتباطی خطی و از بالا به پایین را با هدف رشد اقتصادی و سیاسی و توسعه زیرساخت‌ها مطرح می‌کند (سرواس و پچان، ۲۰۱۸: ۴۲۸؛ مصطفوی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). اگرچه ساختار ارتباطات در دهه ۱۹۶۰ میلادی بر همین روند ادامه پیدا می‌کند، اما نگرش به نقش ارتباطات مورد انتقاد قرار گرفته و محتوای پیام و معنای آن در تأثیرگذاری بر افراد مورد توجه قرار می‌گیرد، چنان‌که فریره^۲ ارتباطات مؤثر را در گفت‌وگوی متقابل و مشارکتی می‌داند (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در دهه ۱۹۷۰ میلادی ارتباطات دوسویه و تعاملی (ارتباطات مشارکتی^۳) مطرح می‌شود. ارتباط مشارکتی، فرایند جریان اطلاعات بین افراد و گروه‌های مرتبط بر پایه ساختار دانش و مهارت با ساختار افقی است که روابط اجتماعی را در جهت منافع جمعی و آگاهی افراد شکل می‌دهد (خانیکی و الوندی، ۱۳۹۱: ۴۰). ادامه این روند در دهه ۱۹۸۰ میلادی بر پایه ساختارهای افقی که به شکل‌گیری و ترویج تعاملات اجتماعی کمک می‌کند، ارتباطات را پشتیبان در برنامه‌های توسعه معرفی می‌کند (ملکات و استیوز، ۱۳۹۶: ۴۰). در دهه ۱۹۹۰ میلادی با ترویج

اینترنت و راه‌یابی آن به منازل، که با معرفی فضای مجازی همراه است، ارتباطات وارد مرحله جدیدی می‌شود و انتشار این رسانه را نسبت به دیگر رسانه‌ها با ضریب بالاتری قرار می‌دهد: Baltzarek, 2015; 12: Palvi et al, 2017: 280). سهولت دسترسی به این فضا و قابلیت‌های آن از جمله کاهش بسیاری از محدودیت‌های زمانی و مکانی نقش بسزایی در حمل‌ونقل، تجارت، فرهنگ، آموزش، تعاملات و در کل روند زندگی افراد داشته است؛ از این رو، سیاست، تجارت و تعاملات وارد مرحله جدیدی می‌شود. تعاملات در فضای مجازی، متمایز از فضای سنتی در زمینه تعاملات غیررسمی، درخواستی، اتفاقی، عمومی است که نشان از ارتقای گره‌های اینترنتی و تغییر در ساختار ارتباطات به صورت شبکه‌ای است. در اوایل قرن بیست و یکم شبکه‌های اجتماعی که به دنبال تحقق اهداف فضای مجازی مبنی بر عرضه اطلاعات و ارتباطات به کاربران با قلمروزدایی بر پایه گسترش ارتباطات بوده است، ترویج پیدا می‌کند. این گونه تعاملات در درون خود ترویج رسانه شهروندی^۴ را نیز در بر دارد که در دهه دوم این قرن در قالب اجتماعات مجازی^۵ ظهور پیدا می‌کند (ردیگرز، ۲۰۰۸: ۴۹۷؛ کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۴۰). اجتماعات مجازی، شبکه الکترونیکی خود تعریف از ارتباطات سازمانی، حول علائق و اهداف مشترک معرفی می‌شود که در پاره‌ای از موارد ایجاد و ارتقای همین ارتباط مورد هدف اجتماعات قرار می‌گیرد و ویژگی آن، تعامل بین افراد اجتماع، مکان ارتباطی و عضویت مستمر است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۰۱؛ بیلی و همکاران^۶، ۲۰۰۸: ۹). با تشکیل اجتماعات مجازی در درون فضاهای ارتباطی

4. Citizen media
5. Virtual community
6. Bailey

1. Daniel Lerner
2. Paulo Freire
3. Participatory Communication

جدول شماره (۱): معرفی سیر دگرگونی ارتباطات مبنی بر شیوه، ساختار، ابزار و ویژگی‌های ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا کنون

دوره	ساختار ارتباطی	شیوه ارتباطات	ابزار ارتباطات	ویژگی‌های ارتباطات
دهه ۱۹۵۰	عمودی	یک‌سویه	روزنامه راديو تلویزیون	شاخص توسعه، ارتباطات یک‌سویه از سمت نهادهای رسمی به سمت جامعه، ارتباطات ابزار ایجاد ظرفیت‌های توسعه اجتماعی
دهه ۱۹۶۰			تلویزیون رنگی	نقد جایگاه ارتباطات در توسعه و دگرگونی براساس ویژگی‌های فرهنگی و شناختی
دهه ۱۹۷۰	افقی	دو سویه	تلفن همراه	ارتباطات مشارکتی از طریق به اشتراک‌گذاری اطلاعات و ابعاد جریان اطلاعات بین افراد و گروه‌ها با تأکید بر گفت‌وگو در ارتباطات
دهه ۱۹۸۰			شبکه تلفن	ارتباطات به‌عنوان پشتیبان و حامی توسعه
دهه ۱۹۹۰	شبکه‌ای	چندسویه	اینترنت خانگی رایانامه	قلمروزدایی در ارتباطات، ترویج فضای مجازی، دگرگونی مفاهیم زمان و مکان در ارتباطات
دهه ۲۰۰۰			شبکه‌های اینترنتی - چت‌روم	ظهور شبکه‌های اجتماعی بر پایه ارتباطات در فضای مجازی
دهه ۲۰۱۰	شبکه‌ای	چندسویه	تلفن همراه هوشمند پلت فرم شبکه‌های اجتماعی	خود سازماندهی ارتباطات در شبکه‌های مجازی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی
دهه ۲۰۲۰	شبکه‌ای	چندسویه	تلفن همراه هوشمند پلت فرم شبکه‌های اجتماعی	خود سازماندهی ارتباطات در شبکه‌های مجازی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی

انرژی در جهت ارتقای ارتباطات و تعاملات افراد با یکدیگر براساس علایق و ویژگی‌های مشترک را، که زمینه‌ساز مشارکت افراد با یکدیگر می‌شود، فراهم می‌کند (خانیکسی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۹). از این رو، بررسی سیر دگرگونی ارتباطات مبنی بر کاهش محدودیت‌های ارتباطی و افزایش قابلیت تعاملات اجتماعی است. این روند مبنی بر شیوه، ساختار، ابزار و ویژگی‌های ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا کنون در جدول زمانی شماره (۱) آمده است.

انرژی در جهت ارتقای ارتباطات و تعاملات افراد با یکدیگر براساس علایق و ویژگی‌های مشترک را، که زمینه‌ساز مشارکت افراد با یکدیگر می‌شود، فراهم می‌کند (خانیکسی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۹). از این رو، بررسی سیر دگرگونی ارتباطات مبنی بر کاهش محدودیت‌های ارتباطی و افزایش قابلیت تعاملات اجتماعی است. این روند مبنی بر شیوه، ساختار، ابزار و ویژگی‌های ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا کنون در جدول زمانی شماره (۱) آمده است.

انرژی در جهت ارتقای ارتباطات و تعاملات افراد با یکدیگر براساس علایق و ویژگی‌های مشترک را، که زمینه‌ساز مشارکت افراد با یکدیگر می‌شود، فراهم می‌کند (خانیکسی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۹). از این رو، بررسی سیر دگرگونی ارتباطات مبنی بر کاهش محدودیت‌های ارتباطی و افزایش قابلیت تعاملات اجتماعی است. این روند مبنی بر شیوه، ساختار، ابزار و ویژگی‌های ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا کنون در جدول زمانی شماره (۱) آمده است.

انرژی در جهت ارتقای ارتباطات و تعاملات افراد با یکدیگر براساس علایق و ویژگی‌های مشترک را، که زمینه‌ساز مشارکت افراد با یکدیگر می‌شود، فراهم می‌کند (خانیکسی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۹). از این رو، بررسی سیر دگرگونی ارتباطات مبنی بر کاهش محدودیت‌های ارتباطی و افزایش قابلیت تعاملات اجتماعی است. این روند مبنی بر شیوه، ساختار، ابزار و ویژگی‌های ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا کنون در جدول زمانی شماره (۱) آمده است.

1. Mcclellan
2. Baum

انرژی در جهت ارتقای ارتباطات و تعاملات افراد با یکدیگر براساس علایق و ویژگی‌های مشترک را، که زمینه‌ساز مشارکت افراد با یکدیگر می‌شود، فراهم می‌کند (خانیکسی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۹). از این رو، بررسی سیر دگرگونی ارتباطات مبنی بر کاهش محدودیت‌های ارتباطی و افزایش قابلیت تعاملات اجتماعی است. این روند مبنی بر شیوه، ساختار، ابزار و ویژگی‌های ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا کنون در جدول زمانی شماره (۱) آمده است.

به‌عنوان قانون‌گذاران و مجریان قانون در تمام مجامع سیاسی می‌دانستند (فاکس، ۱۳۹۱، ۲۹؛ شیپان، ۲۰۱۵: ۸۰). در دورهٔ امپراتوری روم، تسلط و قدرت امپراتوری مورد توجه قرار می‌گیرد و نقش شهروندان و تسلط آنان بر امور شهر کاهش می‌یابد و مشارکت سیاسی بین نخبگان سیاسی و اشراف مشاهده می‌شود (Sheehan, 2015: 85). این روند در قرون وسطی با به دست گرفتن قدرت توسط کلیسا، پادشاه و فنودال در سیر نزولی قرار می‌گیرد و رویکرد خدامحوری، پایه و اساس تصمیمات سیاسی اجتماعی شهر می‌شود (نجاتی-حسینی، ۱۳۹۸: ۲۸). رنسانس آغازگر دورهٔ روشنفکری، با ظهور تفکرات اومانیسیم^۲ و اندیشهٔ ارتقای ارزش‌ها و جایگاه انسانی، نویدبخش واکنش شهروندی برای گرفتن حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی افراد در برابر سیستم‌های حکومتی است که ارتقای جایگاه شهروندی و مشارکت شهروندی را به‌همراه دارد (Sheehan, 2015: 85).

در دوران مدرن وجود اندیشه‌های لیبرالیسم^۳ مبنی بر اصالت فرد و مارکسیسم^۴ مبتنی بر برابری اجتماعی نگاه و اگر بر تمرکززدایی قدرت دارد (اندر هی ود، ۱۳۷۹: ۱۱۷). اوایل قرن بیستم وجود انبوه کارگران و همچنین بحران‌های اقتصادی، رویکردها را بر پایهٔ تمرکزگرایی و اقتدارگرایی مانند فاشیسم^۵ و ناسیونالیسم^۶ در جهت حل مسائل معرفی می‌کند (عالم، ۱۳۸۵: ۱۵۱). بعد از جنگ جهانی دوم دیدگاه‌های مشارکت شهروندی بر پایهٔ اندیشه‌های سیاسی در سطوح مختلف قرار می‌گیرد که بر برنامه‌ریزی شهری مؤثر است.

1. Sheehan
2. Humanism
3. Liberalism
4. Marxism
5. fascism
6. Nationalism

مشارکت شهروندی و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی شهری از دههٔ ۱۹۵۰ میلادی تاکنون:

بعد از جنگ جهانی دوم با پدید آمدن تودهٔ کارگران فقیر در کنار انباشت ثروت قدرتمندان پایه‌های لیبرالیسم کلاسیک متزلزل شد و لیبرال دموکراسی شکل گرفت (حلبی، ۱۳۷۵: ۱۳۶). این اندیشه اجازهٔ مداخلهٔ اقتصادی دولت را در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و افزایش رفاه و شادی شهروندان در قالب دولت رفاه فراهم و تمرکزگرایی را در مباحث برنامه‌ریزی شهری مطرح می‌کند (فولادیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

دههٔ ۱۹۵۰ میلادی برنامه‌ریزی عقلانی جامع^۷ بر پایهٔ نظریات نهادباور با رویکرد از بالا به پایین و جبرباورانه به دنبال برنامه‌ریزی کالبدی و تدقیق نقشه‌ها مطرح می‌شود (دانشپور، ۱۳۹۴: ۱۴۸). اگرچه با تصویب قانون نوسازی شهری در انگلستان ۱۹۵۴م مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری به‌صورت قانونی و رسمی وارد می‌شود، اما با توجه به ماهیت برنامه‌ریزی در این دوره توجه به مشارکت شهروندی کمتر است. به دنبال تصویب قانون نوسازی شهری در انگلستان، در دههٔ ۱۹۶۰م، ویژگی‌های دموکراسی و حقوق شهروندی به‌ویژه مشارکت شهروندی در تصمیم‌گیری‌ها و تلاش در جهت افزایش دموکراسی و مشارکت شهروندان بازبینی می‌شود (Sheehan, 2015: 90). از عمده دلایل آن می‌توان به شکست در پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری همراه با نگاه‌های انتقادی بر رویکردهای پیشین از جمله دولت رفاه اشاره کرد (فولادیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۰). آزادی از دولت رفاه و قیود مهار برنامه‌ریزی و حاکمیت عمومی موجب تمرکززدایی در مدیریت شهری می‌شود که ریشه در لیبرال چندگانه باور دارد و برنامه‌ریزی اندک‌افزا^۸ را در این راستا معرفی می‌کند. از

7. Simple rational planning
8. Incremental planning

طرفی جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش سیاه‌پوستان و انقلاب دانشجویی و جنبش چپ به بازشناسایی حقوق شهروندی و مطرح شدن برنامه‌ریزی و کالتی^۱ منجر می‌شود و گروه‌هایی از زنان و جوانان، گروه‌های قومی و قشرهای تخصصی در جهت ایجاد نهادهای مستقل مدنی برای احقاق حقوق اجتماعی و اقتصادی ایفای نقش می‌کنند (دانشپور، ۱۳۸۹: ۲۵۲).

توجه به دسترسی برابر به منابع و برابری‌های اجتماعی برنامه‌ریزی مساوات‌خواهانه^۲ را در این دوره مطرح می‌کند. منافع مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی و شیوه‌های استفاده از نظرات عموم مردم در تهیه برنامه با انتشار گزارش اسکفینگتون^۳، که توسط «کمیته مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی» (۱۹۶۹) منتشر شد، توجه به مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی را به‌عنوان عمل آگاهانه و جمعی در قالب برنامه‌ریزی ریشه‌ای^۴ معرفی می‌کند (زینل‌زاده و قدمی، ۱۳۹۸: ۶۵؛ دانشپور، ۱۳۸۹: ۳۰۵). ارنشتاین (۱۹۶۹م) مدل نردبان مشارکت شهروندی را بر پایه ساختار قدرت، که به موازات مباحث دموکراسی مبنی بر پایه تصمیم‌گیری‌های انسانی در امور خصوصی و عمومی است، در هشت گام^۵ معرفی می‌کند که از فریب‌کاری و مشارکت منفعل آغاز و به تفویض قدرت و کنترل به‌دست شهروندان ختم می‌شود (شریفیان ثانی، ۱۳۸۸: ۴۵).

در دهه ۱۹۷۰ میلادی با تغییر رویکردها و توجه به مشارکت شهروندی و همچنین ظهور نظریه نئولیبرالیسم^۶ با رویکرد اصالت فرد و اصالت سرمایه‌داری این حقیقت را آشکار می‌کند که مردم در پی نیازهایشان

نسبت به آنچه در اطراف آنان اتفاق می‌افتد واکنش نشان می‌دهند (باوم، ۲۰۱۵: ۱۰؛ زاهدی و رسولی، ۱۳۹۳: ۷۶) از این رو، ترویج نظریه‌های اجتماع‌محور در برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌های توسعه به راهبردهای مشارکتی با هدف مشارکت دادن افراد جامعه در مسائل و تصمیم‌گیری‌های آنان در این دهه منجر می‌شود (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۳۵۹). در سال ۱۹۷۷ میلادی مشارکت شهروندی را فراتر از بازنمایی امور و مشاوره با مردم دانسته و به‌نوعی خودمدریتی، که سطح بالایی از مشارکت را داراست، مبدل می‌شود (سرواس و پچان^۷، ۲۰۰۸: ۲۱۵).

تحقق‌بخشی فرایند مشارکت شهروندی در سطح محلی و در پروژه‌های توسعه اجتماعات محلی مطرح می‌شود که برنامه‌ریزی رسته‌ای^۸ را در جهات توجه به اجتماعات محلی معرفی می‌کند. در تکامل این روند برنامه‌ریزی راهبردی^۹ در دهه ۱۹۸۰ میلادی با تأکید بر نقش اجتماعات محلی در کنار مشارکت شهروندی عنوان می‌شود. این نوع برنامه‌ریزی که با توجه به نیازهای اجتماع و مقبولیت آن در بین اجتماع است، با رویکرد مشارکتی به‌عنوان روش برنامه‌ریزی مطلوب معرفی می‌شود (کریم‌زاده و داوودپور، ۱۳۹۷: ۴۸). نظریه کنش ارتباطی^{۱۰} هابرماس (۱۹۸۲م) که شیوه‌های ارتباطی را در برنامه‌ریزی شهری مؤثر می‌داند و نظریه گفت‌وگویی گیدنز^{۱۱} مبنی بر تأثیر گفتمان در حکمروایی، برنامه‌ریزی ارتباطی^{۱۲} را در دهه ۱۹۹۰م موجب می‌شود (خانیک و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۵). در این دوره مشارکت به افراد اجازه می‌دهد که تجربه

7. Servas&patchance

8. Corporate planning

9. Structural planning

10. Theorie of communicative action

11. Theorie of diaolgic

12. Communicative planning

1. Advocacy planning

2. Equity planning

3. Skeffington Report

4. Radical planning

۵. فریب‌کاری، تسکین، اطلاع‌رسانی، مشاوره، آرامش بخشیدن، شراکت و تفویض قدرت شهروندان به‌عنوان نردبان مشارکت شهروندی معرفی می‌شود.

6. Neoliberalism

جدول شماره (۲): بررسی سیر دگرگونی انگاشت مشارکت شهروندی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون

دوره (دهه)	رویکرد سیاسی	نظریه‌ها	نوع دموکراسی	دیدگاه به مشارکت	نوع برنامه‌ریزی شهری			
۱۹۵۰	دولت رفاه بر پایه لیبرال دموکراسی	نهادباور	مدرن	ابزاری	جامع			
۱۹۶۰	سقوط دولت رفاه	فردباور	پسامدرن		هدف و فرایندی	اندک‌افزای و کالنی، ساختاری-کارکردی، ریشه‌ای، سیستمی، مساوات‌خواهانه		
۱۹۷۰	نئولیبرالیسم			رسته‌ای، پوشش مختلط، مارکسیستی				
۱۹۸۰				راهبردی، ساختاری				
۱۹۹۰				ارتباطی، همکارانه				
۲۰۰۰	نئولیبرالیسم افراطی							ارتباطی، همکارانه، پیشابندی
۲۰۱۰								
۲۰۲۰								

فرایند مشارکت شهروندی شده است، به نحوی که مشارکت‌کنندگان به صورت خودمختار و بدون سانسور و در شرایط برابر و فضای آگاه و عمومی با دسترسی آسان در جهت دموکراتیک‌تر کردن جوامع گام برمی‌دارند (Aristeidou et al, 2017: 628).

از این رو، تحقق مشارکت شهروندی نه به صورت تجویز و توصیف، بلکه نیازمند بررسی روابط میان برنامه‌ریزان، مدیران و شهروندان است و تخصیص قدرت میان مدیران و شهروندان در تصمیم‌گیری‌هاست (رفیعیان و معروفی، ۱۳۹۰: ۳۰). بررسی سیر دگرگونی فرایند مشارکت شهروندی نشان از توجه به این فرایند و ارتقای تحقق‌سازی آن در برنامه‌ریزی شهری را دارد. سیر دگرگونی این انگاشت بر پایه ساختارهای سیاسی، رویکردها و تأثیر آن در نوع برنامه‌ریزی شهری همراه با بررسی دیدگاه‌ها به مشارکت شهروندی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون در جدول زمانی شماره (۲) آمده است.

مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی:

فرایند مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی فرایندی

تصمیم‌گیری در بنگاه‌های ارتباطی را داشته باشند و به طور کامل درگیر سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی شوند، به طوری که مشارکت شهروندان در امور سیاسی در جهت دموکراتیک‌تر کردن جوامع رکن چهارم حکومت معرفی می‌شود (سرواس و پچان، ۲۰۰۸: ۲۲۵؛ آریستد و همکاران، ۲۰۱۷: ۶۲۵). ادامه این روند در قرن بیست و یکم همراه با تحولات در ارتباطات، مشارکت الکترونیکی را با هدف کاستن فاصله حکومت و مردم و پخشایش قدرت، از طریق گفت‌وگوی الکترونیکی، به واسطه فضای مجازی میان شهروندان و حوزه سیاست، برای رسیدن به مشارکت فعال شهروندان و تعریف راه‌های جدید مشارکت سیاسی شهروندان معرفی می‌کند (اولیوریا و همکاران، ۲۰۱۸: ۴۴؛ بلوکات و برک‌پور، ۱۳۹۳: ۲۲۰)

استفاده از فضای مجازی در جهت افزایش دسترسی به منابع و وجود قابلیت‌هایی همچون شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات مجازی موجب ارتقا در تحقق‌یابی

1. Oliveria et

است که طی آن افراد و اجتماعات می‌توانند قدرت تأثیر در تغییر زندگی خود و محیطشان را پیدا کنند. این مفهوم ریشه در واژهٔ قدرت دارد و فرایند تحقق آن در سه سطح تحلیل فردی، سازمانی و اجتماع منسجم محلی بر رویکردهای ساختارهای قدرت در هر جامعه قرار می‌گیرد و به افراد قدرت تسلط را بر شرایط می‌دهد (شکیل احمد و ابوطلیب^۱، ۲۰۱۴: ۱۰۴۲؛ لازارو و تری^۲، ۲۰۱۹: ۲۵۶)

رابطهٔ تنگاتنگ مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی با قدرت و محوریت اجتماعی به‌دنبال اعمال قدرت اجتماعی است که با آگاهی بخشی به افراد، گروه‌ها و اجتماع منسجم محلی از شرایط نابرابر، فقدان نفوذشان در نظام مسلط و بی‌توجهی به نیازهایشان در جامعهٔ بزرگ‌تر آغاز می‌شود و به‌عنوان مشارکت دموکراتیک در اجتماع معرفی می‌شود (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۳۸۵). با شروع برنامه‌های توسعه با رویکرد نوبآوری از دههٔ ۱۹۵۰ میلادی مقتدرسازی، به‌دنبال اعطای قدرت به دولت و نهادهای واسط در جهت ارتقای اقتصادی است که با شروع نگاه‌های انتقادی در دههٔ ۱۹۶۰م، نگاه‌های جبرگرایانه و مادی‌گرا به رویکردهای اجتماع‌محور تغییر می‌کند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۸؛ ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۴۰۰). این درحالی است که در دههٔ ۱۹۷۰ میلادی برنامه‌های توسعه آموزش و آگاهی شهروندان را در کنار موضوعات مشارکتی و اجتماع‌محور مورد توجه قرار می‌دهد و در جهت تحقق فرایند مشارکت شهروندی در بعد اجتماع محلی به معرفی رهیافت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی با تأکید بر پخشایش قدرت در جهت تصمیم‌سازی توسط شهروندان در دههٔ ۱۹۸۰ میلادی می‌انجامد (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۴۶۴). تحقق

این امر سبب تغییر سلسله‌مراتب عمودی قدرت به پخشایش قدرت در سطح محلی می‌شود و به ساختارهای ارتباطی نهادی تغییر شکل می‌دهد که گامی مؤثر در جهت حکمروایی خوب و ارتقای دموکراسی برمی‌دارد. توجه به این روند و تحقق آن در دههٔ ۱۹۹۰ میلادی همراه با گسترش فضای مجازی و کاهش محدودیت‌های ارتباطی، با رویکرد دسترسی برابر به منابع تسهیل پیدا می‌کند (برک‌پور و بلوکات، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

در قرن بیست و یکم، چهار زمینهٔ افزایش مشارکت و فراگیری اقشار مختلف، افزایش شفافیت و اطلاعات، تقویت ظرفیت گروه‌های جامعهٔ مدنی برای اقدام، افزایش پاسخگویی دولت و سازمان‌های غیردولتی به شهروندان از عوامل مؤثر در فرایند مقتدرسازی اجتماعات محلی معرفی می‌شوند (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۸: ۴۷).

ترویج مشارکت الکترونیکی و شبکه‌های اجتماعی و به‌دنبال آن اجتماعات مجازی، در دو دههٔ اخیر، روند پخشایش قدرت را به‌همراه داشته است. مشارکت الکترونیکی با هدف گسترش مشارکت و پشتیبانی از شهروند فعال، تمرکززدایی قدرت را به‌دنبال ارتقای دموکراسی و مشارکت شهروندان در جهت تصمیم‌سازی‌ها و دسترسی برابر به منابع مقتدر می‌سازد و شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات مجازی رسانه‌های شهروندی در تحقق فرایند مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی معرفی می‌شوند (سبویس^۳، ۲۰۱۸: ۲۳؛ پروال و همکاران^۴، ۲۰۱۶: ۲)

به رسانهٔ شهروندی، با مفهومی برآمده از مقتدرسازی و پخشایش قدرت، بیش از هر رسانهٔ دیگری توجه شده است و دسترسی آسان به این رسانه تشکیل روابط

1. Shakil ahmad&Abotalib
2. Lazaro&thery

3. Suebvises
4. Porwal,et,al

مشارکت شهروندی است. تحقق این فرایند در جهت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی و مشارکت فعال در طول زمان با توجه به رویکردهای سیاسی و اجتماعی در سطوح مختلف قرار گرفته است. در پی ویرانی‌های بعد از جنگ جهانی دوم رویکرد نوبآوری، ارتباطات را شاخص توسعه در دهه ۱۹۵۰ میلادی معرفی می‌کند. ارتباطاتی که بر ساختار عمودی و بر پایه یک‌سویه بنا شده است. این درحالی است که دولت رفاه بر پایه نگرش سیاسی لیبرال دموکراسی به دنبال مقتدرسازی اقتصادی برای رفع مشکلات جامعه است. وجود قدرت متمرکز در کنار اندیشه‌های نهادباورانه، برنامه‌ریزی جامع شهری را، که به دنبال تدقیق نقشه و برنامه‌ریزی کالبدی است و توجه کمتری به مشارکت شهروندی دارد، مطرح می‌کند. نادیده گرفتن مشارکت شهروندی و حقوق شهروندان در پی آگاهی آنان از طریق رسانه‌ها، جنبش‌های اجتماعی را به موازات سقوط دولت رفاه در دهه ۱۹۶۰ میلادی به همراه دارد (فولادیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

با تغییر در نگرش‌های اجتماعی و سیاسی، جایگاه باورهای نهادی و تمرکزگرایی قدرت در برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌های توسعه افول پیدا می‌کند. از این رو، جایگاه مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری

قدرت را به همراه دارد. قدرتی که توسط شهروندان، به‌عنوان کنشگران اجتماعی، از طریق فعالیت در ساخت هویت و شرکت در تغییر محیط اجتماعی خود به وجود می‌آید. رسانه شهروندی باعث شناخت بهتر افراد از خود و از اجتماع آنان می‌شود. از این رو، افراد را در برابر جریان‌های سیاسی و اجتماعی مقتدر می‌کند و در حوزه عمومی مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی را به همراه دارد (خانیکی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۲؛ ردیگرز، ۲۰۰۸: ۱۲۸). بررسی روند تحقق فرایند مقتدرسازی مبین حرکت به سمت تمرکززدایی قدرت و تفویض قدرت شهروندان در جوامع توسعه‌یافته است. بررسی روند دگرگونی این انگاشت بر پایه پخشایش قدرت، مقیاس تحقق فرایند و بعد مقتدرسازی در جدول زمانی شماره (۳) از دهه ۱۹۵۰ میلادی تاکنون عنوان شده است.

بحث: تحلیل یکپارچه ارتباطات، مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی، مشارکت شهروندی (از دهه ۱۹۵۰م تاکنون):

سیر تاریخی ارتباطات مبین بیشینه آن در جهت رفع نیازهای ابزاری انسان و ایجاد تعاملات است. تعاملاتی که بخشی از آن را مشارکت شهروندان تشکیل می‌دهد؛ بنابراین ارتباطات بسطی در جهت تحقق فرایند

جدول شماره (۳): بررسی سیر دگرگونی انگاشت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی از دهه ۱۹۵۰م تاکنون

دوره (دهه)	مقیاس تحقق فرایند	پخشایش قدرت	بعد مقتدرسازی
۱۹۵۰	در سطح ملی	میل به تمرکز در قدرت	اقتصادی
۱۹۶۰			
۱۹۷۰	در سطح اجتماعات محلی	میل به تمرکززدایی در قدرت	اجتماعی
۱۹۸۰			
۱۹۹۰			
۲۰۰۰	در سطح اجتماعات شبکه‌ای		اجتماعی-اقتصادی
۲۰۱۰			
۲۰۲۰			

ارتقا می‌یابد و برنامه‌ریزی اندک‌افزا در برابر نگاه سیاسی لیبرال و برنامه‌ریزی وکالتی در برابر احقاق حقوق اقلیت‌ها و برنامه‌ریزی مساوات‌خواهانه در برابر ارتقای دموکراسی و دسترسی برابر به منابع و برنامه‌ریزی ساختاری-کارکردی را در جهت توجه به اجتماعات شهری را شکل می‌دهد. در دهه ۱۹۷۰ میلادی تمرکززدایی قدرت در کنار نظریه‌های فردباورانه باعث توجه به فرایند مشارکت شهروندی در برنامه‌های توسعه شهری و برنامه‌ریزی شهری می‌شود، تا آنجا که بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مدیریت عمومی به‌طور فزاینده‌ای بر حضور و مشارکت شهروندان در نهادهای عمومی از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد تأکید داشته‌اند.

همچنین ارتباطات مشارکتی بر پایه ساختار افقی و دوسویه با هدف استفاده نهادهای غیردولتی در جهت نتایج توسعه در این دهه معرفی می‌شود. ارتباطات مشارکتی، به دنبال ارتقای دموکراسی با تأکید بر گفت‌وگو را مورد توجه قرار می‌دهد. فریره (۱۹۷۹م) مشارکت شهروندی را مدل ارتباطی گفت‌وگو بر دیالکتیکی نزدیک‌بین اقوام جمعی و انعکاس آن در جهت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی می‌داند. در این دوره، به اجتماعات منسجم محلی و خرد در برنامه‌ریزی شهری، در جهت تحقق فرایند مشارکت شهروندی، توجه می‌شود. در همین راستا، برنامه‌ریزی رسته‌ای و پویا مختلط معرفی می‌شود (کریم‌زاد و داوودپور، ۱۳۸۷).

نگاه به فرایند مشارکت شهروندی و تحقق آن در برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی ساختاری در دهه ۱۹۸۰م وجود دارد که به آگاهی شهروندان از مسائل مرتبط به پایداری شهرها بر پایه مشارکت شهروندان منجر می‌شود.

مشارکت شهروندان در سطح تصمیم‌سازی در پی فرایند مقتدرسازی اجتماعات اتفاق می‌افتد. فرایند مقتدرسازی در ابعاد خرد اجتماعی و اجتماعات منسجم محلی، که ارتقای دموکراسی را در پی دارد و گامی مؤثر برای رسیدن به حکمرانی خوب شهری است، رهیافتی را در جهت راهبرد توسعه مشارکتی مورد توجه قرار می‌دهد. ارتباطات بسستر تحقق این فرایند با ساختار چندسویه و شبکه‌ای پشتیبان و حامی توسعه از این دهه به بعد شناخته می‌شود و در دهه‌های ۱۹۹۰ میلادی با ترویج اطلاعات و فناوری و راه‌یابی اینترنت به خانه‌ها و تسهیل در روند تحقق‌سازی این فرایند امکان‌پذیر می‌شود. دگرگونی ارتباطات افزون‌بر تغییر در سبک زندگی افراد، کاهش محدودیت‌های ارتباطی و افزایش دسترسی به اطلاعات و ارتباطات اجتماعی را به همراه دارد. با تغییر در شیوه ارتباطات و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی شهری، در این دهه، برنامه‌ریزی ارتباطی بر پایه ارتقا در گفتمان معرفی می‌شود. تغییر در نگرش‌های سیاسی به سمت نئولیبرالیسم افراطی تغییر در سلسله‌مراتب قدرت را به همراه دارد.

ادامه این روند در قرن بیست و یکم، مشارکت الکترونیکی را، که به دنبال کاهش فاصله مردم و حکومت و پخشایش قدرت بین آن‌هاست، در راستای ارتقای دموکراسی و مشارکت فعال معرفی می‌کند. این درحالی است که شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و پیرو آن اجتماعات مجازی، در قالب رسانه‌های شهروندی، نیز به دنبال پخشایش قدرت و مقتدرسازی اجتماعات محلی‌اند. از این رو، می‌توان تمرکززدایی در قدرت را توسط ابزار فضای مجازی به‌عنوان بستر تحقق فرایند مشارکت شهروندی و مقتدرسازی در دو دهه اخیر مشاهده کرد. بررسی تطبیقی سیر دگرگونی سه انگاشت مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی و

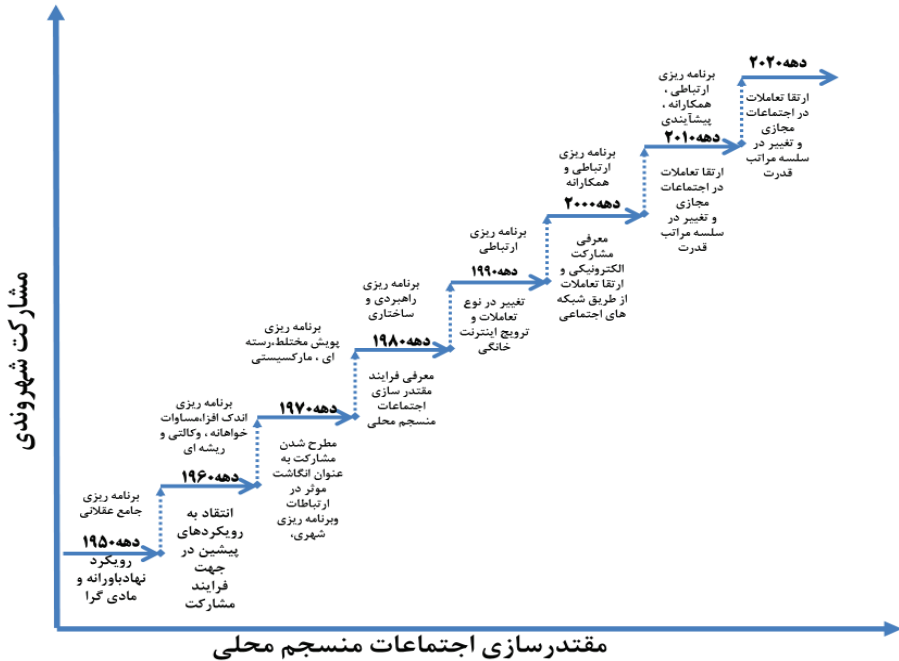
جدول شماره (۴): بررسی تطبیقی سه انگاشت مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی - ارتباطات - مشارکت شهروندی از دهه ۱۹۵۰ تا کنون

دوره		انگاشت							
۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۲۰		
رویکرد سیاسی		دولت رفاه		سقوط دولت رفاه		نئولیبرالیسم		نئولیبرالیسم افراطی	
نظریه‌ها		نهادباور		اتم‌باور					
نوع دموکراسی		مدرن		پست‌مدرن					
مشارکت به مثابه		ابزار		فرایند و هدف					
برنامه‌ریزی شهری		جامع		اندک‌افزا، مساوات‌خواهانه، وکالتی، ریشه‌ای		راهِبردی، رسته‌ای، پوییش مختلط		ارتباطی، همکارانه، پیشایندی	
شیوه ارتباطی		یک‌سویه		دو‌سویه		چندسویه			
ساختار ارتباطی		عمودی		افقی		شبکه‌ای			
ابزار ارتباطی		راديو و تلویزیون		تلویزیون رنگی		تلفن همراه		شبکه‌های اینترنتی	
ویژگی ارتباطی		شاخص توسعه		نقد جایگاه شاخص توسعه		ارتباطات مشارکتی		شبکه‌های اجتماعی مجازی	
مقیاس تحقق فرایند		سطح ملی		سطح اجتماعات محلی		سطح اجتماعات شبکه‌ای			
پخشایش قدرت		تمرکزگرا		تمرکززدا					
ابعاد مقتدرسازی		اقتصادی		اجتماعی		اقتصادی - اجتماعی			

ارتباطات و مشارکت شهروندی مبین روابط علت و معلولی بین سه انگاشت است، به نحوی که تغییر در یکی از انگاشت‌ها دیگر انگاشت‌ها را نیز تغییر می‌دهد. بررسی تطبیقی سه انگاشت بر پایه ساختارهای تأثیرگذار در هر انگاشت از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا کنون در جدول زمانی شماره (۴) آمده است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

بررسی سیر دگرگونی سه انگاشت مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی و ارتباطات و مشارکت شهروندی از



نمودار شماره (۲): بررسی روند سه انگاشت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی و ارتباطات و مشارکت شهروندی از ۱۹۵۰م تاکنون

روند و دگرگونی رویه‌ها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی، با پشتوانه قانونی و نهادی پذیرفته‌اند، درحالی‌که این فرایند در جوامع در حال توسعه و تمرکزگرا به‌عنوان مفهوم جدیدی شناخته می‌شود که تحقق آن با هدف توسعه به کشورهای در حال توسعه هدایت می‌شود. بنابراین مشارکت شهروندی و رسیدن به حکومت مردم بر مردم در جوامع متمرکز به مراتب با مشکلات بسیاری مواجه می‌شود. از طرفی با توجه به ظرفیت‌سازی فضای مجازی و ارتقای سطح دانش و آگاهی شهروندان، وجود شهروندان فعال، مشارکت را در این جوامع نیاز عنوان می‌کند که تحقق آن در سطوح اجتماعات منسجم محلی گامی در جهت توسعه این جوامع است.

برنامه‌ریزی تخصص محور قرار می‌گیرد. در این دوره، مشارکت شهروندی ابزاری برای تعادل‌بخشی میان منافع مورد پذیرش قرار می‌گیرد و لازمه و پیش شرط مشروعیت دموکراتیک شناخته و به تحقق‌بخشی آن توجه می‌شود. اجتماعات محلی بستر تحقق و فرایند مقتدرسازی لازمه آن دانسته می‌شود. فضای مجازی بستر این تعاملات در جهت ارتقای مشارکت شهروندی و دموکراسی تعریف می‌شود؛ از این رو، مشارکت الکترونیکی و مقتدرسازی اجتماعات محلی از طریق اجتماعات مجازی در جهت ارتقای مشارکت مطرح می‌شود و در همین راستا، مشارکت شهروندی را یکی از ارکان برنامه‌ریزی شهری در جوامع توسعه‌یافته معرفی می‌کند. این جوامع مشارکت شهروندی را، با توجه به سپری کردن

منابع

۱. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای (ج ۱)، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
۲. اندر هی وود (۱۳۷۹)، درآمدی برایدئولوژی سیاسی، ترجمه محمود رفیعی مهرآبادی، انتشارات تهران، وزارت امور خارجه: تهران.
۳. افخمی، حسین (۱۳۸۶)، «تأثیرات فناوری اطلاعات در حوزه ارتباطات جمعی روابط عمومی الکترونیک مولود رسانه‌های جدید»، فصلنامه توسعه مدیریت، شماره ۷۴، صص ۳۶-۴۷.
۴. برک‌پور، ناصر و بلوکات، مونا (۱۳۹۳)، «مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای»، مدیریت شهری، شماره ۳۶، تهران.
۵. پاک‌ضمیر، سارا (۱۳۸۷)، «تکنولوژی ارتباطی، ارتباطات در ساختار نوشتار و غیرنوشتار، رسانه‌های تکنیکی و دیجیتال کامپیوتری»، فصلنامه رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره ۴، شماره ۶، صص ۲۱۹-۲۳۶.
۶. جعفری، علی (۱۳۸۹)، «سیر تطور نظریات ارتباطات توسعه: تأکید بر پارادایم چندگانگی فرهنگ»، فصلنامه رسانه، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۹۷-۱۱۵.
۷. حلبی، علی اصغر (۱۳۷۵)، اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم، تهران: انتشارات اساطیر.
۸. خانیکی، هادی و الوندی، پدram (۱۳۸۹)، «مشارکت اجتماعی آنلاین و توسعه اجتماعات محلی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۳۹-۶۷.
۹. رفیعیان، مجتبی و معروفی، سکینه (۱۳۹۰)، «نقش و کاربرد برنامه‌ریزی ارتباطی در نظریه‌های نوین شهرسازی»، فصلنامه آرمان شهر، شماره ۷.
۱۰. زاهدی، نسا و رسولی، الهام (۱۳۹۳)، «بررسی عملکرد دولت مصر در پرتو نتولیرالیسم و جهانی شدن اقتصاد (۱۹۸۰-۲۰۱۰)»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ۵، شماره ۱۲.
۱۱. زینل‌زاده، ستار و جاهل‌قدمی، محمد (۱۳۹۵)، «تبیین و اولویت‌سنجی ابعاد تأثیرگذار جهت تحقق نوسازی

- مشارکتی در بافت‌های فرسوده شهری»، فصلنامه باغ نظر، سال سیزدهم، شماره ۴۳، صص ۶۱-۷۶.
۱۲. شریفیان‌ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «مشارکت شهروندی حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، صص ۴۲-۵۶.
۱۳. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، «نظریه و عمل فاشیسم»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱، صص ۱۱۳-۱۶۱.
۱۴. عبدی‌دانش‌پور، زهره (۱۳۹۴)، درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم.
۱۵. فالکس، کیت (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
۱۶. فولادیان، مجید، فاطمی امین، زینب و غفاری، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی بنیان‌های فلسفی و نحوه شکل‌گیری و عملکرد دولت رفاه از دیدگاه پوپر»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۴۱-۱۶۰.
۱۷. کریم‌زاده، داوود و داوودپور، زهره (۱۳۹۷)، «رویکردهای دموکراتیک در برنامه‌ریزی شهری و ظهور نظریه مجادله آب (اگونیسیم)»، فصلنامه مطالعات ساختار کارکرد شهری، سال پنجم، شماره ۱۶.
۱۸. کوثری، مسعود (۱۳۹۶)، فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی سازمان، تهران: مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۹. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۱)، ارتباطات انسانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۰. مصطفوی، فرحناز (۱۳۹۵)، مبانی ارتباطات و توسعه، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۱. ملکات، سربوناس آر و لزلئی استیوز (۱۳۹۰)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه شعبانعلی بهرامپور، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۲. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۲۳. هاشمی، محمد، همتی، مجتبی و اسماعیل‌زاده، حسن

10. Paliva, P and N, Baqir and H, Nemati (2017): ICT for socio-Economic development. Information Management
11. Porwol, L. and A, Ojo and J, Breslin (2016): Social Software Infrastructure for e.participation. Government Information Quarterly
12. Rodriguez, C. (2008): Citizen's Media. In W. Donsbach (Ed). The International Encyclopedia of Communication Vol. II, pp: 493-500
13. Servas, J, & Patchanee, M. (2008): Development communication approach in an international perspective: sage publication.
14. Shakil Ahmad, M and A, Wahida & N, Bt. Abu Talibb & I Ali Shahc & M, Tahird & F, Ali Jana & M, Qaiser Saleeme (2016): Barriers to empowerment: Assessment of community-led local development organizations in Pakistan. Renewable and Sustainable Energy Reviews
15. Shaki Ahmad, M. and N, Bt. Abu Talibb (2014): Analysis of community empowerment on project sustainability. Published online, Springer Science, Business Media Dordrecht
16. Shakil ahmad M. and Norini Bt, A. (2014): Empowermeing local communities : decentralizeation, empowerment and community driven development. springer science & business media dirdrecht.
17. Sheehan, J (2015): Democracy, history of. International Encyclopedio of the Social & Behavioral Sciences volume 15
18. Sheehan, J (2015): Media and history. Internatinal Encyclopedio of the Social & Behavioral Sciences volume 15
19. Suebvises, p. (2018): Social capital, citizen participation in public administration & public sector performance in Thailand. World Development, 109, pp236-248
- 1389)، «حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰.
1. Aristedidou, M. and E, Scanlon. and M, Sharples, (2017): Profiles of engagement in online communities of citizen science participation. Computers In Human Behavior, 74, pp:246-256
2. Baum, H (2015): Citizen participation. International Encyclopedia of The Social & Behavioral Sciencee. 2end, volume 6
3. Baltzarek, F (2015): Commuication and transportation, history of. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences 2nd edition, volume 4
4. Baily, o. G, and Commaerts, B, and Carpentier, N (2008): Understanding altermative media Berkshire. open university press
5. Dholakia, u & Richard, B & Lisa, p (2004): A social influence model of consumr participation in network and small group based virtual communion. Intern, Journal of Research In Marketing, p:241-263
6. Lazaro L.L, B and Théry N.A, M (2019): Empowering communities? Local stakeholders' participation in the clean development mechanism in Latin America. World Development, 114, pp:254-267
7. Meyen, M (2015): Communication research and media studies history. International encyclopedia of the social & behavioral sciences 2nd edition, volume, p:200-235
8. Mcclellan, S (2012): Planning for a postmodern: story telling, public participation, and the limits of ordinary developments
9. Naranjo zolotov, M. and T, Oliveira & F, Cruz-Jesus & J, Martins & R, Gonçalves and F, Branco and N, Xavier. (2018): Examining social capital and individual motivators to explain the adoption of online citizen participation. Future Generation Computer Systems, 4479

ارائه الگوی مدیریتی برای توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد پدافند غیر عامل (مورد مطالعه: شهر شهریار تهران)

سید احمد حسینی نیا^۱

استادیار مدعو، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

پسند مهدوی سعیدی

پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹، زمستان ۱۴۰۲، صص ۵۹-۷۳

چکیده

شهر شهریار به‌عنوان یکی از مراکز مهاجرپذیر استان تهران، با گسترش فیزیکی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی مواجه شده است. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر، ارائه الگوی مدیریتی مناسب برای ساماندهی و توانمندسازی این محله‌ها و پیشگیری از تشکیل آنها در شهر شهریار با رویکرد پدافند غیر عامل است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات پژوهش به‌صورت میدانی و اسنادی جمع‌آوری شده است. جامعه آماری شامل محدوده قانونی شهر شهریار در سال ۱۴۰۱ است. حجم نمونه مشتمل بر ۳۲۲ نفر از ساکنان و ۱۰ نفر از خبرگان است. از روش‌هایی نظیر AHP، TOPSIS، آزمون خی دو، آزمون کای اسکوار تک‌متغیره، ضریب همبستگی اسپیرمن، ضریب تعیین رگرسیون و واریانس رگرسیون (ANOVA) برای تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شده است. از نرم‌افزارهای GIS و SPSS برای تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که درصد محله‌های دارای کیفیت مناسب، نسبتاً مناسب، متوسط، نسبتاً نامناسب و نامناسب به ترتیب مشتمل بر ۹درصد، ۲۲درصد، ۳۲درصد، ۲۶درصد و ۱۱درصد است. بنابراین، بیش از ۳۷درصد بافت شهر شهریار به برنامه‌ریزی پدافند غیر عامل نیازمند است. نتایج آزمون خی دو (۰/۰۶) و سطح معناداری آن (۰/۰۰) بر عدم اعتماد ساکنان شهر شهریار نسبت به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی صحنه می‌گذارد. براساس نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۵۶۷) و ضریب تعیین رگرسیون (۰/۳۷)، الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله با رویکرد پدافند غیر عامل بر ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار و پیشگیری از تشکیل آنها بیشترین تأثیر را دارند. نتایج تحلیل واریانس رگرسیون و تحلیل رگرسیون خطی ساده، نیز بر این امر صحنه گذاشته‌اند. افزون‌بر این، رویکرد پدافند غیر عامل از طریق ساماندهی و توانمندسازی محله‌ها، ایجاد تأسیسات و تجهیزات برای کاهش آسیب‌پذیری، ایجاد مکان‌های اسکان اضطراری، ضریب امنیت و ایمنی شهر شهریار را ارتقا می‌بخشد. **واژگان کلیدی:** سکونتگاه‌های غیررسمی، الگوی مدیریتی، توانمندسازی، پدافند غیر عامل، شهر شهریار.

۱. ایمیل نویسنده مسئول: sahn.1357@yahoo.com

سازه‌های غیرمهندسی و تراکم بالای جمعیت، تأثیرات آنها بیشتر می‌شود؛ حقوق ناامن بر زمین و مسکن و از این رو، تصدی نامطمئن و آسیب‌پذیر و در نهایت وجود فقر از جمله محرومیت از سایر حقوق بشر، مانند توانایی رأی دادن و دسترسی به خدمات (Boo, 2012; Das, 2017:3; UN-Habitat, 2016:7; Olthusi et al., 2015: 272).

فقر شهری در مناطق پیراکلان شهرها نمود بارزی دارد. فقرای شهری برای فرار از تله فقر به سمت قطب‌های اقتصادی یا کلان‌شهرها مهاجرت می‌کنند. بیشتر این افراد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی و آموزشی مناسبی برخوردار نیستند. در نتیجه، تسلط اقتصاد خدمات‌محوری در کلان‌شهرها، زمینه را برای جذب آنها با دستمزد پایین فراهم می‌آورد. از آنجاکه کارکنان این گونه مشاغل، توان پرداخت هزینه‌های زیست و معیشت در کلان‌شهرها را ندارند؛ بنابراین به سمت مناطق پیرامونی و به‌خصوص حاشیه‌های ارزان‌قیمت شهرهای پیرامون یا مناطق پیراشهری هدایت می‌شوند. به‌گونه‌ای که یا در محله‌های فرسوده و ناکارآمد اسکان پیدا می‌کنند و یا به سمت تشکیل محله‌های غیررسمی، غیراستاندارد و زاغ‌های حرکت می‌کنند (مهدنژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۶). در این میان، حدود ۱۹ میلیون نفر در کل کشور در محلات غیررسمی و فرسوده سکونت دارند که معادل ۳۱/۹ درصد جمعیت کشور است و مساحتی بالغ بر ۱۴۰ هزار هکتار یعنی ۱۷ درصد مساحت کشور را در بر می‌گیرد. استان تهران دارای ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین و ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر ساکن بافت فرسوده است که در مجموع ۳۶ درصد جمعیت استان را شامل می‌شود. همچنین ۱۶/۸ درصد از مساحت شهرهای استان به سکونتگاه‌های غیررسمی تعلق دارد. شهر شهریار یکی

سازمان ملل در سال ۲۰۱۹، برآورد کرده که هم‌اکنون ۴/۲ میلیارد نفر در شهرها زندگی می‌کنند (United Nations, 2019) که این رقم در سال ۲۰۴۱ به ۶ میلیارد نفر افزایش خواهد یافت (Kuddus et al., 2020: 1). براساس برآوردهای صورت‌گرفته، در سال ۲۰۱۵، ۲۵ درصد از جمعیت شهری جهان در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۱۴، این رقم معادل تقریباً یک میلیارد فقیرنشین در سراسر جهان است و پیش‌بینی می‌شود این میزان تا سال ۲۰۳۰ دو برابر شود. از این یک میلیارد نفر، ۸۸۱ میلیون نفر آنها مربوط به سکونتگاه‌های غیررسمی کشورهای در حال توسعه است، درحالی‌که در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به ترتیب ۶۸۹ و ۷۹۱ میلیون نفر بوده‌اند. از سال ۲۰۰۰، تعداد ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به میزان ۲۸ درصد افزایش یافته است. بنابراین، در کشورهای در حال توسعه، از هر سه نفر جمعیت شهرنشین، تقریباً یک نفر از آنها در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کند (Jones, 2017: 3).

پژوهشگران چالش‌های زیادی برای سکونتگاه‌های غیررسمی بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از: فقدان خدمات و زیرساخت‌های اساسی، مانند تأمین آب، سرویس‌های بهداشتی، جاده‌ها و مدیریت زباله (World Health Organization, 2016)؛ مسکن غیراستاندارد از جمله ساختمان‌های ناکافی و از نظر ساختاری ناامن؛ ازدحام جمعیت و تراکم زیاد؛ افزایش شرایط ناسالم به‌دلیل تمرکز فضایی بالای جمعیت، حیوانات و بیماری‌های ناشی از آن (مانند تأثیر آنفلوآنزای مرغی پرندگان)، خطرات زیست‌محیطی، وضعیت کالبدی و کمبود خدمات اساسی، ساخت‌وساز در مکان‌های پرخطر، مانند زمین‌های مستعد سیل که به‌علت مسکن نامساعد،

از کانون‌های مهمی است که در سال‌های اخیر توسعه زیادی کرده که عمدتاً به صورت غیررسمی بوده است. توسعه ناهمگون، بیکاری، پایین بودن اجاره‌بهای مسکن نسبت به کلان‌شهر تهران، درآمد کم و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستاهای اطراف و... از دلایل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر شهریار است. انبوه‌زبانه‌های پراکنده، نبود فضای پارک و محل بازی کودکان و رفت‌وآمد کارتن‌خواب‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار و به‌خصوص منطقه امیریه به‌شمار می‌آید.

پدافند غیرعامل به‌عنوان راهبرد اساسی در برخورد با سوانح طبیعی است. در این میان توانمندسازی^۱ نیز به‌صورت عمومی با توجه به پتانسیل‌های مکان و افراد به توانمندی توأمان فرد و محیط می‌پردازد. بنابراین، برخورد هم‌زمان این دو نظر به‌صورت اطلاق پدافند غیرعامل توانمند مورد نظر است که به‌عنوان پارادایم جدید در مفهوم پدافند غیرعامل مطرح می‌شود. سکونتگاه‌های غیررسمی معمولاً در برخورداری از اماکن و یا مناطق حساس ضعیف‌اند، این درحالی است که ساختار کالبدی این محله‌های شهری و بافت روستایی حاکم در آن‌ها در مواقع بحران آمار ناشی از تلفات را افزایش می‌دهد، بنابراین با فرض تغییر آرام این مناطق و تأکید بر پویایی اقتصادی این محله‌های شهری، راهبرد پدافند غیرعامل نیز باید در جهت افزایش توان محیطی در مقابل سوانح غیرطبیعی در دستور کار باشد؛ از این رو، در این نظر توانمندسازی با الگوی پدافند غیرعامل ارائه می‌شود و ضمن رویکرد کالبدی بر محیط و یا محلات مباحث پدافند غیرعامل را در این مسیر و در راستای ساماندهی کالبدی بافت سکونتگاه‌ها شکل می‌دهد. در همین راستا، هدف

1. Enability

پژوهش حاضر پاسخ به سؤال‌های زیر است:

- چه میزان از مساحت شهر شهریار از نظر پدافند غیرعامل به برنامه‌ریزی نیاز دارد؟ سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار در چه محدوده‌هایی از این شهر قرار گرفته‌اند؟
- ساکنان شهر شهریار تا چه اندازه نسبت به مدیریت شهری، برای ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، اعتماد دارند؟
- الگوی مناسب برای ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار با رویکرد پدافند غیرعامل چیست؟

افزون‌بر این، به تناسب سؤالات، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

فرضیه نخست: بیشتر بلوک‌های شهری شهریار نیازمند برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل‌اند و این محدوده‌ها بیشتر بر حاشیه‌های شهر متمرکز شده است؛

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد ساکنان شهر شهریار به مدیریت شهری، برای توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، اعتماد چندانی ندارند؛

فرضیه سوم: الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله با رویکرد پدافند غیرعامل بر ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار و پیشگیری از تشکیل آنها بیشترین تأثیر را دارد.

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات پژوهش به‌صورت میدانی و اسنادی جمع

آوری شده است. از روش‌هایی نظیر AHP، TOPSIS، آزمون خی دو، آزمون کای اسکوار تک‌متغیره، ضریب همبستگی اسپیرمن، ضریب تعیین رگرسیون و واریانس رگرسیون (ANOVA) برای تحلیل داده‌های

پژوهش استفاده شده است. از نرم‌افزارهای GIS و SPSS برای تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری شامل شهر شهریار در سال ۱۳۹۹ است. پژوهش حاضر دارای دو جامعه آماری است. نخست، برای ارائه الگوی مدیریتی مناسب جهت توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی از روش پنل خبرگان تشکیل شده است. در این رابطه، جامعه آماری شامل خبرگان فعال در حوزه فقر شهری، اسکان غیررسمی، بافت‌های فرسوده و نابسامان و بازآفرینی است. نمونه‌گیری در این پژوهش، هدفمند تصادفی است. یکی از اقسام نمونه‌گیری تصادفی یا هدفمند، نمونه‌گیری خبرگانی یا قضاوتی است. نمونه‌گیری از خبرگان شامل انتخاب از بین افرادی است که تجربه یا خبره بودن آنها در یک حوزه محرز شده باشد.

جدول شماره (۱): مشخصات خبرگان پژوهش

مدرک تحصیلی	سابقه کار	تخصص	سابقه کار در زمینه تخصص
دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	۱۰	فقر شهری	۸
کارشناس ارشد شهرسازی	۱۵	توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی	۱۲
کارشناس ارشد مرمت	۱۶	بازآفرینی بافت های فرسوده	۱۴
کارشناس ارشد معماری	۹	بازآفرینی بافت های فرسوده	۶
کارشناس ارشد جامعه شناسی	۱۳	ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی	۱۱
کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	۱۷	بازآفرینی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی	۱۵
دکترای شهرسازی	۸	فقر شهری، بافت فرسوده	۵
دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	۱۲	فقر شهری، توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی	۱۰
کارشناس ارشد جامعه شناسی	۹	حاشیه‌نشینی یا اسکان غیررسمی	۶
کارشناس ارشد شهرسازی	۵	اسکان غیررسمی و بافت فرسوده	۴

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

جدول شماره (۲): پیشینه پژوهش در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی و پدافند غیرعامل

پژوهشگر	سال	موضوع	یافته‌ها
آلمی ^۱ و همکاران	۲۰۱۵	روش‌شناسی اجتماعی - فضایی برای ارزیابی مدیریت شهری: سکونتگاه‌های غیررسمی	ابعاد اجتماعی و فضایی زمین شهری را در مدیریت شهری بررسی می‌کند. این ابعاد در سکونتگاه‌های غیررسمی توسعه داده و آزمایش شده است. نتایج نشان داده که روش‌شناسی اجتماعی و فضایی عدالت را بهبود می‌بخشد. در مقایسه با رویکردهای دیگر براساس اطلاعات شفافی چون نقشه کیفیت زیربنای مناطق بالقوه و زمین‌های شهری صورت می‌گیرد. به‌طور کلی، روش اجتماعی-فضایی ارزیابی همه‌جانبه از مدیریت شهری را امکان‌پذیر می‌سازد.
همگازی ^۲	۲۰۱۵	سیاست‌های ارتقایی در سکونتگاه‌های غیررسمی در مصر: در جهت بهبود در روند ارتقا	مشکل اسکان غیررسمی در مصر یکی از جدی‌ترین مشکلاتی است که تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی را بر جامعه مصر بر جای می‌گذارد. حداقل ۴۰ درصد جمعیت شهری در مناطق غیررسمی زندگی می‌کنند. این مقاله به دنبال آن است که ارزیابی روند ارتقای شهری در مصر را با در نظر گرفتن مسئله سیاست ارتقای شهروندان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی برای ارائه برخی اقدامات عملی و استراتژی‌هایی که می‌توانند به‌طور مؤثر روند ارتقای شهر را به سمت پیشرفت هدایت کند، بررسی نماید.
حسینی و همکاران	۱۳۹۵	رویکرد پدافند غیرعامل در مناطق حاشیه‌نشین شهری با تأکید بر توسعه مناطق شهری	از کارکردهای مهم پدافند غیرعامل، حفاظت از شهرهاست تا از این رهگذر، پویایی حیات شهری را در پرتو امنیت محلی و ملی ایجاد کند. براین اساس، سعی شده تا با توجه به تئوری‌های مهاجرت و حاشیه‌نشینی و استفاده از اصول پدافند غیرعامل راهکارهایی ارائه شود که ضمن ارتقای امنیت شهری باعث توسعه شهر، شهرنشینی و مناطق حاشیه‌ای گردد.
اخباری و احمدی‌مقدم	۱۳۹۳	بررسی پدافند غیرعامل در مدیریت شهری	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مدیران شهری در بحث پدافند غیرعامل باید به گونه‌ای تلاش کنند تا آمادگی لازم در جهت کاهش خسارات جانی و مالی به مقابله سریع و بهبود اوضاع تا سطح وضعیت عادی در سطح شهر در هنگام اضطراب فراهم آید.

مفاهیم و مبانی نظری

پدافند غیرعامل مجموعه اقدامات غیر مسلحانه‌ای است که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدام‌های دشمن می‌شود. در مقیاس شهری، پدافند غیرعامل راهبردی است که بر کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری در برابر مخاطرات طبیعی، انسان‌ساخت، جنگ و حتی مخاطرات ناشی از فناوری و محور برنامه‌ریزی ساخت و بافت شهری تأکید دارد (حاتمی‌نژاد و ابدالی، ۱۳۹۶: ۱۶۴). در این میان، رویکرد مختلفی درخصوص نحوه مدیریت سکونتگاه‌های غیررسمی مطرح شده است؛ چنانچه

سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد پدافند غیرعامل کمک کند. در این راستا، از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه با جمعیتی حدود ۲۴۸,۶۷۵ نفر استفاده کردیم. همچنین تعداد ۳۲۲ پرسشنامه که شامل دو بخش سؤالات عمومی و اختصاصی است و با استفاده از طیف لیکرت بین ساکنان محلات مذکور توزیع و تکمیل شده است. در این پژوهش، با مطالعه مقدماتی ۵۰ نمونه از پرسشنامه‌ها، ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰/۷۳ به دست آمد. اگر آلفای کرونباخ بالای ۶۰ درصد باشد، نشان‌دهنده پایایی بالای سنججه است. درخصوص موضوع سکونتگاه‌های غیررسمی و پدافند غیرعامل، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است (جدول شماره (۲)).

1. Alemie
2. Hegazy

و به نحو مؤثرتری می‌توانند به خدمات و حقوق خود دسترسی پیدا کنند و در نهایت می‌توانند بازیگران دولتی و غیردولتی را پاسخگو و مسئولیت‌پذیر کنند. از حوزه‌های اساسی، که دسترسی به اطلاعات در آنها بسیار حائز اهمیت‌اند، می‌توان به عملکرد بخش‌های دولتی و خصوصی، خدمات مالی و بازارها، قوانین و مقررات و آگاهی از حق و حقوق افراد در خصوص خدمات اساسی اشاره کرد. اغلب فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، نقش محوری در دسترسی و اشاعه اطلاعات ایفا می‌کنند (UNDG, 2010; Majale, 2013). ۲) فراگیری/مشارکت: رویکرد توانمندسازی برای مشارکت، با مردم فقیر به‌عنوان یک همکار تولید رفتار می‌کند که از اقتدار و اختیار لازم برای کنترل تصمیمات و تخصیص و هدایت منابع به پایین‌ترین سطوح جامعه برخوردار است. فراگیری مردم فقیر و در نظر گرفتن نیازهای آنان و سایر گروه‌های محروم در تصمیم‌گیری‌ها به‌منظور تضمین تخصیص بهینه منابع محدود دولتی، براساس اولویت‌ها و دانش محلی، بسیار حائز اهمیت است. این کار باعث می‌شود تا مردم فقیر به تغییرات پایبند شوند. باین‌وجود، استمرار و پایداری فراگیری و مشارکت آگاهانه، مستلزم تغییر قواعد و فرایندهایی برای ایجاد بستر و فضای مناسب برای مذاکره مردم درباره این مسائل و مشارکت آنان برای اولویت‌بندی ملی و محلی و تعیین بودجه و دسترسی به خدمات اساسی و مالی است (UN-Habitat, 2012; World Bank, 2014). ۳) پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری: مقامات دولتی، کارکنان بخش عمومی، تولیدکنندگان خصوصی و کارکنان سیاست‌مداران باید پاسخگوی سیاست‌ها و اقداماتی باشند که بر رفاه شهروندان تأثیر می‌گذارد. در اینجا سه سازوکار اصلی پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری

در ابتدا بر حذف و تخریب آنها تأکید کردند و بعد از مدتی بر ساماندهی، مقتدرسازی^۱ و توانمندسازی^۲ آنها اصرار ورزیدند. براساس توصیف ائتلاف شهر، برنامه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی متشکل از توسعه اجتماع چندبعدی است که در جست و جوی ارتقای استانداردهای زندگی فقراست (Abbott, 2002: 304). ساترثوایت و میتلین^۳ (۲۰۱۳) توانمندسازی را به‌عنوان اقدامات بهبود کیفیت مسکن و تهیه خدمات و زیرساخت‌های مرتبط با مسکن برای سکونتگاه‌های غیررسمی و سکونتگاه‌های غیررسمی تعریف کرده‌اند. برنامه مشارکتی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، که در سال ۲۰۰۸ آغاز شده، توانمندسازی را براساس اهدافش تعریف کرده است. اهداف سازمان «بهبود زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به‌وسیله پرداختن به پنج محرومیت اصلی مشتمل بر آب ناکافی، بهداشت، استحکام مسکن، ازدحام بیش از حد و ناامنی حق تصرف» اعلام شده است (Mureithi, 2016: 12). مقتدرسازی مفهومی فراگیر و به‌جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نهادی و قانونی می‌پردازد، همین‌طور تضمین‌کننده این است که مردم به‌عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در مرکز آن قرار دارند (Kvarnstrom, 2017; Mureithi, 2016: 12).

چهار رهیافت رویکرد توانمندسازی عبارت‌اند از: ۱) دسترسی به اطلاعات: اطلاعات به معنای داشتن قدرت است. برقراری جریان دوسویه اطلاعات از دولت به شهروندان و از شهروندان به دولت برای تحقق شهروندی مسئولانه و پاسخگو و حکمرانی خوب و مسئولانه بسیار حیاتی است. شهروندان آگاه، برای استفاده از مزیت‌ها به‌نحو بهتری تجهیز می‌شوند

1. Empowerment
2. Enability
3. Satterthwaite & Mitlin

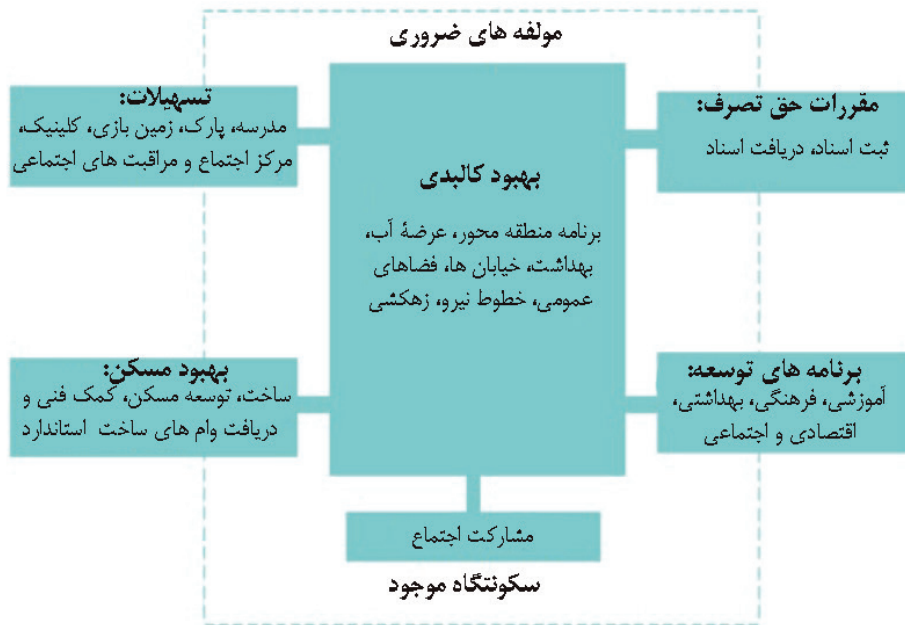
جدول شماره (۳): رویکرد حمایت‌های مقتدرسازی - خدمات و مکان- توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در ابعاد مختلف (پارادایم، سیاست‌گذاری، برنامه و پروژه)

پارادایم	در دهه ۱۹۹۰، پارادایم توانمندسازی زاغه‌ها و خدمات و مکان، «مسکن افزایشی» و تغییر تمرکز از تأکیدات اولیه‌اش بر ساخت و خدمات‌رسانی به مسکن مقرون‌به‌صرفه را به مسکن با کیفیت مطلوب و ایمن اتخاذ کرد. همچنین بخشی از راهبردهای گسترده‌تر به حمایت از کاهش فقر شهری یا کاهش اثرات فقر و فرآیندهای توسعه اجتماعی از قبیل مشارکت در ارتقا و رویه‌های مدیریت و حکمروایی خوب شهری تخصیص یافت.
سیاست‌گذاری	تغییر از تمرکز در استقرار و نیروی انسانی آژانس‌های مسکن عمومی به پذیرفتن «ظرفیت توسعه اجتماع» قدرتمند و تجهیز مجدد مهندسان، معماران و مدیران پروژه‌های ساخت‌وساز با مهارت‌های مشاوره و یاددهنده؛ به‌منظور توانمند کردن آنها تا بتوانند به رهبران غیرتکنسین اجتماع و خانه‌دارها، درخصوص اینکه چگونه به‌صرفه و کارآمد برنامه طراحی کنند و بسازند، یا اینکه چگونه بر سازندگان (صنعتگران) کوچک مقیاس نظارت کنند و آموزش دهند، مشاوره دهند.
برنامه‌ها	ایجاد مقیاس تدارک حمایت‌های مورد نیاز برای پروژه‌های مسکن «غیرمتعارف» در طول زمان و منابع مورد نیاز جهت اجرای آنها از جمله بخش خصوصی بالقوه و سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی.
پروژه‌ها	سازمان‌های مسکن دولتی در «پروژه‌های خدمات و مکان‌های پایه‌ای»، زمین به دست می‌آورند، آن را با زیرساخت‌های اساسی (آب، بهداشت، فاضلاب، برق، راه‌های دسترسی و فضای تفریحی باز) توسعه می‌دهند، آن را به قطعات مسکونی با ذخیره زمین برای ساختمان خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، امکانات، و...) تقسیم می‌کنند و قطعات را با امنیت حق تصرف تخصیص می‌دهند تا ذی‌نفعان پروژه را در شرایط مالی مقرون‌به‌صرفه قرار دهند. (کسانی که پس از آن خانه‌های خود و ساختمان‌های دیگر را می‌سازند، در چهارچوب شرایط قانونی یا بر اساس رویکرد پروژه‌محوری که ممکن است به‌طور رسمی مورد نیاز باشد). سازمان‌های مسکن دولتی در «پروژه‌های توانمندسازی محله‌ای پایه»، تهیه خدمات و زیرساخت‌های خارج از طرح و محلی را باز توسعه می‌دهند تا از نظر اجتماعی به استانداردهای قابل قبولی برسند. حمایت‌های فنی، مالی و حقوقی (امنیت حق تصرف) نیز ممکن است برای خانوارهای منفرد جهت توانمندسازی محل سکونتشان فراهم شود. طیف گسترده‌ای از استانداردها و کیفیت زیرساخت‌ها وجود دارد که باید فراهم شود.

Source: Wakely, 2014: 13

وجود دارد. پاسخگویی سیاسی احزاب و نمایندگان سیاسی معمولاً از طریق سازوکارهای انتخاباتی اتفاق می‌افتد. پاسخگویی اداری نهادهای دولتی از راه سازوکارهای مسئولیت‌پذیری درونی هم به صورت افقی و هم عمودی در درون و بین نهادها تضمین می‌شود. سازوکارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عمومی، نهادها را برای شهروندان پاسخگو و آنان را به پاسخگویی سیاسی و اداری ملزم می‌کند. (۴) ظرفیت سازمانی محلی: به توانایی مردم برای کار و فعالیت با یکدیگر، خودسازمان‌دهی و بسیج منابع برای حل مشکلات و دستیابی به علائق مشترک، ظرفیت سازمانی محلی گفته می‌شود. جوامع و گروه‌های سازماندهی شده از امکانات و قابلیت‌های بیشتری برای رساندن صدا و انتقال تقاضاهای خود به سطوح بالاتر تصمیم‌گیری برخوردارند. در این صورت می‌توانند بر سیاست‌ها و مذاکراتی تأثیرگذار باشند که رفاه آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Pieterse, 2013; Masum, 2014; Narayan, 2002: 43). در نهایت، جدول شماره (۳) اقدام به بیان پارادایم، سیاست، برنامه‌ها و پروژه‌ها درخصوص حمایت‌های مقتدرسازی - خدمات و مکان- و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و سکونتگاه‌های غیررسمی کرده است.

در واقع، توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی متشکل از مؤلفه‌های محیطی، سازمانی، اقتصادی و اجتماعی است که همکاری و همیاری در بین شهروندان، گروه‌های اجتماع، کسب‌وکارها و مقامات



شکل شماره (۱): مدل مفهومی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی

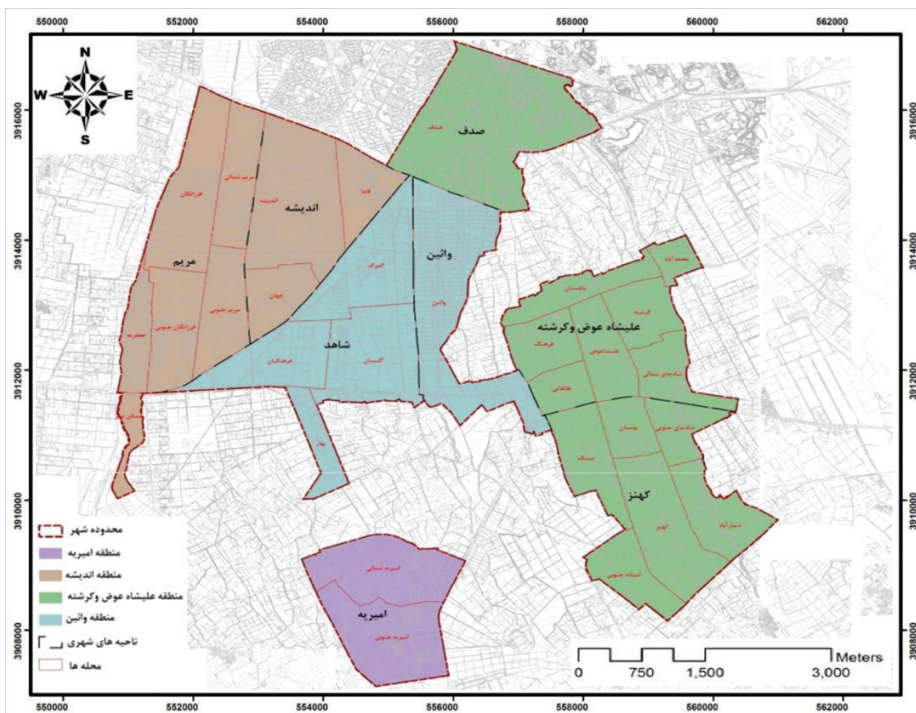
متمرکز شده است. در بخش اول، به شناسایی گستره‌های شهری نیازمند اقدامات پدافند غیرعامل در شهر شهریار پرداخته شده و در بخش دوم به ارائه الگوی مدیریتی ساماندهی و توانمندسازی این بافت‌ها با رویکرد پدافند غیرعامل اقدام شده است. بر همین اساس، در ادامه به فرضیه‌های پژوهش پاسخ می‌دهیم. فرضیه نخست: بیشتر بلوک‌های شهری شهریار به برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل نیازمند و این محدوده‌ها بیشتر بر حاشیه‌های شهر متمرکز شده‌اند.

با توجه به شاخص‌های بیان‌شده، شاخص‌نهایی توزیع فضایی بلوک‌های شهری به برنامه‌ریزی پدافند فقر در شهریار از ترکیب دو شاخص اصلی کالبدی و اجتماعی-اقتصادی نیازمند است و با استفاده از مدل TOPSIS به سطح‌بندی آنها پرداخته شده است (جدول شماره (۴) و (۵)). در نهایت فقط تنها ۱۴ بلوک شامل حدود نه درصد از کل محلات شهری

محلی را به حداکثر می‌رساند. همین‌طور مدل مفهومی پژوهش در شکل شماره (۱) بیان شده است.

داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

محدوده پژوهش مربوط به شهر شهریار، مرکز شهرستان شهریار، در استان شهریار است که در فاصله حدود ۱۶ کیلومتری غرب کلان‌شهر پایتخت و ۱۸ کیلومتری جنوب شرقی کلان‌شهر کرج واقع شده است. از شمال با شهرستان‌های تهران و قدس، از جنوب با شهرستان رباط کریم، از شرق با شهرستان اسلامشهر و از غرب با شهرستان‌های کرج و ملارد هم‌جوار است. شهر شهریار از چهار کانون جمعیتی مختلف شامل علیشاعوض و کرشته، اندیشه، وائین و امیریه (بردآباد) تشکیل شده است. مساحت شهر با توجه به الحاق مسکن مهر آ.اس.پ، ۳۱۷۶ هکتار و جمعیت آن حدود ۲۵۰ هزار نفر است (شکل شماره (۲)). بخش حاضر بر پاسخ به دو هدف اصلی پژوهش



شکل شماره (۲): موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (بازترسیم نگارندگان، ۱۳۹۹)

جدول شماره (۴): وزن شاخص‌های نهایی در بلوک‌ها با استفاده از AHP

شاخص	کالبدی	اقتصادی
وزن	۰/۴۸۶	۰/۵۸۴
CR		

ماخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره (۵): درصد و تعداد بلوک‌های شهر شهریار با توجه به شاخص نهایی

کیفیت	تعداد بلوک	درصد
مناسب	۱۴	۹/۰۹۰۹۰۹
نسبتاً مناسب	۳۴	۲۲/۰۷۷۹۲
متوسط	۴۹	۳۱/۸۱۸۱۸
نسبتاً نامناسب	۴۰	۲۵/۹۷۴۰۳
نامناسب	۱۷	۱۱/۰۳۸۹۶

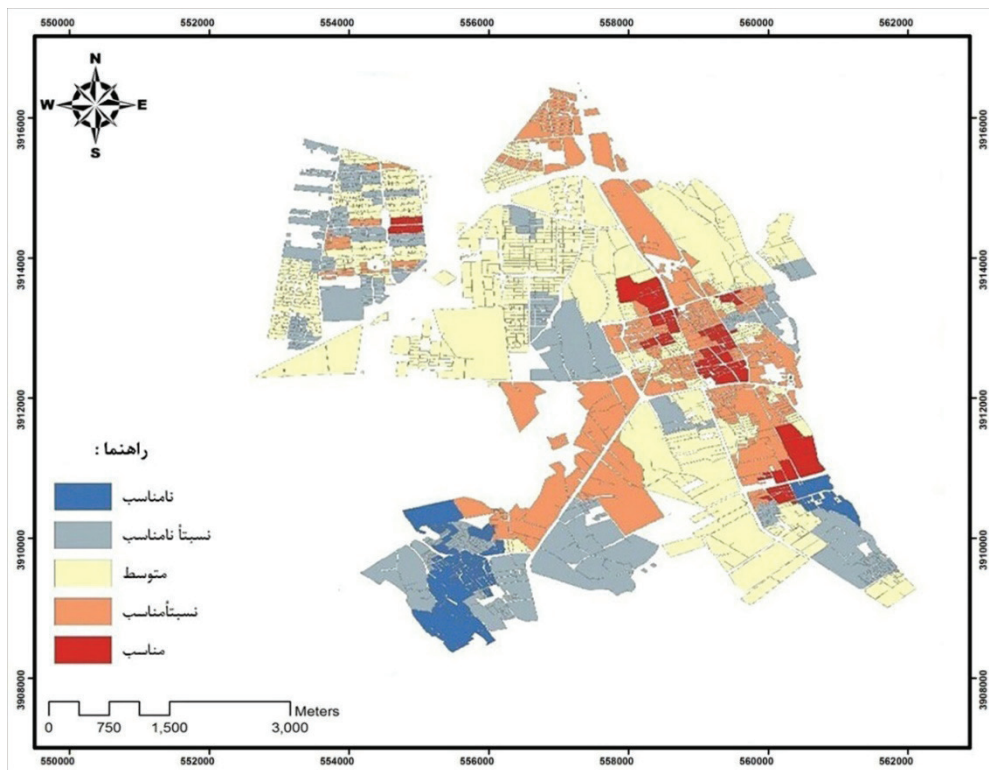
ماخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

شهریار در این شاخص دارای کیفیت مناسب و ۳۴ بلوک شامل حدود ۲۲ درصد از بلوک‌های شهر شهریار دارای کیفیت نسبتاً مناسب و تعداد ۴۹ بلوک شامل حدوداً ۳۲ درصد کل بلوک‌های شهری در وضعیت متوسط و ۴۰ بلوک شامل حدود ۲۶ درصد کل بلوک‌های در وضعیت نسبتاً نامناسب و در نهایت ۱۷ بلوک شامل حدود ۱۱ درصد از کل بلوک‌ها از لحاظ شاخص نهایی در سطح بلوک‌های شهر شهریار در وضعیت نامناسبی قرار دارند. بنابراین، با توجه به جدول شماره (۶) و شکل شماره (۳) بیشتر بلوک‌ها در حالت متوسط قرار دارند و در عین حال، تعداد بلوک‌های نامطلوب بیش از بلوک‌های مطلوب است و این نشان‌دهنده وضعیت نامناسب، هم از لحاظ کمی و کیفی و هم از لحاظ توزیع فضایی، در سطح بلوک‌های شهر شهریار است.

جدول شماره (۶): الگوی توزیع بلوک‌های شهری نیازمند برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل در شاخص نهایی

رتبه	منطقه	محله	امتیاز	سطح	رتبه	منطقه	محله	امتیاز	سطح	رتبه	منطقه	محله	امتیاز	سطح
۱	۱	۷	۰/۷۵۳	نسبتاً نامناسب	۱	۲	۵۸	۰/۳۰۰	متوسط	۱	۱	۷	۰/۷۵۳	نسبتاً مناسب
۲	۱	۴۱	۰/۷۲۸	نسبتاً نامناسب	۲	۴۸	۰/۲۹۸	متوسط	۲	۱	۱	۴۱	۰/۷۲۸	نسبتاً مناسب
۳	۲	۴۷	۰/۶۲۴	نسبتاً نامناسب	۳	۲۱	۰/۲۹۷	متوسط	۳	۱	۲	۴۷	۰/۶۲۴	نسبتاً مناسب
۴	۲	۵۱	۰/۶۱۴	نسبتاً نامناسب	۴	۲۶	۰/۲۹۵	متوسط	۴	۳	۲	۵۱	۰/۶۱۴	نسبتاً مناسب
۵	۳	۶	۰/۵۵۸	نسبتاً نامناسب	۵	۱۷	۰/۲۹۲	متوسط	۵	۳	۳	۶	۰/۵۵۸	نسبتاً مناسب
۶	۲	۴۲	۰/۵۵۱	نسبتاً نامناسب	۶	۱۰	۰/۲۹۰	متوسط	۶	۱	۲	۴۲	۰/۵۵۱	نسبتاً مناسب
۷	۱	۵	۰/۵۴۱	نسبتاً نامناسب	۷	۳۷	۰/۲۸۲	متوسط	۷	۱	۱	۵	۰/۵۴۱	نسبتاً مناسب
۸	۱	۳۳	۰/۵۲۵	نسبتاً نامناسب	۸	۱۷	۰/۲۸۱	متوسط	۸	۱	۱	۳۳	۰/۵۲۵	نسبتاً مناسب
۹	۳	۷	۰/۵۰۹	نسبتاً نامناسب	۹	۶۵	۰/۲۷۸	متوسط	۹	۱	۳	۷	۰/۵۰۹	نسبتاً مناسب
۱۰	۲	۴۶	۰/۵۰۸	نسبتاً نامناسب	۱۰	۱۰	۰/۲۷۶	متوسط	۱۰	۳	۲	۴۶	۰/۵۰۸	نسبتاً مناسب
۱۱	۲	۴۳	۰/۴۸۶	نسبتاً نامناسب	۱۱	۵۷	۰/۲۷۵	متوسط	۱۱	۱	۲	۴۳	۰/۴۸۶	نسبتاً مناسب
۱۲	۲	۲۹	۰/۴۶۶	نسبتاً نامناسب	۱۲	۶۷	۰/۲۷۳	متوسط	۱۲	۱	۲	۲۹	۰/۴۶۶	نسبتاً مناسب
۱۳	۲	۶۵	۰/۴۶۰	نسبتاً نامناسب	۱۳	۲۴	۰/۲۷۲	متوسط	۱۳	۲	۲	۶۵	۰/۴۶۰	نسبتاً مناسب
۱۴	۱	۸	۰/۴۵۸	نسبتاً نامناسب	۱۴	۱۳	۰/۲۷۱	متوسط	۱۴	۱	۱	۸	۰/۴۵۸	نسبتاً مناسب
۱۵	۱	۲۹	۰/۴۳۷	نسبتاً نامناسب	۱۵	۱	۰/۲۷۰	متوسط	۱۵	۳	۱	۲۹	۰/۴۳۷	نسبتاً مناسب
۱۶	۱	۲۸	۰/۴۳۴	نسبتاً نامناسب	۱۶	۵۲	۰/۲۷۰	متوسط	۱۶	۱	۱	۲۸	۰/۴۳۴	نسبتاً مناسب
۱۷	۲	۴۵	۰/۴۲۸	نسبتاً نامناسب	۱۷	۶۱	۰/۲۶۸	متوسط	۱۷	۱	۲	۴۵	۰/۴۲۸	نسبتاً مناسب
۱۸	۱	۱	۰/۴۱۹	نسبتاً نامناسب	۱۸	۵۸	۰/۲۶۷	متوسط	۱۸	۱	۱	۱	۰/۴۱۹	نسبتاً مناسب
۱۹	۳	۹	۰/۳۹۹	نسبتاً نامناسب	۱۹	۲	۰/۲۶۶	متوسط	۱۹	۱	۳	۹	۰/۳۹۹	نسبتاً مناسب
۲۰	۱	۳۶	۰/۳۹۲	نسبتاً نامناسب	۲۰	۳۵	۰/۲۶۶	متوسط	۲۰	۱	۱	۳۶	۰/۳۹۲	نسبتاً مناسب
۲۱	۱	۶	۰/۳۹۱	نسبتاً نامناسب	۲۱	۳۲	۰/۲۶۶	متوسط	۲۱	۲	۱	۶	۰/۳۹۱	نسبتاً مناسب
۲۲	۱	۱۴	۰/۳۹۰	نسبتاً نامناسب	۲۲	۵۷	۰/۲۶۵	متوسط	۲۲	۲	۱	۱۴	۰/۳۹۰	نسبتاً مناسب
۲۳	۳	۳	۰/۳۹۰	نسبتاً نامناسب	۲۳	۱۹	۰/۲۶۳	متوسط	۲۳	۱	۳	۳	۰/۳۹۰	نسبتاً مناسب
۲۴	۲	۶۳	۰/۳۹۰	نسبتاً نامناسب	۲۴	۵۵	۰/۲۶۲	متوسط	۲۴	۱	۲	۶۳	۰/۳۹۰	نسبتاً مناسب
۲۵	۲	۶۶	۰/۳۸۷	نسبتاً نامناسب	۲۵	۳۸	۰/۲۶۲	متوسط	۲۵	۱	۲	۶۶	۰/۳۸۷	نسبتاً مناسب
۲۶	۳	۸	۰/۳۸۵	نسبتاً نامناسب	۲۶	۴۲	۰/۲۶۲	متوسط	۲۶	۱	۳	۸	۰/۳۸۵	نسبتاً مناسب
۲۷	۲	۵۴	۰/۳۷۸	نسبتاً نامناسب	۲۷	۱۸	۰/۲۶۱	متوسط	۲۷	۳	۲	۵۴	۰/۳۷۸	نسبتاً مناسب
۲۸	۳	۵	۰/۳۷۵	نسبتاً نامناسب	۲۸	۶۹	۰/۲۶۱	متوسط	۲۸	۲	۳	۵	۰/۳۷۵	نسبتاً مناسب
۲۹	۱	۶۹	۰/۳۷۳	نسبتاً نامناسب	۲۹	۵۹	۰/۲۶۱	متوسط	۲۹	۱	۱	۶۹	۰/۳۷۳	نسبتاً مناسب
۳۰	۳	۲۶	۰/۳۶۵	نسبتاً نامناسب	۳۰	۱۲	۰/۲۶۰	متوسط	۳۰	۳	۳	۲۶	۰/۳۶۵	نسبتاً مناسب
۳۱	۲	۳۶	۰/۳۵۸	نسبتاً نامناسب	۳۱	۲۸	۰/۲۵۷	متوسط	۳۱	۳	۲	۳۶	۰/۳۵۸	نسبتاً مناسب
۳۲	۱	۶۳	۰/۳۵۳	نسبتاً نامناسب	۳۲	۷۰	۰/۲۵۶	متوسط	۳۲	۱	۱	۶۳	۰/۳۵۳	نسبتاً مناسب
۳۳	۱	۲۳	۰/۳۴۵	نسبتاً نامناسب	۳۳	۴۷	۰/۲۵۶	متوسط	۳۳	۱	۱	۲۳	۰/۳۴۵	نسبتاً مناسب
۳۴	۱	۷۸	۰/۳۴۴	نسبتاً نامناسب	۳۴	۲۵	۰/۲۵۳	متوسط	۳۴	۱	۱	۷۸	۰/۳۴۴	نسبتاً مناسب
۳۵	۲	۲۵	۰/۳۳۸	نسبتاً نامناسب	۳۵	۱۵	۰/۲۵۱	متوسط	۳۵	۳	۱	۲۵	۰/۳۳۸	نسبتاً مناسب
۳۶	۱	۱۱	۰/۳۳۶	نسبتاً نامناسب	۳۶	۲۱	۰/۲۵۱	متوسط	۳۶	۳	۱	۱۱	۰/۳۳۶	نسبتاً مناسب
۳۷	۲	۴۰	۰/۳۳۱	نسبتاً نامناسب	۳۷	۶۸	۰/۲۴۹	متوسط	۳۷	۱	۲	۴۰	۰/۳۳۱	نسبتاً مناسب
۳۸	۲	۵۲	۰/۳۲۴	نسبتاً نامناسب	۳۸	۱۹	۰/۲۴۹	متوسط	۳۸	۳	۲	۵۲	۰/۳۲۴	نسبتاً مناسب
۳۹	۱	۹	۰/۳۲۳	نسبتاً نامناسب	۳۹	۲۸	۰/۲۴۷	متوسط	۳۹	۲	۱	۹	۰/۳۲۳	نسبتاً مناسب
۴۰	۳	۲	۰/۳۲۳	نسبتاً نامناسب	۴۰	۲۶	۰/۲۴۷	متوسط	۴۰	۱	۳	۲	۰/۳۲۳	نسبتاً مناسب
۴۱	۲	۳۷	۰/۳۲۲	نسبتاً نامناسب	۴۱	۲۳	۰/۲۴۷	متوسط	۴۱	۳	۲	۳۷	۰/۳۲۲	نسبتاً مناسب
۴۲	۱	۳۴	۰/۳۱۸	نسبتاً نامناسب	۴۲	۲۲	۰/۲۴۷	متوسط	۴۲	۱	۱	۳۴	۰/۳۱۸	نسبتاً مناسب
۴۳	۱	۶۶	۰/۳۱۷	نسبتاً نامناسب	۴۳	۵۳	۰/۲۴۷	متوسط	۴۳	۱	۱	۶۶	۰/۳۱۷	نسبتاً مناسب
۴۴	۱	۲۷	۰/۳۱۷	نسبتاً نامناسب	۴۴	۲۰	۰/۲۴۵	متوسط	۴۴	۳	۱	۲۷	۰/۳۱۷	نسبتاً مناسب
۴۵	۱	۲۰	۰/۳۱۵	نسبتاً نامناسب	۴۵	۶۴	۰/۲۴۴	متوسط	۴۵	۱	۱	۲۰	۰/۳۱۵	نسبتاً مناسب
۴۶	۲	۲۲	۰/۳۱۲	نسبتاً نامناسب	۴۶	۳۹	۰/۲۳۵	متوسط	۴۶	۱	۲	۲۲	۰/۳۱۲	نسبتاً مناسب
۴۷	۲	۲۱	۰/۳۱۱	نسبتاً نامناسب	۴۷	۲۴	۰/۲۳۴	متوسط	۴۷	۳	۲	۲۱	۰/۳۱۱	نسبتاً مناسب
۴۸	۳	۱۶	۰/۳۱۱	نسبتاً نامناسب	۴۸	۱۱	۰/۲۳۳	متوسط	۴۸	۳	۱	۱۶	۰/۳۱۱	نسبتاً مناسب
۴۹	۲	۶۴	۰/۳۰۷	نسبتاً نامناسب	۴۹	۲۴	۰/۲۳۲	متوسط	۴۹	۱	۲	۶۴	۰/۳۰۷	نسبتاً مناسب
۵۰	۱	۵۰	۰/۳۰۳	نسبتاً نامناسب	۵۰	۳۰	۰/۲۳۱	متوسط	۵۰	۱	۱	۵۰	۰/۳۰۳	نسبتاً مناسب
۵۱	۳	۴	۰/۳۰۱	نسبتاً نامناسب	۵۱	۵۱	۰/۲۳۱	متوسط	۵۱	۱	۳	۴	۰/۳۰۱	نسبتاً مناسب
۵۲	۱	۴۹	۰/۳۰۱	نسبتاً نامناسب								۴۹	۰/۳۰۱	نسبتاً مناسب

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹



شکل شماره (۳): الگوی نهایی توزیع بلوک‌های شهری نیازمند برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل در شهر شهرداری (ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۹)

شکل شماره (۳) بیانگر آن است که بلوک‌های شهری نیازمند برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل بر بینه‌های حاشیه‌ای شهر شهرداری شده و بر این اساس، در امیریه شمالی و امیریه جنوبی، دینارآباد و کهنز، متمرکز شده است. در واقع بیشترین بلوک‌ها را می‌توان در منطقه امیریه و علیشاعوض و کرشته مشاهده کرد که امیریه سکونتگاهی خودرو در محدوده شهر شهرداری محسوب می‌شود. در حالی که علیشاعوض در شهر شهرداری هسته سکونت‌تی با قدمت تاریخی به شمار می‌آید. در عین حال، مناطق اندیشه و وائین وضعیت بهتری دارند؛ چراکه آنها به‌منزله بافت جدید شهر شهرداری به حساب می‌آیند. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد ساکنان شهر شهرداری برای توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی به مدیریت شهری اعتماد چندانی ندارند. با توجه به داده‌های پرسش‌نامه، به نظر پاسخگویان در خصوص میزان اعتماد آنها به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی، حدود ۳،۴ درصد پاسخگویان اعتماد بسیار زیاد، حدود ۷ درصد پاسخگویان اعتماد زیاد، حدود ۱۱ درصد افراد نیز اعتماد متوسط و حدود ۳۲ درصد افراد اعتماد کم و در نهایت حدود ۴۶ درصد پاسخگویان را افرادی تشکیل می‌دهند که اعتماد بسیار کمی به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی دارند. در جدول شماره (۶)، مقادیر فراوانی‌های مشاهده‌شده، یعنی \bar{z} ها و فراوانی‌های مورد انتظار، تحت فرض استقلال متغیرها یعنی

شکل شماره (۳) بیانگر آن است که بلوک‌های شهری نیازمند برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل بر بینه‌های حاشیه‌ای شهر شهرداری شده و بر این اساس، در امیریه شمالی و امیریه جنوبی، دینارآباد و کهنز، متمرکز شده است. در واقع بیشترین بلوک‌ها را می‌توان در منطقه امیریه و علیشاعوض و کرشته مشاهده کرد که امیریه سکونتگاهی خودرو در محدوده شهر شهرداری محسوب می‌شود. در حالی که علیشاعوض در شهر شهرداری هسته سکونت‌تی با قدمت تاریخی به شمار می‌آید. در عین حال، مناطق اندیشه و وائین وضعیت بهتری دارند؛ چراکه آنها به‌منزله بافت جدید شهر شهرداری به حساب می‌آیند. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد ساکنان شهر شهرداری برای توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی به مدیریت شهری اعتماد چندانی ندارند. با توجه به داده‌های پرسش‌نامه، به نظر پاسخگویان در خصوص میزان اعتماد آنها به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی، حدود ۳،۴ درصد پاسخگویان اعتماد بسیار زیاد، حدود ۷ درصد پاسخگویان اعتماد زیاد، حدود ۱۱ درصد افراد نیز اعتماد متوسط و حدود ۳۲ درصد افراد اعتماد کم و در نهایت حدود ۴۶ درصد پاسخگویان را افرادی تشکیل می‌دهند که اعتماد بسیار کمی به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی دارند. در جدول شماره (۶)، مقادیر فراوانی‌های مشاهده‌شده، یعنی \bar{z} ها و فراوانی‌های مورد انتظار، تحت فرض استقلال متغیرها یعنی

جدول شماره (۷): آزمون کای اسکووار تک‌متغیره نظرات پاسخگویان دربارهٔ اعتماد به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی

باقیمانده	تعداد مورد انتظار	تعداد مشاهده شده	اعتماد شما به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی	
	(Cij)	(Oij)		
-۵۰	۶۴	۱۴	بسیار زیاد	۳۲۲ پاسخ‌گویان
-۴۱	۶۴	۲۳	زیاد	
-۳۰	۶۴	۳۴	متوسط	
۳۹	۶۴	۱۰۳	کم	
۸۴	۶۴	۱۴۸	بسیار کم	
		۳۲۲	۳۲۲	جمع

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

تشکیل هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله: هسته‌های مدیریت محلی و راه‌اندازی دفاتر توسعه محله که متشکل از نمایندگان منتخب ساکنان خواهند بود، یکی از عوامل مهم و اثرگذار در توانمندسازی محله و مشارکت دادن ساکنان و اهالی محله در برنامه‌ریزی‌ها، اجرا و پایش طرح‌های مرتبط با محله است. در ادامه، اهداف، مسئولیت‌ها و ساختار پیشنهادی این دفاتر را به بحث می‌گذاریم.

اهداف و مسئولیت دفاتر توسعه محله‌ای: تشکیل این دفاتر دارای مجموعه‌ای از اهداف و مسئولیت‌هاست که عبارت‌اند از: (۱) هدایت، مساعدت و توانمندسازی شهرداری شهریار در خصوص تهیه، بررسی، تصویب و نظارت بر اجرای طرح‌های توسعه شهری و در صورت لزوم ایجاد هماهنگی میان آنها و سایر مراجع ذی‌مدخل؛ (۲) ارائه خطوط راهبردی و هدایت شهرداری شهریار برای شناسایی و احیای محیط‌های با ویژگی‌های مناسب توسعه محلی؛ (۳) مستندسازی و اطلاع‌رسانی فعالیت‌های مردمی، شهرداری و دیگر نهادهای مدیریت شهری در محله؛ (۴) تعدیل و تسهیل تقاضا و

ازجایها ثبت شده است. در جدول شماره (۷)، مقادیر کمیت مورد نظر به همراه درجه آزادی و سطح معنی داری آن ارائه شده است. سطر اول این جدول اندازه‌آماره‌خیز دو است. همان‌طور که در جدول شماره (۸) مشاهده می‌کنید، از آنجاکه مقدار (sig) یا سطح معنی داری با این آماره کوچک‌تر از مقدار ($p < 0/05$) است که نشان‌دهنده عدم اعتماد به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود.

فرضیه سوم: الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله با رویکرد پدافند غیرعامل بر ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار و پیشگیری از تشکیل آنها بیشترین تأثیر را دارد.

برای ارائه الگوی مدیریت سکونتگاه‌های غیررسمی از پنل خبرگان استفاده کردیم. در نهایت، اعضای پنل بر تشکیل هسته مدیریت محلی با محوریت رویکرد توانمندسازی و ساماندهی تأکید کردند که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم.

جدول شماره (۸): آزمون کای اسکوار تک‌متغیره نظرات پاسخگویان در خصوص اعتماد ساکنان به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی

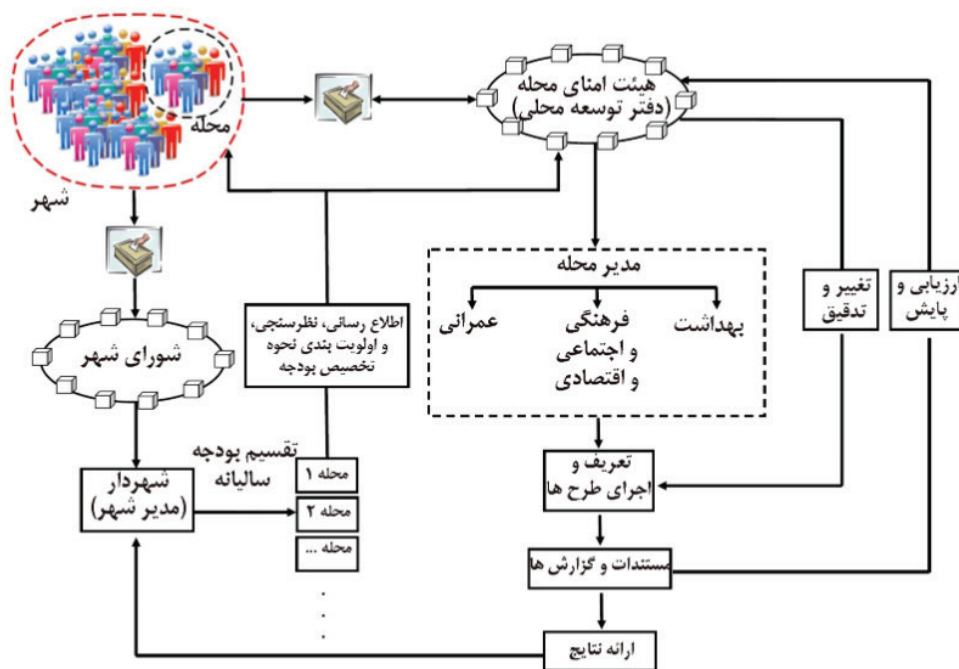
سطح معناداری (sig)	خی دو	درجه آزادی (df)	فراوانی داده های مشاهده شده (value) مقدار					شاخص فراوانی
			بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
۰/۰۰	۷۰/۰۶	۴	۱۴۸	۱۰۳	۳۴	۲۳	۱۴	پاسخ‌گویان

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

گرفتن مشارکت ساکنان در شکل‌گیری، فعالیت و پیش، هشت گام را می‌توان در نظر گرفت. این گام‌ها عبارت‌اند از: ۱) جلب مشارکت معتمدان و گروه‌های دارای نفوذ برای توجیه ضرورت تشکیل دفتر و حمایت از تسهیل‌گران برای بسیج اجتماع محلی؛ ۲) بسیج اجتماعی محلی با هدف شناسایی و جلب داوطلبان تشکیل دفاتر؛ ۳) سازمان‌دهی داوطلبان و انتخابات محلی؛ ۴) تشکیل دفتر و تدوین اساسنامه؛ ۵) تدوین و امضای تفاهم‌نامه‌های اجرایی با دستگاه‌های/افراد ذی‌ربط؛ ۶) جذب منابع و اجرای فعالیت‌ها؛ ۷) نظارت و پیش‌فعالیت‌ها و ۸) پیش‌دفاتر. روند تشکیل این دفتر محلی در چارت شکل شماره (۴) با عنوان «سازوکار مدیریت دفاتر توسعه محلی» آورده شده است.

H0: به نظر می‌رسد الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله با رویکرد پدافند غیرعامل نمی‌تواند بر ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شه‌ریار و پیشگیری از تشکیل آنها بیشترین تأثیر را داشته باشد. جدول ضریب همبستگی و ضریب تعیین رگرسیون (جدول شماره (۸)) نشان می‌دهد که ضریب تعیین برابر با ۳۷ درصد است.

خواست اجتماعی ساکنان و پاسخگویی به بخشی از آن توسط اجتماع محله‌ای؛ ۵) فرهنگ‌سازی، توانمندسازی و ایجاد یا افزایش ظرفیت در محله برای استقرار نظام مدیریت خدمات مهندسی طرح‌های توسعه و عمران شهری و ساختمان‌سازی و نیز اجرای سیستم‌های نظارت، ارزیابی، هدایت و کنترل توسعه شهری و استفاده از قابلیت‌های سازمان‌ها، مؤسسات غیردولتی و تشکل‌های حرفه‌ای در کشور برای پیاده‌سازی آن؛ ۶) بررسی راه‌های جلب مشارکت شهروندان و بخش‌های خصوصی و نهادهای مردمی در فرآیند تهیه، بررسی و نظارت بر طرح‌ها و برنامه‌های شهری با هماهنگی مراجع ذی‌ربط؛ ۷) همکاری با مراجع ذی‌ربط و ارائه نظرات مشورتی به آنها در زمینه طراحی نظام برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی شهری با توجه به ضرورت ایجاد تحولات لازم در نظام موجود و در نظر گرفتن تحولات شهری و نیاز محله؛ ۸) مساعدت و همکاری با شهرداری شه‌ریار در زمینه ارائه الگوهای سامان‌دهی و توانمندسازی بافت‌های نابسامان شهری و ارائه راهکارهای مناسب جهت رفع معضلات در راستای توسعه پایدار شهری با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط. ساختار و سازوکار دفاتر توسعه محلی: برای تأسیس و راه‌اندازی این دفاتر، با توجه به ضرورت در نظر



شکل شماره (۴): سازوکار مدیریت دفتر توسعه محلی (مأخذ: استخراج نگارندگان از پتل خبرگان)

می‌گیریم الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله بر ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار و پیشگیری از تشکیل آنها بیشترین تأثیر را دارد (جدول شماره (۹)).

جدول ضریب همبستگی و ضریب تعیین رگرسیون (جدول شماره (۱۰)) نشان می‌دهد که ضریب تعیین برابر با ۳۷ درصد است.

جدول شماره (۱۱) حاوی تحلیل واریانس رگرسیون به‌منظور بررسی قطعیت رابطه خطی بین دو متغیر است. با توجه به اینکه Sig برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد است، پس فرض خطی بودن رابطه بین دو متغیر تأیید می‌شود.

همچنین، با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون خطی

H1: به نظر می‌رسد الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله با رویکرد پدافند غیرعامل بر ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار و پیشگیری از تشکیل آنها بیشترین تأثیر را دارد.

با توجه به نتایج آزمون با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه H1 پذیرفته و فرضیه H0 رد می‌شود؛ زیرا Sig (۰/۰۰۰) کمتر از میزان خطای مجاز (۰/۰۵) است. بنابراین نوعی رابطه معنادار بین الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله (متغیر مستقل) و ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (متغیر وابسته) وجود دارد. با توجه به اینکه r^2 (ضریب همبستگی اسپیرمن) در این آزمون برابر ۰/۵۶۷ و بزرگ‌تر از صفر است، بنابراین نتیجه

جدول شماره (۹): آزمون اسپرمن رابطه بین نقش الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله با رویکرد پدافند غیرعامل در کاهش توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی

میزان همبستگی	سطح معناداری	میزان خطای مجاز	نتیجه آزمون
۰/۵۶۷	۰/۰۰۰۴	۰/۰۵	رد H_0

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره (۱۰): ضریب همبستگی و ضریب تعیین رگرسیون

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده	خطای معیار میانگین
۰/۵۷۶	۰/۳۷	۰/۳۶	۰/۸۷۶

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره (۱۱): تحلیل واریانس رگرسیون (ANOVA)

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	توزیع فیشر (F)	سطح معناداری
۴/۱۲	۱	۴/۱۲	۶/۴۹	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

جدول شماره (۱۲): تحلیل رگرسیون رابطه بین الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله با رویکرد پدافند غیرعامل و کاهش توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی

مدل رگرسیون	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد Beta	T	SIG
	B	خطای معیار			
مقدار ثابت	۰/۲۴۵	۰/۹۷۵	۰/۶۷	۰/۲۴۵	۰/۸۴۸
نقش مدیریت شهری در کاهش توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی	۰/۷۶۸	۰/۳۴۵		۲/۳۰۱	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

فرایندگرا، مستمر و سیستماتیک در کاهش آسیب‌پذیری در سکونتگاه‌های غیررسمی، محلات شهری کوچک و شهرهای کوچک استفاده می‌شود تا میزان خطر را در این نوع از بافت‌ها و سکونتگاه‌ها در برابر مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی در طولانی مدت کاهش دهد. در این میان امر دیگری که بر لزوم توجه به این الگو می‌افزاید، جهت‌گیری راهبرد پدافند غیرعامل

ساده، فرضیه بالا تأیید می‌شود؛ زیرا سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است. همچنین این نتیجه حاصل شده که به‌ازای هر واحد تغییری که در متغیر مستقل ایجاد می‌شود، ۰/۶۷ تغییر در متغیر وابسته به وجود می‌آید (جدول شماره (۱۲)).

نتیجه‌گیری
الگوی پدافند غیرعامل توانمند به‌عنوان راهبردی

در کاهش آسیب‌پذیری‌هاست که بیشتر مبتنی بر مکان‌های آسیب‌پذیر، حیاتی و حساس است و بیشتر در شهرهای بزرگ و مقیاس‌های منطقه‌ای یا آمایشی مدنظر است. در همین راستا، استفاده از توانمندسازی که به‌عنوان الگویی با راهبرد از پایین به بالا توصیه شده است، در سطوح پایین میزان کارایی آن افزایش می‌یابد، بنابراین ادغام توانمندسازی و پدافند غیرعامل در چهارچوب الگوی پدافند غیرعامل توانمند میزان اثرپذیری در محلات و شهرهای کوچک را افزایش می‌دهد که این امر در طولانی‌مدت می‌تواند در طول فرایند پدافند غیرعامل، که در سیاست‌های آمایش و طرح‌های مختلف کشور توصیه شده، کشور را از انواع مخاطرات مصون نگاه دارد. پدافند غیرعامل توانمند برای افزایش میزان اثرپذیری نیاز دارد که در سطوح مختلف در سایت‌های متفاوت متناسب با نیازهای آنها اجرا شود. آموزش، مراقبت و نگهداری، هم‌شکل‌سازی و بازآفرینی براساس تطابق با طرح‌هاست و استفاده مستمر در جهت فرآیندسازی امری اساسی در این الگوست که البته به امر آموزش در هسته این الگو، و به‌صورت مستمر، باید توجه شود.

نتایج پژوهش درخصوص محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار بیانگر آن است که حدود ۹ درصد از کل محلات شهری شهریار دارای کیفیت مناسب، حدود ۲۲ درصد دارای کیفیت نسبتاً مناسب، ۳۲ درصد در وضعیت متوسط، حدود ۲۶ درصد در وضعیت نسبتاً نامناسب و در نهایت حدود ۱۱ درصد در وضعیت کاملاً نامناسب قرار دارند. بنابراین، حدود ۶۳ درصد از بلوک‌های شهر شهریار در وضعیت قابل قبولی قرار دارند و ۳۷ درصد از آنها وضعیت نامناسبی دارند و به برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل نیازمندند. درخصوص میزان اعتماد ساکنان نسبت به مدیریت

شهری جهت ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار، نتایج گویای آن است که بیش از ۷۸ درصد ساکنان این شهر به مدیریت شهری اعتماد کم و بسیار کمی دارند. همچنین مقدار سطح معنی‌داری این آماره کوچک‌تر از مقدار ($p < 0/05$) است که نشان‌دهنده عدم اعتماد به مدیریت شهری در کاهش مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی است. درخصوص الگوی مناسب برای ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار نتایج نشانگر آن است که الگوی مدیریت شهری مبتنی بر هسته‌های مدیریت محلی و دفاتر توسعه محله با رویکرد پدافند غیرعامل بر ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار و پیشگیری از تشکیل آنها بیشترین تأثیر را داشته است؛ چراکه مقدار r^2 (ضریب همبستگی اسپیرمن) در این آزمون برابر ۰/۵۶۷ و بزرگ‌تر از صفر است. تحلیل واریانس رگرسیون و تحلیل رگرسیون خطی ساده، قطعیت رابطه خطی بین این دو متغیر را تأیید کرده است؛ چنانچه سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد است. افزون‌بر این، برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار مجموعه‌ای از راهبردها با رویکرد پدافند غیرعامل، از مصاحبه با خبرگان و ساکنان محلی، استخراج شده است که عبارت‌اند از:

- تشکیل دفتر توسعه محلی؛ راه‌اندازی صندوق‌های توسعه محلی توسط شهرداری شهر شهریار و دفتر رسیدگی به سکونتگاه‌های غیررسمی به‌عنوان دبیرخانه برای تشکیل جلسه‌های ستاد شهرستانی حضور فعال اعضای ستاد و مدیریت شهری؛
- راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شهریار؛ راه‌اندازی

ogy for evaluating urban land governance: the case of informal settlements, *Journal of Spatial Science*, 60(2): 289-309.

6. Abbott, J. (2002). An analysis of in formal settlement upgrading , an critique of existing My theological approaches, *Habitat International*, 26(2002): 303-315.

7. Boo, K. (2012). *Beyond the Beautiful Forever. Life, Death, and Hope in a Mumbai Undercity*; Random House: New York, NY, USA.

8. Das, A. (2017). A City of Two Tales: Shelter and Migrants in Surabaya. *Urban. ASIA*, 8(2017): 1-21.

9. Hegazy, I. R. (2015). Informal settlement upgrading policies in Egypt: towards improvement in the upgrading process, *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 9(3): 254-275.

10. Jones, P. (2017). Formalizing the Informal: Understanding the Position of Informal Settlements and Slums in Sustainable Urbanization Policies and Strategies in Bandung, Indonesia, *Sustainability Journal*, 9(2017): 1-27.

11. Kuddus, M. A. Tynan, E. & McBryde, E. (2020). Urbanization: a problem for the rich and the poor?, *Public Health Review*, 1(2020): 1-4.

12. Kvarnstrom, D. (2014). *Construction of low cost houses in informal settlements; A case study of the Nairobi region*, Thesis Master in the Master's Programme Structural Engineering and Building Technology, Chalmers University of Technology.

13. Majale, M. (2013). Realising the Right to Total Sanitation in Nakuru's Slums: Study on Tenants' Security of Tenure Following Improvement of Sanitation Facilities. Unpublished Report.

14. Masum, F. (2014). *Challenges of Upgrading*

صندوق‌های قرض الحسنه خاص (بانوان) توسط اداره عمران و بهسازی استان تهران و فعالان اقتصادی و اجتماعی محله‌ها؛

• تقویت و ارتقای زیرساخت‌ها و محیط‌های شهری توسط معاونت عمرانی و شهرسازی شهرداری شهر شهریار؛ سازمان‌های بهداشت، آب و برق و زیرساخت‌های شهر؛

• پیگیری پرداخت وام‌های کم‌بازده برای کارآفرینان محلی از بانک‌های عامل وام‌دهنده و خیریه‌ها؛

• رسیدگی به وضعیت سند مالکیت ابنیه فاقد جواز ساخت توسط اداره اوقاف و اداره ثبت اسناد و املاک؛ استحکام‌بخشی ابنیه آسیب‌پذیر و تشکیل نهاد امنیت محلی (پلیس محله-دیدبان محله توسط سازمان مقابله با سوانح طبیعی فرمانداری و اداره میراث فرهنگ).

منابع

۱. اخباری، محمد، احمدی مقدم، محمدعلی (۱۳۹۳)، «بررسی پدافند غیرعامل در مدیریت شهری»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۰ (۳۴): ۶۹-۳۶.

۲. حاتمی‌نژاد، حسین، ابدالی، یعقوب (۱۳۹۶)، «سنجش آسیب‌پذیری سازه‌های بافت فرسوده شهری در برابر مخاطرات، با رویکرد پدافند غیرعامل (مطالعه موردی: بافت فرسوده مرکزی کلان‌شهر اهواز)، فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی، ۲۶ (۱۰۴): ۱۷۲-۱۵۹.

۳. حسینی، سیدرسول، امیری، عبدالله، یاری، سجاد (۱۳۹۵)، «رویکرد پدافند غیرعامل در مناطق حاشیه‌نشین شهری با تأکید بر توسعه مناطق شهری»، کنفرانس پدافند غیرعامل و توسعه پایدار، تهران.

۴. مهدنژاد، حافظ، زنگانه، احمد، سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۹۹)، «تحلیل هم‌پوشانی پهنه‌بندی مکانی فقر و بافت فرسوده در فضاهای پیراشهر تهران»، مجله توسعه فضاهای پیراشهری، ۲ (۳): ۱۹۲-۱۷۵.

5. Alemie, Berhanu Kefale. & Bennett, Rohan M. & Jaap, Zevenbergen. (2015) A socio-spatial methodol-

23. Wakely, P. (2014). *Urban public housing strategies in developing countries: whence and whither paradigms, policies, programmes and projects*, DPU60 Working Paper Series: Reflections NO. 163/60, Development Planning Unit.
24. World Bank. (2014). *Implementation Completion and Results Report (IDA-42190) on a Credit in the Amount of SDR 138.10 Million (USD200.00 Million Equivalent) to the Federal Republic of Nigeria for the Lagos Metropolitan Development and Governance Project*. Report No: ICR00002968, World Bank, Washington, DC.
25. World Health Organization. (2016). *World Health Organization releases country estimates on air pollution exposure and health impact*. Geneva: World Health Organization.
- Housing in Informal Settlements: A Strategic Option of Incremental Housing*, FIG Congress 2014, Engaging the Challenges –Enhancing the Relevance Kuala Lumpur, Malaysia 16-21 June 2014.
15. Mureithi, C. W. (2016). *The Evolution of Slum Upgrading: Mainstream Approaches Used, Graduate School*, Master of Science in Development Studies, Lund University
16. Narayan, D. (2002). *Empowerment and Poverty Reduction : A Sourcebook*. Washington, DC: World Bank. World Bank. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/15239> License: CC BY 3.0 IGO.
17. Olthusi, K. Benni, J. Eichwede, K. & Zevenbergen, C. (2015). Slum Upgrading: Assessing the importance of location and a plea for a spatial approach. *Habitat International*, 50(2015): 270–288
18. Pieterse, E. (2013). Competing Imaginaries of Empowerment in African Cities. In *Afritecture. Building Social Change*, ed. Andres Lepik, 104–113. Ostfildern: Hatje Cantz Verlag.
19. UNDG (United Nations Development Group). (2010). *Thematic Paper on MDG 7: Environmental Sustainability*. New York: United Nations Development Group.
20. UN-Habitat. (2012). *Affordable Land and Housing in Africa*, Adequate Housing Series Volume 3. Nairobi: United Nations Human Settlements Program.
21. UN-Habitat. (2016). *Urbanization and Development: Emerging Futures*. World Cities Report. Nairobi, Africa, 2016. Available online: <https://unhabitat.org/wp-content/uploads/2014/03/WCR-%20Full-Report-2016.pdf> (accessed on 30 May 2017).
22. United Nations. (2019). *World urbanization prospects*. New York: United Nations.

ارائه الگوی کارآمد توسعه فیزیکی شهرهای تاریخی میانی براساس شاخص‌های توسعه میان‌افزا (مورد مطالعه: شهر نائین)

امیرحسین شکیب‌راد

(دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران)

محمود محمدی^۱

(دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران)

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹، زمستان ۱۴۰۲، صص ۷۷-۹۸

چکیده

یکی از مسائل اصلی توسعه شهری، رشد پراکنده و گسترش افقی است که مشکلاتی از جمله بازماندن نواحی مرکزی شهرها از جریان توسعه، بدون استفاده ماندن اراضی وسیعی داخل محدوده شهر و شکل‌گیری توسعه ناپایدار شهری را سبب می‌شود. بنابراین کنترل این توسعه و جهت‌دهی آن به سمت اراضی درون شهرها با بهره‌گیری از الگوی توسعه میان‌افزا در این زمینه اهمیت دارد. در شهر نائین، توسعه‌های اخیر به صورت پراکنش افقی، سبب ناپایداری شهری و بازماندگی بخش‌هایی از مناطق درون شهر از جمله بافت تاریخی آن از توسعه شده است. ضمن اینکه این شهر دارای موانعی برای گسترش افقی در پیرامون خود و دارای پهنه‌های مستعد متعدد برای توسعه درونی شهر است. این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر روش، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است همچنین برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. در این پژوهش پس از شناسایی و تعیین معیارها و شاخص‌های توسعه میان‌افزا و بومی‌سازی آن با شرایط شهر نائین، از تکنیک تصمیم‌گیری چندشاخصه TOPSIS با بهره‌گیری از نرم‌افزار Excel استفاده شده و به تعیین پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزا پرداخته شده است. سپس با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP با بهره‌گیری از نرم‌افزار Expert choice به اولویت‌بندی پهنه‌های مستعد برای توسعه با تعیین و استفاده از معیارهای مربوطه پرداخته شده و نتایج با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS هم‌پوشانی و ترسیم شده‌اند. در نهایت الگوهای پیشنهادی مداخله توسعه میان‌افزا در این شهر و راهکارهای متناظر با آن تدوین و ارائه شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که الگوی توسعه میان‌افزا می‌تواند الگویی مطلوب و کارآمد برای روند توسعه آتی شهر نائین به عنوان شهری میانی و تاریخی باشد. همچنین مناسب‌ترین پهنه‌ها برای توسعه میان‌افزا در شهر به ترتیب پهنه حائل بین نائین و محمدیه، بافت قدیم نائین و محمدیه، پهنه‌های بافت جدید و نهایتاً اراضی شمال غربی این شهر است.

واژگان کلیدی: گسترش افقی، توسعه میان‌افزا، بافت تاریخی، شهرهای میانی، شهر نائین

۱. ایمیل نویسنده مسئول: m.mohammadi@aui.ac

درون شهر از توسعه شده است. این در حالی است که این مناطق شامل بافت و عناصر مهم و تاریخی و ارزشمند شهر است. بنابراین استفاده از روش توسعه میان‌افزا برای برنامه‌ریزی توسعه فیزیکی شهر سبب شکل‌گیری بافت منسجم و هم‌پیوند شهری و استفاده بهینه برای تجدید اراضی غیرقابل استفاده درون شهر است.

از پیشینه مربوط به این پژوهش می‌توان به پژوهش میرکتولی و حسینی (۱۳۹۳) تحت عنوان «ارزیابی تناسب اراضی میان‌بافتی شهر گرگان برای توسعه میان‌افزا با استفاده ترکیبی از AHP و GIS» اشاره کرد که نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد بیشترین اراضی میان‌بافتی سازگار و مناسب برای توسعه مجدد و میان‌افزا، در بافت شمال شرقی و شمال و کمترین سازگاری و تناسب اراضی در بافت جنوب غربی، جنوب و حریم رودخانه‌های شهر گرگان قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج پژوهش طیبیان و غنی (۱۳۹۳)، تحت عنوان «سنجش پتانسیل توسعه میان‌افزا در بافت مرکزی تهران» بیانگر آن است که هر شش ناحیه منطقه دوازده تهران دارای پتانسیل توسعه براساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های معرفی شده‌اند که در این میان، نواحی سه (هسته اولیه شکل‌گیری تهران)، چهار و دو دارای بالاترین ظرفیت‌های توسعه‌ای در منطقه‌اند. نتایج پژوهش سرور و همکاران (۱۳۹۵) نیز، تحت عنوان «ارائه الگوی بهینه توسعه فیزیکی شهر بانه با تأکید بر شاخص‌های توسعه میان‌افزا» نشان می‌دهد تأیید امکان کاربرد اصول توسعه میان‌افزا در شهر بانه وجود دارد و توسعه میان‌افزا بهترین راه‌حل در جهت توسعه شهری با توجه به افزایش روزافزون جمعیت شهر بانه است. همچنین کریمی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «تبیین و ارائه

الگوی رشد شهرها از آنجاکه با یکی از محدودترین منابع در دسترس انسان، یعنی زمین، سروکار دارد، از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی شهری است (اطهاری، ۱۳۷۹: ۳۶). یکی از مشکلات اصلی توسعه شهری رشد پراکنده و گسترش افقی است که مشکلاتی از جمله بازماندن نواحی مرکزی شهرها از جریان توسعه و شکل‌گیری توسعه ناپایدار شهری را ایجاد می‌کند (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۵: ۱۲). همچنین، در این راستا، ویژگی بسیاری از شهرهای تاریخی آن است که در واکنش به نیروهای توسعه بیرونی یا تبدیل به بخش‌های غیرقابل سکونت و یا در درون ساختار جدید مدفون شده‌اند، بنابراین توجه به الگوهای بهینه توسعه شهری مخصوصاً در شهرهای تاریخی موضوع مهمی است که به توجه نیاز دارد. این پراکنش افقی بدون برنامه به سمت اراضی حاشیه شهرهای کوچک و میانی، سبب شده است اراضی وسیعی درون این شهرها بدون استفاده مانده و سبب شکل‌گیری توسعه ناپایدار شهری شود، بنابراین یکی از مسائل مهم در امر برنامه‌ریزی شهری کنترل این توسعه و جهت‌دهی آن به سمت اراضی درون شهرهاست که در این زمینه می‌توان از الگوی توسعه میان‌افزا استفاده کرد. شهرهای میانی شهرهایی‌اند که به لحاظ عملکردی حد واسط بین سکونتگاه‌های کوچک و کلان‌شهرها قرار دارند (تقوایی و مختاری، ۱۳۸۳: ۳۵) و بین ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت دارند (ارجمندنیا، ۱۳۷۰: ۲۱). نائین، به‌عنوان یک شهر تاریخی میانی، نیز از توسعه فیزیکی بازمانده است و در توسعه‌های اخیر بر مبنای واگذاری زمین‌های دولتی، توسعه شهر بیشتر به سمت جنوب شهر شکل گرفته و همین موضوع سبب ناپایداری شهری و بازماندگی بخش‌هایی از مناطق

الگوی بهینه تخصیص ظرفیت‌های توسعه میان‌افزایی با استفاده از GIS (نمونه موردی: کلان‌شهر شیراز)» نتیجه گرفته‌اند که ۳۸۱۸ هکتار (معادل وسیع‌ترین منطقه شهری شیراز) به‌عنوان پتانسیل توسعه در بافت پر شهری وجود دارد که باید برای توسعه آتی شهر از آن‌ها استفاده کرد. اما در این پژوهش سعی شده است برای تجزیه و تحلیل، از آمار و اطلاعات به‌روز و داده‌ها و اطلاعات کمی دقیق بر بستر پهنه‌بندی همگن استفاده شده و از مدل تاپسیس به‌جای سایر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده شود. درحالی‌که در اکثر پژوهش‌های پیشین براساس هم‌پوشانی داده‌های رستری به تعیین لکه‌های مستعد پرداخته شده است. با توجه به موارد بالا، هدف اصلی این پژوهش را می‌توان ارائه الگوی کارآمد توسعه فیزیکی شهرهای تاریخی میانی براساس شاخص‌های توسعه میان‌افزا دانست. همچنین این پژوهش در پی رسیدن به سه هدف فرعی است: اول، شناسایی پهنه‌های بهینه و مستعد توسعه میان‌افزا در مطالعه موردی شهر نائین؛ دوم، اولویت‌بندی پهنه‌های بهینه و مستعد توسعه میان‌افزا در مطالعه موردی شهر نائین و سوم، تدوین الگوهای پیشنهادی مداخله در امر برنامه‌ریزی توسعه میان‌افزا و پیشنهادها و راهکارهای متناظر با آن در مطالعه موردی شهر نائین و در همین راستا به این سه سؤال پاسخ می‌دهد که پهنه‌های بهینه و مستعد توسعه میان‌افزا در شهر نائین به‌عنوان مطالعه موردی یک شهر تاریخی میانی کدام‌اند؟ اولویت‌بندی پهنه‌های بهینه و مستعد توسعه میان‌افزا در مطالعه موردی شهر نائین به چه صورت است؟ و الگوهای پیشنهادی مداخله در امر برنامه‌ریزی توسعه میان‌افزا و پیشنهادها و راهکارهای متناظر با آن در مطالعه موردی شهر نائین کدام‌اند؟

مبانی نظری

گسترش کالبدی شهر

اگرچه اغلب، در اصطلاح، گسترش کالبدی شهر و پراکنش افقی شهر (رشد پراکنده شهر) با هم مترادف و هم‌معنی انگاشته می‌شود، در حقیقت این اصطلاحات تفاوت‌هایی با هم دارند. منظور از گسترش کالبدی شهری، مجموع افزایش در زمین‌های ساخته‌شده و توسعه‌یافته شهر است. یکی از این شکل‌ها، گسترش افقی است. درحالی‌که واژه پراکنش افقی شهر بیشتر معنای فضایی-کالبدی دارد و اغلب دارای بار منفی است. به‌طور کلی، باید به این نکته مهم دقت کرد که هر نوع گسترش کالبدی شهری، پراکنش افقی یا اسپرال شهری نیست (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۵: ۱۳).

گسترش افقی شهر (اسپرال شهری)

پراکنش افقی یا رشد پراکنده شهر واژه‌ای است که در نیم سده اخیر در قالب اصطلاح «اسپرال» در ادبیات پژوهش‌های شهری وارد شده است (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۵: ۱۳). گسترش افقی شهر، رشد فزاینده شهری بدون برنامه‌ریزی و با اختلاط کاربری‌های زمین کم‌تراکم در حاشیه شهر و یک الگوی گسترش کالبدی «کم‌تراکم» نواحی شهری بزرگ، تحت شرایط بازار، و عمدتاً درون نواحی کشاورزی اطراف است. (حیدری و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۱۴).

گسترش افقی شهر و رهاشدگی بافت‌های درونی

در برخی مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته، پیدایش و گسترش بافت‌های فرسوده شهرها را تا حد زیادی یکی از مسائل ناشی از گسترش افقی شهری می‌دانند (حیدری و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۳۷). در این حالت، درحالی‌که شهر از درون تهی شده و می‌پوسد، نقاط پیرامونی آن بیشتر و بیشتر توسعه می‌یابد و هرگونه تلاش را برای شهر با برنامه به بن‌بست می‌کشاند. نقاط

پیرامونی شهر، در دوردست‌ها، مقصد توسعه‌های آتی شهر می‌شوند و این در حالی است که محدوده‌ای وسیع در درون شهر تحت عنوان «بافت‌های قدیم رهاشده» باقی می‌مانند و هر زمان بیش از زمانی دیگر فرومی‌ریزند (حبیبی، ۱۳۸۳: ۲۱۶).

توسعه میان‌افزا

توسعه میان‌افزا سرمایه‌گذاری برای تجدید حیات مراکز شهرهاست و از همه ظرفیت‌های موجود در شهر برای توسعه شهر و ایجاد کاربری‌های مختلط استفاده می‌کنند. این نوع از توسعه در داخل محدوده موجود شهرها و نه در پیرامون بافت موجود آن‌ها و اغلب با قابلیت توسعه مجدد صورت می‌گیرد و به‌عنوان یکی از مظاهر توسعه فشرده، به‌صورت چندوجهی با ظرفیت‌سازی توسعه از درون شهرها، هم موجب صرفه‌جویی در مصرف زمین و استفاده بهینه از زیرساخت‌ها و تأسیسات موجود شهری می‌شود و هم استفاده از اراضی بایر و بدون استفاده و یا رهاشده شهری، همچون توسعه در زمین‌های قهوه‌ای، سبب استفاده اقتصادی از زمین‌های شهری و ارتقای کیفیت کالبدی و اجتماعی در سطح محله‌ها خواهد شد (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۵: ۱۲۹).

توسعه میان‌افزا و توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار شهری شکلی از توسعه امروزی است که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری آینده را تضمین می‌کند. مبانی نظری برنامه‌ریزی شهر پایدار مبتنی بر حفاظت از اراضی، الگوی توسعه پایدار شهری، کنترل رشد، تراکم متعادل، استفاده کارآتر از زمین، استفاده بیشتر از اراضی درون شهر و بافت‌های خالی، استفاده جدید از بناهای قدیمی و احیای اراضی تخریب‌شده است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۳۲). هم‌اکنون از جمله مزایایی که برای توسعه میان‌افزا ذکر

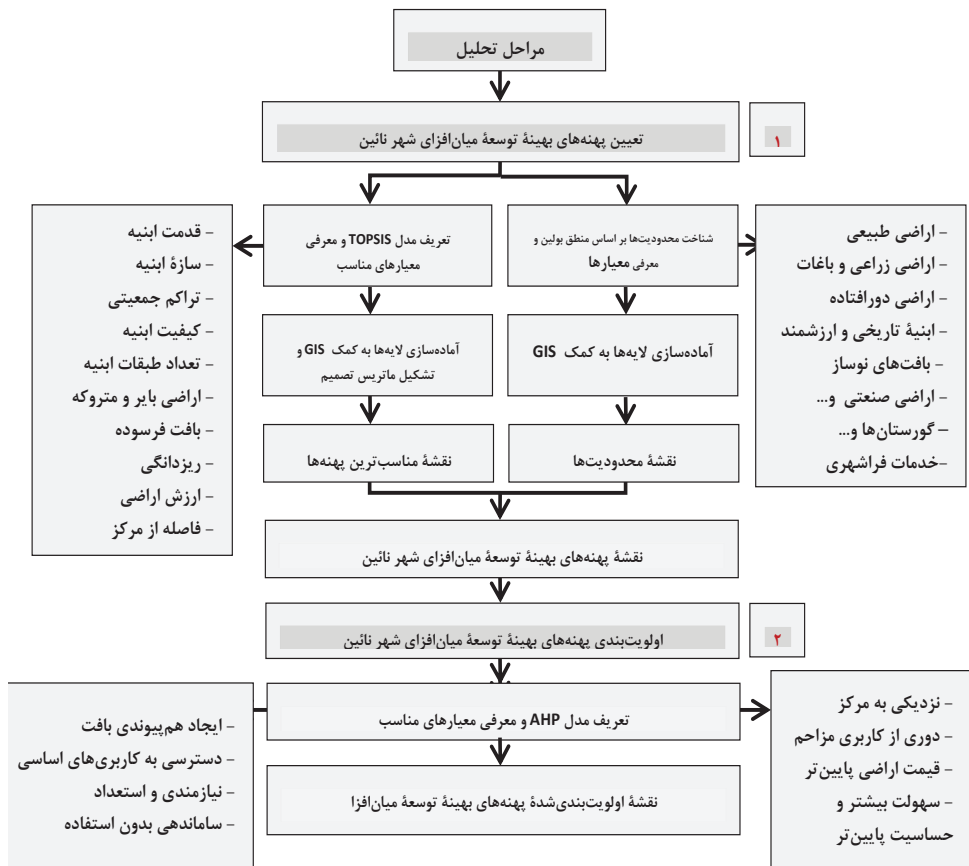
می‌شود مزایای زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی‌اند (حیدری و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۶۵-۶۴). در این بین، توسعه میان‌افزا می‌تواند نقشی راهبردی در ایجاد سیستمی هماهنگ و منسجم برای نیل به پایداری شهری ایفا کند. (شفاعتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴).

توسعه میان‌افزا و شهر فشرده

سال‌هاست که ندای «گسترش افقی بی‌رویه شهرک با اصول توسعه پایدار منافات دارد»، سر داده شده و جهت غلبه بر این مسائل همواره به استفاده بهینه از زمین و بناهای موجود و جلوگیری از گسترش شهر در سطح تأکید شده است. در این بین، یکی از مناسب‌ترین گزینه‌های پیش‌رو، بستن و یا جلوگیری از افزایش محدوده‌های شهرها در اراضی پیرامون و در نتیجه روی آوردن به توسعه درون‌شهری به‌ویژه ایجاد «شهر فشرده و با تراکم» است (حیدری و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۵).

روش پژوهش

این پژوهش، از نظر هدف، کاربردی است و به دنبال یافتن پهنه‌های مناسب توسعه میان‌افزا به جهت افزایش کیفیت‌های محیط زندگی از جمله بافت مرکزی شهر است که خود مرتبط با توسعه پایدار شهری و افزایش کیفیت زندگی شهری از طریق افزایش کیفیت‌هایی، نظیر هم‌پیوندی و انسجام بافت، پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، توسعه یافتگی بافت مرکزی و... می‌باشد. همچنین این پژوهش از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است؛ به سبب اینکه ضمن توجه به وضعیت چگونگی پدیده، به تشریح و تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پدیده و فرآیندها و روندها و نحوه تغییر و تکامل آن در طول زمان می‌پردازد و مبتنی بر مبانی نظری و دیدگاه‌های علمی مستحکم است و از آن‌ها برای تبیین و تشریح مسئله استفاده می‌کند. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی



نمودار شماره (۱): فرآیند تجزیه و تحلیل پژوهش (منبع: نگارنده، برگرفته از نظری عدلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵)

کتابخانه‌ای) شامل مرور کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های توسعه شهری و سایر منابع علمی معتبر و روش میدانی، شامل حضور در بافت، مشاهده و برداشت کالبدی استفاده کرده‌ایم.

در این پژوهش در ابتدا به شناسایی و تعیین معیارها و شاخص‌های پژوهش پرداخته‌ایم و سپس محدوده شهر را پهنه‌بندی کرده‌ایم. در گام بعد، با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چندشاخصه Topsis و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Excel، براساس معیارها و شاخص‌های تعیین‌شده، هر کدام از پهنه‌ها را امتیازدهی

و مناسب‌ترین پهنه‌ها را برای توسعه مشخص کرده‌ایم. در گام آخر، معیارهایی برای اولویت‌بندی پهنه‌های مستعد تعیین‌شده مشخص و با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP با بهره‌گیری از نرم‌افزار Expert choice مقایسه و امتیازدهی کرده‌ایم و نهایتاً نقشه اولویت‌بندی پهنه‌های بهینه توسعه میان‌افزا را با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS تهیه و ترسیم کرده‌ایم.

شناخت قلمرو مکانی پژوهش

شهر نائین، مرکز شهرستان نائین، در طول جغرافیایی



نقشه شماره (۱): موقعیت شهر نائین (منبع: نگارنده)

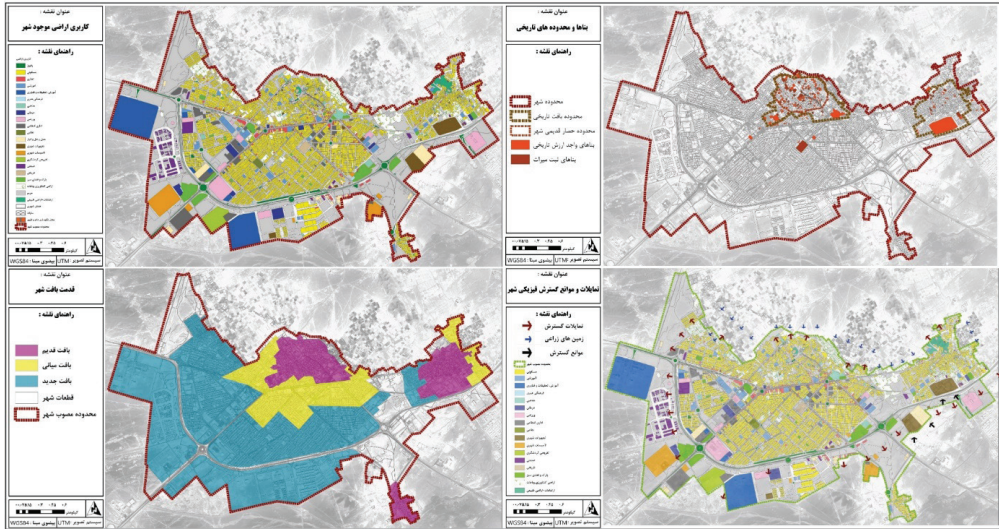
به صورت هسته‌ای رشد پیدا کرده، در طول زمان بالنده شده و توسعه‌های مسکونی جدید در سمت جنوب و غرب بافت قدیم نائین و محمدیه و براساس واگذاری اراضی دولتی به سمت جنوب رشد پیدا کرده است. محدوده قانونی این شهر مطابق با اطلاعات سال ۱۳۹۹ به طور کلی شامل ۲۱ نوع کاربری است که جمع کل سطوح کاربری‌های ذکر شده و شبکه معابر ۹۹۸ هکتار بوده که برابر با مساحت محدوده شهر است. مجموع کل سطوح کاربری‌ها بدون شبکه معابر برابر با ۷۵۸ هکتار است که ۴۴۹ هکتار به سطوح خالص شهری اختصاص یافته است. سطوح ناخالص شهری که شامل اراضی بایر، اراضی زراعی و کشاورزی در محدوده قانونی شهر نائین است سطحی برابر با ۳۰۹ هکتار را به خود اختصاص داده است. از سطح کل شهر نائین ۴۵ درصد را سطوح خالص شهری به خود اختصاص داده است. مجموع مساحت زمین‌های بایر شهر نیز برابر با ۲۶۷ هکتار بوده که ۲۶٫۶۷ درصد از مساحت شهر را به خود اختصاص می‌دهد.

در خصوص امکانات و محدودیت‌های توسعه شهر نائین می‌توان گفت که یکی از عوامل محدودکننده رشد شهر باغات و مزارع درون و برون شهری است که به طور مشخص این مطلب را در بافت محمدیه و اطراف بافت قدیم نائین می‌توان مشاهده کرد. به این ترتیب، امکان توسعه شهر به سمت باغات و

۵۳ درجه و ۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۵۲ دقیقه واقع شده است و حدود ۱۶۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این شهر براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۲۷۳۷۹ نفر جمعیت است.

نائین به شهر هزاره‌های تاریخی مشهور است. ابنیه ارزشمند و واجد ارزش تاریخی و معماری در بافت تاریخی نائین و محمدیه به وفور مشاهده می‌شود. توجه به این ابنیه در راستای امر برنامه‌ریزی توسعه شهر از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و حفظ و نگهداری از این ابنیه و احیای بافت تاریخی شهر باید در برنامه‌ریزی توسعه کالبدی شهر در اولویت قرار گیرد. بهره‌گیری از توسعه میان‌افزا و ارتقای کیفیت‌های فضائی بافت تاریخی شهر یکی از روش‌هایی است که در این امر مهم مؤثر است. بافت فرسوده مصوب شهر نائین شامل دو لکه جدا از هم است که یک قسمت آن در بافت قدیم نائین و قسمت دیگر آن در بافت قدیم محمدیه است. این دو محدوده مجموعاً ۱۳۳٫۵۱ هکتار بوده و در حدود ۱۳٫۴ درصد از محدوده شهر نائین را شامل می‌شود.

شهر نائین شامل دو بافت شهری است: یکی، بافت باارزش تاریخی و فرهنگی نائین و محمدیه و دیگری، بافت جدید (بعد از سال ۱۳۳۰) (مهندسان مشاور ایوان نقش جهان، ۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۴۹). روند گسترش شهر نشان می‌دهد که نواحی شهر تا حدود اوایل دوره قاجار



نقشه شماره (۲): نقشه‌های شناختی شهر نائین (شامل کاربری اراضی، بافت تاریخی، قدمت بافت و امکانات و محدودیت‌های توسعه). (منبع: مهندسان مشاور طرح و معماری و ترسیم نگارنده)

میان‌افزا، به سبب وجود ده شاخص برای سنجش آن، از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه (چندمعیاره) استفاده شده است. روشی که برای این کار استفاده شده، روش تصمیم‌گیری تاپسیس (TOPSIS) است. این روش از جمله روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه (چندمعیاره) است که می‌توان در آن هم از معیارهای کمی استفاده کرد و هم از معیارهای کیفی، و در تعداد معیارها و گزینه‌های تصمیم در آن محدودیتی وجود ندارد. همچنین می‌توان از شاخص‌ها با واحدهای سنجش متفاوت و طبیعت منفی و مثبت استفاده کرد. **تعیین معیارها و شاخص‌های سنجش پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزا**

در این بخش پس از بررسی و استخراج معیارها و شاخص‌های مختلف از ادبیات تحقیق و مبانی نظری پژوهش و همچنین تطبیق معیارها با شرایط موجود شهر نائین و بومی‌سازی شاخص‌ها، ده معیار کلی برای توسعه میان‌افزا مشخص شده و سپس به‌طور

اراضی مزروعی در عمل میسر نیست. با این اوصاف امکان رشد مستقل در ناحیه شمالی نائین به علت محدودیت‌های یادشده وجود ندارد و توسعه درون‌زا در شهر امکان‌پذیر است. (مهندسان مشاور ایوان نقش جهان، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۷).

بحث

تعیین پهنه‌های بهینه توسعه میان‌افزا

برای تعیین این پهنه‌ها در این بخش از سه مرحله استفاده شده است: یکی، بهره‌گیری از مدل TOPSIS و امتیازدهی به پهنه‌ها و تعیین پهنه‌های مستعد و در گام بعدی تعیین محدودیت‌ها با بهره‌گیری از منطق BOOLEAN. در انتها نیز با همپوشانی نقشه‌های فوق و حذف اشتراک آن‌ها پهنه‌های بهینه نهایی توسعه میان‌افزا مشخص شده است.

مرحله اول: تعیین پهنه‌های مستعد با استفاده از مدل TOPSIS

در این بخش برای تعیین پهنه‌های مستعد توسعه

جدول شماره (۱): معیارها و شاخص‌های اراضی مستعد توسعه میان‌افزا (منبع: مبانی نظری و تجربی پژوهش و مطالعات نگارنده)

ردیف	معیار	زیر معیار	شاخص
۱	کاربری اراضی	اراضی بایر و بدون استفاده	مجموع مساحت زمین‌های بایر و بدون استفاده پهنه به مساحت پهنه
۲	کیفیت ابنیه	اراضی با بنای تخریبی و مخروبه	مجموع مساحت اراضی تخریبی و مخروبه پهنه به مساحت پهنه
۳	قدمت ابنیه	اراضی با بنای با قدمت بالای ۳۰ سال	مجموع مساحت اراضی بالای ۳۰ سال پهنه به مساحت پهنه
۴	تعداد طبقات ابنیه	اراضی با بنای با تعداد طبقات یک طبقه و کمتر	مجموع مساحت اراضی با تعداد طبقات ۱ و کمتر پهنه به مساحت پهنه
۵	وضعیت سازه ابنیه	اراضی با بنای فاقد سازه	مجموع مساحت اراضی فاقد سازه به مساحت پهنه
۶	فرسودگی و ناکارآمدی	اراضی موجود در بافت فرسوده مصوب شهر	مجموع مساحت قطعات موجود در محدوده بافت فرسوده مصوب به مساحت پهنه
۷	اندازه قطعات و دانه‌بندی	قطعات با مساحت کمتر از ۲۰۰ متر	مجموع مساحت قطعات با مساحت کمتر از ۲۰۰ متر به مساحت پهنه
۸	جمعیت	تراکم جمعیتی	جمعیت پهنه به مساحت پهنه
۹	موقعیت و دسترسی ابنیه	دسترسی به کاربری‌های خدماتی و مرکز شهر	فاصله پهنه از مرکز شهر
۱۰	ارزش اراضی	قیمت زمین	ارزش معاملاتی املاک در پهنه

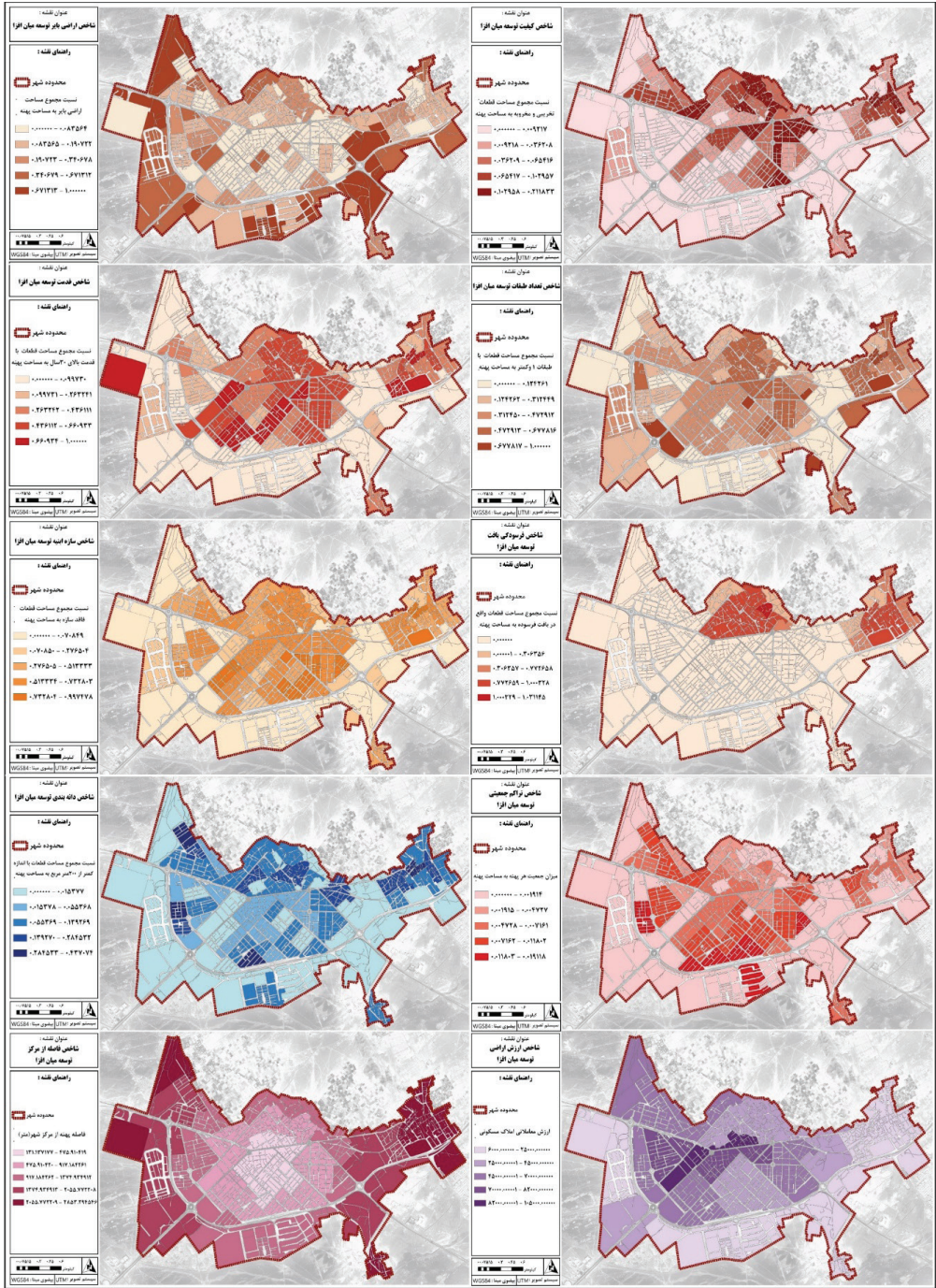
استفاده در سطح پهنه به مساحت پهنه. هرچه مقدار این نسبت بیشتر باشد، آن پهنه مستعدتر است.

کیفیت ابنیه: توسعه میان‌افزا بر بستر بناهای تخریبی و یا مخروبه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. شاخص در نظر گرفته شده در این بخش برابر است با نسبت مجموع مساحت قطعات با بنای تخریبی یا مخروبه در سطح پهنه به مساحت کل پهنه که بنابراین شاخص هرچه این مقدار در پهنه‌ای بیشتر باشد، برای توسعه میان‌افزا استعداد بیشتری دارد.

قدمت ابنیه: شاخص در نظر گرفته شده در این بخش برابر است با نسبت مجموع مساحت قطعات با ابنیه با قدمت بالای ۳۰ سال در سطح پهنه به مساحت کل پهنه که بر این اساس هرچه این مقدار در پهنه‌ای بیشتر باشد، برای توسعه میان‌افزا مناسب‌تر است.

دقیق زیر معیارها و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و قیاس برای تعیین اراضی مستعد توسعه میان‌افزا به شرح جدول شماره (۱) مشخص شده‌اند. در این بخش برای تعیین بهینه بخش‌های مستعد توسعه، شهر نائین به ۹۴ پهنه همگن تقسیم‌بندی شده است که در تمامی پهنه‌ها بافت، از لحاظ ویژگی‌های کالبدی، کاملاً همگن، یکدست، مشابه و... است. در ادامه این معیارها به صورت جداگانه بررسی و تحلیل شده و در سطح پهنه‌های ۹۴ گانه شهر به صورت مجزا به نمایش درآمده‌اند.

کاربری اراضی: اراضی با کاربری بایر و اراضی بدون استفاده یکی از بهترین گزینه‌ها برای توسعه میان‌افزا هستند. در این بخش، شاخص در نظر گرفته برابر است با نسبت مجموع مساحت اراضی بایر و بدون



نقشه شماره (۳): نقشه شاخص های ده گانه توسعه میان افزا در شهر نائین

تعداد طبقات ابنیه: شاخص در نظر گرفته شده در این بخش برابر است با نسبت مجموع مساحت قطعات یک طبقه و کمتر (به جز قطعات بایر به دلیل لحاظ شدن در معیارهای پیشین و قطعات زراعی و باغات که برای توسعه میان‌افزا محدودیت به حساب می‌آیند) در سطح پهنه به مساحت کل پهنه که بر این اساس هر چه این مقدار در پهنه‌ای بیشتر باشد، پتانسیل توسعه میان‌افزا در آن پهنه بالاتر است.

وضعیت سازه ابنیه: شاخص در نظر گرفته شده در این بخش برابر است با نسبت مجموع مساحت قطعات با بنای فاقد سازه (خشت و گل، خشت و چوب، آجر و آهن، آجر و چوب و...) در سطح پهنه به مساحت کل پهنه که بر این اساس هر چه این مقدار در پهنه‌ای بیشتر باشد، پتانسیل توسعه میان‌افزا در آن پهنه بالاتر است.

فرسودگی و ناکارآمدی: بافت‌های فرسوده به سبب کیفیت پایین ابعاد کالبدی، اجتماعی و... در اولویت‌های اول برای توسعه میان‌افزا هستند. شاخص در نظر گرفته شده در این بخش برابر است با نسبت مجموع مساحت قطعات واقع در بافت فرسوده مصوب شهر در هر پهنه به مساحت کل پهنه که بر این اساس هر چه این مقدار در یک پهنه بیشتر باشد، پتانسیل آن پهنه برای توسعه میان‌افزا بیشتر است.

اندازه قطعات و دانه‌بندی: در بخش‌هایی از شهر که قطعات ریزدانه‌اند می‌توان استعدادهای بیشتری برای توسعه میان‌افزا تصور کرد. شاخص در نظر گرفته شده در این بخش برابر است با نسبت مجموع مساحت قطعات کمتر از ۲۰۰ متر مربع در هر پهنه به مساحت کل پهنه که بر این اساس هر چه این مقدار در پهنه‌ای بالاتر باشد، پتانسیل توسعه میان‌افزا در آن بیشتر است.

تراکم جمعیتی: تراکم جمعیتی هر چقدر در محدوده‌ای پایین‌تر باشد، آن محدوده پتانسیل توسعه بیشتر و در

نتیجه توان جذب جمعیت بالاتری را دارد. شاخص در نظر گرفته شده در این بخش میزان تراکم جمعیتی در هر پهنه یا همان نسبت جمعیت هر پهنه به مساحت آن پهنه است که بر این اساس هر چقدر این مقدار در پهنه‌ای کمتر باشد، پتانسیل توسعه میان‌افزا در آن منطقه بالاتر است.

موقعیت و دسترسی: موقعیت هر کدام از بخش‌های شهر از لحاظ نزدیکی به مرکز شهر و دسترسی به خدمات و کاربری‌های مورد نیاز می‌تواند پتانسیل آن محدوده را برای توسعه میان‌افزا بالاتر ببرد. ضمن اینکه توسعه میان‌افزا باید پهنه‌های مرکزی شهر را به نسبت پهنه‌های حاشیه‌ای در اولویت قرار دهد. شاخص در نظر گرفته شده در این بخش میزان فاصله هر کدام از پهنه‌ها از مرکز شهر است که بر این اساس هر چه این مقدار در پهنه‌ای پایین‌تر باشد، پتانسیل توسعه میان‌افزا در آن پهنه بالاتر است.

ارزش اراضی: ارزش و قیمت اراضی هر چقدر پایین‌تر باشد، توان توسعه و ساخت‌وساز و همچنین میزان مشارکت در آن بخش را افزایش می‌دهد. شاخص در نظر گرفته شده در این بخش ارزش معاملاتی املاک مسکونی در سطح هر پهنه است که بر این اساس هر چه این مقدار در پهنه‌ای پایین‌تر باشد، پتانسیل آن پهنه برای توسعه میان‌افزا بالاتر است.

تشکیل ماتریس تصمیم

در این بخش ماتریس تصمیم با ۹۴ سطر و ده ستون تشکیل شده است. سطرهای ماتریس همان گزینه‌ها یا پهنه‌های تشکیل شده‌اند و ستون‌های ماتریس نیز شاخصه‌های تصمیم‌گیری‌اند.

نرمال‌سازی ماتریس تصمیم

از میان ده شاخص انتخاب شده برای فرآیند تصمیم، هر کدام دارای واحدهای اندازه‌گیری متفاوتی‌اند.

جدول شماره (۱): وزن نهایی شاخص‌های توسعه میان‌افزا (منبع: نگارنده)

معیارها	کاربری	کیفیت	قدمت	طبقات	سازه	فرسودگی	اندازه	جمعیت	فاصله	ارزش
وزن	۰,۲۲۲	۰,۱۴۸	۰,۱۱۶	۰,۰۶۰	۰,۰۹۰	۰,۱۷۴	۰,۰۵۷	۰,۰۴۶	۰,۰۴۴	۰,۰۴۲



نمودار شماره (۲): نمودار وزن معیارهای توسعه میان‌افزا در نرم‌افزار Expert choice

تعیین وزن شاخص‌های مشخص شده از تکنیک AHP استفاده و سپس وزن‌های به دست آمده را در درایه‌های هر شاخص ضرب کرده‌ایم. فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی یا AHP روشی است برای تصمیم‌گیری چندمعیاره که بر اساس مقایسات زوجی بنا شده است. در ادامه، وزن مربوط به هر یک از شاخص‌ها را ارائه داده‌ایم.

تعیین گزینه‌های ایدئال مثبت و ایدئال منفی پس از این، گزینه‌های ایدئال مثبت و منفی شکل گرفتند. گزینه ایدئال مثبت گزینه‌ای است که تمام درایه‌های آن بزرگ‌ترین درایه‌ها در هر ستون‌اند و گزینه ایدئال منفی نیز گزینه‌ای است که تمام درایه‌های آن بزرگ‌ترین درایه‌ها در هر ستون از ماتریس تصمیم نرمال وزن دارند. در این پژوهش گزینه ایدئال مثبت به عنوان بیشترین پتانسیل توسعه میان‌افزا و گزینه ایدئال منفی به عنوان کم‌ترین میزان پتانسیل توسعه میان‌افزا در نظر گرفته شده است.

محاسبه فاصله از ایدئال مثبت و ایدئال منفی در مرحله بعد باید فاصله از گزینه ایدئال مثبت و منفی تعیین شود.

از آنجایی که برای فرآیند تصمیم‌گیری تاپسیس این امر مطلوب نیست، نیاز به نرمال‌سازی یا همان بدون واحدسازی درایه‌های ماتریس وجود دارد. برای نرمال‌سازی ماتریس از روش بی‌مقیاس‌سازی فازی استفاده شده است. شاخص‌های یک پژوهش می‌توانند مثبت و یا منفی باشند. شاخص‌های مثبت شاخص‌هایی‌اند که راستای هدف پژوهش (در اینجا توسعه میان‌افزا)‌اند و با افزایش مقادیر آن‌ها به هدف نزدیک‌تر می‌شوند. اما شاخص‌های منفی شاخص‌هایی‌اند که در خلاف جهت هدف پژوهش‌اند و با افزایش مقادیر آن‌ها، هدف دست‌یافتنی‌تر می‌شود که باید در یک فرآیند تصمیم‌گیری تمامی شاخص‌ها در یک جهت و همگی مثبت و در راستای هدف پژوهش باشند.

تعیین وزن شاخص‌ها

از آنجایی که شاخص‌های مختلف از درجه اهمیت متفاوتی برخوردارند، لازم است برای هر کدام از شاخص‌ها، بنا بر میزان اهمیت، وزن مربوطه مشخص شود. در این بخش، از آنجایی که تکنیک تاپسیس خود روشی برای وزن‌دهی به شاخص‌ها ندارد، برای

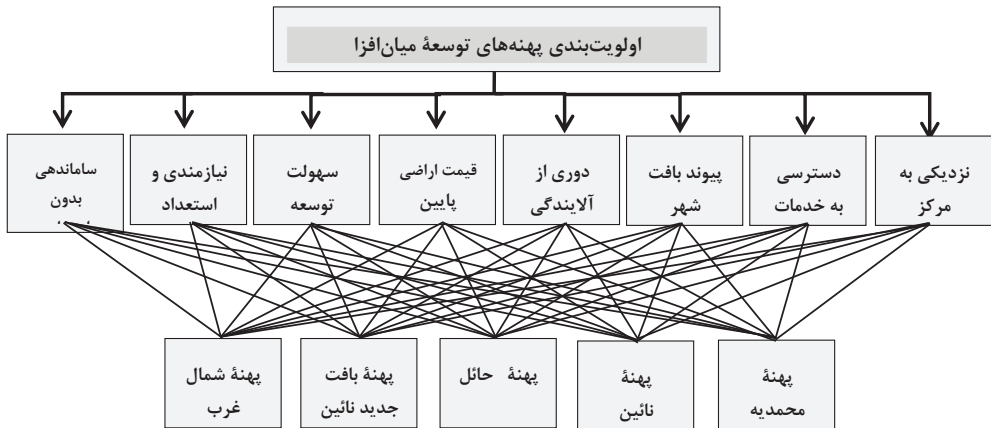
جدول شماره (۲): محدودیت‌های توسعه میان‌افزا در شهر نائین (منبع: نگارنده)

مثال	پهنه‌ها	محدودیت توسعه	
مانند اراضی شمالی بافت تاریخی نائین، اراضی شرقی بافت محمدیه و....	پهنه‌هایی که کلاً یا عمدتاً شامل اراضی زراعی و باغات‌اند.	اراضی کشاورزی و باغات	۱
مانند پهنه شامل گورستان بزرگ محمدیه و اراضی پیرامونی آن	پهنه‌هایی که کلاً یا عمدتاً شامل اراضی گورستان‌ها و یا اراضی مجاور آن‌ها هستند.	گورستان‌ها	۲
مانند: اراضی نارین قلعه (نارنج قلعه)، بنای مصلی، قلعه محمدیه و....	پهنه‌هایی که متشکل از یک یا چند عنصر شاخص تاریخی و ارزشمندند.	عناصر تاریخی	۳
مانند مسکن مهر قائمیه، محله توسعه و عمران و....	پهنه‌هایی که شامل توسعه‌های جدید بافت‌های نوساز و طرح‌های تفکیکی تازه‌ساخت‌اند.	بافت نوساز	۴
مانند اراضی شامل دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، برق شهرستان نائین، تأسیسات ارتباطات و زیرساخت و....	پهنه‌هایی که کلاً و یا عمدتاً شامل خدمات اساسی و یا خدمات فراشهری‌اند.	خدمات فراشهری و اساسی	۵
مانند اراضی محدوده صنعتی غرب نائین و اراضی پیرامونی و....	پهنه‌های شامل اراضی کاربری‌های صنعتی و مزاحم و اراضی پیرامونی آن‌ها	کاربری‌های مزاحم	۶
مانند اراضی جداافتاده شرق و جنوب نائین و....	پهنه‌های اراضی دورافتاده و حاشیه‌ای شهر با موقعیت نامناسب و جداافتادگی بالا	اراضی دورافتاده	۷
مانند اراضی پیرامونی قلعه محمدیه و اراضی پیرامونی نارین قلعه (نارنج قلعه)	پهنه‌های اراضی طبیعی و ارتفاعات نامناسب برای توسعه	اراضی طبیعی	۸

BOOLEAN

برای تعیین پهنه‌های بهینه توسعه میان‌افزای شهر محدودیت‌هایی وجود دارد که این محدودیت‌ها مانع می‌شوند که برخی از پهنه‌ها یا بخش‌های شهر برای توسعه مناسب باشند. مدل بولین مناسب مکانی را براساس عملگرهای شرطی، به صورت «صفر» یا «یک» نمایش می‌دهد. در مرحله بعد، از توابع منطقی مانند AND، OR، XOR، NOT برای اینکه شرط مخصوصی درست است یا غلط استفاده می‌کند و به وسیله آن‌ها لایه‌ها با هم ترکیب می‌شوند و نتیجه نهایی آن، دآوری در مورد یک محل برای یک فعالیت یا کاربری خاص است که این محل یا مناسب است (یک) یا مناسب نیست (صفر) و حالت دیگری جز این دو وجود ندارد

محاسبه نزدیکی به ایدئال مثبت و در گام آخر، میزان نزدیکی را به گزینه ایدئال مشخص می‌کنیم. در این مرحله، گزینه‌ها (در این پژوهش پهنه‌ها)یی که این مقدار در آن‌ها به یک نزدیک‌تر باشد، برای توسعه میان‌افزا ایدئال‌تر و به عبارت دیگر مستعدتر و مناسب‌ترند و گزینه‌هایی که این مقدار در آن‌ها به صفر نزدیک‌تر باشد، از استعداد کمتری در این زمینه برخوردارند. میزان نزدیکی به گزینه ایدئال همواره عددی بین ۰ و ۱ است. در پایان نیز گزینه‌ها (پهنه‌ها)یی که بیشترین امتیاز و پایین‌ترین رتبه را داشتند، مشخص شده و به عنوان پهنه‌های مستعد تعیین شدند. مرحله دوم: تعیین محدودیت‌ها با استفاده از منطق



نمودار شماره (۳): درخت سلسله‌مراتبی تصمیم برای معیارهای اولویت‌بندی پهنه‌های توسعه میان‌افزا (منبع: نگارنده)

اولویت‌بندی پهنه‌های بهینه توسعه میان‌افزا

پس از تعیین پهنه‌های بهینه توسعه میان‌افزای شهر نائین یا همان مناسب‌ترین پهنه‌ها برای توسعه میان‌افزا، یکی از مهم‌ترین اقدامات اولویت‌بندی این پهنه‌هاست. این امر می‌تواند با شناخت نیازهای شهر، با ارائه این اولویت‌بندی، به بهبود عملکرد هرچه بهتر آن کمک کند و تأثیر به‌سزایی در انسجام و هم‌پیوندی هرچه بهتر بافت شهر داشته باشد. در ادامه، مطابق با مبانی نظری و استخراج از ادبیات تحقیق و همچنین انطباق و بومی‌سازی با شرایط موجود شهر نائین، معیارهای ذیل به جهت اولویت‌بندی پهنه‌های مشخص شده تعیین شده‌اند. در این بخش، برای اولویت‌بندی پهنه‌ها، از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP، با به‌کارگیری نرم‌افزار Expert choice، استفاده کرده‌ایم. در این فرآیند، که بر پایه مقایسه‌های زوجی است، معیارها را وزن‌دهی و پهنه‌ها را امتیازدهی و اولویت‌بندی کرده‌ایم. این روش از مهم‌ترین روش‌های موجود برای تصمیم‌گیری‌های چندشاخصه است. در این بخش هشت شاخص را برای اولویت‌بندی پهنه‌ها مشخص کرده و پهنه‌های مستعد را نیز در پنج دسته

(نظری عدلی و همکار، ۱۳۸۸: ۱۳). این مدل دو حالت را در نظر می‌گیرد: یک حالت، پهنه‌هایی که می‌توانند برای توسعه میان‌افزا مناسب باشند و حالت دیگر اینکه، پهنه‌هایی که به دلیل وجود محدودیت‌هایی برای این نوع از توسعه مناسب نیستند و قطعاً رد می‌شوند. در این بخش این محدودیت‌ها را در شهر نائین بررسی کرده‌ایم و پهنه‌هایی را که شامل این محدودیت‌هاست معرفی و آنها را بنا بر منطق بولین از پهنه‌های مستعد توسعه حذف کرده‌ایم. در ادامه، این محدودیت‌ها و پهنه‌های شامل این محدودیت‌ها را عنوان و مشخص کرده‌ایم.

مرحله سوم: هم‌پوشانی مراحل اول و دوم و نقشه نهایی

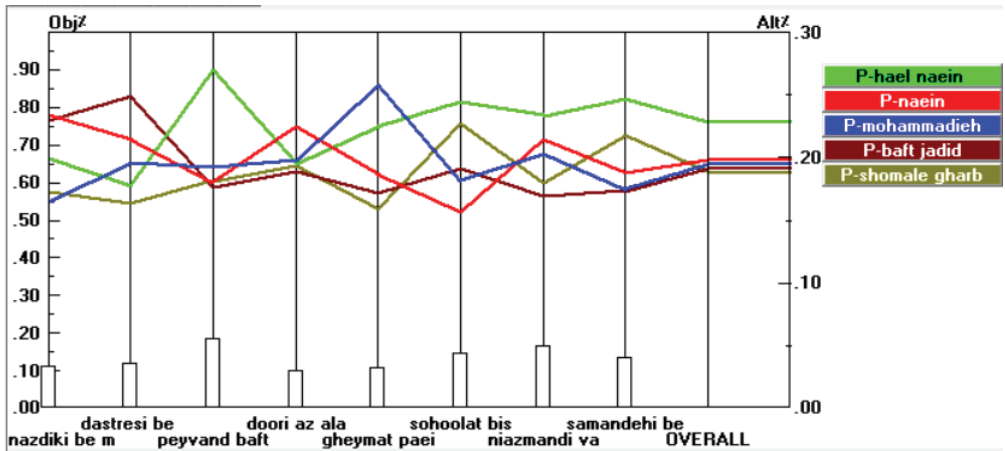
پس از شناسایی معیارها و شاخص‌ها و بهره‌گیری از مدل TOPSIS برای هم‌پوشانی لایه‌ها و همچنین اعمال محدودیت‌ها و بهره‌گیری از منطق BOOLEAN و کنار گذاشتن اشتراک این دو نقشه با یکدیگر نتایجاً نقشه نهایی پهنه‌های بهینه توسعه میان‌افزا به دست می‌آید که مناسب‌ترین پهنه‌ها را برای توسعه نمایش می‌دهد که در ادامه این نقشه را آورده‌ایم.

جدول شماره (۴): امتیازدهی و اولویت‌بندی پهنه‌های مستعد توسعه (منبع: نگارنده)

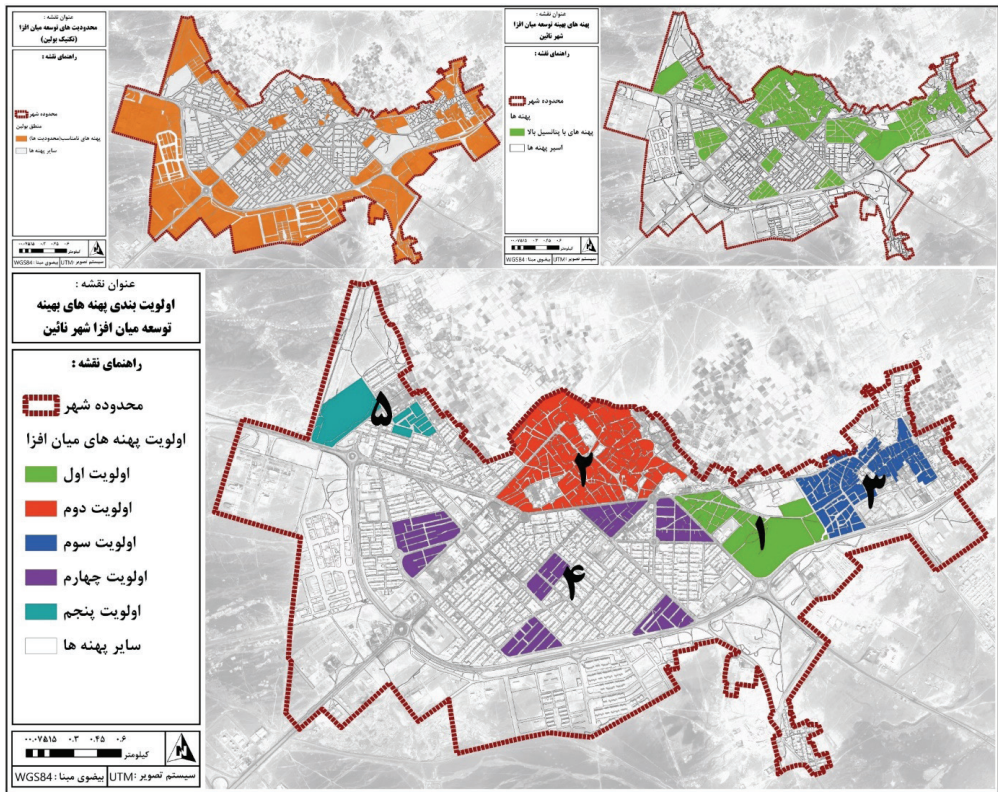
ردیف	معیارها	وزن معیارها	پهنه‌های محمدیه	پهنه‌های بافت قدیم نائین	پهنه‌های حائل بافت نائین و محمدیه	پهنه‌های بافت جدید نائین	پهنه‌های شمال غرب
۱	نزدیکی به بافت مرکزی شهر و فاصله از نقاط دورافتاده و حاشیه‌ای شهر	۰,۱۰۳	۰,۱۶۴	۰,۲۳۴	۰,۲۰۰	۰,۲۳۰	۰,۱۷۳
۲	دسترسی به کاربری‌های اساسی و خدمات	۰,۱۱۱	۰,۱۹۵	۰,۲۱۴	۰,۱۷۸	۰,۲۴۹	۰,۱۶۳
۳	پیونددهنده بافت شهری و ایجاد انسجام و هم‌پیوندی میان هسته‌های ازهم‌گسسته شهر	۰,۱۰۷	۰,۱۹۲	۰,۱۸۰	۰,۲۷۲	۰,۱۷۷	۰,۱۸۱
۴	دوری از کاربری‌ها و صنایع آلاینده و مزاحم	۰,۰۹۲	۰,۱۹۸	۰,۲۲۴	۰,۱۹۵	۰,۱۸۹	۰,۱۹۴
۵	قیمت اراضی پایین‌تر و صرفه اقتصادی بیشتر برای توسعه	۰,۰۹۸	۰,۲۵۹	۰,۱۸۶	۰,۲۲۵	۰,۱۷۲	۰,۱۵۹
۶	سهولت بیشتر و حساسیت پایین‌تر اجرای توسعه میان‌افزا	۰,۱۳۹	۰,۱۸۲	۰,۱۵۷	۰,۲۴۴	۰,۱۹۱	۰,۲۲۶
۷	نیازمندی و استعداد بیشتر برای بهسازی و توسعه	۰,۱۵۴	۰,۲۰۳	۰,۲۱۵	۰,۲۳۴	۰,۱۶۹	۰,۱۷۹
۸	ساماندهی و توسعه اراضی وسیع بدون استفاده و گمشده شهر	۰,۱۲۶	۰,۱۷۴	۰,۱۸۸	۰,۲۴۷	۰,۱۷۴	۰,۲۱۷
امتیاز نهایی			۰,۱۹۴	۰,۱۹۸	۰,۲۲۸	۰,۱۹۲	۰,۱۸۸
اولویت			۳	۲	۱	۴	۵

و اولویت‌بندی پهنه‌های بهینه و با پتانسیل بالا برای کلی قرار داده‌ایم. در گام اول درخت سلسله‌مراتبی تصمیم را ترسیم و معیارها و گزینه‌ها را در نرم‌افزار Expert choice وارد کردیم. در گام بعد، براساس مقایسه‌های زوجی، ضریب اهمیت هرکدام از معیارها را مشخص کردیم. در گام بعد نیز هرکدام از گزینه‌ها (پهنه‌ها) را به صورت دودویی، براساس هرکدام از معیارها، مقایسه و در نهایت پهنه‌ها را براساس دسته‌بندی‌ای که در آن قرار گرفتند، مقایسه و اولویت‌بندی کردیم. در نهایت نقشه محدودیت‌ها، پهنه‌های بهینه توسعه

توسعه میان‌افزا به صورت زیر است: همان‌گونه که مشخص است، پهنه‌های حائل میان‌بافت نائین و محمدیه در اولویت توسعه قرار دارد. در اولویت بعد، بافت تاریخی نائین قرار می‌گیرد که از لحاظ حساسیت بالا و بسیار پیچیده است. در درجه بعد، بافت تاریخی محمدیه قرار می‌گیرد که این بافت نیز دارای حساسیت‌های بالاست. پس از آن، پهنه‌های بافت جدید نائین قرار می‌گیرد و در نهایت پهنه‌های شمال غربی شهر. لزوم توجه به اولویت‌بندی صورت گرفته سبب می‌شود فرآیند توسعه با نتیجه‌بخشی بالاتر و



نمودار شماره (۴): نمودار رتبه‌بندی پهنه‌های مستعد توسعه در نرم‌افزار Expert choice (منبع: نگارنده)



نقشه شماره (۴): محدودیت‌های توسعه، پهنه‌های مستعد توسعه و اولویت‌بندی پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزا (منبع: نگارنده)

کیفیت بیشتر صورت و انسجام بخشی به بافت شهر در اولویت قرار گیرد. مجموع مساحت پهنه‌های مستعد برابر با ۱۷۳,۹ هکتار است که سهم ۱۷,۴ درصدی از محدوده شهر را داراست.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از فرآیند علمی صورت‌گرفته پهنه‌هایی در سطح شهر به‌عنوان پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزایشنا سایی شدند که باید در اولویت توسعه شهر قرار گیرند. بنابراین با توجه به محدودیت‌ها و تبعات و اثرات منفی پراکنش افقی در این شهر و همچنین پتانسیل‌های درونی موجود شهر، می‌توان الگوی توسعه میان‌افزایشنا را به‌عنوان الگویی مطلوب و کارآمد برای توسعه‌های آتی شهر نائین دانست. همچنین چگونگی توسعه در این الگو به‌صورت اولویت‌بندی شده مشخص شد که بهترین و مناسب‌ترین الگو برای توسعه شهر نائین را تشکیل داده است. نتایج به‌دست آمده از اولویت‌بندی پهنه نشان می‌دهد که ایجاد اتصال و برقراری انسجام و هم‌پیوندی میان بافت محمدیه و نائین به‌عنوان دو بخش جداافتاده از هم در درجه اول از اهمیت بالایی برخوردار است. پس از آن احیا و بازسازی بافت تاریخی محمدیه و نائین از اهمیت و همچنین حساسیت بالایی برخوردار است. در درجه‌های بعدی، پر کردن بافت میانی شهر و توسعه به‌سمت اراضی شمال غربی می‌تواند در امر توسعه میان‌افزایشنا مهم و در اولویت باشد. به‌طور کل، می‌توان نتیجه گرفت که بافت تاریخی آسیب‌دیده و فرسوده شهر و ناکارآمدی بافت قدیم شهر به‌علل مختلفی شکل گرفته و تشدید شده‌اند، اما یکی از مهم‌ترین عوامل آن پراکنش افقی شهر است که عمدتاً کم‌تراکم و به‌سمت نواحی کشاورزی اطراف شهر شکل می‌گیرد. این فرآیند به‌نحوی صورت می‌گیرد که

درحالی‌که شهر از درون تهی شده و می‌پوسد، بیشترین توجه و سرمایه‌گذاری در نقاط پیرامونی شهر اتفاق می‌افتد و شهر هرچه بیشتر به‌سمت این نقاط پیش می‌رود و توسعه می‌یابد. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که توسعه و به‌زیرساخت بردن فضاهای شهری بدون استفاده، توسعه‌نیافته، کم‌بهره‌برداری شده و فرسوده درون شهر به‌جای اشغال اراضی بکر خارج محدوده یکی از مهم‌ترین الگوها و سیاست‌های توسعه شهری برای شهرهای تاریخی میانی و کوچک مخصوصاً شهر نائین، به‌عنوان یک شهر تاریخی، است. نتیجه دیگر حاصل از پژوهش می‌تواند این باشد که بافت‌های تخریب‌شده، بدون استفاده، فرسوده و ناکارآمد شهری همواره به‌عنوان تهدیدی در توسعه شهری قلمداد نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان فرصتی مناسب در توسعه یکپارچه، درون‌زا و پایدار شهری مدنظر قرار می‌گیرند.

الگوی مداخله پیشنهادی توسعه میان‌افزایشنا

نائین شهری است که از به‌هم‌پیوستن بخش‌های مختلف و قرارگیری آن‌ها در کلیتی به اسم شهر شکل گرفته است. از جنبه کلی می‌توان محدوده شهری نائین را متشکل از این سه بخش عمده دید: ۱- بافت تاریخی و ارزشمند؛ ۲- بافت توسعه‌های جدید و ۳- فضای بدون استفاده و حائل میان بخش‌های مختلف شهر که طبیعتاً بهره‌گیری از توسعه میان‌افزایشنا در این بافت‌ها از لحاظ شدت و نوع مداخله متفاوت است. پس از تعیین پهنه‌های بهینه توسعه میان‌افزایشنا شهر بسته به ویژگی‌ها و شرایط هر کدام از بخش‌ها و با توجه به پتانسیل‌ها و محدودیت‌های موجود در نواحی مختلف، توسعه میان‌افزایشنا می‌تواند با شدت و گونه‌های مختلف به اجرا دربیاید که با توجه به ویژگی‌های ذکرشده شهر نائین و بومی‌سازی صورت گرفته این

جدول شماره (۳): الگوی سه گانه مداخله پیشنهادی توسعه میان‌افزا (منبع: نگارنده)

مقررات و پیشنهادات	توضیحات	مداخله سنگین (شدید)	الگوی سه گانه مداخله
<p>- تهیه طرح مشخص و منظم برای توسعه و طراحی و برنامه‌ریزی ازپیش تعیین شده</p> <p>- حداقل تراکم در این نوع توسعه دوطبقه</p> <p>- الگوی معماری، مصالح، نماسازی و... در این پهنه‌ها حتی الامکان مشابه و هم‌خوان با الگوی هویت‌مند شهر</p> <p>- خودداری از توسعه و ساخت‌وساز بر بستر اراضی کشاورزی، باغات، اراضی ملی و طبیعی و پارک و فضای سبز شهری</p> <p>- تبعیت الگوی بافت، نحوه تفکیک یا تجمع قطعات، طراحی شبکه معابر و... از الگوی کلی شهر</p> <p>- انسجام‌بخشی به بافت‌های از هم گسسته شهر</p> <p>- توجه به کاربری‌های خدماتی و جانمایی خدمات مورد نیاز بر اساس سرانه‌های استاندارد در کنار بافت مسکونی</p> <p>- اولویت اقدام با محدوده‌های دارای قیمت اراضی پایین‌تر و فاصله کمتر تا مرکز شهر و خدمات اساسی</p> <p>- توسعه و ساخت‌وساز و تخصیص کاربری با توجه و تأکید بر سازگاری و تناسب کاربری‌ها</p> <p>- تعریف و جانمایی فضاهای باز، سبزه، فضاهای شهری و... و عدم توجه صرف به توده</p>	<p>- مختص پهنه‌های کلاً یا عمدتاً بایر و بدون استفاده، کلاً یا عمدتاً مخروطی و متروکه و یا ترکیبی از این موارد</p> <p>- مداخله با شدت زیاد و پررنگ و قراردادن تخریب و نوسازی در دستور کار و استفاده از تمام ظرفیت در راستای رسیدن به اهداف توسعه</p> <p>- تهیه طرح تفکیکی در عین هم‌خوانی با بافت شهر</p>		
<p>- ممنوعیت تخریب قطعات و بناهای واجد کیفیت‌های نوساز و قابل قبول که برای امر توسعه میان‌افزا نیازمند نوسازی نیستند</p> <p>- تراکم توسعه در این محدوده‌ها حداقل دوطبقه</p> <p>- الگوی معماری، مصالح، نماسازی و... در این پهنه‌ها حتی الامکان مشابه و هم‌خوان با الگوی هویت‌مند شهر</p> <p>- خودداری از توسعه و ساخت‌وساز بر بستر اراضی کشاورزی، باغات، اراضی ملی و طبیعی و پارک و فضای سبز شهری</p> <p>- توسعه و ساخت‌وساز و تخصیص کاربری با توجه و تأکید بر سازگاری و تناسب کاربری‌ها و یا در صورت وجود کاربری‌های ناسازگار، اصلاح آن‌ها</p> <p>- افزایش انسجام و یکپارچگی بافت و کاهش فضاهای بدون استفاده</p> <p>- توجه به کاربری‌های خدماتی و جانمایی خدمات مورد نیاز بر اساس سرانه‌های استاندارد در کنار بافت مسکونی</p> <p>- استفاده از پتانسیل‌های موجود در راستای بهره‌گیری هرچه بهتر برای رسیدن به اهداف توسعه میان‌افزا تا حد امکان</p> <p>- اولویت بهره‌گیری از این محدوده‌ها برای توسعه میان‌افزا با محدوده‌های دارای تراکم جمعیتی پایین‌تر، فاصله کمتر نسبت به مرکز شهر و خدمات اساسی و ارزش و قیمت اراضی پایین‌تر</p> <p>- توسعه و مداخله با نهایت همکاری و مراعات با سکنه و با کم‌ترین مزاحمت، آسیب و هزینه برای بافت موجود و ساکنان آن‌ها</p> <p>- تعریف و جانمایی فضاهای باز، سبزه، فضاهای شهری و... و عدم توجه صرف به توده</p>	<p>- مختص پهنه‌های میانی شهر که دارای بافت‌های قابل قبول‌اند و میان آن‌ها فضاهای گمشده و اراضی بایر و بدون استفاده زیادی تراکم قرار دارد یا بخش‌هایی شامل توسعه کم قدیمی که نیاز به بازسازی و افزایش تراکم دارند.</p> <p>- تمرکز بر روی پر کردن خلأهای میان‌بافتی شامل اراضی بایر و بدون استفاده و فضاهای گمشده یا در برخی موارد تخریب و بهسازی و بازسازی بخشی از بافت تخریبی و مخروطی و همچنین افزایش تراکم در بافت‌های با تراکم پایین.</p> <p>- توسعه نه به‌صورت اساسی و بنیادی نه به‌صورت سطحی و سبک، بلکه با توجه به نوع بافت و توجه به اهداف توسعه میان‌افزا به‌صورت مداخله‌ای متعادل و متناسب.</p>	<p>مداخله متعادل (متوسط)</p>	

مقررات و پیشنهادات	توضیحات	
<p>- توسعه در این پهنه‌ها بر بستر اراضی بایر و بدون استفاده و فضاهای گمشده شهری و همچنین بناها و قطعات تخریبی و مخروبه که واجد هیچ‌گونه ارزش تاریخی نیستند و در حوزه بافت فرسوده قرار دارند.</p> <p>- توجه جدی به عدم تخریب، صدمه و لطمه به عناصر و ابنیه ارزشمند تاریخی، ثبت میراث و واجد ارزش</p> <p>- تا حد امکان پرهیز از تعریض گذربنندی و عدم دست‌کاری در نوع و سبک هویت‌مند بافت</p> <p>- عدم دست‌کاری محدوده عرصه قطعات دارای بنای واجد ارزش تاریخی</p> <p>- تمرکز توسعه در این بافت‌ها در خصوص ابنیه واجد ارزش تاریخی مبنی بر احیا و مرمت این بناها</p> <p>- توسعه در این محدوده‌ها حداکثر در دوطبقه و میزان سطح اشغال و تراکم ساختمانی هم‌خوان با بافت تاریخی</p> <p>- معماری بناهای میان‌افزا چه از لحاظ سبک معماری، چه مصالح و نماسازی و نحوه استقرار توده در فضا حتی الامکان مطابق با هویت بافت تاریخی و هم‌پیوند با بناهای تاریخی بافت</p> <p>- ممنوعیت هرگونه افزایش تراکم، معماری نامتعارف، مکان‌یابی کاربری‌های مزاحم و ناسازگار و به‌طور کلی هرگونه اقدام نامتعارف و ناسازگار با بافت تاریخی</p> <p>- مداخله در این نوع بافت با نهایت حساسیت و دقت و در سطح حداقلی.</p> <p>- حفظ و ارتقای شخصیت و هویت تاریخی شهر چه در بعد کالبدی و چه در بعد اجتماعی-فرهنگی</p> <p>- حفظ و عدم تخریب و صدمه به هرگونه فضای شهری، پیشخوان‌ها، معابر و گذرها، محورها، بازار و بازارچه‌ها، ساباط‌ها، گشودگی‌ها و کلاً فضاهای عمومی و... که دارای هویت و قدمت تاریخی و واجد ارزش‌اند.</p> <p>- خودداری از توسعه و ساخت‌وساز بر بستر اراضی کشاورزی، باغات، اراضی ملی و طبیعی و پارک و فضای سبز شهری</p> <p>- ممنوعیت هرگونه دخالت و دست‌کاری و آسیب به بناهای هویت‌مند شهر نائین، نظیر گودال باغچه‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها، یخچال‌ها و... که هویت تاریخی این شهر را به دوش می‌کشند.</p> <p>- تعیین و تبیین حد اعمال مداخله میان بافت و ابنیه فرسوده و بافت و ابنیه تاریخی و ارزشمند به سبب وجود بافت و ابنیه فرسوده شهر در این محدوده‌ها در کنار بافت تاریخی و ارزشمند</p>	<p>- مختص بافت تاریخی نائین و محمدیه</p> <p>- به دلیل حساسیت‌های بالای بافت ارزشمند تاریخی، تمرکز کامل در درجه اول، بر روی حفظ و نگهداری بافت تاریخی و ابنیه ارزشمند و در گام دوم، احیا و مرمت این بافت و ارتقای شاخص‌های توسعه‌یافتگی در آن‌ها</p> <p>- مداخله با حساسیت بالا و کاملاً محتاطانه، بدون هرگونه دست‌کاری، تخریب و صدمه به بافت و ابنیه ارزشمند تاریخی شهر</p>	<p>مداخله محافظه کارانه (ضعیف)</p> <p>الگوی سه گانه مداخله</p>

الگوهای مداخله مطابق با موارد زیر تعریف می‌شوند:

پیشنهادات

در راستای بهره‌گیری مناسب‌تر از الگوی توسعه میان‌افزا و افزایش بازدهی و کارایی آن در شهر همچنین به جهت سهولت در برنامه‌ریزی و اجرا موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- تأمین زیرساخت‌ها و تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به‌عنوان پیش‌نیاز هر برنامه‌ریزی و حرکت اجرایی؛

۲- ایجاد تغییرات در ضوابط و مقررات طرح‌های توسعه شهری در جهت اجرای هرچه سریع‌تر و بهتر توسعه میان‌افزا؛

۳- تأمین تسهیلات لازم برای حسن برنامه‌ریزی، نظارت و اجرای طرح برای تمامی ذی‌نفعان و ذی‌نفعان طرح؛

۴- جلب مشارکت بخش خصوصی در فرآیند توسعه و همچنین جلب همکاری ساکنان، مدیران شهری و نهادهای محلی؛

۵- تهیه طرح ویژه مرمت و احیای بافت تاریخی نائین و محمدیه؛

۶- توجه به مسائل زیبایی‌شناسی و بصری و همراه‌سازی پروژه با اجرای طرح‌های طراحی شهری،
۷- جذاب کردن توسعه برای توسعه‌گران از راه‌های زیر:

- ارائه مشوق‌های لازم، همچون تأمین مالی کوتاه‌مدت، یارانه‌ها و مزایای مالیاتی برای جذب سرمایه‌گذار خصوصی؛

- ایجاد سایت‌های به‌اندازه کافی بزرگ از طریق تجمیع قطعات کوچک زمین یا به عبارت دیگر، تنظیم مجدد زمین برای اقدامات توسعه مجدد؛

- متقاعد کردن و راضی نگه داشتن ساکنان و کاهش مقاومت آن‌ها در برابر پروژه با اجرای پروژه‌های نمونه و نمایشی؛

- بازنگری در قوانین و استانداردهای افراطی و سخت‌گیرانه در خصوص توسعه و ساخت و ساز در شهر؛
- رفع موانع سرمایه‌گذاری در اراضی قهوه‌ای نظیر تخریب، پاک‌سازی و...؛

- تشریک‌مساعی میان عاملان مختلف تأمین‌کننده سرمایه.

۸- جذاب کردن توسعه درونی برای ساکنان بالقوه از راه‌های زیر:

- تقویت خدمات تجاری مناسب برای رفع نیازهای محله؛

- ایجاد کاربری اراضی مختلط و افزایش دسترسی به خدمات و همچنین افزایش فرصت‌های شغلی؛

- طراحی مناسب برای پیشگیری از جرم و افزایش امنیت، نظیر ایجاد فضاهای عمومی با تنوع فعالیت، نورپردازی مناسب، اعمال نظارت و...؛

- عرضه مسکن قابل تأمین و ارزان‌قیمت برای گروه‌های کم‌توان و ایجاد مطابقت با نیازهای روز.

۹- پذیرش توسعه از سوی ساکنان موجود از راه‌های زیر:

- ایجاد مکان‌های درونی جذاب برای ساکنان موجود؛
- شفاف‌سازی اهداف و مقاصد پروژه، فرآیند و نتایج آن برای عموم؛

- فرهنگ‌سازی و آموزش و ایجاد تغییر نگرش در ذهنیت ساکنان؛

- ایجاد طرح‌های تشویقی و مزایای مالی و غیرمالی.
۱۰- جلوگیری و کاهش محسوس گسترش افقی و برون‌شهری؛

۱۱- حفظ سلامت فرهنگی و روانی و اجتماعی و حفظ محیط طبیعی همچنین توجه به تمام جنبه‌ها و ابعاد توسعه در کنار جنبه کالبدی و در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی و هویتی شهر؛

۱۲- انجام فرآیند توسعه میان‌افزا به صورت تدریجی و محافظه‌کارانه برخلاف شرایط اضطرار تغییر برای نوسازی و بهسازی؛

۱۳- در نهایت، توجه و تأکید بر دو اصل مهم محله‌محوری و مالک‌محوری برای اجرای طرح.

منابع

۱. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۳)، از شار تا شهر، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
۲. مهندسان مشاور ایوان نقش جهان (۱۳۸۶)، طرح جامع شهر نائین.
۳. بمانیان، محمدرضا و محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۷)،

- نظریه‌های توسعه کالبدی شهر، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۴. رهنما، محمدرحیم و عباس‌زاده، غلامرضا (۱۳۸۷)، اصول، مبانی و مدل‌های سنجش فرم کالبدی شهر، چاپ اول، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۵. موگتین، کلیم (۱۳۸۷)، طراحی فضاهای شهری با محوریت توسعه پایدار، ترجمه ناریس سهرابی. تهران: انتشارات ثامن الحجج.
۶. زیاری، کرامت‌الله؛ مهدنژاد، حافظ و پرهیز، فریاد (۱۳۸۸)، مبانی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه بین‌المللی چابهار.
۷. حیدری، جهانگیر و سلیمانی، محمد (۱۳۹۲)، توسعه درون‌شهری با تأکید بر نوسازی بافت‌های فرسوده، چاپ اول، تهران: آذرخش.
۸. زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۹۵)، مدیریت گسترش کالبدی شهر با رویکرد رشد هوشمند شهری. ویراستار: فرشاد رضوان. چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۹. قربانی، رسول (۱۳۹۶)، اصول و مبانی برنامه‌ریزی شهری. ویراستار: فاطمه خاکسار. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان (۱۳۹۹)، سالنامه آماری استان اصفهان. چاپ اول، تهران: سازمان برنامه‌بودجه کشور.
۱۱. اداره امور مالیاتی شهرستان نائین (۱۴۰۰)، «دفترچه ارزش معاملات شهرستان نائین»، ۴۲-۱.
۱۲. ارجمندنیا، اصغر (۱۳۷۰)، «نقش شهرهای میانه در نظام اسکان جمعیت»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، (۲۹).
۱۳. اطهاری، کمال (۱۳۷۹)، «به سوی کارآمدی دخالت دولت در بازار زمین شهری»، فصلنامه اقتصاد مسکن، (۳۰).
۱۴. تقوایی، مسعود و مختاری ملک‌آبادی، رضا (۱۳۸۳)، «مدیریت شهری در شهرهای متوسط»، ماهنامه شهرداری‌ها، (۶۱).
۱۵. نظری عدلی، سعید و کوهساری، محمدجواد (۱۳۸۶)، «تلفیق منطق بولین و مدل تحلیل سلسله‌مراتبی AHP با استفاده از GIS»، شهرنگار، ۲۱-۱۱.
۱۶. تقوایی، علی اکبر و جعفرپور، محمدرضا (۱۳۸۷)،
- «برنامه‌ریزی توسعه درون‌شهری، روش‌ها و ضرورت‌ها»، نشریه هویت شهر، سال دوم (۲).
۱۷. مشکینی، ابوالفضل؛ سجادی، ژیلا و تفکری، اکرم (۱۳۸۹)، «تأثیر واگذاری زمین و مسکن دولتی در گسترش کالبدی شهرهای ایران (نمونه موردی: شهر کرمانشاه)»، جغرافیا و توسعه، (۲۳): ۶۷-۷۰. 10.22111/GDIJ.2011.545
۱۸. نوفل، سیدعلیرضا و کلبادی، پاریز (۱۳۹۲)، «بازتوسعه زمین‌های قهوه‌ای، رهیافتی به سوی توسعه محلی پایدار»، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، (۵): ۱۴۶-۱۳۳. 10.30475/isau.10.2014.61969
۱۹. شفاعتی، آرزو؛ ملکی، کیومرث و پاهکیده، اقبال (۱۳۹۲)، «نگرشی بر توسعه میان‌افزا (توسعه درون‌زا) و نقش راهبردی آن در توسعه پایدار شهری»، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، ۲۰-۱.
۲۰. میرکتولی، جعفر و حسینی، سید محمدحسن (۱۳۹۳)، «ارزیابی تناسب اراضی میان‌بافتی شهر گرگان برای توسعه میان‌افزا با استفاده ترکیبی از AHP و GIS»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، (۹): ۷۹-۶۹.
۲۱. طبیبیان، منوچهر و غنی، فریده (۱۳۹۳)، «سنجش پتانسیل توسعه میان‌افزا در بافت مرکزی تهران»، محیط‌شناسی، دوره ۴۱ (۴): ۹۶۴-۹۶۳. 10.22059/JES.2016.57145
۲۲. زیاری، کرامت‌الله؛ ابراهیمی، محمد؛ آروین، محمود و علوی، سید علی (۱۳۹۵)، «ظرفیت‌سنجی کالبدی بافت مرکزی شهرها به منظور توسعه میان‌افزا (مطالعه موردی: شهر میناب)»، نشریه مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم (۳): ۷۸-۶۳. JR_KJUSG-3-3_004
۲۳. ناصرمستوفی، انوشیروان و شکوهی بیدهندی، محمد صالح (۱۳۹۵)، «شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار»، دانش شهر، (۳۶۰): ۴۱-۱.
۲۴. سرور، هوشنگ؛ سرور، رحیم و توحیدی، مهدی (۱۳۹۵)، «بررسی الگوی بهینه توسعه فیزیکی شهر بانه براساس شاخص‌های توسعه میان‌افزا»، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال پنجم (۲۰): ۸۲-۶۵.
۲۵. کریمی، برباز؛ پیوسته‌گر، یعقوب و تقوایی، مسعود

- (۱۳۹۶)، «تبیین و ارائه الگوی بهینه تخصیص ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا با استفاده از GIS (نمونه موردی: کلان‌شهر شیراز)»، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم (۲): ۲۳۰-۲۱۷. 20.1001.1.66972251.1397.10.2.24.4.
۲۶. مهر افزون، محمد؛ زنگانه، احمد؛ شماعتی، علی؛ پری زادی، طاهر و کرمی، تاج‌الدین (۱۳۹۶)، «ظرفیت‌سنجی فضایی توسعه میان‌افزای شهر بروجرد»، فصلنامه آمایش محیط، (۴۹): ۱۷۹-۱۵۵.
۲۷. سرور، هوشنگ و خیریزاده، منصور (۱۳۹۶)، «ارزیابی توسعه فیزیکی درون‌زا و برون‌زای شهر مراغه و ارائه الگوی بهینه»، ۳۶۷-۳۲۹.
۲۸. آروین، محمود و زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۹۹)، «تحلیل موانع بهره‌گیری از رویکرد توسعه میان‌افزا (مطالعه موردی: شهر اهواز)»، فصلنامه شهر پایدار، دوره سوم (۱): ۸۷-۶۹. JSC.2020.196014.1079/10.22034.
29. Parizadi, T; Varesi, H & Zarabi, A. (2012), *Urban Infill Development by Emphasizing Housing (Case Study: Sanandaj City)*. Journal of Sustainable Development. 5(3).112-120. 10.5539/jds.v5n3p112.
30. Mohammadi, S; Beygi Heidarlou, H; Furst, C & Nazmfar, H. (2022), *Urban Infill Development: A Strategy for Saving Peri-Urban Areas in Developing Countries (the Case Study of Ardabil, Iran)*. *Ecosystem Services and Biodiversity of Peri-Urban Landscapes*. 11(4). 10.3390/Land11040454.
31. Nazarabadian, M; Razmaramina, M & Pilevar, P. (2024), *Explaining the Model of Promoting Infill Development by Urban Design in a Historical Context of Mashhad Metropolis*. International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning. 34(2). 10.22068/ijaup.825.

بازخوانی ابزار ارزیابی گرافیکی پایداری در سنجش پایداری پردیس دانشگاهی با هدف ارتقای نقش آن به عنوان فضای عمومی شهری^۱

مژده جمشیدی^۲*

استادیار گروه شهرسازی، استادیار مرکز تحقیقات گردشگری معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد اصفهان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹، زمستان ۱۴۰۲، صص ۹۹-۱۱۹

چکیده

تحقق دانشگاه پایدار به عنوان نهادی که پایداری زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در راهبردها، سیاست ها و عملکردهای خویش در اولویت قرار می دهد، به عنوان یک مرکز استراتژیک نقش محوری در محیط های شهری ایفا می کند و در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران برنامه ریز و طراح شهری بوده است. دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزش عالی، که سه عرصه عملکرد آموزشی، فضای آموزشی و تجربه آموزشی را در بستر زمینه و محیط طبیعی فراهم می آورد، نقش مهمی در تعادل و تعامل محیط اجتماعی-فعالیتی، ساخته شده-کالبدی و طبیعی-زمینه ای ایفا می کند. ارائه روش و ابزاری جهت ارزیابی سطح پایداری فضای آموزشی به عنوان فضای کالبدی-فضایی موضوعی است که در این پژوهش به آن می پردازیم. برای این منظور، انواع ابزارهای ارزیابی معرفی و سپس ابزار ارزیابی گرافیکی پایداری در دانشگاه (GASU) را به عنوان یکی از ابزارهای تحلیلی بررسی خواهیم کرد. این پژوهش مبتنی بر رویکرد تفسیری خود به دنبال معرفی و کاربست روشی ارزیابانه برای سنجش پایداری پردیس های دانشگاهی، به عنوان گونه ای خاص از فضای عمومی شهری، است. براین اساس، این پژوهش از استراتژی مرور ادبیات پژوهش از منابع کتابخانه ای (رویکرد استباطی) بهره گرفته است. نتایج حاصل در دو بخش چهارچوب شاخص های GASU و بازخوانی این روش برای کاربست آن در دانشگاه با هدف تبدیل آن به فضای عمومی در شهر ارائه می شود. نتایج حاکی از آن است که شاخص های کلی با محوریت هسته نهادی پردیس دانشگاهی به دنبال چشم اندازسازی برای اطلاع رسانی و مشارکت عمومی، شاخص های اقتصادی به عنوان بخش دیگری از هسته نهادی به دنبال ترسیم شرایط رقابت، منفعت و مشارکت عمومی در عرصه اقتصادی و در نهایت شاخص محیط زیست برای توصیف محیط دوستدار طبیعت، مبتنی بر ارزش های بومی و کارایی انرژی مبتنی بر تکنولوژی است.

واژگان کلیدی: فضای عمومی، پردیس دانشگاهی، ارزیابی پایداری، ابزار ارزیابی گرافیکی پایداری در دانشگاه (GASU).

۱. این مقاله برگرفته از مبانی نظری طرح پژوهشی با عنوان «امکان سنجی طرح توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان: (تحقق پردیس پایدار دانشگاهی)» است که نویسنده آن را انجام داده است. نویسنده مجری طرح و طرح در بخش طراحی با همکاری دکتر بهاره تدین، ساناز رهروی، امید لوفان، عاطفه افضلی و زهرا خاوری انجام می پذیرد. این طرح در سال ۱۴۰۲ به شماره ۱۹۵۰۲-۱۴-۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) به نمایندگی معاون پژوهشی، دکتر مجید طغیانی، به تصویب رسیده است.

* نویسنده مسئول: Mojdeh.jamshidi.84@gmail.com

کاربران و استفاده‌کنندگان دانشگاه به‌ویژه دانشجویان، استادان و کارمندان باشند، تا از این طریق اهداف آموزشی، پژوهشی، اجتماعی، فرهنگی دانشگاه و نقش آن در جامعه شهری ارتقا یابد. یکی از جریانات مهم که ابعاد مختلف زندگی روزمره افراد را تحت تأثیر قرار داده و سبک زندگی روزمره را تغییر داده است، مفهوم پایداری، توسعه پایدار و ابزارهای مرتبط با آن است. از سال ۱۹۸۷ میلادی و با توسعه مفاهیم پایداری، آموزش به‌عنوان یکی از اهداف پایداری از یک سو و کاربست آن در ابعاد مختلف فضاهای آموزشی (اعم از آموزش، پژوهش، خدمات، محیط و مدیریت) و تحقق پردیس دانشگاهی پایدار از سویی دیگر به یکی از شاخه‌های مهم در مطالعات آکادمیک و تلاش‌های جامعه جهانی مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین این تلاش‌ها، اقدامات سازمان ملل متحد (UNGA) در سال ۲۰۰۲ با هدایت یونسکو بود که سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ را به‌عنوان دهه آموزش برای توسعه پایدار^۱ اعلام می‌کند (unesco, 2005).^۲ سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵، زمانی که دستور کار ۲۰۳۰ و اهداف توسعه پایدار^۳ پیشنهاد شد، به اهداف خاصی در زمینه آموزش اشاره می‌کند (به‌ویژه SDG 4، SDG 13، SDG 11) که برنامه‌ها و استراتژی‌های مختلف دولت‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات، از جمله دانشگاه‌ها را به چالش می‌کشد تا از نظر اجتماعی و زیست‌محیطی این نهادها مسئولیت‌پذیرتر عمل کنند؛ چراکه مربیان اکثر رهبران جامعه، در همین دانشگاه‌ها و کالج‌ها هستند و این مراکزند که مسئولیت عمیقی برای افزایش آگاهی، فناوری‌ها و ابزارهای لازم را برای آینده پایدار

آموزش به‌عنوان یک فعالیت اجتماعی که از دوران قدیم (قرن ۱۱ میلادی) در محیطی ویژه (هم فضای بسته و هم فضاهای باز) و به‌عنوان یکی از عملکردهای کلیدی در ساخت شهرها مورد توجه بوده است، محوریت این پژوهش را شکل می‌دهد. تحقق یک پردیس دانشگاهی مطلوب از منظر عملکردی-فعالیتی، کالبدی-فضایی و هویتی-معنایی که امکان تعامل درون‌فضایی (ارتباط دانشجویان با یکدیگر، با دیگر دانشجویان در دانشکده‌ها، با فضاهای باز و سیستم مدیریت) و تعامل برون‌فضایی (دانشگاه با دیگر فضاهای شهری، با دیگر ارگان‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی، با دیگر گروه‌های اجتماعی و فرهنگی) را فراهم می‌آورد، موضوعی است که بر آن تأکید می‌شود. پردیس دانشگاهی در این پژوهش به معنای مکان و یا مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و فضاهای بازی است که در راستای ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی و دیگر فعالیت‌های مرتبط با دانشگاه و در ارتباط و ادغام با شهر تعریف می‌شود. احداث پردیس‌های دانشگاهی در جهان با هدف ایجاد محیط زیبا و مناسب، ارائه فضاهای آموزش و پژوهشی سرزنده، استفاده بهینه از فضا و ایجاد فضاهای پایدار، ایجاد امکانات و خدمات بهتر و بهبود تجربه دانشجویان در دوران تحصیل مورد توجه مدیران دانشگاهی، برای ارائه کیفیت آموزشی برتر، بوده است.

با گذار از نسل‌های اولیه دانشگاه و رویکرد توسعه کمی دانشگاه‌ها از یک سو و لزوم پرداختن به مؤلفه‌های کیفی مبتنی بر جریانات نوین و ارزیابی مستمر وضع موجود مبتنی بر شرایط روز جهان از سویی دیگر، ضروری است که دانشگاه‌های معاصر به دنبال ایجاد بستری مناسب برای ارزیابی و ارتقای کیفیت زندگی روزمره

1. Decade of Education for Sustainable Development (DESD)

۲. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000141629>

3. SDGs

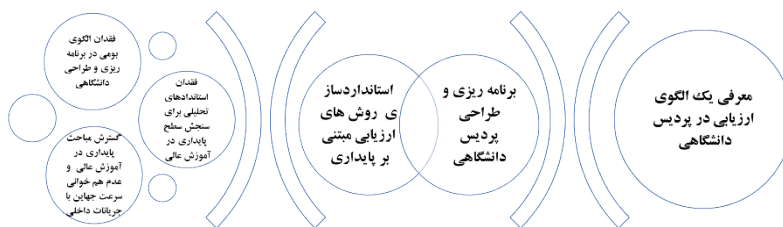
پایه‌ریزی می‌کنند (Finlay and Massey, 2012) به نقل از دیگر (Wright, 2002 و Catk and Kouri, 2009). اقدامات می‌توان به تلاش‌های انجمن رهبران دانشگاه برای یک آینده پایدار^۱ و انتشار بیانیه رسمی تالویر^۲ (۱۹۹۰)، که سرآغاز توسعه پایدار به صورت رسمی در آموزش عالی است، اشاره کرد. در سال ۲۰۰۵، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در جنبش پایداری در حوزه آموزش عالی، می‌توان ایجاد انجمن پیشرفت پایداری در آموزش عالی را ذکر کرد.

این تلاش‌ها مجالی برای به چالش کشیدن دانشگاه به‌عنوان نهادی پیچیده و چندوجهی با تنوعی از خرده‌فرهنگ‌ها، سنت‌ها و دغدغه‌های مختلف محیطی و اجتماعی در ابعاد چهارگانه پایداری، محیط‌زیست، اقتصاد، اجتماعی-فرهنگی و حکومتی را فراهم می‌آورند. دانشگاه یک شهر کوچک با تمام مسائل مربوط به برنامه‌ریزی فضایی، مدیریت رشد و توسعه فیزیکی، تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها و فضاهای باز، تأمین برق و آب و سایر خدمات و اغلب ارائه خدمات اقامتی و جانبی است که دارای اثرات زیست‌محیطی بر پارامترهای محیطی نظیر انرژی، کربن، تغییرات اقلیمی، آب، زیاله و تنوع زیستی می‌باشد. از سویی دیگر، دانشگاه‌ها اصلی‌ترین بخش برای سرمایه‌گذاران و یکی از مهم‌ترین مصرف‌کنندگان کالا و خدمات‌اند (United Nations Environment Programme, 2014) و از سویی دیگر، یکی از مهم‌ترین مراکز تعاملات اجتماعی راه، که الگوی زیست حرفه‌ای افراد است، شکل می‌دهد. مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها افزون‌بر این نشان‌دهنده یک موتور اقتصادی بزرگ و پیشرو در آموزش‌های توسعه

پایدارند. در دانشگاه بعد اجتماعی-فرهنگی پایداری در دو سطح درونی (تأکید بر ساختارهای سازمانی رسمی و غیررسمی دانشگاه)، و سطح بیرونی (تأکید بر روابط دانشگاه با جامعه گسترده‌تر [اعم از محیط طبیعی، محیط انسانی و محیط مدیریتی] است. یکی از تلاش‌های سطح بیرونی دانشگاه تجلی مشارکت اجتماعی از طریق ارتباط دانشگاه با ذی‌نفعان این حوزه، به‌ویژه شهروندان و کاربران فضا، در راستای حرکت به سوی پایداری است (United Nations Environment Programme, 2014). تلاش دیگر در این راستا، گشوده شدن فضای دانشگاه بر روی عموم به‌عنوان بخشی از فضاهای شهری است، به‌گونه‌ای که فضاهای دانشگاه (اعم از باز و بسته، خدماتی و غیرخدماتی) به‌منظور تأمین کمبود فضاهای شهری و به‌عنوان الگویی برای توسعه درونی در شهرها شناخته می‌شوند.

با بسط ایده توسعه پایدار به مؤسسات آموزش عالی تعبیری چون دانشگاه پایدار، دانشگاه سبز، پردیس پایدار و پردیس سبز در مقیاس جهانی و حوزه مطالعات دانشگاهی گسترش پیدا کرده است (Herbert, 2018, oloshubin and Pavlova, 2022, Coulson et al., 2015, cowan, 1974, benter, 1998, Muttesivs, 2001, Taylor, 2016, Cannas, 2017, Hajrasoliha, 2017, Rashidi, 2013, Prter, NA, Dalton, 2018, Way, 2016, Bringle, 2002). اما در ایران این امر هنوز در آغاز راه خویش است. در راستای فقدان توجه کافی به این موضوع و نیاز به سنجش و اندازه‌گیری و ارائه چهارچوبی برای ارزیابی و ارائه چشم‌اندازی واحد برای تلاش‌های پایداری در دانشگاه‌ها (در داخل کشور و بین دانشگاه‌ها) و همچنین برای حرکت همگام با جریان‌های جهانی برای

1. the Association of University Leaders for a Sustainable Future (ULSF)
2. TD



مشکلات

مسئله پژوهش

موضوع پژوهش

نمودار شماره (۱): فرآیند حرکت از مشکل به مسئله به موضوع

در دانشگاه‌ها به عنوان یک فضای عمومی کدام است؟

روش پژوهش

این پژوهش وامدار پارادایم تفسیری است که از منطق استقرایی (استدلال منطقی) برای استخراج مفاهیم کلیدی در مرور ادبیات نظری و روابط میان مفاهیم و داده‌های گردآوری شده از منابع کتابخانه‌ای و داده‌های اسنادی پیرامون واژگان کلیدی پژوهش استفاده می‌کند. این پژوهش در گام اول وامدار پژوهش‌های مروری است تا ضمن تعریف مفاهیم کلیدی سازنده اندیشه پژوهشگر به ارائه شاخص‌های مدل ارزیابی انتخابی، ارزیابی گرافیکی پایداری در دانشگاه (GASU) پردازد. از بین روش‌های پژوهش مروری، تأکید این پژوهش بر مرور ادبیات پژوهش، با تأکید بر تلاش‌های سازمان‌های جهانی و دستورالعمل‌های جهانی در حوزه توسعه پایدار، است. در گام دوم مدل ارزیابی و شاخص به تفصیل برای کاربری در پردیس دانشگاه و با تأکید بر نقش آن به عنوان یک فضا-مکان عمومی بسط داده می‌شود. دلیل انتخاب این ابزار را باید در رویکرد جامع، و ارتباط با تمامی ابعاد پایداری (اعم از اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی)، امکان اندازه‌گیری سطح پایداری، تحلیل و ارزیابی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید، و امکان مقایسه با

گنجاندن پایداری در سیستم‌های آموزش عالی از یک سو و تبدیل دانشگاه‌ها به عنوان یکی از ارکان مهم فضا‌های شهری، به‌ویژه تبدیل به فضای عمومی، این مقاله ضمن بررسی ادبیات پژوهش پیرامون پردیس دانشگاهی به عنوان فضای شهری، یکی از ابزارهای تحلیل پایداری را برای ارتقای نقش این فضاها به عنوان فضای عمومی پایدار بازخوانی می‌کند. این امر می‌تواند به پرسنل دانشگاه کمک کند تا به‌طور مؤثرتر ابعاد و جنبه‌های مختلفی را که باید در دانشگاه‌ها در راستای پایداری به آن توجه شود و همچنین جنبه‌های فضای عمومی این نهادهای اجتماعی را درک کند. از این رو، این مقاله به معرفی یکی از ابزارهای تحلیل و گزارش پایداری، یعنی دستورالعمل‌های پایداری ابتکار گزارشگری جهانی (GRI)، و یکی از روش‌های ارزیابی برخاسته از این دستورالعمل، یعنی ارزیابی گرافیکی پایداری در دانشگاه‌ها (GASU)، می‌پردازد و سپس این ابزار برای کاربری در دانشگاه‌ها با هدف تحقق فضای عمومی شهری بازخوانی می‌شود. این پژوهش به دنبال پاسخ به سئوالات اصلی زیر است:

- دستورالعمل‌های پایداری ابتکار گزارشگری جهانی چه ویژگی‌هایی دارد؟

- چهارچوب کاربری روش ارزیابی گرافیکی پایداری

دوره‌ها پیشین و با دیگر دانشگاه‌ها را فراهم می‌آورد. از سویی دیگر، روش استفاده از این ابزار روشی ساده است و امکان ارائه نتایج به صورت گرافیکی و در قالب نمودارها را فراهم می‌آورد.

پیشینه/تجربه‌های پژوهش

اگرچه سابقه ایجاد پردیس‌های دانشگاهی بسیار قدیمی است، اما در سال‌های اخیر مطالعات در عرصه برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی در قالب پردیس‌های دانشگاهی با رویکردهای نوین اعم از رویکردهای کیفی و توجه به تجربه زندگی روزمره کاربران و استفاده‌کنندگان فضا گسترش یافته است. با تأکید بر دانشگاه‌های آمریکایی می‌توان نمونه‌هایی از مطالعات در این زمینه را بررسی کرد: از جمله می‌توان به «راهنمای تدوین سند طرح جامع پردیس برای کالج‌ها و دانشگاه‌های کوچک»^۱ با هدف تدوین دستورالعمل‌هایی برای برنامه‌ریزی جامع پردیس برای دانشگاه اندروز (Jamison, 1996)، «برنامه‌ریزی جامع پردیس دانشگاهی»^۲ ضمن بررسی نمونه‌های موفق از طرح‌های جامع پردیس دانشگاهی به ارائه دستورالعمل‌های ایجاد پردیس‌های جذاب با ویژگی‌های منحصربه‌فرد و ایجاد هماهنگی میان تصمیمات برای توسعه است ((APPA, 2020))، «چشم‌انداز طرح جامع پردیس دانشگاهی»^۳ به بررسی چشم‌انداز طرح جامع دانشگاه کانزاس با هدف هماهنگی توسعه فیزیکی با استراتژی‌های سازمانی می‌پردازد (Perkins&Will and Multi Studio, 2022)، برنامه‌ریزی پردیس دانشگاهی ایلینویز برای ایجاد محیطی با کیفیت که نشان‌دهنده جایگاه دانشگاه در سطح آموزش، پژوهش و خدمات عمومی است

1. Guidelines for Developing a Campus Master Plan Document for Small Colleges and Universities.
2. Campus Master Planning
3. Campus Master Plan Overview

می‌پردازد (University of Illinois System, n.d). «طرح جامع پردیس دانشگاه واشنگتن»^۴ چشم‌انداز بلندمدت دانشگاه را مطرح می‌کند (UW, 2019) و «مطالعات طرح جامع کالبدی»^۵ که برای دانشگاه یو اس ریورساید به بیان توسعه و اجرای طرح جامع با هدف بهبود هویت دانشگاهی و ارتقای حس اجتماعی و حمایت از محیط پیرامونی می‌پردازد (US riverside university, 2016). نمونه‌های مختلف دیگری نیز برای دانشگاه‌های دیگر در ایالت متحده قابل بررسی و مطالعه است (برای مثال دانشگاه ریجینا^۶ (۲۰۱۶)، دانشگاه کالیفرنیا ریورساید (۲۰۲۰)^۷، دانشگاه ایلینویز غربی^۸، دانشگاه هارپر (۲۰۲۱)^۹، دانشگاه کالیفرنیا سانتا کروز^{۱۰}، دانشگاه کارلیفرنیا برکلی^{۱۱}).

در ایران نیز می‌توان به طرح جامع دانشگاه فردوسی مشهد (FUCMP) اشاره کرد که به دنبال ایجاد محیط یادگیری فیزیکی با ارزش‌های پایدار است. نمونه دیگر در این زمینه «طرح جدید جامع پردیس طاق بستان و پردیس کشاورزی» دانشگاه رازی، طرح جامع پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، ساماندهی و طرح توسعه پردیس دانشگاه الزهراء تهران و طرح مجموعه فرهنگی و هنری دانشگاه (۱۳۷۱)، طرح جامع دانشگاه ارومیه (نازلو) (۱۳۷۰-۱۳۸۳)، طرح جامع دانشگاه شهید بهشتی تهران (۱۳۷۲-۱۳۸۳)،

4. University of Washington Campus Master Plan
5. Physical Master Plan Study
6. "Campus Master Plan 2016" - University of Regina
7. "Vision 2020 Physical Master Plan Study" - University of California, Riverside
8. "Western Illinois University Master Plan" - Western Illinois University
9. Harper College 2021 Campus Master Plan - Planning Goals
10. "Campus Master Plan" - University of California, Santa Cruz
11. "Campus Master Plan" - University of California, Berkeley

۱۲. برای مطالعه طرح جامع دانشگاهی می‌توانید به سایت دانشگاه‌های فوق مراجعه کنید.

رونی و مک میلان (۲۰۱۰)^۷ به بررسی نقش نظارتی و آموزشی پردیس دانشگاه و مدل‌سازی رفتار و تعاملات اجتماعی مبتنی بر تغییرات اقلیمی می‌پردازند، هوگر و همکاران (۲۰۰۷)^۸ به بررسی ارتباط شهر و پردیس می‌پردازند، الگرگوز (۲۰۱۶)^۹ با تأکید بر تحلیل‌های اجتماعی-فضایی به بررسی پردیس دانشگاهی می‌پردازد.

درخصوص ابزار ارزیابی گرافیکی دانشگاه پایدار تا سال ۲۰۰۹ برای آنالیز ۱۲ دانشگاه به کار رفته است. بررسی آنها نشان می‌دهد که دانشگاه‌های مورد تجزیه و تحلیل آنها به تمرکز بر روی ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی در گزارش‌های پایداری آنها تمایل دارد (Lozano et al., 2013). مطالعات دانشگاهی متفاوتی نیز به دنبال این روش ارزیابی انجام گرفته است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

(Ahmad & Shashidhar, 2024, Wahyuni & Bakry, 2023).

بررسی تجربیات دانشگاه‌ها (نظیر، Birmingham, BOKU, UBC, Florida, Gothenburg, Hong Kong, Leuphana, Michigan, PUCP USC, Singapore, Turku)، و تحقیقات و پژوهش‌های دانشگاهی (نظیر، Ahmad & Shashidhar, 2024, Wahyuni & Bakry, 2023) حاکم از آن است که این روش به‌عنوان یک روش کارآمد در سنجش پایداری توسط خود دانشگاه‌ها درخصوص جامعه جهانی مطرح می‌شود. از آنجایی که در این زمینه دستورکار

طرح جامع دانشگاه سمنان (۱۳۷۲)، طرح جامع و توسعه دانشگاه علوم پزشکی اردبیل (۱۳۸۳)، طرح جامع ساماندهی فضاهای آموزشی مراکز آموزش عالی دریاوردی چابهار (۱۳۸۳)، طرح ساماندهی کالبدی دانشگاه سیستان و بلوچستان (۱۳۸۵)، تدوین استانداردها و برنامه‌ریزی و طراحی دانشکده‌های پیراپزشکی (۱۳۹۴)^۱، طرح جامع پردیس به‌شهر دانشگاه علم و صنعت ایران (۱۳۸۵).

افزون بر این مطالعات نظری نیز به‌منظور شناسایی نقش پردیس‌های دانشگاهی و مزیت‌های آن در جامعه شهری انجام شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: لیو و همکاران (۲۰۲۱)^۲ با تأکید بر نقش پردیس‌های دانشگاهی در تنوع زیستی و ایجاد محیطی طبیعی، گامپرچت (۲۰۰۷)^۳ با تأکید بر نقش فضای عمومی پردیس دانشگاهی، حاج رسولی‌ها (۲۰۱۷)^۴ به بررسی شاخص امتیاز پردیس و اندازه‌گیری کیفیت‌های فیزیکی پردیس دانشگاهی (با سه سنجه کیفیت‌های شهرسازی، سبزی‌نگی و زندگی) می‌پردازد، مک‌هاگ و همکاران (۲۰۰۴)^۵ با تأکید بر مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی راهبردی پردیس دانشگاهی، ولوکین و همکاران (۱۹۹۵)^۶ با تأکید بر جرم و جنایت و عوامل مؤثر بر آن در محیط پردیس دانشگاهی، داهونگ (۲۰۱۱) با هدف مطالعه فرهنگ پردیس دانشگاهی،

۱. این پروژه‌ها توسط شرکت مهندسان مشاور ماهر و همکاران تهیه شده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به سایت <https://www.mahervahamkaran.com> مراجعه کنید.

2. University campuses as valuable resources for urban biodiversity research and conservation (Liu et al., 2021)
3. The campus as a public space in the American college town (Gumprecht, 2007)
4. Campus score: Measuring university campus qualities (Hajrasouliha, 2017)
5. Campus-Public Partnerships: Successful Models for Strategic and Facilities Planning (McHugh & Meister, 2004)
6. The Relationship of Campus Crime to Campus and Student Characteristics (Volkwein et al., 1995)

7. The Campus as a Classroom: Integrating People, Place, and Performance for Communicating Climate Change (Rooney & McMillin, 2010)

8. Campus and the city: Urban design for the knowledge society (Hoeger et al., 2007)

9. 'We are at this campus, there is nothing in this campus...': Socio-spatial analysis of a university campus (Ağlarçöz, 2017)

مدونی بردی سنجش پایداری دانشگاه‌های کشور ایران وجود ندارد و هنوز این تلاش‌ها مراحل آغازین را طی می‌کند، این روش می‌تواند پیلوتی برای سنجش پایداری پردیس‌های دانشگاهی باشد تا این مجموعه‌ها بتوانند به نقش و عملکرد شهری خویش بپردازند.

مبانی نظری- پژوهش. (ادبیات- پژوهش/پیشینه پژوهش)

۱- تعریف جهانی دانشگاه

دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی که معمولاً شامل کالج هنرها و علوم آزاد و مدارس عالی و حرفه‌ای است و دارای اختیار اعطای مدرک در رشته‌های مختلف تحصیلی است. تفاوت یک دانشگاه با کالج در این است که معمولاً بزرگ‌تر است، برنامه درسی وسیع‌تری دارد و مدارک تحصیلات تکمیلی و حرفه‌ای (کارشناسی ارشد و دکترا)، مدارک حرفه‌ای را علاوه بر مدارک کارشناسی (مانند مدرک لیسانس) ارائه می‌دهد. اگرچه دانشگاه‌ها تا قرون وسطی در اروپا در غرب به وجود نیامدند، اما در دوران باستان در برخی از مناطق آسیا و آفریقا وجود داشتند (Duignan, 2023)

۲- پردیس دانشگاهی

پردیس دانشگاهی با واژه Campus در ادبیات انگلیسی به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که شامل ساختمان‌های اصلی یک دانشگاه یا کالج (از جمله محل اقامت دانشجو، امکانات آموزشی و پژوهشی، فعالیت‌های اوقات فراغت، کتابخانه‌ها، سالن‌های سخنرانی، سالن‌های اقامت، مراکز دانشجویی یا سالن‌های غذاخوری و مکان‌های پارک مانند پارک) است. اصطلاح «کامپوس» از اصطلاح لاتین campus به معنای «گستره همواری از زمین، دشت، مزرعه» گرفته شده است. دانشگاه پردیس یک اصطلاح انگلیسی برای دانشگاهی است که در یک سایت

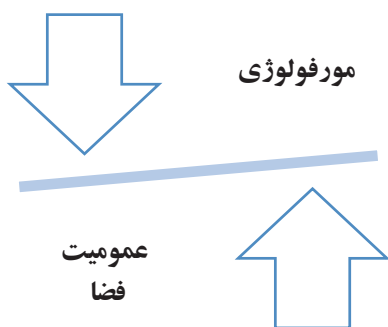
واقع شده است، با محل اقامت دانشجویی، امکانات آموزشی و پژوهش‌ها و فعالیت‌های اوقات فراغت (Oxford Dictionary, NA). پردیس دانشگاهی به معنی منطقه دانشگاهی است که متشکل از چندین دانشکده بوده و دارای قوانین مجزا از شهر است. در تعریفی دیگر، دانشگاه به‌طور سنتی، زمینی تعریف می‌شود که دانشکده‌ها و ساختمان‌های مربوطه در آن استقرار می‌یابد. در تعریف مدرن نیز به مجموعه‌هایی از ساختمان‌ها و زمین‌هایی که به یک نهاد متعلق باشد، اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی، پردیس گویند (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰).

۳- طرح جامع پردیس دانشگاهی و انواع آن

الگوهای کالبدی-فضایی دانشگاه‌ها می‌توانند در شکل‌دهی به فرم و عملکرد مناطق اطراف خود نقش بسزایی داشته باشند و عواملی مانند کاربری زمین، حمل‌ونقل و فضاها را تعیین می‌کنند. هم‌هنگی میان دانشگاه و شهر یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که از طریق طرح جامع پردیس دانشگاهی برای توسعه یکپارچه دانشگاه در محیط شهری پیشنهاد می‌شود. این امر به محیط‌های شهری یکپارچه‌تر، قابل زندگی و پایدار منجر می‌شود. یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در برنامه‌ریزی پردیس دانشگاهی محیط ساخته‌شده (اعم از فضا، چیدمان فضایی، ارتباطات فضایی، کیفیت فضایی) به‌عنوان منبع مهمی برای انجام استراتژی‌ها و راهبردهای دانشگاه برای آینده است. از این رو، طرح جامع پردیس با این رویکرد برای انجام اهداف پردیس تهیه می‌شود. طرح جامع پردیس به‌عنوان سند هدایت طراحی محیط پردیس در راستای برنامه استراتژیک و راهبردی دانشگاهی است. طرح جامع پردیس، که

1. campus master plan

عمومی، می‌توانند فرصت‌هایی را برای احیای جوامع فراهم کنند، به‌ویژه زمانی که شهرداری و ارگان‌های دولتی منابع کافی برای ایمن‌سازی و ارتقای کیفیت زیست‌شهروندان در فضاهای باز عمومی را نداشته باشد. (Ali and Kim, 2020). این تغییر پارادایم به‌سمت پردیس دانشگاهی باز بر روی مردم، اثرات مثبتی، نظیر بهره‌گیری از پتانسیل‌ها، افزایش خدمات زیست‌محیطی، ایجاد مکان‌هایی برای تجمع امن و افزایش تعاملات اجتماعی بر شهر دارد.



نمودار شماره (۲): دو مفهوم کلیدی در پذیرش پردیس دانشگاهی به‌عنوان فضای عمومی شهری
(ماخذ: نگارنده)

– مفهوم فضای عمومی و عمومیت: هیبتات^۲ فضای عمومی را شامل کلیه مکان‌هایی که در مالکیت عمومی یا استفاده عمومی، قابل استفاده و تفریح و لذت است و به‌صورت رایگان و بدون انگیزه سود در شهرها قرار دارد، تعریف می‌کند (Un-Habitat, 2015). اما در دوران معاصر با تغییر مفهوم عمومیت در فضاهای شهری در دوران معاصر و مبتنی بر برداشت جدید از فضای عمومی و تعریف آن مبتنی بر این برداشت، ابعاد دیگری ورای دسترسی و مالکیت در تعریف فضای عمومی دخالت دارند. بخشی از این تعاریف مبتنی بر

در برخی منابع به طرح کاربری زمین پردیس^۱ نامیده می‌شود، برای ایجاد و حفظ محیط فیزیکی به منابع زیادی نیاز دارد؛ بنابراین برنامه‌ریزی یکپارچه می‌تواند از پروژه‌های پرهزینه‌ای که اهداف ثبت نام، یادگیری یا پژوهش را برآورده نمی‌کند، جلوگیری کند (Troost, 2023).

چهارگونه پردیس از منظر کالبدی قابل شناسایی است: کالج شهری (جایی که شهر و پردیس بسیار بهم مرتبط‌اند و شهر از لحاظ اقتصادی به دانشگاه وابسته است)، پردیس روستایی (جایی که پردیس وسیع، باز و از شهر دور است)، پردیس شهری (جایی که پردیس به درون بافت شهر تابیده شده است و یک پردیس ایزوله‌شده در شهری بزرگ است)، پردیس رفت‌وبرگشت‌کننده (جایی که دانش‌آموزان کارمندان و استادان به درون پردیس سفر زندگی می‌کنند) (امینی مهر، ۱۳۹۴) که هرکدام در موقعیت خویش ارتباط ویژه‌ای را با محیط پیرامون خود طرح‌ریزی و طرح جامع ویژه‌ای را ایجاد می‌کند.

۴- پردیس دانشگاهی به‌عنوان فضای عمومی شهری و نقش‌های آن

پذیرش پردیس دانشگاهی به‌عنوان یک فضای عمومی شهری مستلزم بررسی دو نکته است: (۱) مورفولوژی سایت پردیس دانشگاهی در ارتباط با شهر و (۲) مفهوم عمومی بودن در دوران معاصر.

– مورفولوژی سایت پردیس دانشگاهی: اخیراً بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران توجه ویژه‌ای به ادغام پردیس‌های دانشگاهی با بافت‌های شهری موجود به‌منظور ارائه خدمات فضای باز بهتر از طریق مشارکت نهادی بدون صرف بودجه عمومی داشته‌اند. این فضاهای باز غیرعمومی ولی مرتبط با امکانات

2. Un-Habitat

1. campus land use plan

مرزبندی مبهم میان مفهوم عمومی و خصوصی است. در این تعاریف «فضای عمومی» در طیفی از فضاهای عمومی تا خصوصی در اشکال «فضاهای شبه عمومی» و یا «فضاهای نیمه عمومی» برای مثال «فضاهای عمومی خصوصی» دیده می‌شوند (کرمونا، ۱۳۹۴). در این دیدگاه فضای عمومی دیگر فراگیر و دموکراتیک نیست و با دو تکنیک تجاری سازی و خصوصی سازی فضای عمومی در شهرهای مدرن روبه روییم که اشکال جدیدی از فضاهای عمومی را شکل می‌دهند. در این نگاه گروه‌های مختلف با نیازها، اندیشه‌ها و هدف‌های مختلف به دنبال فضاهایی خاص نیازهای روزمره خودند. از این رو، در این پژوهش فضای عمومی به عنوان فضایی برای رسیدن به اهداف معین تعریف می‌شود که در معرض هنجارهای رفتاری است و بر افرادی که اجازه ورود دارند کنترل دارد (میچل، ۱۹۹۵ نقل از کرمونا، ۱۳۹۴). براساس این دیدگاه، پردیس‌های دانشگاهی با این تعبیر به عنوان فضاهای عمومی خصوصی^۱ در نظر گرفته می‌شوند. فضایی که در مالکیت عمومی است، اما با توجه به کاربرد خاصی که فضا دارد و اهدافی که کاربر براساس آن در فضا حاضر می‌شود و به فضا شکل می‌دهد. در این میان آنچه در مورد ماهیت فضای عمومی معاصر باید مورد توجه قرار گیرد، ارتباط مستقیم آن با زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فضایی است که در آن تولید می‌شود.

نقش‌های مختلفی برای پردیس دانشگاهی قابل شناسایی است: پردیس دانشگاهی به عنوان مکان گذار، پردیس دانشگاهی به عنوان یک پارک، پردیس دانشگاهی به مثابه یک مرکز اجتماعی-فرهنگی، پردیس دانشگاهی به عنوان نماد و سمبل، پردیس

1. Private public space

دانشگاهی به عنوان یک فضای عمومی (امینی مهر، ۱۳۹۴). از این رو، پردیس دانشگاهی تأثیر قابل توجهی بر فضاهای شهر دارد و ارتباط مناسب میان آن با شهر بر پایداری، مشارکت جامعه و مسئولیت زیست محیطی تأثیر می‌گذارد.

۵- پردیس دانشگاهی پایدار

پایداری به عنوان مفهومی رایج از دهه ۱۹۷۰ میلادی بر عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و فرهنگی مسلط بوده است. دغدغه عمومی در پی تخریب محیط زیست به طور مستقیم بر کیفیت زندگی^۲ تأثیر گذار است. دانشگاه‌ها به عنوان یکی از نهادهای پیچیده و چندوجهی با تنوعی از خرده فرهنگ‌ها، سنت‌ها و دغدغه‌های مختلف محیطی و اجتماعی ابعاد چهارگانه پایداری، محیط زیست، اقتصاد، اجتماعی-فرهنگی و حکومتی، را به چالش می‌کشند (United Nations Environment Programme, 2014). مراکز آموزش عالی^۳ به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر در محدوده‌های شهری، الگویی برای جوامع برای به حداقل رساندن آسیب‌های زیست محیطی و سازگاری با محیط زیست در راستای بهبود سلامت و رفاه مردم اند (Khoderchah And Semaan, 2024). هدف از پردیس پایدار دستیابی به سطحی از خدمت‌رسانی به جامعه بدون آسیب رساندن به جوامع آینده و ایجاد فرصت برای توسعه براساس ویژگی‌ها و پتانسیل‌های محیطی دانشگاه و در نتیجه حفاظت از محیط دانشگاه و جامعه است (Abdulrazzaq, et al. 2024). با بسط ایده توسعه پایدار به مؤسسات آموزش عالی تعبیری چون دانشگاه پایدار، دانشگاه سبز، پردیس پایدار و پردیس سبز رواج چشم‌گیری یافته است.

براساس مطالعات گولوشوین و پاولووا (۲۰۲۲) یکی از

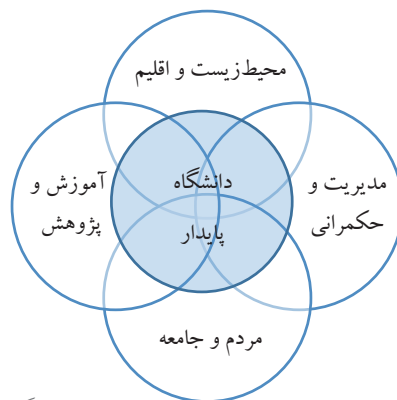
2. Quality of Life

3. Higher Education Institutes (HEI)

مهم‌ترین و شاید پیشروترین رویکردها در برنامه‌ریزی و طراحی پردیس‌های دانشگاهی، رویکرد برابری با طبیعت یا آنچه به تعبیر پایداری خوانده می‌شود، است. براساس اهداف توسعه پایدار و دستورکار ۲۰۲۳ سازمان ملل، محیط پردیس دانشگاهی (اعم از سیستم مدیریتی، عملکردی و کالبدی-فضایی) باید نمایش منطقی از روش‌های علمی و سیستماتیک در برخورد میان انسان با محیط در وضعیت پایداری و همچنین مبتنی بر اهداف (به‌ویژه، SDG 4، SDG 11، SDG 13) این روش‌ها باشد. در این میان، روش‌های سنجش و ارزیابی نقش مهمی را در آینده و عملکرد پردیس‌های دانشگاهی ایفا می‌کنند که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم. این ابزار دو هدف را دنبال می‌کنند: (۱) ارزیابی وضعیت موجود و سطح پایداری آن؛ (۲) ارائه چشم‌اندازی از تلاش‌ها و پیشرفت‌ها در

مختلفی را در بر می‌گیرد. ارزیابی پایداری باید این چهار اصل اساسی را شامل شود: هنجاری، برابری، یکپارچگی و اصل پویا (Ahmad, & Shashidhar, 2024). در حال حاضر سه روش اصلی برای ارزیابی پایداری به‌طور عام و برای ارزیابی محیط‌های آموزشی و پردیس دانشگاهی به‌طور خاص وجود دارد. این روش‌ها عبارت‌اند از: ۱. روش ارزیابی کمی؛ ۲. روش ارزیابی روایتی و ۳. روش ارزیابی مبتنی بر شاخص‌ها (Lozano, 2006) که در این میان روش ارزیابی براساس شاخص‌ها، هم در مطالعات دانشگاهی و هم در استانداردهای برنامه‌ریزی و ابزارهای برنامه‌ریزی و طراحی پردیس دانشگاهی، از محبوبیت بیشتری برخوردار است. روش ارزیابی‌های روایی استفاده از متن، نقشه، گرافیک و داده‌های جدولی را ترکیب می‌کند (Amaral et al., 2015).

شاخص‌ها ابزاری برای ارزیابی و مقایسه سطح پایداری را محقق می‌سازند. بنابراین هدف از تدوین شاخص‌ها شناخت کمی و دقیق شرایط موجود در یک مقطع زمانی و توصیف روندها و دگرگونی‌هایی است که در طی سال‌ها در جامعه صورت گرفته است (کلانتری، ۱۳۹۲). به بیانی دیگر، هدف از تنظیم شاخص‌ها، شناخت دقیق شرایط موجود اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نهادی است. در هیافت‌های جدید توسعه پایدار به‌منظور سنجش پایداری ابعاد چهارگانه‌ای، شامل شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نهادی، برای مقیاس‌ها، سازمان‌ها، محیط‌ها و موضوعات مختلف در نظر گرفته می‌شود (UN, 2015). در این پژوهش، با تمرکز بر نهاد دانشگاهی، در معنای عام، و پردیس دانشگاهی، در مفهوم خاص، به ارائه چهارچوب ارزیابی و گزارش‌دهی می‌پردازیم. از آنجایی که در



نمودار شماره (۳): هسته‌های چهارچوب دانشگاه پایدار

(ماخذ: UNEP, 2021)

۶- چهارچوب و ابزار ارزیابی و گزارش‌دهی پایداری پردیس دانشگاهی
پایداری منوط به ارزیابی است که دیدگاه‌های

ابزارهای ارزیابی پایداری در دانشگاه (پردیس دانشگاهی)				
ردیف	ابزار	مخفف	معادل فارسی	سال
۱	Sustainability Assessment Questionnaire	SAQ	پرسشنامه ارزیابی پایداری	۲۰۰۱
۲	Graphical Assessment of Sustainability in University	GASU	ارزیابی گرافیکی پایداری در دانشگاه	۲۰۰۶
۳	Sustainable University Model	SUM	مدل دانشگاه پایدار	۲۰۰۶
۴	University Environmental Management System	UEMS	سیستم مدیریت محیط زیست دانشگاه	۲۰۰۸
۵	Assessment Instrument for Sustainability in Higher Education	AISHE	ابزار سنجش پایداری در آموزش عالی	۲۰۰۹
۶	Benchmarking Indicators Questions – Alternative University Appraisal	BIQ_AUA	پرسش‌های شاخص‌های معیار - ارزیابی دانشگاه جایگزین	۲۰۰۹
۷	Unit-based Sustainability Assessment Tool	USAT	ابزار ارزیابی پایداری مبتنی بر واحد	۲۰۰۹
۸	The Green Plan	Green Plan	طرح سبز	۲۰۱۲
۹	Sustainable Campus Assessment System	SCAS	سیستم ارزیابی پایدار پردیس	۲۰۱۴
۱۰	Adaptable Model for Assessing Sustainability in Higher Education	AMAS	مدل قابل تطبیق برای ارزیابی پایداری در آموزش عالی	۲۰۱۴
۱۱	Sustainability Tracking, Assessment and Rating System	STARS	سیستم ردیابی، ارزیابی و رتبه بندی پایداری	۲۰۱۴
۱۲	Green Metric – UI's GreenMetric University Sustainability Ranking	GM	متریک سبز - رتبه بندی پایداری UI دانشگاه گرین متریک	۲۰۱۴

جدول شماره (۱): ابزارهای ارزیابی پایداری در دانشگاه

ماخذ: (ALGHAMDI, ET AL., 2017)

سرتاسر جهان، بسیاری از دانشگاه‌ها از دسترسی به شبکه پایداری دانشگاه محلی یا ملی، که در آن بهترین تجربه‌ها و برنامه‌های عملیاتی به اشتراک گذاشته می‌شود، بهره نمی‌برند (UNEP, 2021) و بسیاری از آنها به صورت ملی و مبتنی بر خاستگاه زمانی و مکانی و بدون توجه به جریان‌ات پایداری در مقیاس جهانی، برنامه‌های اجرای خود را تدوین می‌کنند و همچنین برای آنها چهارچوب مشخص از منظر پایداری وجود ندارد که شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اکولوژیکی منطقه خود را منعکس کنند، از این رو، چهارچوب دانشگاه پایدار را سازمان ملل (UNEP) تدوین می‌کند. این چهارچوب به دنبال تعریف دانشگاه پایدار است و نقشه راه تبدیل شده به دانشگاه پایدار را ترسیم می‌کند. این چهارچوب همچنین بیان می‌کند که چگونه می‌توان پایداری را در هر یک از چهار حوزه اصلی یک دانشگاه، از جمله: (۱) محیط‌زیست و آب‌وهوا؛ (۲) آموزش و پژوهش؛ (۳) مردم و جامعه و (۴) مدیریت و حکومت ارتقا داد.

دستورالعمل‌ها و ابزارهای مختلفی برای تحقق این مسیر و مبتنی بر نیازهای دانشگاه‌ها توسط انجمن‌ها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی پیشنهاد شده است. برای نمونه می‌توان به، AISHE، UI Green Metrics، SAQ و GASU اشاره کرد (جدول شماره (۱)). یکی از دستورالعمل‌هایی که به صورت عام برای پایداری مطرح می‌شود GRI است. این ابزار از جمله ابزارهای موجود برای ارزیابی و گزارش پایداری است که به طور مستقیم برای دانشگاه و نهاد دانشگاهی تدوین نشده، بلکه برای هر نهاد و سازمانی که دغدغه پایداری دارد، استفاده می‌شود. این دستورالعمل برای یکپارچگی در گزارش پایداری از سوی نهادهای شهری است. به نظر می‌رسد دستورالعمل‌های GRI بهترین ابزار موجود برای گزارش پیشرفت همه‌جانبه به سمت همه جنبه‌های توسعه پایدار است (Lozano, 2006) که در این پژوهش بر این دستورالعمل و یکی از ابزارهایی که برگرفته از این دستورالعمل است، یعنی GASU، برای دانشگاه‌ها و پردیس‌های دانشگاهی تأکید و

سعی می‌شود بیشتر با تأکید بر بعد محیط‌زیستی، اجتماعی و مدیریتی آن که با ویژگی‌های فضاها و عمومی خصوصی شده بیشترین ارتباط را دارد، بازخوانی شود.

۷-۴- دستورالعمل‌های گزارش‌دهی پایداری GRI^۱

دستورالعمل گزارش‌دهی پایداری، فرآیندی بلندمدت، چندجانبه و بین‌المللی است که به صورت داوطلبانه توسط هر سازمانی با هر اندازه و در هر مکانی قابل استفاده است. این دستورالعمل‌ها مبتنی بر جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی سازماندهی شده‌اند. یکی از اهداف اولیه این دستورالعمل گفت‌وگو با ذی‌نفعان و محقق شدن جنبه‌های مشارکت فعال است. از این رو، پیش از هر چیزی بر تشکیل یک تیم و گروه مدیریت و گزارشگری متشکل از مدیر، گروه فرآیند گزارش داخلی شامل مدیران در حوزه‌های مختلف از محیط‌زیست، ایمنی، سلامت، منابع انسانی، امور مالی، روابط عمومی و نظایر آن، مدیر هماهنگ‌کننده، ویراستار و یک تیم تولید برای طراحی گرافیکی است (Lozano, 2006). این دستورالعمل در سال ۱۹۹۷ در بوستون آمریکا تهیه شد. استانداردهای GRI در سه بخش استانداردهای جهانی، بخشی و موضوعی برای گزارش‌دهی تدوین شده است. استانداردهای جهانی در نسخه‌های اولیه سه نسل GRI1, GRI2, GRI3 و در نسخه سال ۲۰۱۶ نسل GRI 4 طرح می‌شود. استانداردهای GRI به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا تأثیرات خود را بر اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه، از جمله تأثیرات بر حقوق بشر، درک کنند. این استانداردها به منظور افزایش مسئولیت‌پذیری و شفافیت در عملکرد سازمان‌ها طراحی شده‌اند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا نحوه

مشارکت خود را در توسعه پایداری بهتر روشن کنند. با استفاده از GRI، سازمان‌ها شناخت بهتری از نقاط قوت و ضعف خود پیدا می‌کنند و استراتژی‌های بهتری برای بهبود عملکرد و کاهش تأثیرات منفی خود بر سه پایه پایداری (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) توسعه می‌دهند. در نسخه GRI، مربوط به سال 2016^۲، تعداد ۱۹ موضوع با زیرشاخص‌هایی مشخص وجود دارند. به طور کلی، GRI یکی از ابزارهای کلیدی در راستای پاسخگویی و شفافیت برای سازمان‌ها به شمار می‌رود و به آن‌ها کمک می‌کند تا نقش خود را در توسعه پایداری بهتر نشان دهند (Globalreporting, Na).

چهار ویژگی کلیدی برای دستورالعمل پایداری برای دانشگاه عبارت است از:

الف) اهمیت اطلاعات (در یک گزارش باید موضوعات و شاخص‌هایی را پوشش دهد که (۱) منعکس‌کننده تأثیرات مهم اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی دانشگاه باشد یا (۲) به طور اساسی بر ارزیابی‌ها و تصمیم‌های ذی‌نفعان تأثیر بگذارد)؛

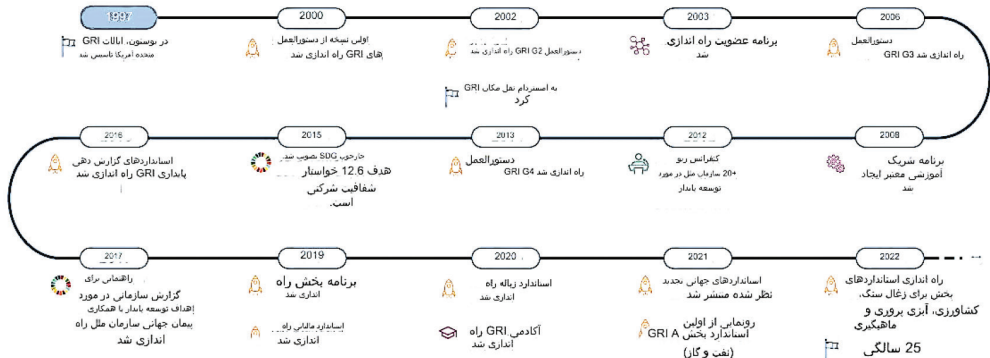
ب) فراگیری ذی‌نفعان (دانشگاه گزارشگر باید ذی‌نفعان خود را شناسایی کند و در گزارش توضیح دهد که چگونه به انتظارات و منافع معقول آنها پاسخ داده است)؛

ج) زمینه پایداری (گزارش باید عملکرد دانشگاه را در زمینه گسترده‌تر پایداری ارائه دهد)؛

د) کامل بودن (پوشش موضوعات مادی و شاخص‌ها و تعریف مرز گزارش باید برای بازتاب اقتصادی قابل توجه کافی باشد، اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی ذی‌نفعان را قادر می‌سازد تا عملکرد دانشگاه گزارشگر را در دوره گزارش ارزیابی کنند) (Sammalisto, et al., 2017).

۲. در این پژوهش مبنای مطالعات GRI سال ۲۰۱۶ است. اما در حال حاضر، نسخه سال ۲۰۲۱ آن نیز در دسترس است. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: <https://www.globalreporting.org/>

1 Global Reporting Initiative



نمودار شماره ۴: سیر تاریخی و نسل های GRI

ماخذ: GRI, NA

GRI ۱	
اصول و استانداردهای عمومی	
موضوع	شاخص
سزمان و خط مشی	۱۰۳-۱: نام سازمان
	۱۰۳-۲: فعالیت، برنده، محصولات و خدمات
	۱۰۳-۳: محل استقرار اصلی
	۱۰۳-۴: محل های عملیاتی
	۱۰۳-۵: ساختار مالکیت و نوع مالکیت
	۱۰۳-۶: بازارهای خدمات
	۱۰۳-۷: اندازه سازمان
	۱۰۳-۸: اطلاعات مربوط به نیروی کار
	۱۰۳-۹: زنجیره تامین
	۱۰۳-۱۰: تغییرات در سازمان
استراتژی و تحلیل	۱۰۳-۱۱: اقدامات ارتباطی
	۱۰۳-۱۲: تأثیرات زیست محیطی
	۱۰۳-۱۳: مشارکتهای سازمانی
	۱۰۳-۱۴: بیانیه های از مدیر ارشد
اخلاق و یکپارچگی	۱۰۳-۱۵: ارزش ها، اصول، استانداردها و منجراهای رفتاری
	۱۰۳-۱۶: ساختار حاکمیت
درگیری با ذینفعان	۱۰۳-۱۷: فهرست گروه های ذینفع
	۱۰۳-۱۸: توافق نامه های جمعی
	۱۰۳-۱۹: شناسایی و انتخاب ذینفعان
	۱۰۳-۲۰: رویکرد به درگیری با ذینفعان
شیوه گزارش دهی	۱۰۳-۲۱: موضوعات و تگرایی های کلیدی مطرح شده
	۱۰۳-۲۲: نهادهای شامل در صورت های مالی تجمیع شده
	۱۰۳-۲۳: تعریف محتوای گزارش
	۱۰۳-۲۴: فهرست موضوعات مهم
	۱۰۳-۲۵: اصلاحات اطلاعات
	۱۰۳-۲۶: تغییرات در گزارش دهی
	۱۰۳-۲۷: دوره گزارش
	۱۰۳-۲۸: تاریخ آخرین گزارش
	۱۰۳-۲۹: دوره های گزارش دهی
	۱۰۳-۳۰: نقطه تماس برای سوالات مربوط به گزارش
۱۰۳-۳۱: اندعای گزارش دهی بر اساس استانداردهای GRI	
۱۰۳-۳۲: GRI نمایه محتوای	
۱۰۳-۳۳: تأمین اعتبار خارجی	

GRI ۲	
استانداردهای اقتصادی	
موضوع	شاخص
عملکرد اقتصادی	۲۰۱-۱: ارزش اقتصادی مستقیم تولید و توزیع شده
حضور در بازار	۲۰۲-۱: نسبت های دستمزد ورودی استاندارد بر حسب جنسیت به حداقل دستمزد محلی
تأثیرات اقتصادی غیر مستقیم	۲۰۳-۱: خدمات زیرساختی
شیوه های تأمین کالا	۲۰۴-۱: نسبت هزینه های تأمین کالا از تأمین کنندگان محلی

GRI ۳	
استانداردهای زیست محیطی	
موضوع	شاخص
مواد	۳۰۱-۱: مواد استفاده شده به وزن یا حجم
انرژی	۳۰۲-۱: مصرف انرژی درون سازمان
آب	۳۰۳-۱: برداشت آب بر حسب منبع
تنوع زیستی	۳۰۴-۱: سایت های عملیاتی متعلق، اجاره ای، تحت مدیریت و نزدیک به مناطق حفاظت شده
انتشارات	۳۰۵-۱: و مناطق یا ارزش زیستی بالا
انتشارات	۳۰۵-۱: انتشارات مستقیم (دامه ۱) گازهای گلخانه ای

GRI ۴	
استانداردهای اجتماعی	
موضوع	شاخص
استخدام	۴۰۱-۱: استخدام های جدید و نرخ گردش کار
روابط کارگر و مدیریت	۴۰۲-۱: حداقل دوره های اطلاع رسانی در مورد تغییرات عملیاتی
ایمنی و بهداشت شغلی	۴۰۳-۱: سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی
آموزش و پرورش	۴۰۴-۱: ساعات میزبان آموزش در هر سال برای هر کارمند

جدول شماره ۴: بازخوانی شاخص های نمای کلی ابزار GAUS

ماخذ: پژوهشگر برگرفته از مطالعات لوزانو

۸- ابزار ارزیابی گرافیکی پایداری دانشگاه را برای دانشگاه مناسب سازی می کند. دستورالعمل های پایداری GRI G3، که نسل سوم دستورالعمل های گزارش دهی ابتکار گزارشگری جهانی را شکل می دهد، جامع ترین و کامل ترین راهنمای گزارش

۸- ابزار ارزیابی گرافیکی پایداری پایداری دانشگاه را برای دانشگاه مناسب سازی می کند. دستورالعمل های پایداری GRI G3، که نسل سوم دستورالعمل های گزارش دهی ابتکار گزارشگری جهانی را شکل می دهد، جامع ترین و کامل ترین راهنمای گزارش

سال	نسخه ۲۰۰۶ GASU	نسخه ۲۰۱۱ GASU
مولفه/بعد/معیار	<p>۴ معیار اصلی: اقتصادی: محیط زیست: اجتماعی: آموزش.</p> <p>۸ معیار فرعی: تأثیر مستقیم اقتصادی: محیط زیست: شیوه های کار و کار شایسته: حقوق بشر: جامعه: مسئولیت محصول: برنامه درسی: و پژوهش.</p>	<p>۶ معیار اصلی: نمای کلی، اقتصادی، محیط زیستی، اجتماعی، آموزشی، و ارتباطات درونی ابعاد</p> <p>۱۶ معیار فرعی:</p> <p>نمای کلی (پروفایل کلی) شامل: استراتژی و تجزیه و تحلیل: پروفیل (نمای کلی) سازمانی: پارامترهای گزارش: حاکمیت، تعهدات و مشارکت: رویکرد مدیریت و شاخص های عملکردی</p> <p>اقتصادی شامل: عملکرد اقتصادی: حضور در بازار: اثرات غیر مستقیم اقتصادی</p> <p>زیست محیطی شامل: مواد: انرژی: آب: تنوع زیستی: گازهای گلخانه ای، پساب ها و زباله ها: محصولات و خدمات: انطباق (سازگاری): حمل و نقل: بررسی نتایج (ارزیابی اثرات)</p> <p>اجتماعی شامل: شیوه های کار و حسن انجام کار: حقوق بشر: جامعه: مسئولیت محصول (تولیدات)</p> <p>آموزشی شامل: برنامه تحصیلی: پژوهش: خدمات</p> <p>موضوعات مرتبط و ابعاد (ارتباطات میان بعدی) شامل: روابط میان یک بعد: روابط با بعد دیگر: روابط میان ابعاد</p>
تعداد شاخص ها	<p>۱۲۶ شاخص:</p> <p>اقتصادی: ۱۰ شاخص مرکزی و ۳ شاخص فرعی:</p> <p>زیست محیطی: ۱۶ شاخص مرکزی و ۱۹ شاخص فرعی:</p> <p>اجتماعی: ۲۴ شاخص مرکزی و ۲۴ شاخص فرعی:</p> <p>آموزشی: ۱۰ شاخص مرکزی و ۲۰ شاخص فرعی:</p>	<p>۱۷۴ شاخص:</p> <p>نمای کلی (پروفیل): ۴۳ شاخص</p> <p>اقتصادی: ۹ شاخص</p> <p>زیست محیطی: ۳۰ شاخص</p> <p>اجتماعی: ۴۰ شاخص</p> <p>آموزشی: ۲۹ شاخص</p> <p>ارتباطات و پیوند ابعاد: ۲۳ شاخص</p>
نمودارها	۹ نمودار	۱۱ نمودار

جدول شماره (۳): ابعاد و شاخص های دو نسخه GASU

ماخذ: پژوهشگر برگرفته از (LOZANO ET AL., 2013)

پایداری موجود در آن زمان است که مبنایی برای توسعه ابزار ارزیابی گرافیکی دانشگاه پایدار (GASU) است (Ahmad & Shashidhar, 2024). اما با اضافه شدن GRI 4 و نسل های بعدی موارد اجتماعی نیز مد نظر قرار می گیرد که به کامل شدن این ابزار کمک شایانی می کند.

ابزار ارزیابی گرافیکی دانشگاه پایدار را لوزانو اولین بار در سال ۲۰۰۶ ارائه داد. این ابزار از نمودارها برای حمایت از دانشگاه ها در طرح های پایداری خود و مقایسه پیشرفت آنها با سایر مؤسسات استفاده می کند. این امر دانشگاه را برای مشارکت در فعالیت های پایداری و مقایسه عملکرد آن با سایر دانشگاه ها با استفاده از نمایش های گرافیکی تسهیل می کند. این یک روش ساختاریافته برای اندازه گیری عملکرد شاخص های داده شده ارائه می دهد و ایجاد یک گزارش پایداری کامل را آسان تر می کند (Lozano et al., 2013, Ahmad & Shashidhar, 2024). این ابزار توسط تیم رهبران دانشگاه برای آینده پایدار (ULSF) در حال توسعه است (Lozani, 2006, 2011, 2013). این ابزار در سال ۲۰۱۱ مجدداً بروز شد تا با نسل سوم GRI و ارائه پوشش جامع تری از پایداری و تعامل با مباحث توسعه پایدار هم خوانی بیشتری داشته باشد. ابزار ارزیابی گرافیکی دانشگاه پایدار GASU روشی نظام مند برای ارزیابی شاخص های پایداری و عملکرد آن ها در دانشگاه ها ارائه می کند که می توان از آن برای تهیه گزارش های جامع پایداری استفاده کرد (Lozano et al., 2013). براین اساس، و مبتنی بر جست و جو در ادبیات پژوهش دو نسخه GASU2006 و GASU2011 توسط پژوهشگر قابل شناسایی بود. در نسخه GASU 2011، این ابزار در شش بعد و دسته

اصلی، نمای کلی، اقتصاد، محیط‌زیست، اجتماعی، آموزشی و ارتباط میان موضوعات و ابعاد به ارائه شاخص‌ها می‌پردازد. تعداد شاخص‌ها در GASU 2011 عبارت‌اند از: ۴۳ شاخص برای مشخصات کلی، ۹ شاخص اقتصادی، ۳۰ شاخص محیط‌زیستی، ۴۰ شاخص اجتماعی و ۲۹ شاخص آموزشی و ۲۳ شاخص ارتباطی (Lozano et al., 2013). این شاخص در دو دسته شاخص‌های اصلی (مرکزی) و شاخص‌های فرعی (اضافی) شناخته می‌شوند و در مجموع ۱۱ نمودار عنکبوتی را ارائه می‌دهد که شامل یک نمودار کلی، یک نمودار مشخصات کلی، یک نمودار ملاحظات اقتصادی، یک نمودار زیست‌محیطی، پنج نمودار در بعد اجتماعی (شامل شیوه کار، شایستگی، حقوق بشر، جامعه و مسئولیت) و یک نمودار مربوط به ملاحظات آموزشی و یک نمودار مربوط به موضوعات و ابعاد مرتبط به هم است. نمودارها را می‌توان برای بررسی کامل وضعیت فعلی دانشگاه استفاده کرد و هم حوزه‌ها و دسته‌هایی را که در آنها برتری دارد و هم مواردی را که نیاز به بهبود دارد، برجسته کرد. مدیران دانشگاه با مقایسه سال‌های متوالی سیر تحول تلاش‌های خود را برای پایداری در طول زمان پیگیری می‌کنند (Ahmad & Shashidhar, 2024; Lozano et al., 2013).

۹- روش ارزیابی گرافیکی پایداری دانشگاه (GASU)

دو عدد در تحلیل این روش قابل محاسبه است: (۱) درصد شاخص‌های برداشت‌شده (از تقسیم تعداد شاخص‌های برداشت‌شده بر کل شاخص‌ها ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید)؛ (۲) درصد عملکرد

شاخص‌های برداشت‌شده (براساس جمع جبری شاخص‌های وزن‌دارشده بر وزن کل شاخص ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید). در این ابزار برای تفسیر و ارزیابی داده‌ها از پنج گزینه و عدد (صفر تا ۴) استفاده می‌شود. صفر: فقدان اطلاعات برای شاخص/کمبود اطلاعات برای شاخص/عدم وجود اطلاعات (حداقل ارزش)، یک: شاخص با عملکرد ضعیف است (کم معادل حدود ۲۵ درصد)؛ دو: شاخص با عملکرد معمولی (منظم یا منصفانه معادل ۵۰ درصد/این عدد زمانی اختصاص داده می‌شود که حدود نیمی از مسائل را در بر گرفته باشد/یا فقط برخی از شاخص‌ها را پوشش دهد)؛ سه: شاخص با عملکرد خوب (معادل ۷۵ درصد)، شاخص با عملکرد عالی (حداکثر نمره و در حد انتظار شاخص عمل می‌کند) (Lozano, 2006).
لوزانو در این پژوهش به سه روش اندازه‌گیری برای شاخص‌ها توجه کرده است: (۱) اگر فقط شاخص مرکزی (اصلی باشد)، وزن شاخص صددرصد است و اندازه شاخص از جمع جبری امتیازهای شاخص‌ها به دست می‌آید و درصد آن از تقسیم بر شرایط مطلوب (جمع جبری حد ایدئال شاخص‌ها) به دست می‌آید؛ (۲) اگر هم شاخص اصلی و هم فرعی وجود داشته باشد، وزن شاخص‌های اصلی ۷۵ درصد و وزن شاخص فرعی ۲۵ درصد در نظر گرفته می‌شود و اندازه شاخص از جمع جبری شاخص‌های اصلی ضرب در ۷۵ درصد و جمع آن با جمع جبری شاخص‌های فرعی ضرب در ۲۵ درصد به دست می‌آید؛ (۳) زمانی که فقط شاخص فرعی وجود دارد نیز، مانند حالت اول، وزن شاخص‌های فرعی صددرصد در نظر گرفته می‌شود.

۱. دسترسی به این ابزار به صورت کامل امکان‌پذیر نیست و حق استفاده از این ابزار در اختیار مؤلف آن، رودریگو لوزانو، است. سایت زیر مال ایشان است: <https://www.org-sustainability.com/gasu/>

۱- یافته‌های حاصل از ادبیات پژوهش پیرامون

پرديس دانشگاهی پایدار

بررسی ادبیات پژوهش حاکی از آن است که مجموعه‌های دانشگاهی در تهیه نقشه راه خویش به‌سوی جریان‌ات پایداری حرکت کرده‌اند و در این مسیر اقبال جهانی با الگوی برابری با محیط یا همان پایداری است. با توسعه مفاهیم پایداری و به چالش کشیده‌شده دانشگاه به‌عنوان نهاد پیچیده شهری، که نقش مهمی در شهر دارد، به نقش دانشگاه فراتر از نقش آموزشی توجه می‌شود و دانشگاه ابعادی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی پیدا می‌کند. در این نگاه دانشگاه به‌عنوان یک مینی شهر یا مینی پلیس شناخته می‌شود که با کارکرد فضای عمومی خصوصی شده، گام بزرگی برای پایداری شهری برمی‌دارد. در این راستا لزوم تعریف نقشه راه دانشگاه برای حرکت در دو محور پایداری زیست‌محیطی و تحقق فضای عمومی کارآمد و سرزنده نقش مهمی در عملکرد فرامقیاسی دانشگاه، به‌ویژه در شهر و منطقه شهری، ایفا می‌کند. از این رو، شناخت ارزیابی و برنامه‌ریزی و طراحی دانشگاه به‌عنوان فضایی عمومی در سرزندگی، کارایی و پایداری شهر نقش مهمی دارد. این امر می‌تواند براساس شاخص‌هایی که امکان مقایسه فراهم می‌کند، دستورالعمل‌ها و ابزارهای مختلفی را محقق کند.

۲- یافته‌های حاصل از ادبیات پژوهش پیرامون

ارزیابی پایداری در دانشگاه

بررسی روش‌های ارزیابی پایداری و گونه‌های مختلف آن، روش ارزیابی مبتنی بر شاخص را به‌عنوان یکی از روش‌های کارآمد برای همگن‌سازی فرآیند نقشه راه دانشگاه‌ها و پردیس‌های دانشگاهی مطرح می‌کند. ویژگی‌های روش‌های ارزیابی گرافیکی پایداری

در دانشگاه‌ها و خاستگاه آن برای همگن‌سازی گزارش‌های پایداری در دانشگاه‌ها، این روش را به یکی از روش‌های پرطرفدار برای گزارش‌دهی بدل کرده است. برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

۱) ابعاد مختلف سیستم دانشگاهی به‌عنوان شهری کوچک که سه مشخصه فرمی، عملکرد و معنا را شامل می‌شود، توسط دسته‌بندی GASU در شش بعد مشخصات زمینه‌ای، اقتصاد، اجتماع، محیط‌زیست و آموزش و ارتباط میان آن‌ها پاسخ داده می‌شود؛

۲) ارزیابی ساده و شفاف که در سنجش پایداری پیشنهاد می‌شود؛

۳) این روش امکان در نظر گرفتن چشم‌اندازها و استراتژی‌های مد نظر پردیس‌های دانشگاهی را فراهم می‌کند؛

۴) این روش نمای کلی از ساختار سازمانی و عملیاتی و گستره فعالیت‌های پردیس دانشگاهی را در سطح پایداری مد نظر قرار می‌دهد؛

۵) این روش ساختار نهادی و سیستم مدیریت را مبتنی بر مشارکت ذی‌نفعان پیشنهاد می‌کند؛

۶) این روش شاخص‌های عملکردی دانشگاه را برای شاخص‌های آموزشی در شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی تبیین می‌کند؛

۷) این روش امکان ارائه نمودارها را براساس استانداردهای اولیه و سنجش وضعیت نشان می‌دهد؛

۸) این روش امکان سنجش و قیاس میان سال‌ها و ارگان‌های دیگر را فراهم می‌آورد.

برای همگامی با جریان‌ات جهانی و ایجاد بستری برای قیاس دانشگاه‌های ایران، مبتنی بر دستورالعمل جهانی GRI و ابزار برخاسته از آن GASU^۱ و مطالعات

۱. شایان ذکر است که امکان استفاده از ابزار GASU با تأکید بر تهیه گزارش GRI است.

جدول شماره (۴) و (۵): بازخوانی شاخص‌های GASU

(ماخذ: پژوهشگر: برگرفته از مطالعات لوزانو)

مؤلفه	بازخوانی شاخص‌ها بر اساس نقش پردیس دانشگاهی به عنوان فضای عمومی
توسعه	۱. بیانیه چشم انداز و استراتژی پایداری فضای عمومی دانشگاه
	۲. ارزیابی SWOT محیط دانشگاهی بر اساس پایداری
	۳. معنای ضمنی و صریح دانشگاه در راستای فضای عمومی پایداری
	۴. خدمات اصلی در راستای برپندسازی فضای عمومی پایداری
	۵. ساختار عملیاتی دانشگاه مرتبط با فضای عمومی پایداری
	۶. موقعیت مکانی دانشگاه (مکانات فضایی، ارتباط ترمین و سیرین، توجیه فضایی، چیدمان فضایی سایت دانشگاهی)
	۷. تعریف شبکه جهانی و بین المللی مرتبط با دانشگاه در راستای پایداری و رویکردهای فضای عمومی پایداری
	۸. مالکیت و شکل قانونی تمکک فضای دانشگاه
	۹. گروه‌های استفاده کننده و بازار مصرف کنندگان فضای عمومی دانشگاه
	۱۰. معیاس عملکردی فضای عمومی دانشگاه
	۱۱. سبب‌ها، تعهدات، کابردی خطایی، عملکردی، تعالیاتی در طول زمان
	۱۲. جویز دریافت شده در راستای تحقق اهداف فضای عمومی پایداری در دانشگاه
	۱۳. دوره گزارش (شامل سال مالی و - برای ارائه اطلاعات در حوزه تحقق دانشگاه پایداری تاریخ آخرین گزارش قبلی (در صورت وجود)
	۱۴. چرخه گزارش دهی در تحقق دانشگاه پایداری (سالانه، دوساله و ...)
	۱۵. افراد پاسخگو و راه‌های ارتباطی با آنها در مورد اقدامات و نحوه عملکرد دانشگاه در تحقق دانشگاه پایداری
	۱۶. فرآیند تعریف و تهیه محتوی گزارش
	۱۷. مرز گزارش (به عنوان مثال کشورها، بخش‌ها، سرمایه گذاران و ...)
	۱۸. محدودیت های موجود برای تحقق دانشگاه پایداری
	۱۹. موارد مربوط به سرمایه‌گذاری‌های مشترک، بیرون‌سپاری‌ها، تسهیلات و ... برای تعریف پروژه های عملیاتی برای تحقق دانشگاه پایداری
	۲۰. تکنیک‌ها و روش‌های اندازه‌گیری و محاسبات و شاخص‌ها بر اساس تحقق دانشگاه پایداری به عنوان فضای عمومی
	۲۱. توضیح تاثیر هرگونه اصلاح اطلاعات ارائه‌شده در گزارش‌های قبلی و دلایل این اصلاحات (مانند ادغام‌های جدید، تغییر سال‌ها دوره‌های پایه، ماهیت کسب‌وکار روش‌های اندازه‌گیری)
	۲۲. تغییرات قابل توجه نسبت به دوره های گزارش قبلی در محدوده، مرز، یا روش های اندازه گیری اعمال شده در گزارش
	۲۳. جدول معرفی نتایج‌دها که مقیست آنها را در گزارش نشان می دهد
	۲۴. خط مشی‌ها و رویه‌ها در رابطه با تضمین‌های خارجی
	بعد اقتصادی
۲۶. تعیین چارت آموزشی و پژوهشی بر اساس توسعه پایداری دانشگاهی	
۲۷. تعیین پالاین نهاد مدیریتی و تصمیم‌گیرنده در راستای تحقق دانشگاه پایداری	
۲۸. تعیین اعضای هیات مدیره	
۲۹. مکانیسم سهامداران و کارکنان در راستای تحقق دانشگاه پایداری	
۳۰. تعیین ساخت و سازهای چیران خدمات	
۳۱. فرآیندهای برای پالاین نهاد برای اطمینان از تفاد منابع در زمینه تصمیمات مرتبط با توسعه پایداری	
۳۲. فرآیند تعیین صلاحیت و تخصص اعضای عالی تین نهاد حاکمیتی برای هدایت استراتژی سازمان در موضوعات اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی	
۳۳. مأموریت (Mission)، چشم انداز (Vision) و ساختار استراتژی (Platform for Strategy) در راستای تحقق دانشگاه پایداری	
۳۴. رویه‌های پالاین نهاد حاکمیتی برای نظارت بر شناسایی و مدیریت عملکرد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی سازمان، از جمله ریسک‌ها و فرصت‌های بهبود، و تمیست یا تطبیق با استانداردها، آیین‌نامه‌های رفتار و اصول مورد توافق بین‌المللی	
۳۵. فرآیندهای ارزیابی عملکرد پالاین نهاد حاکمیتی به ویژه با توجه به عملکرد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی	
۳۶. رویکرد یا اصل اجتناب (در مواجهه با خطرات بالقوه)	
۳۷. مشورته‌ها، اصول یا سایر لیکراتر اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی توسعه یافته خارجی	
۳۸. وضعیت در اجین‌ها (مانند اجین های صنعتی) و یا سازمان های مبالغ ملی بین المللی	
۳۹. گروه‌های ذی نفی دخیل در موضوع پایداری (کارکنان هم از دانشگاهی و مدیران و کارمندان، دانشجوین، فارغ التحصیلان، جامعه، دولت، شرکت‌ها، استفاده‌های کاربری، پیمانکاران و تأمین کنندگان)	
۴۰. مبنای شناسایی و انتخاب ذی نفعان از منظر پایداری در دانشگاه	
۴۱. رویکردها به مشارکت ذینفعان از جمله فراوانی مشارکت بر اساس نوع و گروه ذینفعان در راستای تحقق پردیس دانشگاهی	
۴۲. مشارکت‌های ذی نفعان در بیان نظرات، هدف‌ها و مسائل مرتبط با موضوعات اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و نهادی	

مؤلفه	بازخوانی شاخص‌ها بر اساس نقش پردیس دانشگاهی به عنوان فضای عمومی
بعد اقتصادی	۱- UEC ^۱ : ارزش اقتصادی مستقیم عملکرد دانشگاه در تحقق دانشگاه پایداری
	۲- UEC ^۲ : پیامدهای اقتصادی ناشی از فعالیت‌های تحقق پایداری در دانشگاه بر تغییرات اقلیمی و آب و هوایی / جوامع پایداری
	۳- UEC ^۳ : مزایای و تمهدات اقتصادی دانشگاه برای تحقق پایداری در دانشگاه برای کاربران دانشگاهی
	۴- UEC ^۴ : کمک‌های مالی و اقتصادی در راستای تحقق پایداری در دانشگاه
	۵- UEC ^۵ : قیات اقتصادی دانشگاه در تحقق پایداری در سطح محلی
	۶- UEC ^۶ : سیاست‌های اقتصادی دانشگاه در تحقق پایداری در سطح محلی
	۷- UEC ^۷ : ساختار اقتصادی در تحقق پایداری در دانشگاه
	۸- UEC ^۸ : مشارکت اقتصادی در تحقق پایداری در دانشگاه
	۹- UEC ^۹ : منفعت اقتصادی در تحقق پایداری در دانشگاه
	۱۰- UEC ^{۱۰} : منفعت عمومی در تحقق پایداری در دانشگاه
	۱۱- درآمد
	۱۲- هزینه‌های عملیاتی
	۱۳- نرخ سود و ارزش افزوده
۱۴- سنجش تغییرات (مثبت و منفی) ناشی از فعالیت‌ها	
۱۵- تولید دانش (R&D)	
۱۶- درصدها اشتغال‌زایی	
۱۷- گزینتهای آموزشی	
۱۸- درآمدهای مالی ناشی از کمک‌های دولتی و خصوصی	
۱۹- سطح دستمزد نسبت به دستمزدهای محلی	
۲۰- نرخ بؤآوری و کارآفرینی (تعداد استارت آپ‌ها)	
۲۱- درصدها همکاری یا صنعت	
۲۲- رویه‌های استخدام و پذیرش دانشگاهیان	
۲۳- رویه‌ها مناقصه و مزایده پروژه های دانشگاهی	
۲۴- رویه‌های همکاری اقتصادی یا دیگر نهادهای دانشگاهی، دولتی و خصوصی	
۲۵- درصدها سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تجاری در داخل دانشگاه	
۲۶- درصدها سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خدماتی	
۲۷- درصدها سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دارای منفعت عمومی در داخل دانشگاه	

جدول شماره ۶: بازخوانی شاخص های GASU
(ماخذ: پژوهشگر: برگرفته از مطالعات لوزانو)

مؤلفه	بازخوانی شاخص ها بر اساس نقش پردیس دانشگاهی به عنوان فضای عمومی
UNE1	مواد مصالح دستنار محیط زیست در موارد مصرفی، ساخت و سازها و فضاهای دانشگاهی
UNEY	مواد و مصالح بازیافتی در موارد مصرفی، ساخت و سازها و فضاهای دانشگاهی
UNE ۳	مصرف مستقیم انرژی از طریق منابع انرژی اولیه در ساخت و سازها و بهره‌وری فضاهای باز و بسته دانشگاهی
UNE ۴	مصرف غیر مستقیم انرژی از طریق منابع اولیه انرژی در ساخت و سازها و بهره‌وری فضاهای باز و بسته دانشگاهی
UNE ۵	انرژی ذخیره شده برای حفاظت و توسعه کارا در ساخت و سازها و بهره‌وری فضاهای باز و بسته دانشگاهی
UNE ۶	نوآوری برای فراهم آوردن کارایی انرژی و با انرژی بازیافتی بر اساس محصولات و سرویس‌ها، و کاهش تقاضای انرژی ناشی از این نوآوری‌ها در ساخت و سازها و بهره‌وری فضاهای باز و بسته دانشگاهی
UNE ۷	نوآوری‌های برای کاهش مستقیم انرژی مصرفی و دستاوردهای کاهش مصرف انرژی در ساخت و سازها و بهره‌وری فضاهای باز و بسته دانشگاهی
UNE ۸	کل آب برگشتی از منابع در چرخه ساخت و ساز و بهره‌وری فضاهای باز و بسته دانشگاهی
UNE ۹	استفاده از آب برگشتی برای کمک به منابع آبی مهم در دانشگاه و اطراف آن
UNE ۱۰	درصد و کل حجم آب بازیافتی و مورد استفاده مجدد در دانشگاه و اطراف آن
UNE ۱۱	مکان و موقعیت و اندازه زمین ملکی، اجزای برنامه برتری شده و یا در مجاورت مناطق حفاظت شده و مناطق با تنوع و ارزش زیستی بالا خارج از مناطق حفاظت شده در سایت دانشگاهی
UNE ۱۱	توصیف اثرات معادل فعالیت‌ها و محصولات و خدمات بر تنوع زیستی در مناطق حفاظت شده و مناطق با تنوع زیستی بالا خارج از مناطق حفاظت شده در سایت دانشگاهی
UNE ۱۲	سکونتگاه‌های حفاظت شده یا بازیابی شده و در مجاورت سایت دانشگاهی
UNE ۱۴	استراتژی‌ها، عملیات جاری و برنامه‌های آبی برای مدیریت اثرات بر تنوع زیستی و در راستای تحقق دانشگاه پایدار
UNE ۱۵	تعداد گونه‌های ملی حفاظت شده در منطقه از طریق سطح بندی خطر انقراض در سایت دانشگاهی
UNE ۱۶	انتشار مستقیم و غیر مستقیم گازهای گلخانه‌ای در محیط دانشگاهی بر اساس وزن
UNE ۱۷	انتشار دیگر جنبه‌های گازهای گلخانه‌ای بر اساس وزن
UNE ۱۸	نوآوری‌ها در راستای کاهش گازهای گلخانه‌ای و کاهش اثرات آن در فعالیت‌های و محیط دانشگاهی در راستای تحقق پایداری
UNE ۱۹	انتشار میزان کاهش لایه اوزن بر اساس وزن در فعالیت‌های و محیط دانشگاهی در راستای تحقق پایداری
UNE ۲۰	انتشار گازهای مانند NOx و Sox و گازهای دیگر بر اساس وزن در فعالیت‌های و محیط دانشگاهی در راستای تحقق پایداری
UNE ۲۱	کل آب تخلیه شده بر اساس کیفیت و مقاصد در محیط دانشگاهی در راستای تحقق پایداری
UNE ۲۲	کل حجم آب بر اساس نوع و روش‌های از دفع در محیط دانشگاهی در راستای تحقق پایداری
UNE ۲۳	کل و حجم آب ناشی در محیط دانشگاهی در راستای تحقق پایداری
UNE ۲۴	وزن زباله‌های خطرناک در محیط دانشگاهی
UNE ۲۵	هویت، اندازه، وضعیت منابع آبی به تأثیر از تخلیه آب و رواناب در محیط دانشگاهی
UNE ۲۶	میزان کاهش خطرات زیست محیطی محصولات و فعالیت‌های ناشی از عملکرد دانشگاهی
UNE ۲۷	درصد محصولات تولید شده و مواد تولیدی در عملکرد دانشگاهی
UNE ۲۸	ارزش بولی جرمیه‌ها و مجازات‌های نقدی و غیر نقدی برای عدم رعایت قوانین و مقررات زیست محیطی
UNE ۲۹	اثرات زیست محیطی الگوهای حمل و نقل در محیط دانشگاهی
UNE ۳۰	کل هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های حفاظت از محیط زیست بر حسب نوع

جدول زیست محیطی

دانشگاهی که بر بعد محیط‌زیست پردیس‌های دانشگاهی قرار می‌گیرند، بازخوانی بر روی شاخص‌های پردیس دانشگاهی پایدار در راستای ارائه گزارش‌های پایداری (در دو دسته شاخص‌های اصلی و شاخص‌های فرعی) و در بعد نمای کلی و اقتصادی و زیست‌محیطی توسط پژوهشگر انجام گرفته است که در جدول شماره (۴) و (۵) نشان داده شده است.

بحث/نتیجه‌گیری

دانشگاه به‌عنوان یک نهاد پیچیده شهری، که نقش مهمی در حیات اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نهادی ایفا می‌کند، بسیاری از عملکردهای شهری را به‌واسطه مجاورت با بافت شهری به چالش می‌کشد. از این رو، دائماً باید ارزیابی و اثرات آن سنجیده شوند و عملکرد آن در عرصه‌های مختلف به‌صورت مشخص گزارش شود تا نقشه راه دانشگاه به‌طور مشخص، هم برای خود دانشگاه و هم برای جامعه شهری، مشخص باشد. چنین رویکردی باید تمامی ابعاد و مؤلفه‌ها، گروه‌ها و کاربران دانشگاهی و همچنین زمینه جامعه را براساس پایداری مد نظر قرار می‌دهد و باید مقایسه‌پذیر، دقیق، به‌موقع، واضح و قابل اطمینان باشد. ابزارهایی مختلفی تاکنون تدوین شده‌اند، یکی از این ابزارها GASU است که باید با توجه به نقش اخیر فضاهای دانشگاهی به‌عنوان پردیس‌های عمومی شهری بازخوانی شود. این پژوهش مجال برای معرفی این روش متناسب با ویژگی‌های پردیس‌های دانشگاهی به‌عنوان فضای عمومی خصوصی شده است تا از این منظر ضمن بررسی مستمر این فضاها امکان بازخوانی و بازبینی فرآیندهای تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی و طراحی و گزارش‌دهی این فضاها برای ارتقای کیفیت‌های زیست‌کاربران این فضا به‌ویژه دانشجویان، کارکنان و استادان فراهم

شود. این امر برای دانشگاه‌های ایران که در گام آغازین حرکت خویش به‌سوی پایداری هستند، گام بزرگی به حساب می‌آید و در این راستا با بهره‌گیری از تجربه‌های جهانی نقشه راهی مطمئن‌تر را پیش‌روی خویش ترسیم می‌کند.

در این راستا شاخص‌های GASU برای ارتقای نقش ویژگی عمومی پردیس دانشگاهی و مبتنی بر هسته‌های اصلی دانشگاه پایداری مورد بازخوانی قرار می‌گیرد. نتایج حاکی از آن است که:

- شاخص‌های کلی (پروفایل کلی) بر هسته مدیریت و حکمرانی پردیس دانشگاهی پایدار تأکید دارد و در راستای تدوین رویه‌ای با محوریت چشم‌اندازسازی مبتنی بر پایداری بر دو ویژگی اصلی آگاهی‌رسانی و مشارکت عمومی باید مورد بازخوانی قرار گیرد تا با ایجاد نهادی دوجانبه عملکرد فضای عمومی خصوصی شده را تأمین کند.

- شاخص‌های اقتصادی به‌عنوان بخشی از هسته مدیریت و حکمرانی پردیس دانشگاهی پایدار بر ارزش‌ها، پیامدها، مزایا، سیاست‌های اقتصادی تأکید دارد و در راستای ایجاد ساختار اقتصادی با رویکرد رقابتی، مشارکتی و منفعتی در حوزه اقتصادی است.

- شاخص‌های محیط‌زیستی به‌عنوان هسته اصلی مطالعات پردیس دانشگاهی به‌دنبال تحقق محیط‌زیست در پردیس دانشگاهی پایدار است. این شاخص‌ها به‌دنبال توصیف محیط پردیس دانشگاهی با محوریت مواد و مصالح، تجهیزات، تکنولوژی، منابع طبیعی (به‌ویژه آب)، آلاینده‌ها و عملکردهای فضایی (حمل و نقل و کاربری‌ها) است. در این راستا بر بازخوانی این شاخص‌ها براساس سه ویژگی دوستدار محیط‌زیست، ارزش‌های بومی و کارایی انرژی‌ها بهره‌گرفته از تکنولوژی سبز و دوستدار طبیعت تأکید شده است.

7. Available online: <https://www.hbs.edu/faculty/Pages/item.aspx?num=46840>.

۸. Bender T. "The University and the City, from Mediaeval Origins to the Present", Oxford University Press, New York, 1988, pp. 1-302.

9. Bringle, R.G.; Hatcher, J.A. Campus-community partnerships: The terms of engagement. *J. Soc. Issues* 2002,

10. Campus. Master Thesis, Eastern Mediterranean University, Gazimağusa, North Cyprus, 2013.

11. Campuses: Site Planning and Beyond. *J. Am. Plan. Assoc.* 2018, 84, 145–161.

12. Cowan P., "The University in an Urban Environment: A Study of Activity Patterns from a Planning Viewpoint", Heinemann, London, 1974, pp. 1-180.

13. Dalton, L.C.; Hajrasouliha, A.H.; Riggs, W.W. State of the Art in Planning for College and University

14. ED/2005/PEQ/ESD/3(eng, fre), ED.2006/WS/52 (eng, fre), ED.2007/WS/17 (spa, rus, ara, chifrom <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000141629>

15. Finlay, J. and Massey, J. (2012), "Eco-campus: applying the ecocity model to develop green university and college campuses", *International Journal of Sustainability in Higher Education*, Vol. 13 No. 2, pp. 150-165. <https://doi.org/10.1108/14676371211211836>

16. Gumprecht, B. (2007). The campus as a public space in the American college town. *Journal of Historical Geography*, 33, 72-103.

۱۷. Hebbert, M. The campus and the city: A design revolution explained. *J. Urban Des.* 2018, 883–897

18. Lozano, R., Llobet, J., & Tideswell, G. (2013). The process of assessing and reporting sustainability at universities: Preparing the report of the University of Leeds. *Revista Internacional de Tecnología, Sostenibilidad y Humanismo*, (8), 85-112.

تقدیر و تشکر

با تشکر از دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان و دانشجویان و اعضای هیئت علمی شایسته که در راه پیشرفت این دانشگاه به سوی تحقق پردیس دانشگاهی پایدار گام برداشت‌ه‌اند، به‌ویژه خانم‌ها دکتر بهاره تدین، ساناز رهروی و دانشجویان عزیز آقای مهندس امید لوفان و مهندس عاطفه افضل‌ی و زهرا خاوری برای همکاری در انجام این طرح پژوهشی.

منابع

۱. رضایی، ناهیده، عمرانی‌پور، علی، و محمدزاده، رحمت (۱۴۰۰)، «ارزیابی کیفیت اجتماعی مسیرهای ارتباطی باز و نیمه‌باز پردیس دانشگاه کاشان»، *مطالعات معماری ایران*، ۵ (۱۰)، ۲۰۶-۱۸۳.

۲. کلاتری، خلیل، (۱۳۹۲)، *مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی (منطقه‌ای، شهری و روستایی)*. تهران: فرهنگ صبا.

3. Ahmad, P., & Shashidhar, A. (2024). Evaluation of Sustainability Practices in Higher Education: A Study on Assessment Nature Tools GASU and AISHE. In *Global Sustainability: Trends, Challenges & Case Studies* (pp. 89-100). Cham: Springer Switzerland.

4. Alghamdi, N., den Heijer, A., & de Jonge, H. (2017). Assessment tools' indicators for sustainability in universities: an analytical overview. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 18(1), 84-115.

5. Ali, M.S., & Kim, Y. (2020). Can a University Campus Work as a Public Space in the Metropolis of a Developing Country? The Case of Ain-Shams University, Cairo, Egypt. *Sustainability*.

6. Amaral, L. P., Martins, N., & Gouveia, J. B. (2015). Quest for a sustainable university: a review. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 16(2), 155-172.

- GRAPHICAL ASSESSMENT OF SUSTAINABILITY IN UNIVERSITIES (GASU). *Assets: Jurnal Ekonomi, Manajemen dan Akuntansi*, 13(1), 28-44.
۳۰. Way, T. The urban university's hybrid campus. *J. Landsc. Archit.* 2016, 11, 42-55
31. Wright T 2004 The evolution of environmental sustainability declarations in higher education Higher education and the challenge of sustainability: promise, practice, contention and critique eds PB Corcoran AEJ Walls (Kluwer Academic Press) chapter 2 pp 7-19. https://doi.org/10.1007/0-306-48515-X_2
19. Oxfordlearnersdictionaries. (NA). In <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com>. Retrieved at June 2024
20. Porter, M.E. Colleges and Universities and Regional Economic Development: A Strategic Perspective.
21. Rashidi, A. University Campus as a Public Space of the City Case Study: Eastern Mediterranean University
22. Sammalisto, K., Lozano, R., Abid, M., & Fobbe, L. (2017). Sustainability report of the University of Gävle. University of Gävle.
23. Tomić, M.C., Todorović, R.M., & Vracaric, M. (2020). UNIVERSITY CAMPUS AS A SECONDARY CITY CENTER – A CASE STUDY OF NOVI SAD IN SERBIA.
24. Troost, s. (2023). Campus Planning. In www.scup.org/planning-type/campus-planning/ accessed at June 2023
25. Unesco. (2005). UN Decade of Education for Sustainable Development, 2005-2014: the DESD at a glance. programme and meeting document.:
26. UN-Habitat. (2015). United Nations Human Settlements Programme 2015. KENYA. Accessed from <https://unhabitat.org/>
27. United Nations Environment Programme. (2014). Greening Universities Toolkit v2.0 [PDF]. UNEP. <https://wedocs.unep.org/20.500.11822/11964>
28. United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat). (2015). Global Public Space Toolkit: From Global Principles to Local Policies and Practice; United Nations: Nairobi, Kenya; ISBN 978-92-1-132656-7
29. Wahyuni, S., & Bakry, M. I. (2023). SUSTAINABILITY PERFORMANCE MEASUREMENT OF HASANUDDIN UNIVERSITY THROUGH A

Reviewing the Graphic Sustainability Assessment Tool in Measuring the Sustainability of the University Campus with the aim of Promoting its Role as a Public Urban Space

Mozhdeh jamshidi¹

Assistant Professor, Department of Urbanism, Tourism- Architecture and Urban Planing Research Center, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract

The realization of a sustainable university as an institution that prioritizes environmental, social, economic, and cultural sustainability in its strategies, policies, and practices; As a strategic center, it plays a central role in urban environments, and in the last few decades, it has been the focus of urban planning and designer researchers. A university, as a higher education institution that provides three areas of educational performance: educational space, educational experience in context, and natural environment, plays an important role in the balance and interaction of social activity, built-physical environment, and natural environment. They play Providing a method and a tool to evaluate the level of stability of the educational space as a physical-spatial space is the subject that is addressed in this research. For this purpose, various types of assessment tools are introduced, and then the graphic assessment tool of sustainability in the university (GASU) is examined as one of the analytical tools. This research is based on its interpretative approach, following the introduction and application of an evaluation method to measure the sustainability of university campuses as a special type of urban public space. Based on this, this research has used the strategy of reviewing the research literature using library resources (a heuristic approach). The results are presented in two parts: the framework of GASU indicators and the rereading of this method for its application in the university with the aim of turning it into a public space in the city. The results indicate that the general indicators are centered on the institutional core of the university campus in order to create a vision for information and public participation; economic indicators are another part of the institutional core, seeking to draw the conditions of competition, benefit, and public participation in the economic field; And finally, the environmental index to describe a nature-friendly environment is based on local values and technology-based energy efficiency.

Key words: Urban space, University Campus, Sustainability Assessment, Graphical Assessment Tool for Sustainability in University (GASU)

1. Corresponding Author: Mojdeh.jamshidi.84@gmail.com

Presenting an Efficient Model of Physical Development of Middle Historical Cities based on Infill Development Indicators (Case Study: Naein city)

Amir Hosein Shakib Rad

Master's student in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mahmood Mohammadi¹

Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

One of the main problems of urban development is scattered growth and horizontal expansion, which causes problems such as the central areas of cities being deprived of the flow of development, vast lands remaining unused within the city limits, and the formation of unstable urban development. Therefore, it is important to control this development and direct it towards the lands inside the cities by using the intermediate development model in this field. In the city of Naein, the recent developments in the form of horizontal distribution have caused urban instability and the survival of parts of the inner city, including its historical context, from development. In addition, this city has obstacles for horizontal expansion in its surroundings and has many potential areas for internal development of the city. This research is an applied research in terms of its purpose and a descriptive-analytical research in terms of its method, and documentary and field methods were used to collect information. In this research, after identifying and determining the criteria and indicators of mixed-use development and localizing it with the conditions of Naein city, the TOPSIS multi-indicator decision-making technique was used using Excel software and the areas prone to mixed-use development were determined. Then, using the AHP hierarchical analysis process, using the Expert choice software, the areas prone to development were prioritized by determining and using the relevant criteria, and the results were overlapped and drawn using the geographic information system (GIS). In the end, the proposed patterns of intermediate development intervention in this city and the corresponding solutions have been formulated and presented. The obtained results show that the intermediate development model can be a favorable and efficient model for the future development process of Naein city as an intermediate and historical city. Also, the most suitable areas for intermediate development in the city are the buffer zone between Naein and Mohammadieh, the old Naein and Mohammadieh areas, the new area and finally the northwest lands of this city.

Keywords: Horizontal expansion, Infill development, Historical context, Intermediate cities Naein city.

1. Corresponding Author: m.mohammadi@aui.ac.

Providing a Management Model for Empowering Informal Settlements with a Passive Defense Approach (Case Study: Shahriar City, Tehran)

Seyed Ahmad Hosseininia¹

Visiting Assistant Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Art
University of Isfahan, Isfahan, Iran

Pasand Mahdavi Saeedi

PhD Student, Urban Planning, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran

Abstract

As one of the immigrant-friendly centers of Tehran province, Shahryar city has faced physical expansion and the formation of informal settlements. Based on this, the aim of the current research is to present a suitable management model for organizing and empowering these neighborhoods and preventing their formation in Shahryar city with a passive defense approach. The current research is applied and its method is descriptive-analytical. Research information has been collected in the form of field and documents. The statistical population includes the legal boundaries of Shahriar city in 1401. The sample size consists of 322 residents and 10 experts. Methods such as AHP, TOPSIS, chi-square test, single-variable chi-square test, Spearman's correlation coefficient, regression coefficient and variance regression (ANOVA) have been used to analyze the research data. GIS and SPSS software have been used to analyze research data. The results of the research show that the percentage of neighborhoods with suitable, relatively suitable, average, relatively unsuitable and unsuitable quality is 9%, 22%, 32%, 26% and 11% respectively. Therefore, more than 37% of the fabric of Shahriar city needs passive defense planning. The results of the chi-square test (70.06) and its significance level (0.00) confirm the lack of trust of the residents of Shahryar city towards urban management in reducing the problems of informal settlements. Based on the results of Spearman's correlation coefficient (0.567) and regression determination coefficient (0.37), the urban management model based on local management cores and neighborhood development offices with a passive defense approach on organizing and empowering informal settlements in Shahriar city and preventing the formation They have the most impact. The results of variance regression analysis and simple linear regression analysis have also confirmed this. In addition, the passive defense approach can improve the security and safety factor of Shahriar city through organizing and empowering the neighborhoods, creating facilities and equipment to reduce vulnerability, creating emergency accommodation places.

Key words: Informal Settlements, Management Model, Empowerment, Passive Defense, Shahriar city

1. Corresponding Author: sahn.1357@yahoo.com

Evaluation Analyses of Citizen Participation in over the time, based on the Concept of Communication and Empowerment Community

Daryoush Moradi

Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Khatereh Amiri¹

PhD in Urban Planning, Researcher, ACECR, Isfahan branch, Isfahan, Iran

Abstract

Citizen participation, a process of public decision that affects individual and collective interests, is a part of democracy within the relationship between empowering citizens and the government, and nowadays, the capability of retaliating in urban planning has been considered in developed societies. Realizing this process, which forms in the context of communication, depends on the empowerment communities process, in which people and communities can affect their environment, leading to decentralization in power. Therefore, this article aims to study and analyze how to promote citizen participation in urban planning through the empowerment of local cohesive communities in the communication platform of virtual space. Therefore by considering three concepts of communication, community empowerment, and citizen participation via three below ways, we tried to find the participation of the three above concepts over time 1- content analyses, 2- historical research, 3-comparative research. The analysis results in this paper express the gradual improvement of citizen participation in urban designing over time and to make more democratized communication; in addition, the possibility of relationship development and network communication in virtual communities and increasing the empowerment of communities are very useful in this process.

Keywords: Citizen Participation, Empowerment Community, Communication, Virtual Community, Urban Planning

1 Corresponding Author: khaterehamiri1402@gmail.com

Urbanization in the Republic of Türkiye State reforms against the relative weakness of learning from society

Farshid Samanpour¹

Research Assistant, Tehran municipality's Research and Planning Center, Tehran, Iran

Parvin Partovi

Professor, Urban Planning Department, Faculty of Architecture and Urban planning, University of Art, Tehran, Iran

Abstract

This article is part of a larger study that examines urbanization in non-English speaking countries. Due to the lack of sources in Farsi or English, the experiences of these countries (which in many cases have common issues with Iran) are less accessible to Iranian readers. In this regard, this article, focusing on the neighboring country of Turkey, has tried to identify the characteristics of urban planning in this country and introduce its shortcomings and problems. This article can provide a possibility for a comparative study in addition to the mentioned goal. To create the possibility of evaluation and adaptation, Friedman's quadruple framework is used to categorize urban planning methods. The review of sources is done in a narrative format and by the contemporary history of late Ottoman and Turkey. In the framework of this narrative, urban planning methods are expressed from specialized (and limited and scattered) sources in English and sometimes using evidence and media news and reviewing them, and at the end, they are analyzed using the introduced theoretical framework. Based on this, the important shortcomings of Turkey's urban planning and suggestions to solve them are discussed, the most important of which is the weakness in learning from the society and unilateral insistence on state-led reforms without paying enough attention to the background culture.

Keywords: Turkey, Urban Development, Friedman, Social Learning, Social Reforms, European Union

¹ Corresponding Author: fsamanpour@gmail.com

Identifying the Perceived Consequences of Tourism by the Host Community (Case Study: Urban Tourism in Isfahan in the 90s)

Mina Jalali

PhD in Sociology, Researcher, Department of Social and Cultural Studies of City, ACECR, Isfahan Branch, Isfahan, Iran

Mehdi Zhianpour¹

Assistant Professor of Research, Department of Social Cultural Studies of City, ACECR, Isfahan Branch, Isfahan, Iran

Abstract:

The attitude of the host community towards the development of tourism is a subject that has recently received attention. The host community consists of a set of official agents, such as officials and agents of the tourism field, and informal agents, such as the residents of the tourism area. Residents of the tourism area in cities are citizens who are affected by urban events. Therefore, they will interact with the tourists of their city and evaluate the common tourism process in the city. In the present research, it has been tried to describe and analyze the citizens' understanding of the consequences of the presence of tourists for the urban space of Isfahan. The data of this study is a combination of two research projects that were conducted in 2014 and 2016. Citizens aged 15 to 65 in the fifteen districts of Isfahan city were the studied community in these two studies. And the method of data collection in both researches is survey. The results of the research indicate that the citizens of Isfahan consider the consequences of tourism for the urban space of Isfahan, including ten main themes in two dimensions: positive consequences and negative consequences. These themes include "creating employment, improving the quality of life of citizens, increasing cultural interactions, increasing services and facilities in the city and increasing security and reducing crime" in the dimension of positive consequences and "increasing traffic in the city, increasing prices and costs of living, limiting visits Among the tourist attractions for citizens, restrictions on the use of urban facilities and services and the increase in environmental pollution in tourist places are negative consequences. Citizens' evaluation of these consequences shows that positive consequences prevail over negative consequence.

Key words: Consequences of Tourism, Urban Tourism, Host Society, Isfahan

1 Corresponding Author: mehdizhianpour@gmail.com

Index of articles

Identifying the Perceived Consequences of Tourism by the Host Community (Case Study: Urban Tourism in Isfahan in the 90s) 5

Mina Jalali, Mehdi Zhianpour

Urbanization in the Republic of Türkiye State reforms against the relative weakness of learning from society 19

Farshid Samanpour, Parvin Partovi

Evaluation Analyses of Citizen Participation in over the time, based on the Concept of Communication and Empowerment Community 43

Khatereh Amiri, Daryoush Moradi

Providing a Management Model for Empowering Informal Settlements with a Passive Defense Approach (Case Study: Shahriar City, Tehran) 59

Seyed Ahmad Hosseininia, Pasand Mahdavi Saeedi

Presenting an Efficient Model of Physical Development of Middle Historical Cities based on Infill Development Indicators (Case Study: Naein city) 77

Amir Hosein Shakib Rad, Mahmood Mohammadi

Reviewing the Graphic Sustainability Assessment Tool in Measuring the Sustainability of the University Campus with the aim of Promoting its Role as a Public Urban Space 99

Mozhdeh jamshidi

Journal of Urban Studies on Space and Place

Number 29, Winter 2024



Concessionaire: Academic Center for Education Culture and Research

Director responsible: Mehdi Zhanpour

Chief editor: Mohamad Masoud

Specialized secretary: Ehsan Ranjbar

Editorial board:

Nematullah Akbari, Hamed Bakhshi, Frozandeh Jafarzadehpour, Ali Hassani, Zahed Shafiei, Nematullah Fazeli, Iraj Ghasemi, Mahmoud Ghalehnoee, Mohammad Masoud, Mehdi Montazeri, Hojjah, Morteza Mirgholami

Administration Manager: Khatere Amiri

Editorial director: Elham Ghasemi

Executive director: Reyhaneh Sajadi

Persian editor: Aida Ghavidel

English editor: Zahra Sadat Esmaelian

Cover designer: Erfan Gholami

Sketch on the cover: Ziba Azar

Layout: Jafare Khoddady

Dedicated site: www.jspr.ac.ir

Email: jsprjdisf@gmail.com / jspr.es@acecr.ac.ir

License no. 78539 of the Ministry of Culture and Islamic Guidance

ISSN: 3060-6985

ISSN: 3060-7094

Quarterly articles will be displayed in the following databases:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

Journal of Urban Studies on Space and Place

Volume 3, No29, Winter 2024

- Identifying the Perceived Consequences of Tourism by the Host Community (Case Study: Urban Tourism in Isfahan in the 90s)
- Urbanization in the Republic of Türkiye State Reforms against the Relative Weakness of Learning from Society
- Evaluation Analyses of Citizen Participation in over the time, based on the Concept of Communication and Empowerment Community
- Providing a Management Model for Empowering Informal Settlements with a Passive Defense Approach (Case Study: Shahrriar City, Tehran)
- Presenting an Efficient Model of Physical Development of Middle Historical Cities based on Infill Development Indicators (Case Study: Naein city)
- Reviewing the Graphic Sustainability Assessment Tool in Measuring the Sustainability of the University Campus with the Aim of Promoting its Role as a Public Urban Space



ISSN: 3060-6985

EISSN: 3060-7094